



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ مِفْتَاحُ کُلِّ کِتَابٍ
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، کلید هر نوشته‌ای است.

مکتب الرسول ج ۱، ص ۵۶

راهبرد

انس با قرآن مفاهیم زندگی را روشن می‌سازد | ۶

سپیده گشا و زندگی ساز | ۸

تمسک به نور | ۱۰

انس با قرآن از هر رفیق ناصحی برای انسان مفیدتر است | ۱۴

با قرآن باید مثل آینه مواجه شد | ۱۶

کتاب اصلاح جامعه | ۱۸

نامه محبوب محبوب است | ۱۹

پایه‌های فکری برای ایجاد یک نظام اسلامی | ۲۰

تربیت دلاور مردان مبارز | ۲۳

قرآن نیاز امروز ما است | ۲۴

در پرتو معنا

در ضمیر ما نمی‌گنجد به غیر از دوست، کس | ۲۶

تقوا، معیار پذیرش | ۲۹

رستاخیز دوباره امت | ۳۰

آینه در آینه | ۳۱

تو خود حجاب خودی از میان برخیز! | ۳۲

۱۰



حال خوش رمضان را حفظ کن | ۳۴

پرواز به سوی ملکوت | ۳۶

همه هستی رسول خدا | ۳۸

همراهان مجازی | ۴۱

راهنمای رمضان | ۴۳

۱۶



فرهنگ و هنر

جنگیدم تا اتفاق افتاد | ۴۶

شاهنامه جلوه‌گاه حکمت ایرانی | ۴۸

گفتگو با خویشتن | ۵۰

کم ماند ز اسرار که معلوم نشد | ۵۳

اسطوره‌ای که ایستاده مرد | ۵۴

قهرمان تنه‌اروی دوش مردم | ۵۵

سین هشتم | ۵۶

دستور آب‌های جهان | ۶۰

یاد من کن پیش تخت آن عزیز | ۶۲

۳۰



۳۸



کتاب

جوانان ما به قهرمان‌هایی مثل صیاد نیاز دارند | ۶۴

همکاران:

مجید صالحی، محمد جواد کسمایی، شایان ضیایی
محمد رضا بختیاری، فرناز رخشنده، حمید پورصمیمی
محمد جهان شاهی، نازنین رشیدبیگی، محمود اورعی
مهتاب هاشم‌زاده، فریده خان محمدی، علی پورمحسنی
حمید جواد، بهرام جلال‌وند، بهاره فرج‌پور

زیر نظر شورای سیاست‌گذاری

سر دبیر:

یاسر احمدوند

معاون سر دبیر:

محمد مهدی بیگلری



جمعیت هلال احمر
جمهوری اسلامی ایران
حوزه نمایندگی ولی فقیه

مروغان

ماهنامه فرهنگی، اجتماعی بارویکرد دینی
شماره ۴۳. اردیبهشت ۹۸. سال پنجم
شعبان - رمضان ۱۴۴۰. اپریل - ۲۰۱۹

۵۰



حضور روحانیون امدادگراصفهانی
در لرستان و خوزستان | ۹۳

خانه را دوباره می‌سازیم | ۹۴

طلوع صبح؛ امیدامداد | ۹۶

هلال احمر

پرچم نخست امید است | ۹۷

حضور امیدبخش

روحانیون به سیل‌زدگان | ۹۹

مبایع اسلام برای حل مشکلات مردم
می‌کوشد | ۱۰۰

دیدار نماینده ولی فقیه

با امدادگران پایگاه رباطکریم | ۱۰۰

قردانی رئیس‌جمهور از فداکاری

امدادگران و کارکنان هلال احمر | ۱۰۱

امر به معروف و نهی از منکر

مصادق نظارت بر اجتماع | ۱۰۲

باشگاه

برندگان | ۱۰۳

مسابقه پیامکی | ۱۰۴

۶۴



۹۱



۹۴



از این لحظه به بعد
من فرمانده شما هستم | ۶۶

سخن از جهانی که هرگز
بی‌رنج پیش نمی‌رود | ۶۸

از شاه تا قلقلی | ۷۰

چراغ راه | ۷۲

راه و روش دین‌داری | ۷۴

واژه‌های خاطره‌ساز | ۷۶

متن‌ها در برابر خوانندگان
شکسته‌اند | ۷۸

هلال

ابلاغ سلامی دلگرم‌کننده | ۸۰

سه مرحله اقدام در جریان مدیریت
سیل استان فارس | ۸۴

تأمین نیازهای فرهنگی سیل‌زدگان | ۸۵

حضور روحانیون مشوق نیروهای
خدمت رسان است | ۸۶

کمک به مردم
۱۲ شهرستان سیل‌زده | ۹۰

همبستگی ملی ایرانیان
بار دیگر هویدا شد | ۹۱

قدم در راه نجات | ۹۲

مهرماه از نوشته‌ها، پیشنهادهای و انتقادهای شما استقبال می‌کند.
لطفاً مطالب خود را به نشانی

mehromah.helal@gmail.com ارسال فرمائید.

سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۶۶۴۴

تلفن: ۸۸۲۰۱۳۶

● مسئول پشتیبانی: فیروز شیخی
● مسئول توزیع: علی اصغر خلیج رحیمی
● باسپاس از همراهی:
حامد جبلی، فاطمه صادقی، فرزین صالحی
و مسئولان محترم دفاتر نمایندگی ولی فقیه
در جمعیت هلال احمر استان‌ها

● مدیر هنری:
روح اله یاقوتی
● صفحه‌آرایی:
دفتر مشکاة هنر
● ویراستار:
زهرا عزیزی

ماه مسئولیت ماه آرزوها

ماه مبارك رمضان را مي توان اجتماعي ترين ماه براي مسلمانان دانست. روزه به عنوان عبادتي فردي تلقی می شود اما اثری عميقا اجتماعي دارد. توجه به نیازمندان و مشکلاتشان و تلاش برای رفع آن ها در آموزه های این ماه نمایان است. از مهمترین ادعیه این ماه دعای «اللهم ادخل علی اهل القبور السرور. اللهم اغن کل فقیر...» است. در این دعا توجه به دیگران و میل به داشتن جامعه ای برخوردار، بدون فقر، سالم و مسئول دیده می شود. جامعه ای که در آن فقر، گرسنگی، فرهنگی، بدهکاری، بی خانمانی ناپسند است. مومنان در این ماه بعد هر نماز چنین دعایی را زمزمه می کنند و از خداوند می خواهند فقیران را بی نیاز کند برهنگان را لباس بپوشاند، دین بدهکاران را بپردازد، کار افسرده دلان را با گشایش مواجه سازد، غریبان را به وطن بازگرداند، اسیران را آزاد سازد، مفاسد امور مسلمانان را اصلاح فرماید و بیماران را شفا دهد. این دعا مضامین انسانی ممتازی دارد. دعایی اجتماعي است، دعایی است برای همه. در این دعا خیرها برای مسلمانان فقط خواسته نمی شود بلکه برای انسان خواسته می شود. برای همه انسان ها. مسلمان روزه دار نه فقط برای خودش خیر می خواهد نه فقط برای مسلمانان و جامعه اسلامی، بلکه برای بشر خیر می خواهد. برای انسان. رمضان ماه همه است. ماه خیرخواهی است. ماه مسئولیت است. دعاها در فرهنگ ما ورد زبیر لب و مسکن روح و دواي قلب، فقط نیستند. دعاها عزم هستند. خواست هستند. آنچه را طلب می کنیم در پی اش قیام می کنیم، می ایستیم، می خواهیمش با جان و توان. دعا اسم رمز است هدف است. نقطه مطلوب است، وعده گاه است. شیوه ی شدن است. دعا می کنیم که شبیه دعاهایمان بشویم. تمرین رفتار است. اگر دعا می کنیم برای سیر شدن گرسنگان، پوشیده شدن برهنگان، ادای قرض بدهکاران، آزادی اسیران و شاد شدن دلمردگان، یعنی عزم می کنیم برای تحقق این دعاها. اراده می کنیم برای عمل.

امروز جامعه ما به چنین اراده هایی نیازمند است. به چنین خواست هایی محتاج است. این که چقدر در تحقق این آرزوها موفق باشیم مهم نیست مهم این است که عزم کنیم برای عمل به این ها. جامعه مطلوب ما چنین جامعه ای است که دغدغه مردم در آن حل مشکلات همه انسان ها باشد.

این دعا خیلی هم هلالی است. یعنی مطابق اهداف عالی جمعیت هلال احمر و در راستای اعتلای سطح و کیفیت زندگی بشر و با هدف کاهش رنج های بشر خوانده می شود.

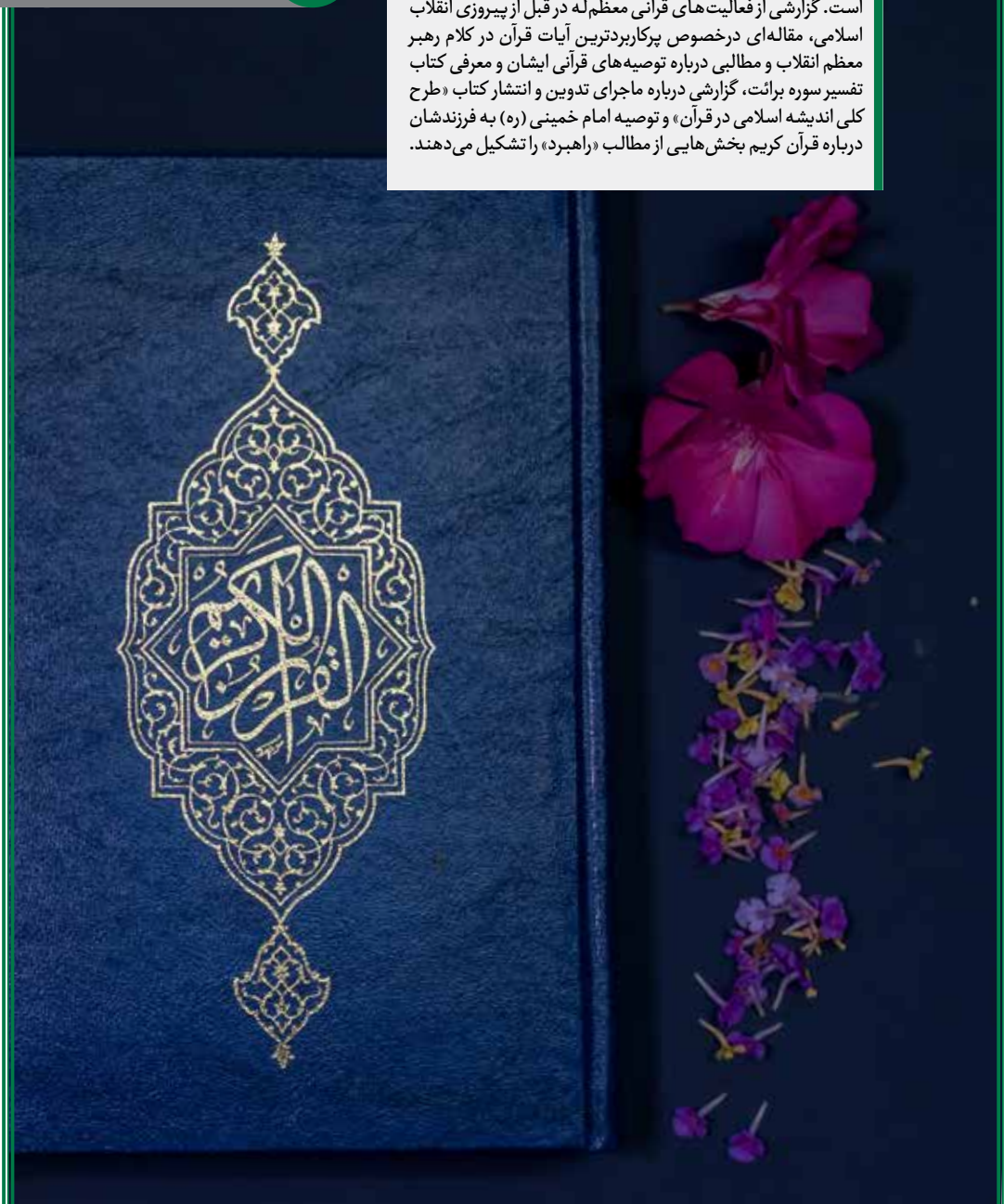
ياسر احمدوند

سردبير



ماه مبارک رمضان، بهار قرآن است. به همین مناسبت بخش راهبرد این شماره را به این موضوع اختصاص داده‌ایم. گزیده‌ای از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی و همچنین محفل انس با قرآن در طلیعه ماه شریف رمضان در ابتدا و انتهای این بخش قرار داده شده است. گزارشی از فعالیت‌های قرآنی معظم‌له در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، مقاله‌ای درخصوص پرکاربردترین آیات قرآن در کلام رهبر معظم انقلاب و مطالبی درباره توصیه‌های قرآنی ایشان و معرفی کتاب تفسیر سوره برائت، گزارشی درباره ماجرای تدوین و انتشار کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» و توصیه امام خمینی (ره) به فرزندشان درباره قرآن کریم بخش‌هایی از مطالب «راهبرد» را تشکیل می‌دهند.

« راهبرد



با قرآن باید مثل آینه مواجه شد

کتاب اصلاح جامعه

تمسک به نور

انس با قرآن مفاهیم زندگی را روشن می سازد

رهبر معظم انقلاب در دیدار با شرکت کنندگان در مسابقات بین المللی قرآن در خصوص فهم و معرفت در آیات این کتاب الهی نکاتی را بیان فرمودند. ایشان با بیان اشاراتی درباره توجه به آموزه های قرآنی مخاطبان را به موضوع هدایت نیز توجه دادند. به مناسبت فرارسیدن ماه «بهار قرآن» بخش هایی از این بیانات را مرور می کنیم. ■

وجود می آورند]. «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ»؛ این را قرآن می گوید.

آن وقت این ها می آیند مؤمن بالله را، مؤمن بالقرآن را، مؤمن بالکعبه را، مؤمن بالقبله را تکفیر می کنند، می گویند کافر است؛ این «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» فراموش می شود. وقتی «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» نبود، جنگ های داخلی در کشورهای اسلامی راه می افتد؛ سوریه را ببینید، یمن را ببینید؛ الآن بیش از چهار سال است که یمن دارد بمباران می شود؛ آن بمباران کننده کیست؟ کافر است؟ نه یک مسلمانی است؛ به ظاهروا هم مسلمان است اما به مسلمان رحم نمی کند. معنای «الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ» این است که به یک قسمت از قرآن [عمل می کنند]؛ «أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتُكْفُرُونَ بِبَعْضٍ؟»؛ حالا خیلی از این ها که به هیچ چیز قرآن اعتقاد ندارند.

مراقب خودمان باشیم

پس تلاوت قرآن مقدمه عمل است، مقدمه معرفت است، مقدمه آشنایی است. ما به سهم خودمان ببینیم در این عرصه عمل چه کاری می توانیم بکنیم. اولش این است که یاد خدا را فراموش نکنیم؛ بعد، این است که تقوای الهی را معیار کار خودمان قرار بدهیم؛ این ها کارهای آسان است، این ها کارهای ممکن است، این ها کارهای نشدنی نیست که بگوییم «چه جوری؟». به یاد خدا باشید؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا * وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا»؛ هر کاری انسان می خواهد بکند، به این فکر باشد که آیا این کار موافق رضای الهی است یا نیست؛ اگر احراز نکرد که مخالف رضای الهی است اشکالی ندارد، لکن مواظب باشد که مخالف رضای الهی نباشد؛ این ذکر الهی است. ذکر فقط به زبان نیست؛ توجه به این معنا، ذکر الهی است.

[بعد] تقوا؛ هدایت قرآن در اختیار افراد باتقوا است. معنای تقوا هم این است که مراقب خودمان باشیم؛ مراقب خودمان! مثل کسی که از یک جاده باریکی عبور می کند که اطرافش پرتگاه است، دو طرفش پرتگاه است؛ اینجا هر قدمی که برمی دارید، زیر پایتان را نگاه می کنید. «تقوا» در روایات تشبیه شده است به راه رفتن در منطقه خارزار؛ آن منطقه ای که پُر از خار است؛ می گویند اینجا مواظبید که این لباس های شما مثل ما قبا بلندتان، عبا بلندتان یا شلوارتان به این خارها گیر نکند یا خار به پایتان فرو نرود؛ مراقبت می کنید. چطور مراقبید! تقوا یعنی این؛ یعنی مراقب باشید که در این خارزار عالم وجود و عالم ماده که از اطراف، خارها انسان را احاطه کرده اند، گیر نکنید. البته تقوا مراتبی دارد؛ مرتبه عالی اش مال آن کسانی است که از جانانشان گذشتند. رحمت خدا، رضوان خدا بر آن شهید عزیزی که این کلمه را یاد ما داد که اگر از سیم خاردار نفس خودت گذشتی، می توانی از سیم خاردار دشمن هم بگذری. رضوان خدا بر این شهیدان! خیلی چیزها یاد ما دادند.

الآن همین حرکتی که شما درامداد به سبیل زدگان خوزستان و دیگر مناطق می بینید، آموزش شهدای ماست؛ امروز حرکت عظیم مردم از سرتاسر کشور به سمت مناطق

آنچه مهم است، این است که ما قدر قرآن را بدانیم. قرآن فقط برای تلاوت کردن نیست؛ تلاوت قرآن مقدمه فهم قرآن و به دست آوردن معرفت قرآنی است؛ این را بایستی برای خودمان تأمین کنیم. اگر تلاوت، تلاوت درست و به جایی باشد، دو فایده مهم را باید به ما بدهد: یکی اینکه معنویت ما را، روح معنوی ما را تعمیق کند، عمق ببخشد. ما غرق در امور مادی هستیم؛ انسان ها احتیاج دارند به توجه معنوی، به روح معنویت و این با تلاوت قرآن - اگر خوب تلاوت کنیم قرآن را - حاصل می شود؛ و دوم اینکه به فکر خودمان و اندیشه خودمان مدد برسانیم و آن را از معرفت قرآنی تغذیه کنیم؛ یعنی قرآن، هم در دل ما اثر می گذارد، هم در ذهن ما اثر می گذارد. اگر با قرآن مانوس بشویم، خیلی از مفاهیم حیات و زندگی برای ما روشن خواهد شد. کج روی ها، بدفهمی ها، باس ها، خیانت های انسان ها به یکدیگر، دشمنی های انسان ها با یکدیگر، دلیل کردن انسان خود را در مقابل طواغیت عالم و امثال این ها، همه ناشی از دوری از قرآن است. قرآن، هم به ما معنویت می دهد، هم به ما معرفت می دهد.

سعادت دنیا و آخرت

قرآن کتاب سعادت بشر است بلاشک سعادت دنیا و آخرت. قرآن فقط برای سعادت آخرت نیست؛ سعادت دنیا را هم قرآن تأمین می کند. سعادت دنیا یعنی برخورداری از نعم الهی در این نشئه؛ این را با قرآن می شود تأمین کرد. می شود ملت ها با قرآن، با عمل به قرآن عزت پیدا کنند، رفاه پیدا کنند، دانش پیدا کنند، قدرت پیدا کنند، وحدت و انسجام پیدا کنند، سبک زندگی شیرین پیدا کنند؛ این ها همه امور دنیوی است. آخرت هم که حیات معنوی و حقیقی و مستمر و ابدی است، با قرآن حاصل می شود. پس قرآن کتاب سعادت دنیا و آخرت است، به شرط آنکه ما به قرآن عمل بکنیم، ببینیم قرآن چه می گوید.

موارد عمل نکردن به قرآن در بین ما افت اسلامی یکی دو مورد نیست و گرفتاری های ما هم ناشی از همین ها است. مثلاً فرض بفرمایید قرآن درباره پیروان پیغمبر می فرماید: «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا»؛ پس «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ». بعضی از ما «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» را فراموش می کنیم، می گذاریم کنار. مثل چه کسانی؟ مثل همین هایی که در کشورهای اسلامی با آمریکا ساختند، با صهیونیست ها ساختند، خون فلسطینی ها را لگد کردند، حق فلسطینی ها را ضایع کردند؛ این ها «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» را فراموش کردند و شدند نوکر کفار، شدند دنباله رو کفار، امبر کفار. الآن بسیاری از سران کشورهای عربی از این قبیل اند؛ این ها یک دسته اند. یک دسته دیگر هم «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» را فراموش کرده اند، اختلافات بین مسلمان ها را به



حتمی است؛ چون این قرآن، «هادی» بعضی و بعضی را «مُضِل» [است]؛ «يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ»؛ این جوری است که بعضی ها را از آن طرف می برد، بعضی ها را هدایت می کند. هدایت مال متقین است. هر چه تقوا بالاتر باشد، هدایت روشن تر و بالاتر است؛ باید این را دنبال بکنیم. خدا را شکر می کنیم که بحمدالله ملت ما به هدایت قرآنی اقبال کرده؛ یک روزی این جور نبود. در دوران طاغوت در کشور ما این خبرها نبود؛ این انس با قرآن، این لذت بردن از تلاوت قرآن، این سعی برای حفظ قرآن، این سعی برای فهمیدن مطالب قرآن، نبود. گاهی یک قاری ای هم آن وقت داشتیم که مثلاً فرض کنید قرآن را می خواند [اما] نمی فهمید؛ امروز الحمدلله جوان های ما قرآن را می خوانند با فهم؛ می فهمند چه دارند می خوانند. این روزه روز باید تقویت کنیم، این حالت را روزه روز باید تشدید کنیم. بدانید که آنچه امروز دشمنان علیه جمهوری اسلامی به یک صورت و علیه امت اسلامی به یک صورت - منتها ظهور دشمنی ها نسبت به جمهوری اسلامی بیشتر است - انجام می دهند، نفس های آخر دشمنی دشمن نسبت به جمهوری اسلامی است. هر چه آن ها سخت تر بگیرند، اراده ما قوی تر خواهد شد؛ هر چه آن ها سخت عمل به خرج بدهند، ما قوی تر خواهیم شد. هر چه آن ها نسبت به پایبندی ما به مفاهیم قرآنی و معارف قرآنی بیشتر عصبانی بشوند، به توفیق الهی تمسک ما به قرآن بیشتر خواهد شد. تمسک به قرآن، مایه سعادت ما است، مایه قوت ما است، مایه عزت ما است؛ و از خداوند متعال می خواهیم که این تمسک را روزه روز در ما بیشتر کند و ما را به آن اهدافی که قرآن برای ما معین کرده است برساند. □



همین حرکتی که درآمد به سیل زدگان خوزستان و دیگر مناطق می بینید، آموزش شهدای ماست؛ امروز حرکت عظیم مردم از سرتاسر کشور به سمت مناطق سیل زده یک پدیده عجیبی است؛ به این توجه دارید؟

سیل زده یک پدیده عجیبی است؛ به این توجه دارید؟ حالا خوزستان یک جور، لرستان یک جور، ایلام یک جور، مازندران یک جور، گلستان یک جور؛ مردم، جوان ها می روند آنجا و همراه با جوان های خود آن محل ها، با تنشان، با دستشان، با امکاناتشان، بعضی ها با پولشان، با جنسشان، با هدایایشان امداد می کنند؛ حرکت عظیمی راه افتاده؛ این ها در دنیا کم نظیر است. حالا در جاهای مختلف دنیا دستگاه های موظف مثل هلال احمرها یا مثلاً فرض کنید بعضی از بخش های دولتی می روند و کارهایی می کنند اما [اینکه] آحاد مردم این جور سیل آسا حرکت کنند برونند، یک پدیده مهمی است؛ این درس شهدای ماست. جوان های عزیز! اغلب شماها جوانید، آن روزها را ندیده اید؛ در دهه ۶۰، در دوران دفاع مقدس، همین جور جوان ها با شوق و ذوق حرکت می کردند، فداکارانه می رفتند؛ «فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»؛ عده ای شهید شدند، خوشا به حالشان! بعضی هم به سلامت برگشتند. آن هایی که به سلامت برگشتند، مراقب باشند سلامتشان را حفظ کنند؛ این ها آموزه قرآن است، این ها درس قرآن است که جوان را آن جور در آن میدان وارد کار می کند و انسان مؤمن را حرکت می دهد.

□ هدایت قرآنی

عزیزان من! با قرآن بیشتر انس بگیرید. آنچه من تأکید می کنم و توصیه می کنم، این است که با قرآن بیشتر انس بگیرید. این ذکر الهی و تقوایی که عرض کردیم، اگر برای ما حاصل بشود، آن وقت هدایت قرآنی هم برای ما آسان تر می شود؛ [چون] «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»؛ تقوا که بود، هدایت



مروری بر برخی فعالیت‌های قرآنی رهبر معظم انقلاب

سپیده‌گشا و زندگی‌ساز

|| هادی سجادی پور

«دوری ما از قرآن را رژیم کافر ملحد معاند پهلوی به وجود آورد. لذا وقتی که من می‌گویم اگر ما پنجاه میلیون نفر هستیم، غیر از چند میلیون بچه‌های کوچک زیر پنج سال، بقیه باید بتوانند قرآن را از رو تلاوت کنند، شما تعجب می‌کنید؛ در حالی که تعجب ندارد. مگر این طوری نبود؟ قبل از دوران رژیم گذشته، تقریباً این‌گونه بود. بی‌سوادها اکثریت قاطع بودند، اما غالب آن‌ها قرآن را بلد بودند. شما جوانان ندیده‌اید، ولی من و کسانی که در سنین من هستند، به تکرار و تکرار کسانی را دیده‌ایم که سواد روخوانی نداشتند و حروف فارسی را نمی‌شناختند، لیکن می‌توانستند قرآن را از رو بخوانند.»

در مطالعات مستند تاریخ معاصر ایران در دوره پهلوی، کم‌رنگ کردن رابطه مردم با نمادها و باورهای دینی و مذهبی یکی از برنامه‌های آن رژیم برای شکستن سد فرهنگ دینی جامعه ایران در برابر برنامه‌های غارتگرانه و سوء استفاده‌های سیاسی و اقتصادی به شمار می‌رود. سیاست‌های آموزشی و فرهنگی پهلوی‌ها به گونه‌ای بود که بچه‌های مدرسه‌ای بابت‌های موسیقی بیشتر آشنا باشند تا آوای قرآن و جوانان بیشتر اوقات خود را در کاخ‌های جوانان بگذرانند تا در مساجد و محفل‌های مذهبی و قرآنی.

«مکتب‌های قرآن، بچه‌های چهار ساله و پنج ساله را قرآن درس می‌داد. من خودم درس پنج سالگی به مکتب رفتم و قرآن یاد گرفتم. امثال من، در همان مکتبی که ما می‌رفتیم، زیاد بودند و اصلاً مکتب‌خانه‌ها همین‌طور بود. این مکتب‌خانه‌هایی که رژیم منحوس پهلوی، شجاعت و شهامت به خرج داد! و رعد و برق کرد و آنها را برچید، خانه‌هایی برای تعلیم قرآن بودند. یک زن یا مردی می‌نشست، بچه‌های مردم را قرآن یاد می‌داد، بعد این بچه‌ها در جامعه‌ای می‌افتادند که در آن، سواد و علم و فرهنگ، متعلق به عده خاصی بود، اما قرآن را بلد بودند.»

سیاست‌های پهلوی‌ها تا اندازه‌ای در سطح جامعه ایران که به تدریج بیشتر جمعیت آن سر و شکل فرهنگ شهری به خود می‌گرفت، کارگرافتاد و به ویژه در سال‌های پیش از دهه ۴۰ جوانان مملکت را به بی‌بند و باری یا به اندیشه‌های شرقی و غربی سوق داد. رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «ما باید قبول کنیم که ملت ما در نیم قرن پیش از پیروزی انقلاب که واقعاً مدت کمی نیست، روزبه‌روز از قرآن فاصله گرفته و دور شده است. [...] آن سیاستی که رژیم وابسته فاسد خبیث دشمن را در این کشور بر سر کار آورد و بیش از پنجاه سال مسلط نگهداشت، یکی از بزرگ‌ترین ضربه‌هایی که زد و ضررهایی که وارد کرد، همین بود که قرآن را به تدریج کنار گذاشت؛ تا آن‌جا که از میان جامعه ما قرآن بیرون رفت. [...] من پیش از انقلاب، وقتی به وضع قرآن در جامعه خودمان نگاه می‌کردم و جوان‌هایی با این استعداد و شوق و علاقه را می‌دیدم که از قرآن دور می‌ماندند، چه خون دلی می‌خورد.»

سیاست‌های پهلوی‌ها تا اندازه‌ای در سطح جامعه ایران که به تدریج بیشتر جمعیت آن سر و شکل فرهنگ شهری به خود می‌گرفت، کارگرافتاد و به ویژه در سال‌های پیش از دهه ۴۰ جوانان مملکت را به بی‌بند و باری یا به اندیشه‌های شرقی و غربی سوق داد. رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «ما باید قبول کنیم که ملت ما در نیم قرن پیش از پیروزی انقلاب که واقعاً مدت کمی نیست، روزبه‌روز از قرآن فاصله گرفته و دور شده است. [...] آن سیاستی که رژیم وابسته فاسد خبیث دشمن را در این کشور بر سر کار آورد و بیش از پنجاه سال مسلط نگهداشت، یکی از بزرگ‌ترین ضربه‌هایی که زد و ضررهایی که وارد کرد، همین بود که قرآن را به تدریج کنار گذاشت؛ تا آن‌جا که از میان جامعه ما قرآن بیرون رفت. [...] من پیش از انقلاب، وقتی به وضع قرآن در جامعه خودمان نگاه می‌کردم و جوان‌هایی با این استعداد و شوق و علاقه را می‌دیدم که از قرآن دور می‌ماندند، چه خون دلی می‌خورد.»

|| قرآن جویی

با همه محدودیت‌ها، حرکت قرآنی جدید در کشور آغاز شد. جلسات قرآنی آیت‌الله خامنه‌ای در مشهد از سرچشمه‌های این جریان بود که به تدریج توانسته بود جمعیت قابل توجهی از جوانان، دانشجویان و حتی استادان دانشگاه و دکترها و مهندسان را به سوی جلسات قرائت و تفسیر قرآن بکشاند. این جلسات، فرهنگ مذهبی قرآنی را آرام آرام در رگ‌های جامعه تزریق می‌کرد و جوانان را از تور نامریبی فرهنگی رژیم، رها می‌نمود. این کار با ترفندهای گوناگونی انجام می‌شد. ایشان می‌فرمایند: «در دوران طاغوت، من در مشهد جلسات تفسیر و درس قرآن داشتم. به جوانانی که می‌آمدند، می‌گفتم که هر کدام از شماها یک نسخه

|| بقیه از یاد رفتند

رشد حرکت‌های مذهبی و سیاسی در دهه چهل و فعالیت‌های گسترده و خودجوش فرهنگی



ترویج نوارهای اساتید مشهور مصری در سطحی گسترده در میان جوانان و علاقه‌مندان بود. رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «صدای شیخ مصطفی اسماعیل، خیلی فوق‌العاده بود. [...] الان در ایران، میل عمومی به طرف شیخ مصطفی اسماعیل است؛ یعنی قزاق ما، حتماً روی سبک قرائت شیخ مصطفی اسماعیل تمرین دارند و روی دیگران کمتر. اعتقاد این است که این حرکت از مشهد و از دستگاه ما شروع شد. در تهران هیچ کس غیر از عبدالباسط رانمی شناختند. من یک وقت که به تهران آمده بودم، فقط عبدالباسط مطرح بود. جاهای دیگر هم که می‌رفتیم، فقط عبدالباسط را می‌شناختند. [...] ما در مشهد، نوار شیخ مصطفی اسماعیل را داشتیم. یکی از دوستانم می‌خواست به مسافرت برود، من گفتم که هرچه توانستی، نوار شیخ مصطفی اسماعیل پیدا کن و بیاور. او هم رفت و چند نوار از نوارهای بسیار خوب شیخ مصطفی اسماعیل را آورد. من آن‌ها را به آقای مرتضی فاطمی - که در آن وقت نوارهای ما را تکثیر می‌کرد - دادم تا تکثیرشان کند. او هم همین کار را کرد و نوارها را به چند نفری داد که از تهران آمده بودند. در نتیجه همه نوارها به طرف تهران سرازیر گردید و شیخ مصطفی اسماعیل شایع شد.»

با گرم‌تر شدن جلسات تفسیر آیت‌الله خامنه‌ای، ایشان ابتدا ممنوع‌المنبر شدند. در پی این اقدام ساواک، آیت‌الله خامنه‌ای تدبیر جدیدی برای تبیین نهضت اسلامی اندیشیدند. باین ترفند، ساواک از مقابله باین جریان قرآنی درمانده شد و برای کنترل فضای مشهد و جلوگیری از حرکت‌های انقلابی مردم، بالاخره این جلسات را تعطیل کرد. «بنده سال ۵۰ در مشهد برای دانشجویان درس تفسیر می‌گفتم و اوایل سوره بقره - ماجراهای بنی اسرائیل - را تفسیر می‌کردم. بنده را به ساواک خواستند و گفتند چرا شما راجع به بنی اسرائیل حرف می‌زنید؟ گفتم آیه قرآن است؛ من دارم آیه قرآن را معنا و تفسیر می‌کنم. گفتند نه این اهانت به اسرائیل است! درس تفسیر بنده را به خاطر تفسیر آیات بنی اسرائیل، چون اسم اسرائیل در آن بود، تعطیل کردند. اختناق در آن زمان عجیب بود؛ اما نه از طرف دولت امریکا، نه از سوی دولت فرانسه و نه از طرف دولت‌های دیگر مطلقاً رژیم طاغوت به مخالفت با آزادی و دموکراسی متهم نشد!» هرچند با دستگیری و تبعید آیت‌الله خامنه‌ای در سال‌های نزدیک به پیروزی انقلاب، جلسات تفسیر ایشان تقریباً تعطیل شد، اما افراد شرکت‌کننده در این جلسات بعدها «جامعه قاریان مشهد» را تشکیل دادند که در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب، فعالیت رسمی خود را آغاز کرد. سال ۶۸ آقای فاطمی در نامه‌ای به رهبر انقلاب، خبر از راه‌اندازی این تشکل داد و رهبر معظم انقلاب در پاسخ او نوشت: «از این اقدام خوشحالم و آن را به فال نیک می‌گیرم. درباره قرآن هرچه تلاش کنید، زیادی نیست. سعی کنید از اساتید استفاده شود؛ همکاری میان قراء با سابقه مشهد بیشتر از پیش شود؛ به آموزش و تفهیم قرآن و تحفیظ آن نسبت به نوجوانان اهتمام ورزیده شود. خداوند به شما و همکارانتان توفیق عنایت فرماید. سید علی خامنه‌ای ۲۸/۰۹/۶۸» □



در مسجدامام حسن (ع) هم در ظهرهای ماه رمضان، آیت‌الله خامنه‌ای به بیان مسائل تفسیری و اعتقادی می‌پرداختند. علی‌رغم تبلیغات ساواک و برخی مرتجعین علیه ایشان، این جلسات با استقبال شدیدی مردم و به‌ویژه دانشجویان مواجه می‌شد. این حرکت قرآنی شامل درس تفسیر، جلسات قرائت و تکثیر نوارهای اساتید مشهور مصری در میان جوانان بود

قرآن در جیب بغل‌تان داشته باشید. اگر در جایی منتظر کاری می‌ایستید و فراغت‌ی پیدا می‌کنید، یک دقیقه، دو دقیقه، پنج دقیقه، نیم ساعت، قرآن را باز کنید و به تلاوت آن مشغول شوید تا باین کتاب انس پیدا کنید. تعدادی که این طور عمل کرده بودند، هرچند بسیار اندک بودند، لیکن احساس می‌کردم که این‌ها باین که غالباً هم عربی نمی‌دانستند، از لحاظ فهم معارف اسلامی از دیگران برجسته‌تر بودند و به‌طور ممتازی بآن‌ها تفاوت داشتند.» این قسمتی از سخنان آیت‌الله خامنه‌ای است که می‌توان آن را گزارشی از فعالیت‌های قرآنی ایشان در روزهای پیش از پیروزی انقلاب در مشهد مقدس دانست. پیشینه این فعالیت‌های قرآنی، به دهه ۴۰ و زمانی برمی‌گردد که ایشان با تشکیل جلسات قرائت و تفسیر قرآن، سهم قابل توجهی در ایجاد فضای قرآنی در مشهد داشتند. عمده فعالیت‌های ایشان در دو مسجدامام حسن (ع) و کرامت بود؛ هرچند پیش از این «آقای خامنه‌ای روزهای پنج‌شنبه و جمعه در مدرس مدرسه میرزا جعفر و سپس در مسجدی در پایین خیابان و نزدیک مدرسه ابدال خان و پس از آن در همان خیابان و در مسجد قبله تفسیر می‌گفت؛ تفسیری بسیار پرشور حرکت‌آفرین و جهت‌دهنده و به تعبیر زیبایی خود ایشان، سپیده‌گشا و زندگی‌ساز.»

جلسات مسجد کرامت جمعه‌ها صبح برگزار می‌شد. برنامه این بود که ابتدا آقای خامنه‌ای معنی و تفسیر مختصری از آیاتی را که قرار بود در آن روز خوانده شوند، بیان می‌کردند و بعد از آن، آیات توسط یک قاری قرائت می‌شد.

□ اهانت به اسرائیل!

در مسجدامام حسن (ع) هم در ظهرهای ماه رمضان، آیت‌الله خامنه‌ای به بیان مسائل تفسیری و اعتقادی می‌پرداختند. علی‌رغم تبلیغات ساواک و برخی مرتجعین علیه آیت‌الله خامنه‌ای، این جلسات با استقبال شدیدی مردم و به‌ویژه دانشجویان مواجه می‌شد. این حرکت قرآنی شامل درس تفسیر، جلسات قرائت و حتی تکثیر و

پرکاربردترین آیات قرآن در کلام رهبر معظم انقلاب چیست؟ تمسک به نور

سخنان رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مملو از آیات قرآنی است و این خصیصه از دیرباز با بیانات ایشان گره خورده است؛ به طوری که سخنرانی‌ها و دروس ایشان با تکیه بر مبانی و مفاهیم قرآنی شکل می‌گرفته است. سلسله جلسات معرفتی ایشان در ماه رمضان سال ۱۳۵۳ که بعدها با عنوان «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» منتشر گردید، شاهدهی برای این مدعا است. این روش ایشان در استفاده از آیات و مباحث قرآنی در دوران رهبری نیز ادامه یافت. به مناسبت ماه مبارک رمضان که ماه بهار قرآن است، در مطلبی «پرکاربردترین آیات قرآن در کلام رهبر انقلاب» را مورد بررسی قرار می‌دهیم. ■

❏ یاری پروردگار

این آیه در مجموع بیانات منتشر شده از رهبر انقلاب، حدود ۶۷ بار تکرار شده است که اگر آیات هم مضمون با آن را نیز به این تعداد اضافه کنیم بر تعداد آن‌ها افزوده خواهد شد. در رابطه با این آیه و آیات پیش از آن، نقل شده است که این آیات، نخستین آیاتی است که در آن اذن جهاد به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم داده شده است. برای درک بهتر معنای این آیه باید مختصری توضیح پیرامون سیاق آیه و معنای مختصری از آیات پیش از آن ارائه شود.

در این آیات موضوع جهاد مورد اشاره قرار گرفته است. در ابتدا خداوند اجازه جهاد را به کسانی که جنگ از طرف دشمنان بر آن‌ها تحمیل شده است، به این دلیل که به آن‌ها ستم شده است، می‌دهد: «اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا» سپس این اجازه را با وعده پیروزی از سوی خداوند قادر متعال تکمیل کرده می‌فرماید: «و خدا قدرت بر یاری کردن آن‌ها دارد» و آن‌الله‌علی‌نصرهم لقدیر».

سپس توضیح بیشتری درباره این ستم‌یگانی که اذن دفاع به آن‌ها داده شده است می‌دهد و منطق اسلام را در زمینه این بخش از جهاد روشن‌تر می‌سازد و می‌گوید: «همان کسانی که به ناحق از خانه و لانه خود اخراج شدند» (الذین اخرجوا من ديارهم به غیر حق) و به زبان کنایه جرم آن‌ها این‌گونه توضیح داده می‌شود: «تنها گناهشان این بود که می‌گفتند پروردگار ما خداوند یکتا است» (الا ان یقولوا ربنا الله)

سپس به یکی از فلسفه‌های تشریح جهاد در این آیه اشاره می‌شود: «اگر خداوند از مؤمنان دفاع نکند و از طریق اذن جهاد بعضی را به وسیله بعضی دفع ننماید، دیرها و صومعه‌ها و معبد‌های یهود و نصارا و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌گردد» (ولولا دفع الله الناس بعضهم به بعض لهدمت صوامع و بیع و صلوات و

ممکن است برای شما این سؤال پیش آمده باشد که رهبر معظم انقلاب کدام آیات را بیشتر در سخنرانی‌های خود استفاده کرده‌اند؟ تاکنون آیه «نصرت الهی» بیشترین تکرار را در بیانات منتشر شده در دوران رهبری ایشان داشته است: «الذین اخرجوا من ديارهم به غیر حق الا ان یقولوا ربنا الله و لولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صومع و بیع و صلوات و مسجد یدکرفی‌ها اسم الله کثیراً و لینصرن الله من ینصره ان الله لقیوی عزیز» (آیه ۴۰ سوره مبارکه حج) «آنان که از خانه‌های خود به ناحق اخراج شدند (و جرمی نداشتند) جز آن‌که می‌گفتند: «پروردگار ما خدای یکتاست» و اگر خداوند برخی از مردم را با برخی دیگر دفع نمی‌کرد (در هر عصری کفار را از مجتمع دینی و امکانه مذهبی به وسیله مؤمنین دفع نمی‌کرد) البته دیرهای راهبان و کلیساهای ترسایان و کنش‌های جهودان و مسجدهای مسلمانان که بسیاری از اوقات نام خدا در آن‌ها ذکر می‌شود ویران می‌گردید؛ و بی‌تردید خدا هر که را که او را یاری می‌کند یاری خواهد کرد، همانا خدا نیرومند و شکست‌ناپذیر است».



آمدیم. هشت سال مقاومت جانانه در مقابل متجاوزان بعثی که با حمایت همه جانبه از سوی کشورهای بلوک شرق و غرب پشتیبانی می‌شدند نیز از مصداق‌های دیگر تحقق نصرت الهی است که باعث پیروزی ما در این عرصه‌ها شد.

مؤمنین لبنانی نیز تجربه «یاری الهی» را در ماجرای مقاومت در برابر غاصبان رژیم صهیونیستی و اخراج آنان از کشورشان و سپس در جنگ ۳۳ روزه مشاهده کرده‌اند. «ایستادگی و مجاهدت مردم غزه» در جنگ ۲۲ روزه نیز نمونه دیگری از تحقق وعده نصرت الهی است. «آیه شجره طیبه پس از آیه نصرت الهی بیشترین استفاده را در بیانات و پیام‌های منتشر شده از ایشان با ۴۴ بار، تکرار داشته است: «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ صَرَّبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ» (آیه ۲۴ سوره ابراهیم) آیا ندیدی چگونه خداوند «کلمه طیبه» (و گفتار پاکیزه) را به درخت پاکیزه‌ای تشبیه کرده که ریشه آن در زمین ثابت و شاخه آن در آسمان است؟!»

در این آیه مبارکه خداوند متعال «کلمه طیبه» را به درختی پاکیزه تشبیه کرده است که ریشه آن ثابت و شاخه‌های آن در آسمان است. «جاهایی که خدای متعال در قرآن مثل می‌زند - ان الله لا یستحیی أن یضرب مثلاً ما بوعوضه فما فوقها - جای دقت بیشتری است؛ چون در این گونه موارد، قرآن حقیقت بزرگ و پایداری را با تکیه بر یک مثال محسوس، برای ما بیان می‌کند. ما اگر عقل داریم، باید بفهمیم. یکی از آن موارد، همین جاست. شما یک درخت معمولی را نگاه کنید که آن را در خاکی حاصلخیز نشانید و به آن رسیدید و آفت را از او دفع کردید و دیگر نگرانی‌ای ندارید، «توتی اکلها کل حین به اذن ربها». به هنگام فصل میوه، سید را برمی‌دارید و می‌روید تا میوه بچینید. این، یک مثل است. کلمه طیبه مثل همین درخت است.

آن چه که در این آیه ممکن است مورد سؤال قرار بگیرد، این است که منظور از «کلمه طیبه» چیست؟ دیدگاه‌های مختلفی را مفسران برای توضیح کلمه طیبه ارائه کردند که برخی از آن‌ها عبارت است از: «کلمه توحید و جمله لا اله الا الله»، «اوامر و فرمان‌های الهی»، «ایمان»، «شخص مؤمن»، «روش و برنامه‌های سازنده» و...

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای همانند برخی از مفسران معاصر، تمامی این موارد را مصادیقی از کلمه طیبه می‌دانند و معتقدند: «همه حقایق درست عالم، کلمه طیبه و کلمات الٰهیهند. ما در زمینه مورد نظر خودمان، کلمه طیبه را پیدایمی‌کنیم.»

ایشان با این توضیح، هر فکری را که طیب و منشأ برکت برای مردم باشد، هر عملی که صالح باشد و موجب هدایت مردم شود و حتی همان انسانی که این عمل و فکر صالح از او نشأت گرفته است را «کلمه طیبه» می‌دانند: «کلمه طیبه، هر آن فکری است که در دل یک انسان بزرگ و الهی برآید و منشأ برکات برای مردم بشود؛ هر آن عملی است که از جوارح یک انسان صالح سر بزند و برای هدایت بشر و رشد عالم انسانیت دارای برکات باشد. همچنین کلمه طیبه، آن



رهبر معظم انقلاب

در دیدارهای

مختلف، معنای

یاری رساندن به

خداوند را توضیح

داده‌اند و مراد از

این نصرت را،

یاری کردن دین،

راه و هدف‌های

الهی دانسته‌اند.

این امر نیز راه‌های

گونگونگی دارد

که از جمله

آن‌ها می‌توان

به این موارد در

بیانات ایشان

اشاره کرد: «فکر

کردن و اندوختن

اندیشه‌های

ناب و مطح

کردن درست آن

در عالم»، «در

مقابل خطرات

سینه سپر کردن» و

«اطاعت امر الهی

و پیروی از راه

اوست.»

مساجد یذکر فی‌ها اسم الله کثیرا)

و در پایان آیه بار دیگر وعده نصرت الهی را تکرار و تأکید کرده و می‌فرماید: «به طور مسلم خداوند کسانی که او را یاری کنند و از آئین و مراکز عبادتش دفاع نمایند یاری می‌کند» (ولینصرن الله من ینصره) و بدون شک این وعده خدا انجام‌شدنی است؛ چرا که «او قوی و قادر و غیر قابل شکست است» (ان الله لقوی عزیز) نکته مهمی که رهبر معظم انقلاب در این آیه بر آن تکیه می‌کنند و از آن بیشتر استفاده می‌کنند، موضوع «وعده نصرت الهی» است. ایشان با تأکید بر این عبارت که «اگر خداوند را یاری کنید، خدا نیز قطعاً شما را یاری خواهد کرد» به توضیح ابعاد گوناگون این فراز از آیه می‌پردازند.

۱ یاری رساندن به خدا

خداوند متعال در آیات مختلف وعده‌هایی را به مؤمنین داده است که هر کدام از آن‌ها قابلیت بررسی مجزا دارد؛ از جمله «وعده هدایت»، «وعده تعلیم»، «وعده حفظ و صیانت» و همچنین در آیه مورد بحث «وعده نصرت» را به ایشان داده است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدارهای مختلف، معنای یاری رساندن به خداوند را توضیح داده‌اند و مراد از این نصرت را، یاری کردن دین، راه و هدف‌های الهی دانسته‌اند. این امر نیز راه‌های گوناگونی دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به این موارد در بیانات ایشان اشاره کرد: «فکر کردن و اندوختن اندیشه‌های ناب و مطرح کردن درست آن در عالم»، «در مقابل خطرات سینه سپر کردن» و «اطاعت امر الهی و پیروی از راه اوست.»

۲ شرط تحقق وعده الهی

اما نکته‌ای که ایشان به تناوب آن را متذکر می‌شوند، مشروط بودن وعده الهی است. به این معنی که برای دستیابی به نصرت الهی می‌بایست اقداماتی نیز از سوی مؤمنین صورت بگیرد، البته این شروط به تعبیر ایشان دشوار نیست و می‌توان با اندکی کوشش، آن‌ها را محقق کرد و نتیجه آن را که «رسیدن یاری الهی» است مشاهده کرد. «برای خدا بودن حرکت و قیام»، «ایستادگی و صبر داشتن» و «از دست ندادن امید» از جمله این شروط است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در سایر سخنان خود در ذیل این آیه کریمه، از میان سایر شروط، به «غفلت نکردن» و «مجاهده و تلاش کردن» نیز اشاره می‌کنند.

۳ مصداق‌های تحقق وعده الهی

«تحقق» وعده الهی، علاوه بر آن که بشارت قرآن به مؤمنین است، برای مردم کشور ما یک «تجربه عینی» نیز هست. «پیروزی انقلاب اسلامی» و «پیروزی بر رژیم تاجران دندان مسلح شاهنشاهی»، جز با نصرت الهی امکان‌پذیر نبود. پس از آن نیز در «فتنه‌های گوناگون ابتدای انقلاب» در حالی که هنوز نیروی مسلح سازمان یافته و دولتی مستحکم و قوام یافته نداشتیم، بر همه گروهک‌ها و تجزیه‌طلبان فائق

انسانی است که این اندیشه نیکو یا این عمل صالح در وجود او متحقق شده است و در او بروز نمود پیدا می‌کند... کلمه طیبه، هم قول است، هم آن قائل است؛ هم فکر است، هم آن چیزی است که زائیده از آن فکر است؛ هم آن شخصیت انسانی برگزیده‌ای است که این فکر و عمل به او قائم است.»

وحدت

«آیه وحدت» سومین آیه پرکاربرد در کلام رهبر معظم انقلاب اسلامی است. این آیه در بیانات منتشر شده از ایشان ۳۳ بار تکرار شده است. «بنای توحید - که مبنای فکری و اعتقادی و اجتماعی و عملی ماست - در وحدت است.» این عبارت رهبر انقلاب نشان دهنده جایگاه ویژه وحدت در اندیشه ایشان است که مبتنی بر مبنای قرآنی است. همان طور که در شأن نزول آیه نیز آمد، امر به وحدت، توصیه‌ای همیشگی به مسلمانان در همه دوران‌هاست. «یکی از دستورات قرآن این است که احادامت اسلامی با یکدیگر متحد باشند؛ دست در دست یکدیگر بگذارند: «واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا» این خطاب به کیست؟ خطاب به ما است، خطاب به ملت ایران است، خطاب به ملت‌های مسلمان کشورهای اسلامی است، خطاب به همه مؤمنین به اسلام در سراسر دنیا است.»

اعتصام به حبل الله

رهبر انقلاب عبارت «اعتصام به حبل الله» را با استفاده از آیه ۲۵۶ سوره مبارکه بقره این‌گونه توضیح می‌دهند: «ما این اعتصام را درست بشناسیم و آن را انجام دهیم. آیه شریفه قرآن می‌فرماید: «فمن یکفر بالطاغوت و یؤمن بالله فقد استمسک بالعروة الوثقی». این، اعتصام به حبل الله را برای ما معنا می‌کند. تمسک به حبل الله چگونه است؟ با ایمان بالله و کفر به طاغوت.» ایشان مشکل جوامع اسلامی را در کفر به طاغوت می‌دانند: «در بسیاری از بخش‌های امت اسلامی ایمان بالله هست؛ اما کفر به طاغوت نیست. کفر به طاغوت لازم است. بدون کفر به طاغوت، تمسک به عروه و ثقای الهی امکان‌پذیر نیست.» حضرت آیت الله خامنه‌ای طاغوت را نیز معرفی می‌کنند: «امروز طاغوت اعظم در دنیا، رژیم ایالات متحده امریکاست؛ زیرا صهیونیسم را او به وجود آورده است و آن را تأیید می‌کند. امریکا جانشین طاغوت اعظم قبلی یعنی انگلیس است.»

حضرت آیت الله خامنه‌ای در دیدارهای خود مصادیقی از حبل الله را نیز ذکر می‌کنند. «حج» یکی از این جلوه‌ها است: «حج یکی از مظاهر حبل الله است؛ به این حبل و ریسمان مستحکم الهی چنگ بزنید جمیعاً؛ یعنی با هم، با هم باشید. نه فقط شما ایرانی‌ها با هم باشید، بلکه شما امت اسلام با هم باشید. مسلمان‌ها، از آفریقائی‌اش تا آسیائی‌اش تا اروپائی‌اش، سیاه و سفیدش، در هر نقطه دنیا که هستند، یک تن واحدند.»

ایشان اسلام و ولایت را نیز یکی دیگر از مصادیق حبل الله می‌دانند: «وحدت عمومی، به معنای گرد آمدن صاحبان سلیقه‌ها و روش‌های گوناگون بر گرد محور اسلام، خط امام



همه احاد ملت

و بخصوص

مسئولین کشور

باید نعمت

وحدت و اتفاق

و همدلی را - که

خدای متعال آن

را به ما ارزانی

داشت - برای

خود حفظ کنند

و آن را به خطر

نیندازند: «واذکروا

نعمة الله علیکم

اذ کنتم اعداء

فألف بین قلوبکم

فأصبحتم بنعمته

اخواناً»...

این برای ما

یک فریضه و

ضرورت است.

این فقط امری

نیست که «بہتر

است» آن را

مراعات کنیم.

نه «باید» آن را

مراعات کنیم؛

هرکس مراعات

نکند، به منافع

کشور و مردم و به

سرنوشت انقلاب

ضربه زده است

و ولایت فقیه است. این، همان اعتصام به «حبل الله» است که عموم مسلمین بدان مکلف گشته‌اند؛ و این، آن اسم اعظمی است که همه گره‌ها را باز و همه موانع را برطرف و همه شیاطین را مغلوب می‌کند.»

اعتصام دسته جمعی

یکی از نکاتی که رهبر انقلاب در رابطه با این آیه مورد تأکید قرار می‌دهند، عبارت «جمیعاً» که به معنای دسته جمعی است. ایشان با استفاده از این عبارت به این نکته لطیف اشاره می‌کنند که اعتصام به حبل الله، به صورت فردی هم ممکن است ولی قرآن می‌فرماید به صورت گروهی و جمعی به آن متمسک شوید: «قرآن می‌فرماید: «واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا». اعتصام بحبل الله برای هر مسلمان یک وظیفه است؛ اما قرآن اکتفا نمی‌کند به این که ما را به اعتصام به حبل الله امر کند، بلکه به ما می‌گوید که اعتصام به حبل الله را در هیئت اجتماع انجام بدهید: «جمیعاً»؛ همه با هم اعتصام کنید؛ و این اجتماع و این اتحاد، یک واجب دیگر است؛ بنابراین، علاوه بر این که مسلمان باید معتصم به حبل الله باشد، باید این اعتصام را به همراه دیگر مسلمان‌ها و همدست با آن‌ها انجام دهد.»

یاد نعمت و وحدت

در آیه شریفه از برادری و وحدت میان مسلمانان، به عنوان «نعمت» یاد شده است و دستور به «یاد کردن» این نعمت می‌دهد: «آن چه که در قرآن مشاهده می‌شود، نقطه مقابل این آفت‌ها، «ذکر» است؛ نه فقط ورد و او را و امثال این‌ها. او را یاد می‌کند و وجود دارد، یکی از وسایل ذکر است؛ اما ذکر به معنای یاد خدا و یاد تکلیف و یاد نعمت الهی است؛ «واذکروا نعمة الله علیکم اذ کنتم اعداء فآلف بین قلوبکم فأصبحتم بنعمته اخواناً» اگر در قرآن ملاحظه کنید، در موارد متعددی به «یاد نعمت خدا» اشاره شده است. نعمت خدا، همه‌اش خورد و خوراک و امثال این‌ها نیست که به نظرمان کوچک بیاید - اگرچه آن هم کوچک نیست؛ خیلی مهم است - بلکه خدای متعال نعم عظیمی بر انسان‌ها و از جمله بر ما دارد که باید به یاد آن‌ها بیفتیم.

اتحاد داخلی

رهبر معظم انقلاب با استفاده از عمومیت این آیه، وحدت را منحصر در میان کشورهای اسلامی نمی‌دانند؛ بلکه اتحاد و همدلی و برادری در میان توده‌های مردم کشور و به ویژه مسئولان را نیز یک فریضه و الزام می‌دانند: «همه احاد ملت و بخصوص مسئولین کشور باید نعمت وحدت و اتفاق و همدلی را - که خدای متعال آن را به ما ارزانی داشت - برای خود حفظ کنند و آن را به خطر نیندازند: «واذکروا نعمة الله علیکم اذ کنتم اعداء فآلف بین قلوبکم فأصبحتم بنعمته اخواناً»... این برای ما یک فریضه و ضرورت است. این فقط امری نیست که «بہتر است» آن را مراعات کنیم. نه «باید» آن را مراعات کنیم؛ هرکس مراعات نکند، به منافع کشور و مردم و به سرنوشت انقلاب ضربه زده است.»

عدالت و قسط

چهارمین آیه پرکاربرد در بیان رهبر معظم انقلاب با ۲۶ بار تکرار، «آیه ۲۵ سوره حدید» است. موضوع محوری که ایشان در این آیه بر آن تکیه می‌کنند، مسأله «عدالت و قسط در جامعه» است که به تعبیر ایشان اصلی‌ترین امر مربوط به زندگی مردم است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات خود مفردات این آیه را این‌گونه توضیح می‌دهند: «بینات یعنی حجت‌های متقن و غیر قابل تردیدی که پیغمبران ارائه می‌دهند؛ کتاب، یعنی منشور ادیان در مورد معارف، احکام و اخلاقیات؛ میزان، یعنی آن سنج‌ها و معیارها».

ایشان با توضیح معنای قسط، به تفاوت آن با عدل نیز اشاره می‌کنند: «قسط چیست؟ قسط یعنی استقرار عدالت اجتماعی در جامعه. قسط با «عدل» فرق می‌کند. عدل یک معنای عام است. عدل همان معنای والا و برجسته‌ای است که در زندگی شخصی و عمومی و جسم و جان و سنگ و چوب و همه حوادث دنیا وجود دارد؛ یعنی یک موازنه صحیح. عدل این است؛ یعنی رفتار صحیح؛ موازنه صحیح؛ معتدل بودن و به سمت عیب و خروج از حد نرفتن. این، معنای عدل است. لکن قسط، آن‌طور که انسان می‌فهمد، همین عدل در مناسبات اجتماعی است؛ یعنی آن چیزی که ما امروز آن را به «عدالت اجتماعی» تعبیر می‌کنیم. این، غیر از آن عدل به معنای کلی است. انبیا اگرچه حرکت کلی‌شان به سمت آن عدالت به معنای کلی است - با العدل قامت السموات والارض؛ آسمان‌ها هم با همان اعتدال و عدالت و میزان بودن سراپا هستند - اما آن چیزی که فعلاً برای بشر مسأله است و او تشنه آن است و با کم‌تر از آن نمی‌تواند زندگی کند، قسط است. قسط یعنی این‌که عدل، خرد شود و به شکل عدالت اجتماعی در آید. «لیقوم الناس بالقسط». «انبیا برای این آمدند». بر این اساس حضرت آیت‌الله خامنه‌ای قسط را پیاده کردن عدل در اجتماع می‌دانند.

هدف تمامی انبیا

رهبر معظم انقلاب با استفاده از این آیه مسأله برقراری عدالت را هدف تمامی انبیا در طول تاریخ ذکر می‌کنند: «استقرار عدالت، دستور همه انبیا الهی است که فرمود ارسال رسل و فرستادن کتاب‌ها و این همه تلاشی که انبیا و پیروان انبیا انجام دادند، برای این است که: «لیقوم الناس بالقسط» زندگی مردم، زندگی همراه با قسط باشد. البته ایشان تصریح می‌کنند که این هدف، هدفی میانی است و هدف اصلی انبیا، رستگاری جامعه و ایجاد بستری برای عبودیت خداوند است: «البته شکی نیست که قیام به قسط و همه آن‌چه که مربوط به زندگی دنیایی، اجتماعی و فردی افراد است، مقدمه آن هدف خلقت است: «وما خلقت الجن والانس الا ليعبدون»؛ یعنی عبودیت. اصلاً هدف خلقت، عید خدا شدن است؛ که بالاترین کمالات هم همین عبودیت خداست.»



.....

آن چیزی که فعلاً برای بشر مسأله است و او تشنه آن است و با کمتر از آن نمی‌تواند زندگی کند، قسط است. قسط یعنی این‌که عدل، خرد شود و به شکل عدالت اجتماعی در آید. «لیقوم الناس بالقسط». انبیا برای این آمدند. بر این اساس حضرت آیت‌الله خامنه‌ای قسط را پیاده کردن عدل در اجتماع می‌دانند.

استفاده از قدرت

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با استفاده از ادامه این آیه شریفه که پیرامون «انزال حدید» است، لازمه پیاده شدن قسط در جامعه را وجود «قدرت» ذکر می‌کنند: «شما ببینید در همین آیه کریمه قرآن که راجع به قسط صحبت می‌کند و می‌گوید خدای متعال همه پیغمبران را فرستاد، «لیقوم الناس بالقسط»؛ برای این‌که قسط و عدالت را در جامعه مستقر کند، بلافاصله می‌فرماید: «وانزلنا الحدید فیه بأس شدید و منافع للناس»؛ یعنی پیغمبران علاوه بر این‌که با زبان دعوت سخن می‌گویند، با بازوان و سرپنجه‌گان قدرتی که مجهز به سلاح هستند و با زورگویان و قدرت طلبان فاسد، معارضة و مبارزه می‌کنند... کسانی که طرفدار عدالت هستند، در مقابل زورگویان و زیاده طلبان و متجاوزان به حقوق انسان‌ها باید خود را به قدرت مجهز کنند.

هدف قیام حسینی و مهدوی

رهبر انقلاب با اشاره به وصیت و سخنان حضرت اباعبدالله علیه السلام در آستانه حرکت به سمت کوفه، هدف از این قیام را نیز تحقق عدالت و مقابله با ظلم می‌دانند: «حرکت امام حسین علیه السلام برای اقامه حق و عدل بود... تمام آثار و گفتار آن بزرگوار و نیز گفتاری که درباره آن بزرگوار از معصومین رسیده است، این مطلب را روشن می‌کند که غرض، اقامه حق و عدل و دین خدا و ایجاد حاکمیت شریعت و برهم زدن بنیان ظلم و جور و طغیان بوده است.» همچنین این هدفی است که از سوی حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف نیز دنبال می‌شود: «هدف حکومت ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه الشریف در آخر زمان هم باز همین عدل است.»



انس با قرآن از هر رفیق ناصحی برای انسان مفیدتر است

توصیه‌های قرآنی رهبرانقلاب

قادر به فهم الفاظ و ظواهر قرآن باشند؛ تعداد معتدبهی، عالم به قرائات مختلف و نوافل قرائت و زینت‌های تلاوت قرآن باشند و بدون استثنا، همه مردم در این کشور، قادر به روخوانی قرآن باشند. این، قاعده است. نمی‌شود قبول کرد، در کشوری که مردمش معتقد به اسلام هستند، احدی از آحاد مردم - غیر از اطفال بسیار کوچک - باشند که نتوانند قرآن را بخوانند؛ چه رسد به این که در نظامی، مردم بر پایه اسلام زندگی کنند.

۱) معنای آیات قرآن را

بمراجعه به ترجمه‌ها و تفاسیر درک کنید

آیه‌ای را که تلاوت می‌کنید، به درستی معنایش را درک کنید. همین معنایی که یک عربی دان می‌تواند بفهمد، همین معنای ظاهری را درست درک کنید. این که درک شد، آن وقت در تلاوت، فرصت و قدرت تدبیر به انسان دست می‌دهد؛ یعنی انسان می‌تواند آن وقت تدبیر کند؛ و من به شما عرض کنم وقتی که معنای آیه را بدانیم، آن کسی که اهل صوت و آهنگ و لحن و خواندن هست، خود این فهم معنای آیه، لحن را هدایت می‌کند. اگر ما بدانیم چی داریم می‌خوانیم، هیچ لزومی ندارد که نگاه کنیم ببینیم فلان قاری فرض کنید که معروف، وقتی این آیه را خوانده، کجا را پایین آورده، کجا را بالا برده، کجا را با رقت خوانده، کجا را با شدت خوانده. نه لزومی ندارد. اگر معنا را فهمیدیم، خود این معنا آدمی را که اهل صوت هست و صدای او آهنگ پذیر است و انعطاف آهنگ دارد، صدای او را هدایت خواهد کرد، خودش آهنگ را به ما خواهد داد؛ مثل حرف زدن معمولی.

متأسفانه اکثر مردم ما از الفاظ آیات کریمه قرآن، مستقیم کمتر استفاده می‌کنند؛ یعنی اکثر عربی نمی‌دانند. خب یکی از محرومیت‌های ماست. لذا در قوانین کشور فراگیری زبان عربی که زبان قرآن است، یکی از چیزهای لازم فرض شده که این، به خاطر همین است. اگر ما واقعاً بخواهیم معنای قرآن را بفهمیم، مردم معمولی که عربی هم نتوانند، می‌توانند مراجعه به تفاسیر و ترجمه‌ها بکنند.

۱) به محض بیکاری، قرآن بخوانید

ما باید رابطه مان را با قرآن روز به روز مستحکم‌تر کنیم. در خانه‌ها قرآن بخوانید. حتی در هنگام بی‌کاری، چنانچه مختصر فراغت پیدا می‌کنید، خودتان را به قرآن وصل کنید. هر روز مقداری قرآن بخوانید و آن را فرابگیرید.

۱) یک نسخه قرآن در جیب بغلتان داشته باشید

در آن دوران طاغوت، من در مشهد جلسات تفسیر و درس قرآن داشتیم؛ به جوانانی که می‌آمدند، می‌گفتم که هر کدام از شماها یک نسخه قرآن در جیب بغلتان داشته باشید؛ اگر در جایی منتظر کاری می‌ایستید و فراغتی پیدا می‌کنید - یک دقیقه، دو دقیقه، پنج دقیقه، نیم ساعت - قرآن را باز کنید و به تلاوت آن مشغول شوید تا باین کتاب انس پیدا کنید. ما در طول هشت سال جنگ، زیر آتش توپ و تفنگ،

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ۱۵ توصیه کاربردی رهبر معظم انقلاب اسلامی برای انس بیشتر با قرآن را منتشر کرده است.

۱) نوجوانان را با متن و ترجمه قرآن آشنا کنید

واقعیت تلخ این است که قرآن هنوز در جامعه ما، یک امر عمومی نشده است. همه به قرآن عشق می‌ورزند و احترام می‌کنند؛ اما عده کمی همواره آن را تلاوت و عده کمتری در آن تدبیر می‌کنند. برای رفع این نقیصه که کاری ممکن و روان است، در گام اول باید جوانان و نوجوانان را با متن و ترجمه قرآن آشنا کرد و از شربت گوارا و حیات بخش قرآن، به ذایقه آنان چیزی چشانید.

۱) حفظ قرآن از دبستان شروع بشود

ترتیبی بدید که بشود بچه‌ها را از کوچکی در دبستان و ادارا به حفظ قرآن کنند - البته مجبورشان نکنند - جایزه قرار بدهند و مثلاً بگویند هر بچه‌ای که در دوره دبستان، این قدر از قرآن را حفظ بکند، این مقدار امتیاز خواهد گرفت؛ یا اگر کسی در دبیرستان، این مقدار قرآن را حفظ کند، به قدر این واحدها یا این درس‌ها، نمره یا امتیاز مادی می‌دهیم. من عقیده‌ام این است که حفظ قرآن باید از بچگی شروع بشود، یعنی حدوداً از دوازده سالگی سیزده سالگی؛ «التعلم فی الصغر کالتقش فی الحجر».

۱) ناتوانی در روخوانی قرآن از هیچ کس پذیرفتنی نیست

وقتی در کشوری، مثلاً بیست یا بیست و پنج میلیون جوان از زن و مرد هست، جادارد که در میان این‌ها، اقل یک دو، سه میلیون تالی قرآن، با آداب و شرایطش باشد؛ اقل یک میلیون از این جوانان، حافظ کلام خدا باشند؛ تعداد معتدبهی از جوانان، عارف به معنای قرآن و



.....

❑ قرآن خواندن با حالت روزه داری لذت دیگری دارد

با حالت روزه داری یا حالت نورانیت ناشی از روزه داری، در شب‌ها و نیمه‌شب‌ها تلاوت قرآن، انس با قرآن، مخاطب خدا قرار گرفتن، لذت دیگری و معنای دیگری دارد. چیزی که انسان در چنین تلاوتی از قرآن فرا می‌گیرد، در حال متعارف و معمول نمی‌تواند به چنین تلاوتی دسترسی پیدا کند؛ آن‌ها از این هم بهره می‌برند.

❑ قهرمانان قرآنی را احترام کنید

اگر بخواهیم همه قرآن را بیاموزند، عده‌ای باید در اوج قرار گیرند - مثل همه چیز دیگر - همین طور که اگر بخواهید ورزش، همگانی شود، بایستی عده‌ای قهرمان را جلو چشم مردم نگهدارید. اگر بخواهید قرآن در خانه‌ها، بین بچه‌ها، بین بزرگ‌ها، بین زن‌ها و مردها رواج پیدا کند، بایستی قهرمانان قرآنی را احترام کنید.

❑ برای قراء قرآن منبر بگذاریم

می‌خواهم در جامعه ما کاری بشود که برای قراء قرآن منبر بگذاریم و همچنان که الآن وعظ منبری روند، قاریان قرآن هم منبر بروند و مثلاً نیم ساعت قرآن بخوانند و مردم آن زال کلام الهی را مستقیم از او بشنوند و دل‌هایشان بلرزد و اشک بریزند و موعظه بشوند و بلند شوند و بروند؛ ولی ما حالا قرآن کریم را فقط مقدمه سخنرانی قرار داده‌ایم! من در سال‌های ۵۱ و ۵۲ و ۵۳ در مشهد سخنرانی می‌کردم؛ می‌ایستادم سخنرانی می‌کردم. بعد هم که حرف من تمام می‌شد، روی زمین می‌نشستم، سپس صندلی می‌گذاشتم تا قاری قرآن تلاوت کند.

❑ حاجی‌ها در حج یک ختم قرآن داشته باشند

اگر یک جوانی، یک مردی یا زنی در دوره حج انس با قرآن را یاد بگیرد، تأمل و تدبیر در عبارات دعاها و مناجات با پروردگار را یاد بگیرد، این می‌شود سرمایه‌ای برای او در طول زندگی. حاجی اگر خود را مقید کند که در مدینه منوره یک ختم قرآن بخواند؛ در مکه مکرمه یک ختم قرآن بخواند - اینجا خانه قرآن است؛ محل نزول قرآن است - یا اگر نمی‌تواند یک ختم قرآن بخواند، یک بخش عمده‌ای از قرآن را بخواند با تأمل، با تدبیر؛ اگر عادت کند به تأمل و تدبیر در قرآن در این مدتی که آنجا است - بتواند عادت بدهد حاجی را به اینچنین سیره‌ها و رویه‌های ماندگار معنوی و روحی - این برای او می‌شود یک سرمایه. قرآن یک ذخیره تمام نشدنی است. انس با قرآن از هرواعظی، از هر رفیق ناصحی، از هر درسی برای انسان مفیدتر است.

❑ جوانان آیات عزت و توحید عملی را حفظ کنند

اگرچه همه آیات کریمه قرآن نور است، اما امروز جوانان به بخشی از آیات قرآن خیلی احتیاج دارند و آن، چیزهایی است که عزت اسلام و عزت جامعه اسلامی و توحید عملی جوامع اسلامی در آن‌هاست. جوانان ما در همه جای دنیای اسلام بایستی این‌گونه آیات را روان و حفظ باشند و از آن‌ها درس بگیرند. □

اصلاً تدبیر برای

تفسیر کردن

نیست؛ برای

فهمیدن مراد

است. انسان

هر سخن

حکیمانه‌ای را دو

گونه می‌تواند تلقی

کند: یکی سرسری

و با سهل‌انگاری؛

یکی با دقت و

کنجکاوانه. این

اصلاً به مرحله

تفسیر کردن و تعبیر

کردن نمی‌رسد.

تدبری که در قرآن

لازم است، پرهیز

کردن از سرسری

نگریستن در قرآن

است؛ یعنی شما

هر آیه قرآنی را

که می‌خوانید، با

تأمل و ژرف‌نگری

باشد و دنبال

فهمیدن باشید

جوانانی را در جبهه‌ها داشتیم که به مجردی که بر زمین می‌نشستند و اندک فراغت می‌پیدا می‌کردند، قرآنشان را باز می‌کردند و مشغول تلاوت می‌شدند؛ یا مثلاً اگر در اتوبوس و یا کامیون نشستند بودند و داشتند می‌رفتند، قرآنشان را درمی‌آوردند و بنامی کردند به خواندن.

❑ روزی ۱۰ آیه قرآن بخوانید

قرآن را بایستی از خودمان جدا نکنیم. دائم باید با قرآن مرتبط و مانوس باشیم. حالا در روایات دارد که هر روز لااقل پنجاه آیه قرآن بخوانید. این، یکی از معیارهاست. اگر نتوانستید، روزی ده آیه قرآن بخوانید؛ نگوئید سوره حمد را می‌خوانم و این چند آیه سوره حمد با چند آیه سوره قل هو الله - یک رکعت - می‌شود همان ده آیه‌ای که فلانی می‌گوید. نه غیر از آن قرآنی که در نماز می‌خوانید - چه نماز نافله، چه نماز فریضه - قرآن را باز کنید، بنشینید، با حضور قلب، ده آیه، بیست آیه، پنجاه آیه، صد آیه بخوانید.

❑ خود را به تدبیر قرآن عادت دهید

این‌که حتی قرآن را با صدای خوش تلاوت کنیم یا تلاوت خوش را بشنویم و از آن لذت ببریم کافی است؟ نه. چیز دیگری لازم دارد. آن چیست؟ آن تدبیر در قرآن است. باید در قرآن تدبیر کرد. خود قرآن در موارد متعدد از ما می‌خواهد که تدبیر کنیم. عزیزان من! اگر ما یاد گرفتیم که با قرآن به صورت تدبیر، انس پیدا کنیم، همه خصوصیتی که گفتیم حاصل خواهد شد. ما هنوز خیلی فاصله داریم؛ پس باید پیش برویم.

❑ سهل‌انگاری به آیات نگریستن را کنار بگذاریم

اصلاً تدبیر برای تفسیر کردن نیست؛ برای فهمیدن مراد است. انسان هر سخن حکیمانه‌ای را دو گونه می‌تواند تلقی کند: یکی سرسری و با سهل‌انگاری؛ یکی با دقت و کنجکاوانه. این اصلاً به مرحله تفسیر کردن و تعبیر کردن نمی‌رسد. تدبیری که در قرآن لازم است، پرهیز کردن از سرسری نگریستن در قرآن است؛ یعنی شما هر آیه قرآنی را که می‌خوانید، با تأمل و ژرف‌نگری باشد و دنبال فهمیدن باشید. این همان تدبیر است و بدون این‌که نیازی به این باشد که انسان، سلیق خودش را به قرآن تحمیل کند - که همان تفسیر به رأی است - خواهید دید که باب‌هایی را از معرفت، به حسب محتوای آیه - هر چه که محتوای آیه است - بازمی‌کند.

❑ آن قدر قرآن را از اول تا آخر بخوانید

تا ذهنتان با معارف آن آشنا شود

خواندن قرآن، از اول تا آخر، یک چیز لازمی است. باید قرآن را از اول تا آخر خواند؛ باز دوباره از اول تا آخر؛ تا همه معارف قرآنی یکجا با ذهن انسان آشنا شود. البته معلمینی لازمند تا برای ما تفسیر کنند، مشکلات آیات را تبیین کنند، معارف آیات و بطون آیات الهی را برای ما بیان کنند؛ این‌ها همه لازم است. اگر این‌ها شد، هر چه زمان به جلو برود، ما به جلو می‌رویم و توقف دیگر وجود ندارد.



با قرآن باید مثل آینه مواجه شد

گوش می‌کردند و وقتی حَظَّ خودشان رامی بردند، به راهشان ادامه می‌دادند. تلاوت قرآن با صوت خوش و با آداب که شیوه خاصی دارد، موسیقی خاصی دارد، روش خاصی دارد، امور لازمی است. این‌ها انسان را نزدیک می‌کند؛ اما کافی نیست. اگر بخواهیم تشبیه کنیم، این طور می‌گوییم: قرآن را به صورت بنای مُعْظَمی، دارای سالن‌ها و حجره‌ها و زوایای گوناگون و اعماق فراوان در نظر بگیرید. این عمارت وسیع و عظیم، سردرو و مدخلی دارد. اگر آن مدخل را زیبا ساختیم، مردم برای ورود در آن عمارت، تشویق می‌شوند. مدخل آن بنای رفیع، همین تلاوت‌های زیبایی است که این‌جا خواندند. کاشی کاری دم در این تلاوت است. حال وارد شوید. این کاشی کاری، بسیار لازم است. این زیباسازی تلاوت، امر لازمی است. البته باید قاری به این نکته توجه داشته باشد که تلاوت او، فقط تلفیق آهنگ‌ها نیست؛ بلکه برجسته سازی معنا، از رسالت‌های هنری او به شمار می‌آید. رهبر انقلاب مدّ ظله، این نکته را چنین بیان می‌فرماید: اشکال [دیگر] این است که وقتی قاری و تلاوتگر ما، تلاوت می‌کند و این لحن‌های زیبا و آهنگ‌های خوب را فراموش می‌کند و می‌خواند، تصور کند که کار او فقط همین تلفیق آهنگ‌ها و بیان این الفاظ، با صدای خوش و با آهنگ خوش است. این هم یکی از اشکالات است که اگر پیش بیاید، ضرر دارد. قاری

قرآن کریم، نسخه شفا بخش بشریت و نور هدایت در ظلمت‌کده درآورد و دهشتناک کنونی است. مصلحان و رهبران که سکان‌داران کشتی هدایت در این دریای پرتلاطم هستند، هرچه با این کتاب آسمانی آشنا تر باشند، جامعه را بهتر به ساحل می‌رسانند. آنچه در ذیل آمده، بخشی از سخنان مقام معظم رهبری درباره این کتاب آسمانی است. ■

انس با قرآن

رهبر معظم انقلاب درباره انس با قرآن می‌فرماید: در این فضای آلوده مادیات، شایسته است در دریای بی‌کران معنویت قرآن کریم شنا کرد تا از پلیدی‌های دنیا پاک شد و این، جز با انس مدام با این کتاب آسمانی ممکن نیست.

زیور قرآن

تلاوت اگر زیبا باشد، در اعماق وجود انسان بیشتر نفوذ می‌کند. در روایت، صوت خوش زیور قرآن معرفی شده است. امام صادق (ع) از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند که فرمود: لکل شیءٍ جلیه و جلیه القرآن الصّوت الخسّن؛ هر چیزی زیوری دارد و زیور قرآن، صدای خوش است. مقام معظم رهبری مدّ ظله درباره تلاوت زیبا می‌فرماید: البته تلاوت قرآن با صدای خوش، کار بسیار خوبی است. روایت دارد که امام سجّاد (ع) هم درباره امام سجّاد (ع) دارد و هم درباره امام باقر (ع) وقتی تلاوت می‌کردند، کسانی که از نزدیک محل تلاوت ایشان می‌گذشتند، زانوهایشان می‌لرزید و سست می‌شد و نمی‌توانستند حرکت کنند. می‌ایستادند تلاوت قرآن را



.....

همه جوان هایی که این حرف را در سرتاسر کشوری شنوید، بدانید در قرآن حکمت هست، نور هست، شفا هست. عقده هایی که بر اثر چالش های موجود مادی دنیا در دل و جان انسان به وجود می آید، سرانگشت حکمت قرآنی می تواند همه این عقده ها را باز کند. این، واقعیت است. دل ها را باز می کند، شرح صدر می دهد، امید می دهد، نور می دهد، عزم را سخ برای حرکت در صراط مستقیم می دهد. با قرآن باید مواجه شد و این ها را گرفت.

جوانان، سرمایه انسانی یک جامعه به شمار می آیند. ایجاد تحریف و شبهه در اعتقادات این گروه، از سلاح های دشمن است و راه مبارزه با این حربه، انس با قرآن می باشد. رهبر معظم انقلاب مدّ ظله می فرماید: اگر جوان مسلمان با قرآن انس پیدا کند و فرصت تدبیر در قرآن را به خود بدهد، بسیاری از شبهات دشمنان بی اثر خواهد شد.

□ هدایت به نور

تنها با کمک نور معنویت و معرفت می توان در این ظلمتکده دنیایی قدم برداشت و به سر منزل مقصود رسید. این نور، در سایه انس با قرآن به دست می آید. رهبر انقلاب اسلامی مدّ ظله در این زمینه می فرماید: اگر با قرآن انس پیدا کنید، می بینید که دل و جان شما نورانی می شود. به برکت قرآن، بسیاری از ظلمات و ابهام ها از قلب و روح انسان زدوده می شود. آیا این بهتر نیست؟ «يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ». به وسیله قرآن است که خدای متعال می فرماید: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ». به برکت قرآن است که انسان از ظلمات اوهام، اشتباهات، خطاها و غلط ها، به نور هدایت راه پیدا می کند. قرآن، کتاب معرفت است. مادر زمینه زندگی، در زمینه آینده، در زمینه تکلیف کنونی، در زمینه هدف از بودن و در بسیاری از زمینه های دیگر، خیلی از مسائل را نمی دانیم. بشر، مشحون به

جهالت ها است و قرآن، برای انسان معرفت می آورد. دستاوردهای عظیم دیگری در سایه انس با قرآن کریم نصیب انسان می شود که بهره مندی از هر یک، برای سعادت کافی است. رهبر فرزانه انقلاب مدّ ظله در سخنی به برخی از این دستاوردها اشاره می کرده و چنین می گوید: معرفت، نجات، سلامت، رشد و تعالی و تقرب انسان به سوی خدای متعال، از دستاوردهای قرآن کریم است که تنها با انس و تدبیر در قرآن کریم به دست می آید.

□ تربیت صحیح

زنان نیمی از پیکر جامعه را تشکیل می دهند. نقش آن ها به عنوان مادر در صلاح یا فساد جامعه قابل انکار نیست. اگر این گروه با قرآن انس داشته باشند، بی تردید آینده جامعه نیز قرآنی خواهد شد. مقام معظم رهبری این مهم را چنین بیان می فرماید: اگر زن ها با قرآن مانوس شوند، بسیاری از مشکلات جامعه حل خواهد شد؛ چون انسان های نسل بعد در دامن زن پرورش پیدا می کند و زن آشنای با قرآن و مانوس با قرآن و متفاهم با مفاهیم قرآن، می تواند در تربیت فرزند تأثیرات زیادی داشته باشد. □

حضرت آیت الله

خامنه ای: به

برکت قرآن است

که انسان از

ظلمات اوهام،

اشتباهات،

خطاها و غلط ها،

به نور هدایت

راه پیدا می کند.

قرآن، کتاب

معرفت است. ما

در زمینه زندگی،

در زمینه آینده،

در زمینه تکلیف

کنونی، در زمینه

هدف از بودن

و در بسیاری از

زمینه های دیگر،

خیلی از مسائل

را نمی دانیم.

بشر، مشحون به

جهالت ها است و

قرآن، برای انسان

معرفت می آورد

ما وقتی قرآن را تلاوت می کند، باید آن چنان تلاوت کند که گویی قرآن را دارد نازل می کند به قلب مخاطب؛... شما باید قرآن را به گونه ای تلاوت کنید که گویی این مفاهیم قرآنی و آیات کریمه قرآن، در حال نازل شدن بر قلب مخاطب است. آهنگ ها را با مضامین منطبق کردن و آهنگ برای برجسته کردن معنا و مضمون آیه کمک گرفتن. این آهنگ ها و این نغمه های قرآنی، مهم ترین هنرش این است که بتواند کمک کند به این که آن مضمون برجسته شود و در ذهن مخاطب بنشیند.

□ تهذیب، راه انس با قرآن

همنشینی با قرآن، سختی خاص می طلبد. در قرآن آمده است: لَا يَمْشِي إِلَّا الْمَطْهُرُونَ؛ جز پاکان نمی توانند به آن دست زنند [دست یابند]. امامان معصوم: در حد اعلای طهارت، عدل قرآن محسوب می شوند. هر شخص دیگری که بخواهد با این اقیانوس بی کران ارتباط برقرار کند، باید آلودگی گناه را از جان خود پاک کند. رهبر فرزانه انقلاب مدّ ظله می فرماید: با قرآن باید مثل آینه مواجه شد؛ پاکیزه، براق و بی زنگار تا قرآن در دل ما منعکس شود. قرآن باید در جان ما انعکاس پیدا کند. این، همیشه و برای همه نیست؛ برای کسانی است که دلشان را با صفای باطن و نفس پاکیزه کنند؛ با ایمان، با باور و با قبول با قرآن مواجه شوند، و الا کسانی که دل معاند دارند، بنای بر نشنیدن و نفهمیدن دارند، نوای قرآن، کلام قرآن و پیام قرآن در دل آن ها اثری نمی کند. «وَلَوْ أَنَّا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَى وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ...» اگر برای برخی افراد، زمین را به آسمان بدوزی، این دل ناباور و زنگار گرفته، نزدیک نمی شود و ایمان نمی آورد؛ لذا قرآن را می خواند، اما به قرآن نزدیک نمی شود.

□ پاسخگویی به مسائل

یکی از دغدغه های ما پاسخگویی به سؤالات ماست همچنین زندگی، توأم با مشکلات است و انسان، در پی راه حل آن ها است. یکی از آثار انس با قرآن، ارائه همین راه حل ها است. مقام معظم رهبری مدّ ظله در این باره می فرماید: البته هنوز خیلی فاصله است تا آن جا که همه ملت ما، همه جوانان ما، مرد و زن ما، با قرآن انس پیدا کنند. وقتی انس با قرآن پیدا شد، آن وقت این مجال به وجود خواهد آمد که انسان از قرآن استفتا کند، سخن قرآن را در زمینه مسائل گوناگون زندگی بخواند و بشنود. این، در سایه انس با قرآن انجام خواهد گرفت، و الا این گونه نیست که هر کس قرآن را بدون هیچ انسی باز کند و یک مطلبی را از درون آن پیدا کند؛ نه خیلی اوقات قرآن دست نمی دهد. دل نمی تواند خود را به مفاهیم قرآنی و معانی قرآنی نزدیک کند؛ ولی انس که باشد، این عملی خواهد شد. پس این ها مقدمه برای انس با قرآن است.

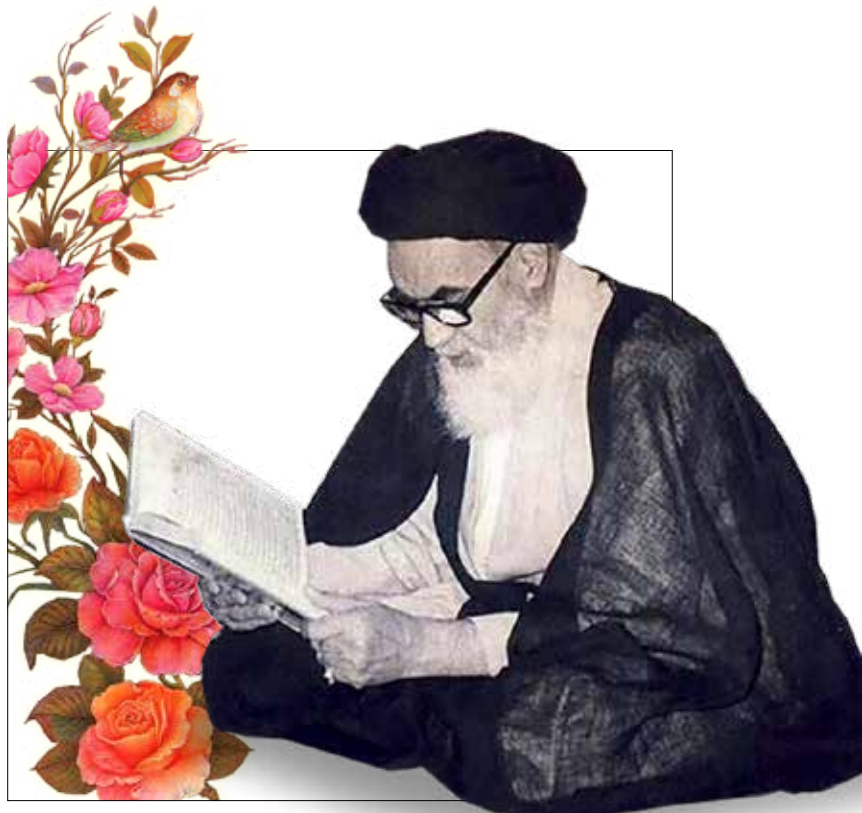
رهبر معظم انقلاب مدّ ظله، جایی دیگر، اسباب بازگشایی گره ها را تدبیر در حکمت های قرآنی دانسته و چنین توصیه می کند: باید به قرآن نزدیک شد. شما جوان های عزیز و

کتاب انسان‌سازی

از آن طرف قرآن هم که کتاب زنده الهی است، آن هم آن قدری که دنبال این بوده است که تہذیب کند مردم را، دنبال چیزهای دیگر نبوده است. اصلاً، می‌شود گفت که قرآن برای همین مقصد آمده است؛ برای اینکه بشر به این مطلب از همه چیز بیشتر احتیاج داشتند. قرآن کتابی است برای انسان‌سازی، در تمام مراحل که انسان طی می‌کند، قرآن در همه مراحلش دعوت دارد و راه دارد. و تمام قصه‌هایی که در قرآن نقل شده است. گاهی هم تکرار شده است، برای این بوده است که مسئله اهمیت داشته است. این قصه‌ها راهنمای مردم بوده است و برای تہذیب بوده است. قرآن کتاب احکام نیست؛ کلیات را، کلیات احکام را، اصولش را ذکر فرموده است آن هم نه به طور تمام آن.

قرآن کتاب دعوت است و کتاب اصلاح یک جامعه است که بعد از اینکه به قرآن اصلاح شد جامعه، به سنت نبی و اخبار وارده از طرف پیغمبر اکرم به وسیله ائمه هدی و روایت آنها عمل بشود. از این جهت، این دو نکته اسباب این می‌شود که ما توجه به این بکنیم که هم خودمان را تہذیب بکنیم؛ برای اینکه اهمّ امور این است نزد اسلام و اگر علم بلا تہذیب باشد ضررش از جهل بدتر است، هم خودمان را تہذیب بکنیم و هم خودمان را متوجه به حق تعالی و احکام حق تعالی بکنیم و هم جامعه را به این راه دعوت کنیم که الحمدلله، امروز تقریباً همه مسائل تہذیبی و مسائل اخلاقی قابل دعوت است و هیچ مانعی از این نیست. اگر سابق شما می‌خواستید که بعضی از احکام الهی را منتشر کنید یا بعضی از اخلاق فاسده را ذکر بکنید، حتی در یک جای محدود هم نمی‌توانستید؛ برای اینکه آنهایی که مخالف شما بودند آن قدر فاسد بودند که شما از هر صفت زشتی که اسم می‌بردید، آن‌ها به ریش می‌گرفتند و جلوی شما را می‌گرفتند و امروز بحمدالله این فرصت برای ما، برای شما آقایان علما، برای همه علمای اسلام در ایران پیش آمده است که راه باز است برای مہذب کردن مردم و دعوت مردم به صلاح. بنابراین، آن چیزی که در رأس همه امور است، برای همه ماها اول تہذیب نفس است و در خلال او تہذیب مردم است.

اگر انسان خودش مہذب نباشد نمی‌تواند دیگران را تہذیب کند، حرف اثر ندارد... تمام آن مسائلی که در اسلام است حتی مسائل سیاسی اش، مسائل تہذیبی است، برای درست کردن آدم است. ما نباید همه مسائل را حالا دنبال مسائل سیاسی قرار بدهیم. باید همه مسائل را دنبال مسائل اسلامی و خصوصاً، این وجهه تہذیب مردم قرار دهیم. شما ملاحظه می‌فرمایید که لحن قرآن در این باب از همه ابواب دیگر زیادتر و بیشتر تأکید در آن دارد؛ چندین آیه قسم هست و بعدش «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهُ وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهُ». این به ما می‌فهماند که اساس مسائلی که همه چیز به آن درست می‌شود، آن تہذیب است و اساس همه مسائلی که انحرافی است، این عدم تہذیب است و «دستی» در نفس انسان است، «دستی» شیطان است؛ بنابراین، باید ما سرلوحه همه امورمان را این قرار بدهیم. □



کتابِ اصلاحِ جامعه

بنیانگذار انقلاب اسلامی در یکی از دیدارهایی که با ائمه جماعات داشتند در خصوص نقش قرآن در تہذیب فردی و اجتماعی سخنانی را بیان فرمودند. مطلب زیر گزیده‌ای از این بیانات است. ■

ما باید ببینیم که بیشتر صدمه‌ای که اسلام خورده است از چه خورده است و از چه گروهی و بیشتر چیزی که اسلام به او اهمیت داده است چه امری است تا راه باز بشود برای کوشش ما که در این امری که اهتمام دارد اسلام در آن، کوشش کنیم و جلوی آن چیزهایی که بر اسلام وارد شده است، صدماتی که بر اسلام وارد شده است، ان شاء الله، جلوی گرفته بشود. من گمان می‌کنم که آن چیزی که به اسلام بیشتر از همه چیز ضرر زده است عدم تربیت صحیح است، تحقق پیدا نکردن تہذیب و اخلاق اسلامی است.

اگر شما در طول تاریخ اسلام بلکه همه انبیا توجه کنید و البته توجه دارید، آن قدری که اسلام از این اشخاص منحرف و غیر مہذب صدمه خورده است و تمام ادیان صدمه دیده‌اند، از هیچ چیز دیگر ندیده‌اند. اصل اساس آن چیزی که به مکتب‌های توحیدی ضرر رسانده است و مانع شده است از اینکه رشد پیدا کنند، همین غیر مہذب بودن بود؛ گاهی از طرف اشخاصی که علم دارند و مہذب نیستند و بیشتر هم از طرف اشخاصی که جاهل بودند و مہذب نبودند.

توصیه امام خمینی (ره) به فرزندشان



نامه محبوب محبوب است

امام خمینی (ره) در یکی از نامه‌هایشان در اوایل دهه ۶۰ خطاب به فرزند گرامی‌شان حجت الاسلام والمسلمین سید احمد خمینی نکاتی را درباره قرآن بیان فرموده‌اند که بخش‌هایی از آن را مرور می‌کنیم. ■

آنان که به این مقام یا شبیه به آن رسیده‌اند اعتزال از خلق وانزوا اختیار نمی‌کنند، بلکه مأمور به آشنا نمودن و آشتی دادن گمراهان، با این جلوه‌ها هستند، اگر چه کم توفیق یافته‌اند. و آنان که با رسیدن به بعضی مقامات و نوشیدن جرعه‌ای از خود بی‌خود شدند و در صغق باقی مانده‌اند گرچه به کمالاتی بزرگ راه یافته‌اند لکن به کمال مطلوب نرسیده‌اند. موسی کلیم. صلوات الله و سلامه علیه. که از تجلی حق به حال صغق افتاد با عنایت خاصه آفاقه یافت و مأمور خدمت شد، و رسول الله خاتم با رسیدن به مرتبه عالی انسانیت و آنچه در وهم کس نیاید، به مظهریت اسم جامع اعظم با خطاب «یا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ. قُمْ فَأَنْذِرْ» مأمور هدایت شد. پسر عزیزم! آنچه اشاره کردم با آن که خود، هیچم و از هیچ هیچ‌تر، برای آن است که اگر به جایی نرسیدی انکار مقامات معنوی و معارف الهی را نکنی و از کسانی باشی که دوستدار صالحین و عارفین باشی هر چند از آنان نیستی و با دشمنی دوستان خدای متعال از این جهان رخت نبندی. فرزندم! با قرآن این بزرگ کتاب معرفت آشنا شو اگر چه با قرائت آن؛ و راهی از آن به سوی محبوب باز کن و تصوّر نکن که قرائت بدون معرفت اثری ندارد که این وسوسه شیطان است. آخر، این کتاب از طرف محبوب است برای تو و برای همه کس، و نامه محبوب محبوب است اگر چه عاشق و محب مفاد آن را نداند و با این انگیزه حبّ محبوب که کمال مطلوب است به سرعت آید و شاید دستت گیرد. ما اگر در تمام لحظات عمر به شکرانه این که قرآن کتاب ماست به سجده روییم از عهده برنیامد ایم. ■

قرآن این کتاب معرفت الله و طریق سلوک به او، با دست دوستان جاهل از طریق خود به انحراف و انزوا کشیده شد و آرای انحرافی و تفسیرهای به رأی که آن همه ائمه اسلام. علیهم السلام. از آن نهی فرمودند، در آن راه یافت و هر کس با نفسانیت خود در آن تصرف نمود. این کتاب عزیز در محیطی و عصری نازل شد که تاریک‌ترین محیط و عقب افتاده‌ترین مردم در آن زندگی می‌کردند و به دست کسی و قلب الهی کسی نازل شد که زندگی خود را در آن محیط ادامه می‌داد، و در آن حقایق و معارفی است که در جهان آن روز چه رسد به محیط نزول آن. سابقه نداشت و بالاترین و بزرگ‌ترین معجزه آن همین است.

آن مسائل بزرگ عرفانی که در یونان و نزد فلاسفه آن سابقه نداشت و کتب ارسطو و افلاطون بزرگ‌ترین فلاسفه آن عصرها از رسیدن به آن عاجز بودند، و حتی فلاسفه اسلام که در مهد قرآن کریم بزرگ شدند و از آن استفاده‌ها نمودند به آیاتی که صراحت زنده بودن همه موجودات جهان را ذکر کرده، آن آیات را تأویل می‌کنند، و عرفای بزرگ اسلام که از آن ذکر می‌کنند همه از اسلام اخذ نموده و از قرآن کریم گرفته‌اند، و مسائل عرفانی به آن نحو که در قرآن کریم است در کتاب دیگر نیست.

و اینها معجزه رسول اکرم است که با مبدأ وحی آن طور آشنایی دارد که اسرار وجود را برای او بازگو می‌نماید و خود با عروج به قلّه کمال انسانیت حقایق را آشکارا و بدون هیچ حجاب می‌بیند و در عین حال در تمام ابعاد انسانیت و مراحل وجود، حضور دارد و مظهر اعلاى «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ» می‌باشد، و می‌خواهد همه انسان‌ها به آن برسند و چون نرسیده‌اند گویی رنج می‌برد، و شاید «ما أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى» اشاره لطیفه‌ای به آن باشد و شاید ما اودی نیی مثل ما اودیت نیز مربوط به همین معنی باشد.

ماجرای تدوین و انتشار کتاب
«طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن»

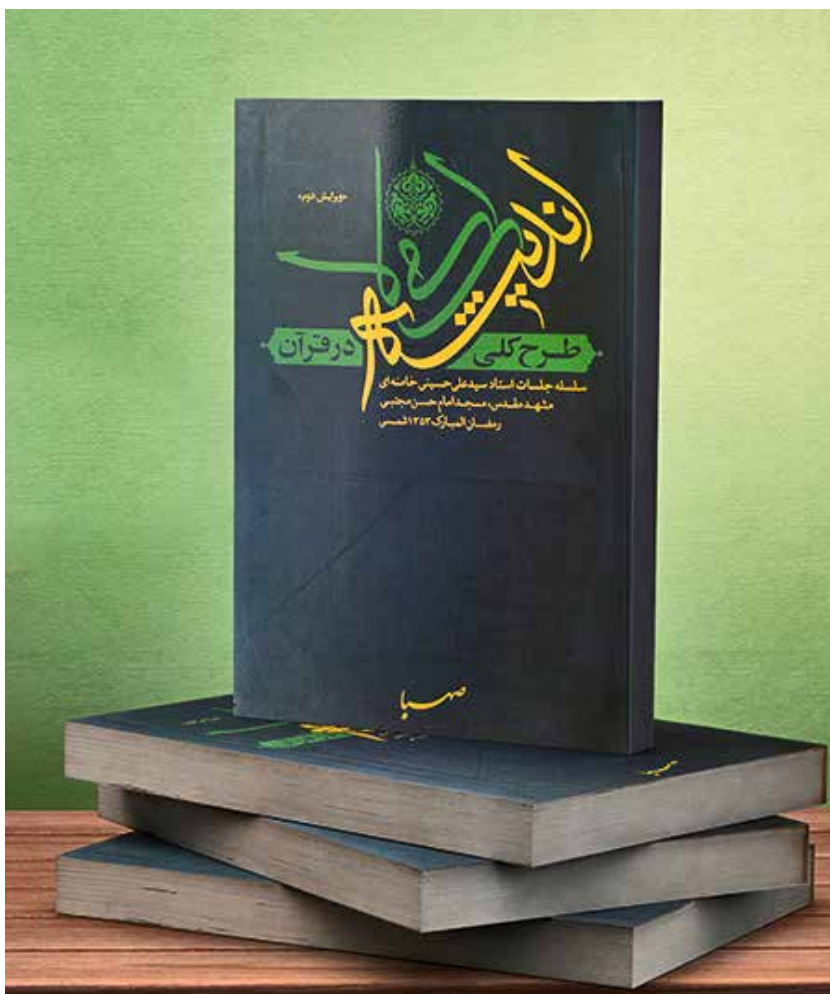
پایه‌های فکری برای ایجاد یک نظام اسلامی

ماجرای کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» به رمضان سال ۱۳۵۳ شمسی باز می‌گردد. پس از تعطیلی جلسات آیت‌الله خامنه‌ای در مسجد کرامت مشهد در اسفند سال ۱۳۵۲ به وسیله ساواک، ایشان بسته و گریخته در میعادگاه‌های مختلفی به سخنرانی و تبلیغ می‌پرداختند. با این حال ایشان از همان روز نخست بعد از تعطیلی مسجد کرامت، اقامه نماز جماعت در مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام را به عهده گرفتند. البته هنوز امکان ارائه یک برنامه منسجم وجود نداشت و تنها شب‌های شنبه بود که آیت‌الله خامنه‌ای به سخنرانی می‌پرداختند. در این مطلب به داستان شکل‌گیری و انتشار این اثر رهبر معظم انقلاب می‌پردازیم. ■

به مرور زمان، کار مسجد امام حسن علیه السلام رونق گرفت. به اندازه‌ای که کوچکی مسجد، گنجایش علاقه‌مندان به سخنرانی‌های آیت‌الله خامنه‌ای را نداشت. ایشان در همین باره می‌گویند: «با شروع نماز جماعت در آن مسجد کوچک که به تعبیر حدیث شریف همچون مفتح قطاه (آشیانه مرغ سنگ خوار) بود، طلاب و کسبه به آن روی آوردند، به طوری که دیگر جایی نبود و متولیان مسجد مجبور شدند آن را توسعه دهند، به حدی که وسعت آن از مسجد کرامت هم بیشتر شد. من به خاطر حساسیت زیادی و با لاقفل کم کردن آن، فقط شب‌های شنبه در آنجا نماز می‌خواندم و درس‌هایی از نهج البلاغه ایراد می‌کردم که جمع زیادی در آنها شرکت می‌کردند.»

به این ترتیب بود که پیشنهاد آیت‌الله خامنه‌ای برای توسعه مسجد قبول عام پیدا کرد. خیلی زود قبض‌های کمک به طرح توسعه به فروش رفت و حتی به ربالی از وجوهات شرعی و سهم امامی که در اختیار ایشان قرار می‌دادند نیازی نشد. هم‌زمان با همین کوشش‌ها بود که آیت‌الله خامنه‌ای طرح تازه‌ای برای سخنرانی‌ها و مباحثشان در مسجد امام حسن علیه السلام ریختند: «طرح تبیین رؤس و اصول کلی اندیشه اسلامی با تکیه بر قرآن کریم». در این طرح قرار بود اصول اصلی اعتقادات اسلامی مستند به آیات قرآن بررسی و تبیین شود؛ به عبارت دیگر یک تفسیر موضوعی قرآن کریم به شمار می‌آمد. ماه رمضان سال ۱۳۵۳ شمسی، بهترین زمان برای ارائه این مباحث بود. این‌گونه بود که مقدمات کار فراهم آمد: «ماه رضانی که عرض می‌کنم خدمت شما تازه مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام را بازسازی هم کرده بودند. هنوز کامل نبود که ماه رضانی شد و کل ماه رمضان ظهرها ایشان در مسجد یک بحث سنگین و عمیق را شروع کردند که جمعیت هم خیلی استقبال می‌کرد. مسجد پر بود. پشت مسجد یک گاراژی بود که همین الان هم هست، آنجا هم افراد می‌آمدند، می‌نشستند و استفاده می‌کردند. چون داخل جا نبود ما هم که جوان بودیم ظهرها برای نماز به آنجا می‌رفتیم. سلسله مباحثی را که ایشان آنجا بحث کردند - که این کتاب طرح کلی اندیشه‌های اسلامی در قرآن چکیده همان مباحث ماه رمضان ایشان است - عمدتاً مباحث زیربنایی اعتقادی است؛ یعنی بحث توحید هست، نبوت و ولایت که به این سه تا محور بیشتر نتوانستند برسند و عمدتاً هم با استفاده از آیات قرآن مجید بود.»

رهبر معظم انقلاب، خود درباره اهداف و چگونگی آن برنامه و سخنرانی‌ها این‌طور توضیح می‌دهند: «بنده یک ماه رمضان در مسجد امام حسن مشهد سخنرانی مستمر سی جلسه‌ای داشتم. آن زمان به ضبط سخنرانی‌ها خیلی اهمیت داده نمی‌شد؛ اما استثناً همه این سی سخنرانی ضبط شده است. در آن سخنرانی‌ها راجع به توحید، امامت، ولایت، نبوت و سایر مباحث اساسی بحث شده است که الان هم آنها را تأیید می‌کنم. این‌ها پایه‌های فکری برای ایجاد یک نظام اسلامی بود؛ اگرچه ما آن موقع امیدوار نبودیم که نظام اسلامی شش، هفت سال دیگر محقق



کنار انتقادهای بعضاً تند و گزنده‌ای به مباحث داشت. انتقادهایی که امثال آیت‌الله مطهری هم به دلیل برخی آثار نوآورانه و بدیع خود از آن بی‌نصیب نمی‌ماند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای خود راوی خوبی برای این فضای گزنده و پرتردید به شمار می‌آیند: «من یادم می‌آید توی همین تهران بعضی از علماء و بسیاری از مردم با مرحوم مطهری سرهمین قضیه [کتاب] حجاب در افتادند. من در مشهد یک بحثی کردم در باب ولایت، یک برداشت جدیدی از کلمه ولایت و مسأله ولایت که ماه رمضان بود و بحث‌هایی برای جوان‌ها می‌کردیم آن وقت‌ها را جمع به توحید و نبوت و چه و از جمله ولایت، یک بحث قرآنی خیلی خوب و کاملی بود بعد هم چاپ شد یعنی؛ خلاصه‌اش هم یک جایی چاپ شد، اصل سخنرانی‌ها هم بعد از انقلاب درآوردند چاپ کردند.

یک عده‌ای در مشهد جنجال علیه من به راه انداختند که چرا در زیر کلمه ولایت فلانی این حرف‌ها رازده در حالی که این منکر به معنای انکار آن ولایتی که آنها می‌گفتند که نبود، آن‌ها می‌گفتند ولایت یعنی محبت. خب ما محبت ائمه را که قبول داریم؛ ولایت یعنی اعتقاد به امامت علی. این را که ما قبول داشتیم یک چیزهایی علاوه بر اینها ما از کلمه ولایت پیدا کرده بودیم. من آیات ولایت را در قرآن جمع کردم؛ آیاتی که در آن کلمه ولایت بکار برفته است «هنالک الولاية لله» مثلاً فرض کنید آیات متعددی را، از این کلمات یک برداشت جدیدی از کلمه ولایت را من عرضه کردم مطرح کردم. خب این باید مغتنم شمرده بشود. در عالم پزشکی اگر یک نفری بیاید فرض بفرمائید درباره حصه یک ایده جدیدی را مطرح کند که اضافه بر معلومات قبلی باشد با او چه جوری رفتار می‌کنند؟ خب احترامش می‌کنند، تکریمش می‌کنند.»

□ کنترل‌های شدید ساواک

گروه دوم که به شدت برنامه مسجدامام حسن مجتبی علیه‌السلام را زیر نظر داشتند، نهادهای امنیتی رژیم پهلوی و به‌ویژه سازمان اطلاعات و امنیت (ساواک) بودند. محتوای سیاسی‌ای که از برخی فقره‌های سخنان آیت‌الله خامنه‌ای برداشت می‌شد و پیشتر هم در گفتارهای شرح نهج‌البلاغه تجربه شده بود، حساسیت ساواک را به شدت برمی‌انگیخت.

سخنرانی روزهای ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ و ۲۲ مهرماه ۱۳۵۳، که با موضوع «ولایت مطلقه امام» مطرح شد یکی از همین فقره‌های حساسیت برانگیز بود. آیت‌الله خامنه‌ای در این سخنرانی‌ها با تأکید بر اینکه ولی، حاکم مطلق، فرمانروای مردم، باید از طرف خدا منصوب شود، گفت که نقش ولی و امام مانند جان در بدن انسان است. جامعه بدون امام مانند کالبد بی‌جان است. «ولی را خدا معرفی می‌کند، مانند ۱۲ امام، ولی بعد از امام را امام زمان معرفی کرده است. کسی که جانشین من است، چهار شرط باید داشته باشد: صائناً لنفسه، حافظاً لأئینه، مخالفاً لئوهو و مطیعاً لأمر مولاه» آیت‌الله خامنه‌ای پس از قرائت این نکته خطاب به حاضران گفت: «با این بیان،



.....

مباحث طرح کلی

اندیشه اسلامی در

قرآن، واکنش‌های

گونگونگی را

برانگیخت. افزون

بر علاقه‌مندان و

مستمعان مباحث

که ارتباط خوبی

با محتوا و روش

ابتکاری ارائه آن

برقرار کرده بودند،

دو گروه‌اما تلقی

چندان مثبتی

از این برنامه

نداشتند. گروه

نخست، بخشی

از بدنه مذهبی

آن روزهای شهر

مشهد بود که

با دیده تردید

به نوآوری‌های

مباحث آیت‌الله

خامنه‌ای

می‌نگریست و

در گوشه و کنار

انتقادهای بعضاً

تند و گزنده‌ای به

مباحث داشت

شود. می‌گفتم اگر پنجاه سال دیگر هم ایجاد نشود، بالاخره پایه‌های فکری‌اش اینهاست. آن کار، جهت دادن به فکر نسل جوان آن روز بود».

□ بدیع و ابتکاری

مباحث مطرح‌شده در این جلسات یک ویژگی منحصر به فرد هم داشت که شاید در میان بیشتر کارهای تبلیغاتی - مبارزاتی یاران امام خمینی رحمه‌الله یگانه بود: «روش طرح و بحث» مطالب از سوی آیت‌الله خامنه‌ای به شکلی بدیع و ابتکاری پایه‌ریزی شده بود. به گفته یکی از حاضران در این جلسات، «روش هم این بود که قبلاً خلاصه درس را می‌نوشتند، بعد اینها پلی‌کپی می‌شد، تکثیر می‌شد و قبل از درس در همان جا به افراد فروخته می‌شد. افرادی که دوست داشتند می‌خریدند، جلویشان می‌گذاشتند و درس را هم گوش می‌کردند. سخنرانی بیشتر به درس شباهت داشت. در حقیقت درس بود گرچه سخن شکل سخنرانی داشت. برخی از مخاطبان سرپا می‌ایستادند. جمعیت هم بعد از نماز مغرب، عشا و ظهر ماه رمضان می‌نشستند استفاده می‌کردند.»

یکی دیگر از ویژگی‌های این روش تدریس و بحث، شرکت دادن مخاطبان و جوانان از طریق «کنفرانس دادن مطالب جلسه پیشین» بود؛ «مسجد امام حسن مجتبی علیه‌السلام هم، محل حضور و تجمع نیروهای انقلابی، بازاری، تحصیل‌کرده حوزوی و دانشجویی بود. آنجا، از جمله مواردی که تدریس فرمودند، نهج‌البلاغه و درس و طرح کلی اندیشه‌های اسلام بود. آنجا خیلی کلاسی تر کار می‌شد. به این معنا که بیانات ایشان را، جوان‌های حاضر یادداشت می‌کردند و جلسه بعد، کنفرانس می‌دادند. در واقع، تربیت انسان‌های آگاه به معارف دینی به تمام معنا بود.

در همین رابطه، یکی از شاگردان مشهد آیت‌الله خامنه‌ای، برداشت شخصی جالب یکی از مستمعان حاضر در جلسات از سیمای آیت‌الله خامنه‌ای و روش طرح مباحث ایشان را به یاد دارد که در نوع خود شنیدنی است: «آیت‌الله خامنه‌ای جلوی تخته می‌نشستند و شروع می‌کردند به نوشتن. عبا‌ی ایشان که افتاد یک کسی پهلوی من بود، گفت - آن زمان برای ما سید جمال‌الدین اسدآبادی یک الگو بود-، گفت که: «سید جمال!» سیمای آقا را از پشت که نگاه کرد گفت اصلاً سید جمال زنده شده است. ای کاش که موفق باشد، سید جمال که موفق نشد. نحوه دستشان را وقتی که می‌نوشتند و صحبت می‌کردند حالت اینجوری داشتند.

□ واکنش‌های منفی

مباحث طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، واکنش‌های گوناگونی را برانگیخت. افزون بر علاقه‌مندان و مستمعان مباحث که ارتباط خوبی با محتوا و روش ابتکاری ارائه آن برقرار کرده بودند، دو گروه‌اما تلقی چندان مثبتی از این برنامه نداشتند. گروه نخست، بخشی از بدنه مذهبی آن روزهای شهر مشهد بود که با دیده تردید به نوآوری‌های مباحث آیت‌الله خامنه‌ای می‌نگریست و در گوشه و

[جانشین] امام زمان [را] خودتان فکر کنید، قالب‌گیری نمایید و اندازه‌گیری کنید و از آلیوم [علمای بزرگ] آن را انتخاب کنید... قضاوت با خودتان. انتخاب ولی با خود شما. «سخنان وی به قدری آشکار بود که گزارشگر ساواک در پایان گزارش خود نوشت: «منظور [آیت‌الله] خامنه‌ای از جانشین امام، در این شرایط، [امام] خمینی است.»

در گزارشی که هنگام انتشار نسخه نخست «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» نوشته شده هم به رویکردهای ضد رژیم آیت‌الله خامنه‌ای اشاره شده است: «آقای سیدعلی خامنه‌ای، امام جماعت سابق مسجد کرامت (واقع در چهارراه نادری) به علت تبلیغات علیه حکومت وقت و پشتیبانی از آیت‌الله خمینی چندین ماه به زندان رفت و اخیراً از زندان آزاد شد. او کتاب‌هایی که اخیراً نوشته و یا می‌نویسد [را] به نام سیدعلی حسینی چاپ و منتشر می‌کند، برای اینکه او را شناساند؛ چون که او به سیدعلی خامنه‌ای معروف است نه سیدعلی حسینی. از جمله [در] کتابی به نام (طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن) همین کار را کرد.»

در گزارشی دیگر تلقی ساواک از مباحث مطرح شده در این جلسات به روشنی آمده است. گزارشگر ساواک معتقد است که آیت‌الله خامنه‌ای در این سخنرانی‌ها «به تشریح اصول انقلابی قرآن و به طور کنایه در لفافه به تشویق و تحریک مردم و به پایداری [در برابر] اختلافات طبقاتی» می‌پردازد. به اعتقاد او «در پس این نشست‌ها سازماندهی دیگری وجود دارد که این جوانان را تبدیل به گلوله‌های آتشین می‌کند. هر کس قدری دقت و توجه به وضع مجلس مزبور... و نحوه اعمال و گفتار اکثر حضار می‌نمود، درمی‌یافت که جوان‌ها... [که] بیش از صد نفر بوده و هر دانشجوی و کارگر و کارمند جزء و دهاتی‌هایی که در یکی دو سال اخیر به مشهد کوچ کرده‌اند بوده و به طوری که... می‌گویند این گروه به طور مدام آموزش می‌بیند و تبلیغات آن چنان مؤثر است که جوانان را به صورت گلوله آتش درآورده و از هیچ چیز ترس ندارند. مبلغین گروه به عنوانی مختلف ثابت می‌کنند که در حال حاضر دستگاه دولتی از حکومت یزید پلیدتر و بدتر است و گفته می‌شود که شماها مانند امام حسن علیه‌السلام و علی اکبر حسین علیه‌السلام هستید؛ دستگیری و احیاناً مرگ برایتان افتخار است و تمام اعضاء وابسته، با ایمان را سخ این ادعا را قبول دارند.

۱ تا افغانستان

مجموعه مباحث آیت‌الله خامنه‌ای در چند مرحله برای چاپ آماده شد و به انتشار رسید. در ابتدا کتابچه‌ای از خلاصه مباحث در سال ۱۳۵۴ منتشر شد. اما صورت کامل و پیاده شده همه سخنرانی‌ها به بعد از انقلاب اسلامی بازمی‌گردد. البته پیش از انقلاب هم به توصیه شخص آیت‌الله خامنه‌ای کار پیاده‌سازی سخنرانی‌ها آغاز شده بود اما به دلیل تهدیدهای ساواک ناتمام ماند. مرحوم علی‌جان زاهدی، معاون حزب وحدت اسلامی افغانستان و از شاگردان رهبر معظم انقلاب، درباره این پیاده‌سازی ناتمام می‌گوید: «ایشان می‌گفتند که



در گزارشی که

هنگام انتشار

نسخه نخست

«طرح کلی

اندیشه اسلامی در

قرآن» نوشته شده

هم به رویکردهای

ضد رژیم آیت‌الله

خامنه‌ای اشاره

شده است:

«آقای سیدعلی

خامنه‌ای، امام

جماعت سابق

مسجد کرامت

(واقع در چهارراه

نادری) به علت

تبلیغات علیه

حکومت وقت

و پشتیبانی از

آیت‌الله خمینی

چندین ماه به

زندان رفت و

اخیراً از زندان

آزاد شد. او

کتاب‌هایی که

اخیراً نوشته و یا

می‌نویسد [را]

به نام سیدعلی

حسینی چاپ

و منتشر می‌کند،

برای اینکه او را

نشناسند؛ چون

که او به سیدعلی

خامنه‌ای معروف

است نه سیدعلی

حسینی.

این کتاب را من خلاصه کردم ولی بسیار خلاصه شده. به این خاطر دستور دادند که نوارهایی از این سخنرانی‌ها را من پیاده کنم. ما یک دوستی داشتیم به نام سیدحیدر محمودی. ایشان نویسنده بود، شاعر بود و متفکر بود. ایشان وظیفه گرفت که این سخنرانی‌ها را خلاصه کند. شش سخنرانی پیاده شد و ایشان خلاصه کردند و بردند خدمت آقا، آقا پسندیدند. بعد گفتند کار را به همین ترتیب شما ادامه بدهید. نوارهای سخنرانی را آقا آدرس دادند از یک مغازه‌ای به نام سعید [آقای سیدمرتضی فاطمی]، برو از آنجا بگیر. رفتیم آنجا بسیار با ترس و لرز رفتیم. می‌ترسیدیم از ساواک؛ ساواک تعقیب می‌کرد ما را. نوارها را گرفتیم و خلاصه پیاده کردیم و بعد آن دوست ما پنج - شش نوار را خلاصه کردند و خدمت آقا بردند، و آقا هم پسندیدند. بعد ما تحت نظر ساواک بودیم و حمله صورت گرفت، هشت نفر از رفیقان ما را گرفتند و مافزار کردیم به افغانستان، و این کار ناتمام ماند.»

پس از وقوع انقلاب اسلامی، باز هم تادمات‌ها انتشار متن کامل سخنرانی‌ها ممکن نشد. البته بخش‌هایی از آن، در قالب جزوه‌ها و کتابچه‌هایی در دسترس قرار می‌گرفت که نمونه آن، جزوه و کتابچه «ولایت»، محصول حزب جمهوری و سازمان تبلیغات اسلامی است که مطالب فصل ولایت از سخنرانی‌ها را دربر می‌گرفت. با این حال پس از مدتی که حتی همین کتابچه‌ها هم نایاب شده بودند، مجموعه سخنرانی‌ها در سال ۱۳۹۲ در قالب کتابی با همان نام «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» از سوی «مرکز صهبا» منتشر شد. □



معرفی تفسیر سوره برائت، اثر رهبر معظم انقلاب

تربیت دلاور مردان مبارز

کتاب تفسیر سوره برائت از منظر حضرت آیت الله خامنه‌ای سال گذشته توسط انتشارات دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب اسلامی منتشر و در اختیار علاقمندان قرار گرفت. مطلب زیر به معرفی این کتاب می‌پردازد.

یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های انقلابی و مبارزاتی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای در سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و در سخت‌ترین شرایط امنیتی حاکم بر جامعه آن روزگار، برگزاری جلسات تفسیر و بیان مفاهیم معرفتی قرآن کریم برای عموم مردم به خصوص نسل جوان طلبه و دانشجو بود. این جلسات بارها توسط مأموران امنیتی رژیم طاغوت پهلوی مورد تهدید و تعطیلی قرار گرفت، اما با عزم و مجاهدت معظم له و اشتیاق مخاطبان آن، ادامه یافت و رنج دستگیری و تجربه زندان شاهنشاهی در این عزم، خللی وارد نکرد.

از پاییز سال ۱۳۵۰ جلسات تفسیر آیت الله خامنه‌ای برای طلاب در مدرسه «میرزا جعفر» مشهد آغاز شد. این جلسات از همان ابتدا نگرانی رژیم را برانگیخته بود به طوری که در اسناد ساواک، از ایشان به عنوان «فردی ناراحت و غیرقابل اصلاح» که «بالاخره باید از حوزه علمیه طرد گردد» یاد شده است. در این جلسات سوره‌های مبارکه مائده، انفال، برائت و آیاتی از سوره مبارکه یونس مورد تفسیر و تبیین قرار گرفت. تفسیر سوره مبارکه برائت از اوایل سال ۱۳۵۱ آغاز شد و حدوداً تا بهمن ۱۳۵۱ - برابر با محرم الحرام ۱۳۹۳ هجری قمری - ادامه یافت.

این درس تفسیر که یکی از دو درس تفسیر در حوزه علمیه مشهد در آن روزگار بود، به طور معمول در روزهای تعطیلی دروس رسمی حوزه یعنی پنجشنبه‌ها و جمعه‌ها در «مدرسه میرزا جعفر» از مدارس علمیه در محدوده حرم مطهر و بعدها در مسجدی در «پایین خیابان» و سپس «مسجد قبله» برگزار می‌شد.

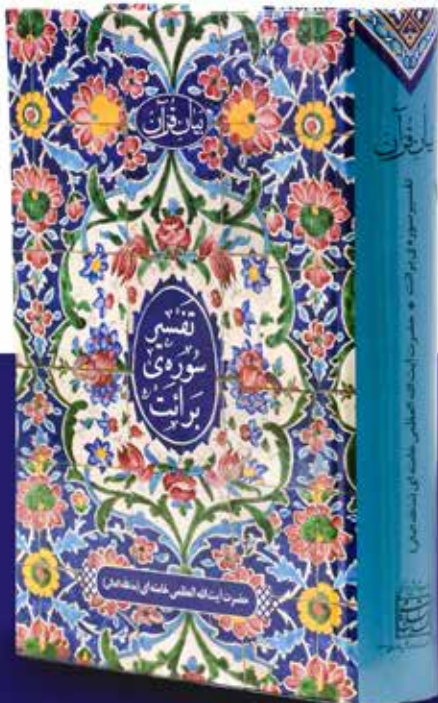
این جلسات که در فضای خفقان و اختناق شاهنشاهی برگزار می‌شد، واجد مضامینی اجتماعی و هدایتی، شورانگیز و انقلابی، غنی و سرشار از نکات تربیتی ناب بود که دل و جان مشتاقان جوان را از زلال معارف ناب قرآنی سیراب می‌کرد و به مانند سایر درس‌ها و سخنرانی‌های ایشان در آن صفاً به بیان مطالب و معارف فرعی اسلام بسنده نمی‌شد بلکه آموزه‌های مهم دینی، چون لزوم حاکم شدن دین بر جامعه و مبارزه با طاغوت در آن‌ها تبیین و تصریح می‌شد. نتیجه حضور افراد در این جلسات، اعتقاد مستحکم آنان به لزوم مبارزه با رژیم شاهنشاهی و براندازی آن و جایگزین کردن حکومتی بر پایه دین بود.

مأمور ساواک در گزارشی درباره جلسات درس و سخنرانی معظم له برای دانشجویان در

مسجد امام حسن (علیه السلام) می‌نویسد: «این گروه به طور مداوم آموزش می‌بیند و تبلیغات آن چنان مؤثر است که جوانان را به صورت گلوله آتش درآورده و از هیچ چیز ترس ندارند. مبلغین گروه به عناوین مختلف ثابت می‌کنند که در حال حاضر، دستگاه دولتی از حکومت یزید پلیدتر و بدتر است و گفته می‌شود که شماها مانند امام حسن [علیه السلام] و علی اکبر حسین [علیه السلام] هستید؛ دستگیری و احیاناً مرگ برایتان افتخار است و تمام اعضای وابسته، با ایمان راسخ این ادعا را قبول دارند.» شاید انتخاب سوره‌هایی با مضامین اجتماعی مثل سوره برائت نیز به همین دلیل بوده است.

آنچه از جلسات درس تفسیر سوره برائت باقی است دو نوشته است: نخست متن و اصل از پیاده‌سازی نوار صوتی دروس که همان زمان توسط جناب حجت الاسلام و المسلمین حسن ربانی راد فردوسی، ضبط و پیاده‌سازی شده است. دیگر، یادداشت‌های جناب حجت الاسلام و المسلمین محمد باقر داوودی که در جلسه درس در دفتری می‌نگاشته است.

پیش از این و در سال ۱۳۹۳ مجموعه مبانی و قواعد تفسیری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای برگرفته از متون این جلسات تفسیری به صورت کتابی مستقل، استخراج و با عنوان «مروری بر مبانی، روش و قواعد تفسیری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای در تفسیر سوره توبه» توسط انتشارات انقلاب اسلامی منتشر شده است. برای تکمیل فایده، آن کتاب به ابتدای متن تفسیر سوره مبارکه برائت افزوده شده است. □



تفسیر سوره برائت

تعداد صفحات: ۸۲۵

انتشارات انقلاب اسلامی به منظور بهره‌مندی

عموم مردم از اندیشه‌ی قرآنی

حضرت آیت الله خامنه‌ای متن دروس تفسیر

ایشان را در این کتاب منتشر کرده است.

زمان تقریبی برای مطالعه هر بخش: ۱۲ تا ۱۸ دقیقه

گزیده‌ای از بیانات رهبری در محفل انس با قرآن کریم

قرآن نیاز امروز ما است



افزایش جلسات قرآنی
در خانه‌ها، مساجد و
حسینیه‌ها



تلوت هنری قرآن با
رعایت دقت و توجه به
تفہیم معانی



توجه به باطن قرآن
باتدبیر در آن و توجه به
کلمات و مفاهیم



افزایش جلسات
تفسیر قرآن و انس
بامعارف آن



قرآن بر سر آن‌ها داد کشیده؛ این را باید مردم بفهمند. اینکه قرآن به ما [می‌گوید]: «وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمْ النَّارُ؛ اعتماد نکنید به ظالمین، این همین گرفتاری امروز مردم دنیا است. اعتماد می‌کنند، پدرشان درمی‌آید. دیدید در بعضی از این کشورهای عربی یک حرکت خوبی انجام گرفت، یک مبارزه خوبی به وجود آمد، یک غوغایی به پا شد، یک بیداری ای به وجود آمد، منتها مثل شعله‌ای که بیابند روی آن خاکستر بپریزند و خاک بپریزند، خاموش شد؛ چرا؟ چون «لَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا» را عمل نکردند. رکون کردند به آمریکا، به رژیم صهیونیستی؛ نفهمیدند چه کار باید بکنند، [لذا] این جور می‌شود.

اگر چنانچه خدای متعال به یک ملت کمک می‌کند و آن ملت قدر آن کمک را ندانستند، کتکش را می‌خورند، سیلی اش را می‌خورند؛ باید قدر بدانند. ملت ما بحمدالله از روز اول قدر دانست. این حرکت عظیم ملت ما، این بقای انقلاب، این ایستادگی این ملت و عزت روزافزون این ملت، این پیشرفت فوق‌العاده این کشور به خاطر همین است که این ملت به برکت وجود امام بزرگوار به این چند جمله از آیات قرآن عمل کرد؛ او به ما یاد داد. خود او دلش پُر بود از ایمان به الله، سرشار و لبریز بود از ایمان به خدا و معارف قرآنی؛ به ما یاد داد که چه کار بکنیم و حرکت کردیم؛ و بحمدالله [ملت] ایستاد. امروز هم راه همین است؛ امروز هم جز ایستادگی در مقابل شیاطین و طواغیت و کفار راهی برای این کشور وجود ندارد و ان‌شاءالله که خدای متعال هم توفیقات خود و کمک‌های خود را به این ملت خواهد داد. □

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: ظاهرُهُ أُنِيقٌ وَباطنُهُ عَمِيقٌ؛ «انیق» یعنی آن زیبایی شگفت‌آور، آن زیبایی‌ای که وقتی انسان در مقابل آن قرار می‌گیرد، به حیرت می‌افتد؛ زیبایی در قرآن این جور است. البته ما فارس‌زبان‌ها یعنی غیر عرب‌زبان‌ها و خیلی از عرب‌زبان‌ها این توفیق را ندارند که این زیبایی را درک کنند؛ [ولی] با انس زیاد با قرآن می‌شود درک کرد. وقتی انسان با قرآن انس بگیرد، زیاد تلاوت کند، زیاد بشنود، آن وقت می‌فهمد که غیر از جنبه معنوی، این زبان، این جملات، چقدر شیواست، چقدر زیباست. این اثر هنری را باید هنری اجرا کرد.

باطنُهُ عمیق؛ این عمق را هر کسی به اندازه توانایی خودش، به اندازه آگاهی‌های خودش، مطالعات خودش، فهم و هوش خودش، می‌تواند پیش برود؛ همه به یک اندازه پیش نمی‌روند. ما هم می‌توانیم بالاخره یک دست و پای بزنیم؛ این دست و پا را بزنیم یعنی دقت بکنیم که از قرآن معارف بفهمیم. اینکه گفته می‌شود «از قرآن درس زندگی بیاموزیم»، معنایش این نیست که مثلاً فرض کنید که بایستی ما قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی را هم در قرآن پیدا کنیم؛ نه، قرآن ذهن ما را به معارف عالی مزین می‌کند. وقتی ذهن انسان با معارف عالی بالا رفت، همه اسرار عالم را می‌تواند بفهمد؛ حکمت می‌آموزد؛ آن که در او جوهر دانایی است، بر همه کاریش توانایی است. وقتی شما فهمیدید که معارف قرآنی این‌ها است و این‌ها مثلاً در ذهن جامعه، در ذهن مجموعه مجتمع در این کشور یا لاقلاً مجموعه قرآنی تأثیر می‌شود، آن وقت باب‌های معارف گوناگون بشری به روی انسان بازمی‌شود.

ما احتیاج داریم به قرآن؛ این قرآن نیاز امروز ما است؛ نه فقط ما ملت ایران، جامعه اسلامی بلکه جامعه بشری، امروز واقعاً به قرآن نیاز دارند. قرآن است که با استکبار مخالفت می‌کند، قرآن است که با ظلم صریحاً مخالفت می‌کند، قرآن است که با کفر بالله صریحاً مقابله می‌کند، قرآن است که با طغیان و طاغوت با قدرت مقابله می‌کند: «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الظَّالِمِينَ فَفَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ؛ این لحن قرآن چه قوی است! این‌ها همین گرفتاری‌های امروز بشر است. این‌هایی که می‌بینید عربده می‌کشند در موضع ریاست جمهوری فلان کشور یا پادشاهی فلان کشور علیه ملت‌ها، علیه مردم، علیه صلح، علیه آرامش، علیه ثبات حکومت‌ها و کشورها، همان‌هایی هستند که



در پرتو معنا

ماه مبارک رمضان، موضوع محوری مطالب این بخش از مجله است. مطلب نخست به شرح دعای سحر در بیان امام خمینی (ره) می‌پردازد. مطلبی از آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی درباره تقوا معیار پذیرش روزه، گفتاری از آیت‌الله مجتبی تهرانی در خصوص تفاوت «روزه شکمی» و «روزه معنوی»، نگاه امام موسی صدر به ماه مبارک رمضان، سخنان حجت الاسلام والمسلمین فاطمی نیا درباره تداوم کسب فیض این ماه مبارک در تمامی سال، گفتاری از آیت‌الله شهید مرتضی مطهری با موضوع تزکیه نفس بخش‌هایی از مطالب این قسمت هستند. داستان قرآنی مباحله، معرفی اپلیکیشن‌های رمضانی و استفتائات مرتبط با ماه رمضان دیگر مطالب بخش «در پرتو معنا» هستند.

رمضان مبارک

رستاخیز دوباره‌امت

حال خوش رمضان را حفظ کن!

همراهان مجازی



شرح دعای سحر در بیان امام خمینی (ره)

در ضمیر ما نمی‌گذرد به غیر از دوست، کس



کتاب «شرح دعای سحر» اولین اثر عرفانی امام خمینی (ره) است. از امام رضا (ع) نقل شده است که امام باقر (ع) این دعا را که به دعای مباحله نیز مشهور است، در سحرهای ماه مبارک رمضان می‌خواندند. این دعا شروح متعددی دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها شرح امام خمینی (ره) است که در سن ۲۷ سالگی تألیف کرده‌اند. دعای سحر، دعایی است که با این جمله آغاز می‌شود: «اللهم انی استلک من بهائک باباه و کل بهائک بهی. اللهم انی استلک ببهائک کله.» در این مطلب بخش‌های ابتدایی تفسیر امام خمینی (ره) را با هم می‌خوانیم.



.....

آن به «الله» تعبیر می‌شود و از این روست که خدای تعالی به شیطان فرمود: «چرا سجده نکردی به آنچه من با دو دستم او را آفریدم؟» دو دست متقابل، مانند دو دست لطف و قهر و یاد و دست جلال و جمال که شامل همه اسماء است.»

❑ در سزای ابتدا به «اللهم» در اکثر دعاها

پس کسی که بازگشت انسان را از اسفل سافلیین به عهده گرفته و او را از دوزخ تاریک، به محل کرامت و امن الهی باز می‌گرداند و از تاریکی‌ها به نور می‌کشد و از راهزنان سلوک محافظت می‌کند همان الله است، چنانکه فرمود: «الله ولیّ کسانی است که ایمان آورده‌اند و آنان را از تاریکی‌ها به نور می‌کشد.»

پس سالک که با قدم معرفت، سلوک الی الله می‌کند مانند مسافری است که در راه وحشتناک تاریکی، بار سفر به سوی حبیب خود را بسته است و شیطان، راهزن این راه است و خدای تعالی با اسم جامع محیطش حافظ و نگهبان اوست، پس بر دعاکننده و سالک لازم است که به نگهبان و مربی خود توسل جست و با گفتن «اللهم» یا «یا الله» تضرع به او نماید؛ و سزای آنکه بیشتر دعاها با این کلمه شروع می‌شود همین است، گرچه از نظری تمسک جستن به دیگر اسماء الهیه خوب است و آن نظر عبارت است از استهلاک تعین‌های اسمائی و صفاتی در احدیت جمع، چنانکه در سزای آنکه در جملات این دعا پس از اثبات افضلیت، دوباره بازگشت نموده و می‌گوید: «همه بهای تو بهی است» و همچنین بقیه جملات، چنانکه خواهیم گفت.

من گفتن در دعاها منافاتی با فقر ذاتی ندارد «ائی» گفتن کلمه «من» در اینجا نه برای اثبات منیت است، زیرا اظهار منیت با گدایی منافات دارد، در صورتی که دعاکننده می‌گوید من از تو سؤال می‌کنم و گدایی می‌کنم، بلکه این «من» گفتن مانند «شما» گفتن است که خدای تعالی می‌فرماید: «شما نیازمندان به خدا هستید.»

با اینکه شمایمی که سوای حق باشد خود ملاک استغنا و بی‌نیازی است نه ملاک فقر و نیازمندی. پس آنچه با مقام سالک الی الله منافات دارد آن‌گونه استقلال و بی‌نیازی است که در کلمه «شما» در آیه شریفه *إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ* (این‌ها نام‌هایی است که شما آن‌ها را نام‌گذاری کرده‌اید) ذکر شده و اما در مقام اظهار ذلت و اظهار فقر اثبات انانیت نکوهیده نیست، بلکه اصلاً از باب اثبات انانیت نیست، مانند کلمه «شما» است که در آیه شریفه: «ای مردم شما نیازمندان به خدا هستید» آمده است، بلکه حفظ مقام عبودیت و توجه به نیاز و تنگدستی اگر در حالت صحو دوم (صحو بعد از محو) باشد خود یکی از تمام‌ترین مراتب انسانیت است.

چنانکه در روایت شریفه بنابر آنچه گفته شده به آن اشاره شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «برادر موسی از چشم راست نابینا بود و برادر عیسی از چشم چپ نابینا بود و این منم که هر دو چشمم بیناست.» پس بنابر این روایت، حفظ مقام کثرت در وحدت و وحدت

سالک که با قدم

معرفت، سلوک

الی الله می‌کند

مانند مسافری

است که در

راه وحشتناک

تاریکی، بار سفر

به سوی حبیب

خود را بسته است

و شیطان، راهزن

این راه است

و خدای تعالی

با اسم جامع

محیطش حافظ

و نگهبان اوست،

پس بر دعاکننده و

سالک لازم است

که به نگهبان

و مربی خود

توسل جست و

با گفتن «اللهم»

یا «یا الله» تضرع

به او نماید؛ و سزای

اینکه بیشتر دعاها

با این کلمه شروع

می‌شود همین

است

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ تَهَائِكَ بِإِنهَاءِ، وَكُلِّ تَهَائِكَ بِيَهْيُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِتَهَائِكَ كَلْبَهُ.»

بارها از تو سؤال می‌کنم به زیباترین زیباییات و همه زیبایی تو زیبا است، خداوند از تو سؤال می‌کنم به همه زیباییات، جامعیت انسان همه عوالم را «اللهم» دعاکننده که می‌گوید: «اللهم»، اصل این کلمه «یا الله» است (و مثل این است که یا الله گفته است).

بدان که انسان، تنها وجودی است که جامع همه مراتب عینی و مثالی و حسی است و تمام عوالم غیب و شهادت و هر چه در آن‌هاست در وجود انسان پیچیده و نهان است، چنانکه خدای تعالی می‌فرماید: «خداوند همه نام‌ها را به آدم آموخت». و مولای ما و مولای همه توحیدیان (صلوات الله علیه) بنا بر نقل بعضی شعری بدین مضمون فرموده است: تو پنداری همین جرم صغیری - جهانی در نهاد تو نهان است. بنابر این آدمی با ملکیان، ملکی است و با ملکوتیان ملکوتی و با جبروتیان جبروتی؛ و روایت شده از آن حضرت و حضرت صادق علیهما السلام که فرمودند: «بدان که صورت انسانی بزرگترین حجت‌های الهی است بر خلقش و او همان کتابی است که خدای تعالی آن را با دست خود نوشته است و او همان هیکل است که آن را با حکمت خود بنایش نموده و اوست مجموعه صورت جهانیان و اوست مختصری از لوح محفوظ و او بر هر غایبی شاهد است و اوست راه راست به هر گونه خیر و نیکی و همان راهی است که در میان بهشت و دوزخ کشیده شده است.»

پس انسان خلیفه خداست بر خلق او و بر صورت الهی آفریده شده است، متصرف در بلاد خداست و خلعت‌های اسماء و صفات خداوندی را در بر کرده و در گنجینه‌های ملک و ملکوت او نفوذ دارد، روحش از حضرت الهیه بر او دمیده شده، ظاهرش نسخه‌ای است از ملک و ملکوت و باطنش گنجینه‌های خدای لایموت؛ و چون جامع همه صورت‌های کونیه الهیه بود، از این رو در تحت تربیت اسم اعظمی که به همه اسماء و صفات محیط بود و بر همه رسم‌ها و تعین‌ها حکومت داشت قرار گرفت، پس رب انسان جامع کامل همانا حضرت الهیه است و سزاوار است که او خدای را به نامی که با مقامش تناسب دارد و او را از امری که با او سازگار نیست محافظت می‌کند بخواند و از این روست که باید در مقام استعاذه و پناهندگی از شیطان رجیم به نام «الله» پناهنده شود نه دیگر نام‌ها و طبق آیه *قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ* به او امر شده است تا به پروردگار مردم پناهنده شود از شر کسی که با مرتبه او و کمالات او ضدیت و تنافر دارد و آن وسوسه باطنی است و پناه به خدا برد از کسی که در باطن او وسوسه ایجاد می‌کند و در راه معرفت، راهزن اوست.

عارف کامل کمال الدین عبد الرزاق کاشانی در تأویلات می‌گوید: «انسان همان وجود جامعی است که همه مراتب وجود را در انحصار خود قرار داده است. پس پروردگاری که او را ایجاد کرده و کمال انسانی را به او اضافه فرموده همان ذات خداوندی است، به اعتبار همه اسماء به حسب بدایت که از

دعایش مستجاب گردد و به مقصدش نائل شود. پس کوشش کن تا مگر باطنت دعا کند و باطنت طالب باشد تا درهای ملکوت بر قلبت گشوده شود و اسرار جبروت بر سرت و ضمیرت منکشف گردد و کشتی عقلت در دریا‌های خیر و برکات به حرکت درآمده، به ساحل‌های نجات برسد و تورا از گرداب‌های هلاک نجات بخشد و با دو بال (علم و عمل) از این سرای تاریک و خانه هلاکت و بدبختی به عالم انوار پرواز نماید؛ و مبادا در مقابل این صفات حسنی و امثال علیا که آسمان‌ها و زمین‌ها بر آن‌ها استوار است و همه عوالم با نور آن‌ها روشن است، رسیدن به شهوت‌های پست و لذت‌های فانی و پوسیده و غرض‌های حیوانی و کمالات چهارپایان و درندگان را در نظر داشته باشی، بلکه باید در طلب کرامت‌های الهی و انوار عقلی و کمالات لایق مقام انسان به عنوان آنکه انسان است، باشی و بهشتی را که به پهنای آسمان‌ها و زمین طلب کنی.

تازه این هم در ابتدای سیر و سلوک است و گرنه «نیکی‌های نیکمردان برای مقربین گناه محسوب می‌شود»؛ بنابراین، عارف کامل کسی است که قلب خود را همچون هیولی که هر صورتی را می‌پذیرد آماده پذیرش هر صورتی سازد که محبوب، آن صورت را به آن قلب بدهد و هیچ صورت و فعلیتی را از پیش خود مطالبه نکند و از هر دو عالم بگذرد و به هر دو نشئه پشت یازند، چنانکه عارف شیراز گوید:

در ضمیر نامنی گنجد به غیر از دوست کس
هر دو عالم را به دشمن ده که ما را دوست بس.

و در جای دیگر گوید:

نیست در لوح دلم جز آلف قامت دوست
چه کنم حرف دگریا نداد استادم.

و این است حقیقت آن اخلاصی که در روایت به آن اشاره شده که «هر کس چهل روز برای خدا اخلاص از خود نشان دهد چشمه‌های حکمت از دل او برزانش جریان می‌یابد»؛ و در کافی از امام رضا علیه السلام نقل شده است که امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمود: «خوشا به حال کسی که عبادت و دعا را برای خدا خالص کند و دلش را به آنچه چشمش می‌بیند مشغول نسازد و یاد خدا را به آنچه گوشش می‌شنود فراموش نکند و به آنچه به دیگری داده شده سینه‌اش اندوهگین نگردد».

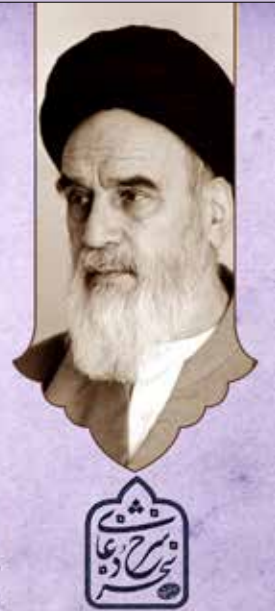
پس مرگ بر بنده‌ای که ادعای بندگی کند آنگاه آقا و مولای خود را به اسماء و صفاتی بخواند که آسمان‌های ارواح و زمین‌های اشباح با آن اسماء و صفات استوار است، ولی خواسته‌اش شهوت‌های نفسانی و ذایل حیوانی باشد و تاریکی‌هایی را بخواند که روی هم انباشته شده است و ریاست‌های باطل و دست‌باز و قدرت کامل در شهرها و مسلط شدن بر بندگان خدا خواسته او باشد. تورا از کنگره عرش می‌زنند صغیر، ندانمت که در این دامگه چه افتاده است؟

وای خوشا به حال بنده‌ای که پروردگارش را به خاطر خود او عبادت کند و خالص برای او شده باشد و به جز او منظورش نباشد و شهوت‌های دنیوی و مقامات اخروی را خریدار نباشد. غلام همت آنم که زیر چرخ کبود، زهر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است. □

به دنبال خود خودش

مرگ بر بنده‌ای که ادعای بندگی کند آنگاه آقا و مولای خود را به اسماء و صفاتی بخواند که آسمان‌های ارواح و زمین‌های اشباح با آن اسماء و صفات استوار است، ولی خواسته‌اش شهوت‌های نفسانی و ذایل حیوانی باشد و تاریکی‌هایی را بخواند که روی هم انباشته شده است و ریاست‌های باطل و دست‌باز و قدرت کامل در شهرها و مسلط شدن بر بندگان خدا خواسته او باشد. وای خوشا به حال بنده‌ای که پروردگارش را به خاطر خود او عبادت کند و خالص برای او شده باشد و بجز او منظورش نباشد.

شرح دعای سحر امام خمینی
صفحه ۲۰



دعاکننده را

سزاوار چنین

است که تا

می‌تواند باطن

خود را منزّه کند و

آن را از آلودگی‌ها

و ملکات پست

تهی سازد تا

دعایش از مرحله

گفتار به مقام حال

و از مقام حال به

لسان استعداد

رسد و از ظاهر

به باطن سرایت

کند تا دعایش

مستجاب گردد و

به مقصدش نائل

شود

در کثرت، برای احدی از انبیاء مرسل میسر نشده مگر برای خاتم پیامبران بالاواله و برای اوصیاء آن حضرت به تبعیت او؛ درود خداوند بر همه آن‌ها باد.

«اشئَلُکَ» از تو سؤال می‌کنم. سؤال اگر به زبان استعداد شد دست رد به سینه سائل نمی‌خورد و دعایش پذیرفته و مستجاب خواهد شد، زیرا فاعل و کسی که خواسته را انجام می‌دهد تمام و فوق تمام است و فیض آن حضرت، کامل و فوق کمال است.

سالک‌الی‌الله پس از آنکه با عنایات حق مورد تجلیات افعالی و صفاتی و اسمائی و بلکه ذاتی حضرت حق قرار گرفت به فنای فنا مطلق بار می‌یابد و حالت محو بعد از صحوبه او دست می‌دهد.

پس اگر عنایت ازلی بیشتر شامل حال او گردد مجدداً برای هدایت و دستگیری انسان‌ها به حالت صحو بازمی‌گردد که آن را صحو ثانی می‌گویند و هم‌رتبه با مقام نبوت است و چنانکه حضرت امام فرموده‌اند یکی از تمام‌ترین مراتب انسانیت است. افاضه نمی‌شود از ناحیه نقصان استعداد است.

پس اگر پذیرنده، استعداد پذیرش فیض را داشته باشد فیض الهی از خزینه‌هایی که پایان ندارد و کمبودی در آن‌ها ایجاد نمی‌شود و از معادن فیضی که غیرمتناهی است و نقصان پذیر نیست، بر او افاضه خواهد شد.

حقیقت اخلاص

پس دعاکننده را سزاوار چنین است که تا می‌تواند باطن خود را منزّه کند و آن را از آلودگی‌ها و ملکات پست تهی سازد تا دعایش از مرحله گفتار به مقام حال و از مقام حال به لسان استعداد رسد و از ظاهر به باطن سرایت کند تا

روزه مقبول چگونه است؟

تقوا، معیار پذیرش

|| آیت... العظمی مکارم شیرازی



ماه رمضان، نزد معصومین (ع) جایگاه ویژه‌ای داشت و در ابتدای این ماه مردم را هشدار می‌دادند و اهمیت آن را برای مردم تبیین می‌کردند. در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره ۱۸۳) خدا در خصوص روزه، مؤمنان را خطاب قرار می‌دهد و این بیان کننده این است که نشانه ایمان روزه گرفتن در ماه مبارک رمضان است.

در این آیه آمده است که «... كُتِبَ عَلَيْكُمْ...»، بر شما نوشته شده است، با توجه به این که هرگاه بخواهند مسئله‌ای به صورت محکم بیان شود، تنها به گفتن لفظی کفایت نمی‌شود، بلکه به صورت مکتوب نوشته می‌شود، در این آیه نیز جمله «... كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ...» نشان دهنده اهمیت بالای روزه است.

روزه تنها برای مسلمانان نیست، بلکه برای سایر پیامبران و ادیان الهی نیز واجب بود. در این آیه خداوند می‌فرماید گمان نکنید روزه در ماه مبارک رمضان تنها برای شما مسلمانان است، بلکه برای اقوام پیشین نیز وجود داشته است. روزه اثرات تربیتی فراوانی دارد. این آیه هدف از روزه در ماه مبارک رمضان را زنده شدن تقوا در وجود انسان‌ها ذکر می‌کند؛ به این معنی اگر در ماه مبارک رمضان روزه گرفته شود، تقوای انسان افزایش می‌یابد.

□ چه وقتی روزه گرفتن گناه است

البته عده‌ای از روزه معاف هستند و در صورت گرفتن روزه؛ عمل حرام انجام داده‌اند، مثلاً بیماری که روزه گرفتن برای او ضرر داشته باشد و موجب تشدید یا طولانی‌تر شدن بیماری و یا بیمار شدن انسان سالم شود و نیز مسافر و کسانی که از گرفتن روزه ناتوان هستند، نباید روزه بگیرند و در صورت انجام آن مرتکب گناه شده‌اند. دخترانی که در ابتدای سن تکلیف هستند و نمی‌توانند روزه را تحمل کنند، نباید آن‌ها را مجبور به این کار کرد، همچنین افراد پیری که نمی‌توانند روزه بگیرند، معاف هستند. البته این افراد در قبال آن برای هر روز، باید فقیری را سیر کنند.

□ معیار پذیرش روزه

افزایش تقوا معیاری برای پذیرفته شدن روزه است اگر بعد از روزه گرفتن تقوای انسان بیشتر شود، معلوم می‌شود روزه، روزه حقیقی بوده است، ولی اگر در تقوای انسان فرقی نکرد، انسان بداند که روزه او تنها تشنگی و گرسنگی کشیدن است و عمل او تنها نامش روزه بوده است.

حقیقت تقوا این است که یک حالت خداترسی باطنی در انسان وجود داشته باشد و در هر مسئله‌ای که پیش می‌آید، رضای خدا در نظر گرفته شود؛ حال اگر کسی در کارهای خود راضی بودن خدا و اجازه اسلام و پیامبر (ص) را توجه نکند، با تقوا نیست.

عده‌ای فکری کنند عبادات ما خدمتی به خداست و یا پاسخی بر نعمت‌های او است، در صورتی که روزه گرفتن به نفع خود انسان است و روح و جسم او را پاک می‌کند و او را از بیماری‌ها و شیطان نجات می‌دهد. به عنوان مثال عمل کردن به نسخه پزشک سودی برای پزشک ندارد و تنها موجب درمان انسان می‌شود. نماز، روزه، حج و دیگر احکام الهی مانند نسخه پزشک است که انسان در صورت عمل به آن خود را درمان می‌کند.

نزول قرآن بالاترین ویژگی ماه مبارک رمضان است. خداوند ماه رمضان را به عنوان ماهی که قرآن نازل شده معرفی می‌کند و این بالاترین ویژگی ماه رمضان است. در این ماه قرآن به صورت دفعی بر قلب پیامبر نازل شده و در ۲۳ سال به صورت تدریجی بر او نازل گردیده است. قرآن مایه هدایت انسان و نجات او از بی‌راهه به راه درست، از ظلمت به نور، از پراکندگی به اتحاد و از چنگال شیطان به سوی خدا است. قرآن معجزه پیامبر (ص) است و آیاتی در آن است که معجزه پیامبر (ص) را دوچندان می‌کند. □

نگاه امام موسی صدر به ماه مبارک رمضان

رستاخیز دوباره امت

حرکاتی سرچشمه گرفته از عقل و دل اند که به قالب حس درمی آیند و با آن در می آمیزند، از همین رو هرگاه به دور از دخالت عقل و دل انجام گیرند، اعمالی خشک، کم رنگ و تقلید گونه اند که ما را به خود مشغول می کنند، ولی تأثیری نمی گذارند.

بر ماست تا در این تجربه تازه و این ماه مبارک و در روزه اش، عقل و دل را در کنار جسم فعال کنیم. باید تفکر و تأمل کنیم، باید عشق بورزیم و حساس باشیم. باید این عشق و آن تأمل را در متن روزه خود جاری سازیم.

پیامبر فرمودند: «تفکر ساعه خیر من عبادت سبعین سنه» (یک ساعت تفکر، برتر از هفتاد سال عبادت است.) امام صادق (ع) نیز فرموده اند: «هل الدین الا الحب؟» (آیا دین جز محبت است؟) این چنین روزه زنده ای، سپر آتش است و یکی از ارکان اسلام، مهمانی خداوند است و تکریم انسان. قدر انسان است و قدر او. فقط در این صورت است که رمضان شرایط و فضایی را فراهم می کند که در آن انسان گرمی ساخته می شود، انسانی که فاتح مکه است و پیروز بدر و سازنده تاریخ. این چنین رضانی ماه الفت و همدردی با دیگران و فصل فراموشی کینه ها و اتحاد صفوف است. ماه وحدت کلمه و وحدت دل ها و ماه رستاخیز دوباره امت است. این گونه روزه داری ماه رمضان نخستین گام در ساختن امت و تاریخ است، تمرینی برای جهاد و آمادگی برای نبرد است، آغاز بازگشت به سوی خداست، به سوی سرزمین مقدس خدا، به سوی قدس. این وعده حق خداوند است و خداوند از وعده اش تخلف نمی کند.

خداوند می فرماید: «ولینصرن الله من ینصره ان الله لقی عزیز الذین ان مکانها فی الارض اقاموا الصلوه و اتوا الزکاه و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عقبه الامور. و قطعاً خدا به کسی که (دین) او را یاری می کند، یاری می دهد، چرا که خدا سخت نیرومند شکست ناپذیر است. همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می دارند و زکات می دهند و به کارهای پسندیده وامی دارند، و از کارهای ناپسند باز می دارند، و فرجام همه کارها از آن خداست. (حج: ۴۰ و ۴۱)»

مؤمنان! دگربار، رمضان مبارک فرا رسیده است؛ با شب های الهام بخش، روزهای آموزنده و فضای آکنده از شمیم خاطرات و عبرت هایش که مایه جدیت و نظم است. دگربار، روزه می گیریم، شب زنده داری می کنیم، شعایر را دوچندان می کنیم و سرانجام عید را با شادمانی و خشنودی جشن می گیریم و پس از آن به زندگی عادی باز می گردیم. بدین سان سال ها تکرار و بر حجم خاطرات افزوده می شود. اما بیم آن می رود که روزه به عادت بی روح و شعایر آن به سنت هایی سرگرم کننده بدل و ماه رمضان از همه معانی اصیلی اش تهی شده باشد. با نگاهی سریع در می یابیم که این مشکل، یعنی مشکل و مسئله روزه و رمضان، مسئله همه عبادات و همه مناسبت ها است. این آفت به همه عبادات و ایام، راه یافته و اماکن مقدس و شعایر دینی و همه آموزه های آسمانی را در بر گرفته است.

آیا نقش راهبری دین در هدایت آدمی به آخر رسیده است؟ و به آیین ها و خاطرات و تجمل بدل شده است؟ یا اینکه اساساً آموزه های دینی برای تخدیر آدمی آمده اند و از آنجا که سختی ها فراگیرند این آموزه ها نیز همه زندگی آدمی را فرا گرفته اند. آیا اکنون که آدمی بر بسیاری از مشکلات و سختی هایش چیره گشته، باید از نقش دین بکاهیم؟ مؤمنان! بهتر است پیش از آنکه دیگران از ما بپرسند، ما خود این سوال دشوار را از خود بپرسیم؛ اما حقیقت این است که این پرسش و پاسخ ها پیش تر مطرح شده اند، اما ما آن ها را نادیده گرفتیم، بر آن ها چشم پوشیدیم و از سخن گفتن درباره آن ها روی برتافتیم تا با واقعیت دلهره آور و تلخ روبه رو نشویم.

ای مؤمنان! آیا در روزه هایمان آثار روزه را می بینیم؟ و در نمازمان عروج آن را؟ آیا در «قطر» و «قربان» معانی این اعیاد و کارکردشان را حس می کنیم؟ آیا شعایر در ما فعل و انفعال و اماکن مقدس در ما اثر دارند؟ آیا در مسجداً الاقصی و کلیسای قیامت آن معانی را که بالقوه برای امت مان روشن بود، یافته ایم. این ها تجارب تلخ و درد آور ما در متن واقعیت تلخ و درد آور ماست. پس بار دگر با نگاهی واقع بینانه، همه جانبه و با شجاعت و بینش آموزه های دین مان را ارزیابی کنیم، شاید راهی نو بیابیم و در آن ها زندگی بدیم و از هستی خود به دین و آموزه های والا و بخشیم تا جایگاه رفیع و فراگیر خود را باز یابد. بگذاریم دین ابعاد وجودی ما را فراتر ببرد و کثرت مان را وحدت بخشد و تشنگان را به همدلی بدل کند.

ای مؤمنان! هرگاه اندیشه دینی و آموزه هایش در همه ابعاد زندگی مان؛ در خانه، در بازار، در دفتر کار، و در عرصه های حیات ما حضور داشته باشد، هرگاه حصارها را از احساس دینی در بند در عبادتگاه ها، برداریم و بگذاریم این احساس به کلیت حیاطمان راه یابد، به زندگی مان یا نهد، تا اختیار ما به دست او باشد و اثر گذارد و هدایت کند، هرگاه به او فرصت دهیم و نخواهیم که با منزوی کردن او از نقشش بکاهیم و او را از میان ببریم، تنها در این صورت است که آثار این گنج گران مایه را در زندگی و در ساختن تمدن خود می بینیم.

مؤمنان! روزه ماه رمضان و دیگر عبادات و شعایر دینی تنها فعالیت جسمانی نیستند، بلکه



آینه در آینه

✦ جواد محدثی

گاهی که تنهایی، آینه برمی داری و به چهره خویش می نگری تا نیک و بد و زشت و زیبای آن را ببینی. خلوت با خویش، برای شناخت «خود»! شاید در حضور جمع، شرم کنی، ولی در تنهایی، خجالت و شرمی نیست، چون نگاه و مراقبتی نیست، جز همان که نگاهش همه جاهست و مراقبتش دائمی است. ماه رمضان، به نوعی فصل محاسبه است.

«محاسبه» و «مراقبه» هم یک آینه است، اما... پیش چهره جانت و در برابر روحت!... شاید در حضور جمع و در ازدحام روزمرگی نتوانی و مجالی نیابی تا از خودت حساب بکشی، اینجا هم خلوت و تنهایی و فراغت، چاره ساز است.

لحظات سرشار از برکات و معنویات رمضان از همین فراغت های مطلوب و دوست داشتنی است. فرصت خلوت با خویش و خداست، ساعات حضور در مجلس «مراقبه» و «محاسبه» است، موعدا امتحان اخلاص است، فرصتی است تا «دفتر دل» را بگشایی و «کتاب عمل» را بازخوانی کنی. تو که می گفتی: مجال و حالی نیست، گرفتاری ها و مشکلات... و...

فرصتی برای «رسیدن به خود» نمی گذارد، اینک، این همان مجال و فرصت ناب! تو باید آموخته و تمرین کرده باشی، «تنهایی در جمع» را، «خلوت» در «ازدحام» را، «سکوت در هیاهو» را، رمضان چیست و تو در کجای این «قطعه ای از بهشت» قرار داری که موهبت خدا برای زمینیان است؟ یا کدام دعوت به این ضیافت آمده ای؟

سر کدام سفره و مائده معنوی نشسته ای و فیض حضورت و بهره آمدنت چیست؟

این نیز نوعی محاسبه و حساب کشیدن از خویش را می طلبد.

سحرهای پر برکت، افطارهای پر معنویت، شب های دعای افتتاح و کمیل، جلسات دعا و ترتیل و تلاوت و تواشیح، حالات پرجذبه انس با قرآن و مفاتیح، تهجد و سحر خیزی و چشمان بیدار قبل از فجر دعا های روزانه، همه و همه مائده های آسمانی این «شهرالله» است و تو را فرا خوانده اند تا به قدر تشنگی و توان و در حد ظرفیت وجودی از این «چشمه رحمت» بنوشی و از «جان، جامه تقوا» بپوشی و در راه عبودیت خدا بکوشی.

بالاخره مهمان شدیم... اینک که آمده ای و مهمان این بزم حضوری، وقت تنگ و

مجال گذرا را باید مغتنم شمرد. □

تو خود حجاب خودی از میان برخیز!

آیت... مجتبی تهرانی

نوشته‌ار زبیر از سخنان مرحوم آیت‌الله آقا مجتبی تهرانی درباره تفاوت «روزه شکمی» و «روزه معنوی» و توصیه‌ای برای کسانی که نمی‌توانند روزه بگیرند، انتخاب شده که در جلسات ماه رمضان گفته شده است. گلچین سخنان ایشان را در ادامه می‌خوانید. ■



ماه مبارک رمضان ماه «راز و نیاز» است؛ اما گاهی راز از رت است و اظهار نیاز از عید است. خوب، اگر راز از رت است، در اینجا این بحث مطرح می‌شود که باید خُجبی که در ارتباط با باطن است هم برطرف شود. اما حجایی از ناحیه رت نیست. حجاب از ناحیه عبد است و باید این حجاب را برطرف کند. اما این حجاب‌ها و موانع با چه مقامی از مقام‌های معنوی برطرف می‌شود؟



مقام رضا، ثمره نهایی

در حدیث معراج داریم که پیغمبر اکرم (ص) وقتی به معراج رفت، در آنجا خطاب شد «یا أَحْمَدُ هَلْ تَعَلَّمُ مَا مِيرَاثُ الصَّوْمِ؟» ای احمد، می‌دانی روزه چه اثری در پی دارد و چه چیزی به ارث می‌گذارد؟ «قَالَ: لَا. ثُمَّ قَالَ: مِيرَاثُ الصَّوْمِ قِلَّةُ الْأَكْلِ وَ قِلَّةُ الْكَلَامِ وَ مِيرَاثُ الصَّوْمِ أَنْهَا ثَوْرُثُ الْجُكْمَةِ وَ هِيَ ثَوْرُثُ الْمَعْرِفَةِ وَ ثَوْرُثُ الْمَعْرِفَةِ الْبَقِيَّةُ فَإِذَا اسْتَيْقِنَ الْعَبْدُ لَا يُبَالِي كَيْفَ أَصْبَحَ يَعْشُرُ أَمْ يُمْسِرُ فَهَذَا مَقَامُ الرَّاضِيَيْنِ»؛ روزه دو اثر دارد؛ یکی اثر ظاهری است که همان کم خوردن است و دومی که بالاتر است، کم صحبت کردن و سکوت است که ما به آن «صوم صمت» می‌گوییم. اگر جلوی زبانت را بگیرد و مراعات زبانی داشته باشی، این موجب می‌شود که حکمت پیدا کنی. آن وقت میراث حکمت، معرفت است و معرفت هم یقین را از خود به ارث می‌گذارد و ثمره یقین هم «مقام رضا» است و این همان مقامی است که با آن می‌توانی حجاب‌ها را برطرف کنی.

روزه‌ای برای همه؛ حتی ناتوان‌ها و پیرها

من به آن کسانی که از نظر شرعی معذورند و نمی‌توانند روزه بگیرند و غصه می‌خورند که من محروم شدم از برکات صوم و ماه مبارک رمضان، می‌خواهم بگویم که این دیدگاه و نگرش تو یک نگرش مادی است. شما خیال کرده‌اید که روزه، نخوردن و نیاشامیدن است؟ برای تو هم روزه وجود دارد. آنچه بالاتر از «قَلت اکل» و کم خوردن است؛ آن چیست؟ جلوی زبانت را بگیر؛ یک ماه رمضان، از اول تا آخر غیبت نکن، دروغ نگو، تهمت نزن، ایذاء مؤمن نکن، برو جلوی آفات زبانت را بگیر؛ روزه اینجا هم هست. میراث الصوم این است. بله، اگر صحت مزاج داری و عذر شرعی نداری، قَلت اکل هم در کنارش هست تا درد و الم گرسنگی و تشنگی را بچشی که آن هم آثاری دارد.

روزه شکمی و روزه معنوی

در روایات داریم که فردی خدمت پیامبر (ص) آمد و گفت: «من روزه هستم». حضرت به او فرمود: «استفراغ کن!» دید همین طور دارد تکه تکه گوشت از حلقش بیرون می‌آید. پرسید: «این چیست؟» حضرت فرمود: «غیبت کرده‌ای! این روزه نیست». روایت می‌خواهد همین را بگوید که من اشاره کردم. این اصلاً روزه نیست. روزه شکمی هست، ولی روزه معنوی نیست.

با خدا حرف بزن!

پیغمبر اکرم (ص) فرمود: «وَمِيزَاتُ الصَّمْتِ أَنَّهَا تُورِثُ الْحِكْمَةَ»؛ یعنی میراث سکوت، حکمت است. پس معلوم می‌شود منظور از این «صوم صمت» که در روایات هست، «حرف نزدن» مطلق نیست، بلکه مراد همان «قَلْتُ كَلَامٍ» و پرهیز از بیهوده‌گویی است. اتفاقاً بعضی جاها باید حرف بزنی؛ با خدا باید حرف بزنی؛ باید دعا بخوانی. نه اینکه هر چیزی که از دهانت بیرون بیاید را بگویی. آن چیزی که برای تو خجسته را برطرف می‌کند و تو را به «مقام رضا» می‌رساند، آن را مراقبت کن.

ماه کلام رب و عید

ماه رمضان ماه کلام رب و عید است. خدا در ماه مبارک رمضان با تو صحبت کرده و کلامش را بر پیغمبر فرو فرستاده و پیغمبر هم قرآن را به شما تحویل داده و گفته است که این‌ها حرف‌هایی است که خدا با شما زده است. خدا در این خطاب‌هایی که در قرآن هست، مثل «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»، دارد حرف می‌زند و به من و تو خطاب می‌کند. قرآن را نگاه کن؛ از اول تا آخر او دارد با تو حرف می‌زند. خوب، تو نمی‌خواهی جوابش را بدهی؟ او در ماه مبارک رمضان با تو سخن گفته است، تو هم باید در همین ماه با او سخن بگویی. لذا شما اگر به روایاتی که در باب ماه مبارک رمضان وارد شده است، مراجعه کنید، همین مطلب را می‌بینید.

سفارش به «زیاد دعا کردن»

روایت از امام صادق (ع) است که «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِكَثْرَةِ الْإِسْتِغْفَارِ وَالِدُعَاءِ»؛ یعنی علی (ع) فرمود: «بر شما باد در ماه رمضان، به کثرت دعا و استغفار». در روایت دیگر آمده است: «كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (ع) إِذَا كَانَ شَهْرَ رَمَضَانَ لَمْ يَتَكَلَّمْ إِلَّا بِالِدُعَاءِ»؛ یعنی حضرت امام سجاد (ع) در ماه مبارک رمضان اصلاً صحبت نمی‌کرد، مگر اینکه تمام جملاتی که از ایشان صادر می‌شد مضامین دعایی داشت. ما در این زمینه روایات بسیاری داریم. بنابراین آنچه در ماه مبارک رمضان وظیفه عبد است، سخن گفتن با رب خود است.

ارتباط دو طرفه خدا و بنده اش

این ماه اختصاص به رد و بدل شدن سخنان بین «رب و عبد» و «عبد و رب» دارد. از آن طرف، قرآن نازل شده است و از این طرف هم قرآن صاعد - بالا رونده - را داریم که عبارت است از آن راز و نیازهایی که بندگان صالح خداوند و اولیاء خاص حق - به اذن رب - با او داشته‌اند و سخن گفته‌اند.

ما از آن سخن گفتن‌ها، به «ادعیه مأثوره» ائمه اطهار: تعبیر می‌کنیم. اصلاً ماه رمضان ماه «قرآن» و «دعا» است و این آداب ظاهری که در این ماه داریم، همه برای فراهم کردن زمینه همین رابطه «رب و عبد» و «عبد و رب» است تا این‌ها با هم حرف بزنند؛ که از پایین به بالا، یعنی از طرف عبد به سوی رب، تقاضا و طلب و سؤال و درخواست است که ما از آن تعبیر می‌کنیم به «دعا». پس دعا سخنی بین عبد و رب است. یعنی بنده با پروردگارش صحبت می‌کند و از او درخواست می‌کند.

باز شدن درهای آسمان

روایت از پیغمبر اکرم (ص) است: «إِنَّ أَبْوَابَ السَّمَاءِ تَفْتَحُ فِي أَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَلَا تُغْلَقُ إِلَى آخِرِ لَيْلَةٍ مِنْهُ». حضرت فرمود: درهای آسمان در اولین شب از شب‌های ماه مبارک رمضان باز می‌شود و تا آخرین شب از شب‌های این ماه هم بسته نمی‌شود. این یعنی چه؟ منظور از «سما» در اینجا آسمان نیست! اشتباه نکنید. «سما» اشاره به آن جهت علوی از عوالم وجودی و آن نشسته برتر عالم وجود است. ما در این «دنیا» در عالم ناسوت هستیم. این عالم دنیا پست‌ترین عوالم وجود است.

اینکه در روایت فرمود که خدا شب اول ماه مبارک رمضان درهای آسمان را باز می‌کند، یعنی چه؟ یعنی می‌خواهد بگوید از ناحیه آن عوالم برتر وجودی هیچ مانع و حاجبی در کار نیست. پس هر چه حجاب و مانع هست، از طرف من است. □





حال خوش رمضان را حفظ کن!

حجت الاسلام و المسلمین فاطمی نیا

مطلب زیر منتخبی از سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین فاطمی نیا در یکی از شب‌های ماه مبارک رمضان است. ایشان در این سخنرانی ابتدا با ذکر معنی واژه رمضان و واکاوی ریشه لغوی آن به بحث تقوای الهی و تداوم کسب فیض این ماه مبارک در تمامی ماه‌های سال می‌پردازد. ■



در قرآن می‌فرماید: «شهر رمضان الذی انزل فیہ القران هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان». بعضی از روایات ناظر است بر اینکه رمضان اصلاً از نام‌های خداست و حتی حدیث داریم که می‌فرماید: لا تقولوا جاء رمضان و ذهب رمضان نگویید رمضان آمد و رمضان رفت قولوا جاء شهر رمضان بگویید ماه رمضان آمد. حالا این حدیثی است که می‌شود مورد تحقیق قرار بگیرد و ممکن است که رمضان به اعتباری از نام‌های خدا باشد، این حرف مستبعدی نیست؛ و اما از نظر لغت ملاحظه می‌فرمایید که را و میم و ضاد اصل لغت رمضان است، الف و نون، زائد بر جوهر لغت است خب همیشه همین طور است وقتی شما می‌گویید «حدثان» همان حا و دال و ثا اصل لغت است بقیه زائد است، علی‌کل حال این ماده را و میم و ضاد را لغویون بررسی کرده‌اند و گفته شده است که این یک اصل است. این را توضیح بدهم، بعضی لغت‌ها را می‌بینید که دواصل است، دو تا کلمه می‌آید این‌ها از نظر جوهر و مواد عیناً یکی هستند اما دواصل هستند، معانی متفاوت می‌شود، من اینجا همان مثال فا و را و سین را می‌زنم که مثلاً از این حروف «فَرس» درست می‌شود، «فَرس» به معنای اسب است اما از طرفی می‌بینیم که دریدن شیر را می‌گویند «اقتراس»، اگر شیر حیوانی را دریده باشد می‌گویند «اقترسه الاسد» و آن شکاری که شیر به دست می‌آورد آن را «فریسه» می‌گویند در صورتی که ملاحظه می‌کنید هیچ ربطی به اسب ندارد یا اینکه فراس است به معنای تیزهوشی و پیش‌بینی است. حالا فراس است اگر بگوییم به معنای اسب داری می‌شود، یک زیر و زبر این قدر حساس است





.....

فراست یعنی تیزهوشی و آینده‌نگری. فراست یعنی اسب‌داری، خوب‌این را مثال می‌زنیم که این‌ها دواصل هستند برای اینکه فرس که اسب باشد ربطی به طعمه شیر ندارد و هکذا، اما اصل واحد. ان شاء الله جوان‌ها دقت می‌کنند به لغتی می‌گویند که این لغت به هر شکلی به هر صورتی یک روح بر آن سایه می‌گسترده یعنی همان مفهوم در همه جا محفوظ است و گفته‌اند یکی از آن‌ها را و میم و ضاد است که رمضان از آن درست شده است. هر کجا را و میم و ضاد باشد از آنجا حرارت و سوزاندن استفاده می‌شود. مثلاً سرزمینی که آفتاب آن را داغ کرده باشد می‌گویند «ارضُ رمضاء» سرزمینی که آفتاب داغش کرده است، پس رمضان یعنی داغ، سوزاندن از آن استفاده می‌شود، چرا؟ باز برمی‌گردیم به حدیث، می‌فرماید: «سمی رمضان رمضان لانه تحرق الذنوب» این ماه را رمضان نامیدند به خاطره اینکه رمضان گناهان را می‌سوزاند، گناهان بندگان در این ماه بخشیده می‌شود.

❑ کار از کجا خراب است

حالا من عرض می‌کنم که بار پروردگارا ما نمی‌دانیم در درگاه تو چه پرونده‌ای داریم تو خودت خوب می‌دانی که ما چه کارها کرده‌ایم، ای بسا که یک کارهایی می‌کنیم، فراموش می‌کنیم، بله، حتی در خیر هم اینطور است، گاهی یک خیری انجام می‌دهیم فراموش می‌کنیم، آن خیر خیلی به موقع می‌آید به داد ما می‌رسد، هیچ نمی‌دانیم کار از کجا درست شد، عجب کار درست شد، گر باز شد! چه طور شد؟! چه می‌دانی؟ یکی از آن نقطه‌های روشنت آمد به دادت رسید! خدا بزرگ است، خدا تاجر نیست اما اینطور قرار داده است، برعکسش هم هست، یک وقت می‌بینی کار خراب است، اصلاً نمی‌شود، حالی نیست، چرا؟! برای اینکه در فلان مورد ما یک دلی شکستیم، کاری کردیم، به هر حال بار پروردگارا نمی‌دانیم چه کرده‌ایم، تو خودت خوب می‌دانی، اما آنقدر می‌دانیم که تو در این ماه رمضان در رحمت را به روی بندگان باز کردی، این سحرها چه اسراری دارد، این لحظات افطار چه اسراری دارد، اصلاً روز و شب ماه رمضان! خیلی پربرکات است.

این را بدون تعارف بگویم من و امثال من از ماه رمضان چیزی نمی‌دانیم، دستی از دور بر آتش داریم ای بسا حتی حساب می‌کنیم، حتی من شنیدم که بعضی از عوام الناس به این پانزدهم شانزدهم که می‌رسد می‌گویند: دیگر کمرش شکست! حتی به این تعبیر! بله دیگر زوروش مثل اینکه رفت! خب چرا؟ بشیریم دیگر، عاجزیم، محدودیم، بالاخره شب بلند می‌شویم، فردا یک محدودیت‌هایی داریم، درست است، اما اگر حقیقت ماه مبارک رمضان را لمس کنیم مطلب عوض می‌شود.

دعایی دارد حضرت سید الساجدین صلوات الله علیه در صحیفه سجادیه مراجعه بفرمائید، وقتی که ماه رمضان به آخر می‌رسید، حضرت این را می‌خواند، آدم می‌بیند اصلاً امام برای تمام شدن ماه رمضان بیقرار می‌شود، می‌گوید: چرا داری تمام می‌شوی، چرا رفتی؟!

❑ سر لعلکم تتقون

اگر از این لحظات استفاده شود ذائقه ما هم بیدار می‌شود، این «لعلکم تتقون» که در این ماه مبارک رمضان گذاشته‌اند که می‌فرماید: «کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون» می‌فرماید: روزه بر شما واجب شده است چرا؟ همچنان که بر پیشینیان واجب شده، «لعلکم تتقون» برای اینکه شما صفت تقوی داشته باشید. یک تعبیر خیلی نازلی می‌خواهند که «لعلکم تتقون» را تفسیر بکنند، هم آیه را خراب می‌کنند هم حقیقت روزه خراب می‌شود، می‌گویند: دیدید که آدم در ماه رمضان یک حال و هوایی پیدا می‌کند، می‌گویم: عزیز من درست است در ماه رمضان یک حال و هوایی پیدا می‌شود، این قابل انکار نیست، بالاخره آدمی که روزه گرفته است قطعاً با اوقات دیگر فرقی دارد، اما برادر من خواهر من، برای یک ماه حال پیدا کردن قرآن نازل نمی‌شود، می‌دانی سر «لعلکم تتقون» چیست؟ ما استادی داشتیم از کبار علما و اهل معرفت بود رضوان الله علیه ایشان قریب به این مضامین می‌فرمود که «لعلکم تتقون» این است، یعنی یک ماه رمضان اگر روزه‌ات روزه‌ای باشد که خدا گفته است، این، مسیرت را همیشه مستقیم می‌کند. «لعلکم تتقون» یعنی این، نه اینکه یک ماه حال پیدا می‌کنی، برای یک ماه قرآن نازل نمی‌شود، اگر اینطور بود خدا می‌گفت: لعلکم تتقون شهرها واحدا.

❑ حفظ نورانیت تا رمضان بعد

یک چیزی به شما عرض می‌کنم دل‌م می‌سوزد، دلم می‌خواهد در این مورد در حق خودتان و بنده دعا کنید، آن این است که ان شاء الله این جمله را دست‌کم نگیرید این اسراری دارد، اگر کسی بتواند نورانیت یک ماه رمضان را به آن یکی ماه رمضان وصل کند، اگر همه را وصل کرد فیها اگر نکرد لاقل بعضی ولو جزئی [از آن نورانیت را] وصل کند، این آدم عاقبت به خیری می‌شود، یقین بدانید، این حرفی است که بخواهیم شرح کنیم دو سه ساعت شرح دارد، اما ان شاء الله دعا کنید که خدایا به حق امام زمان علیه السلام نورانیت‌هایی که ما در این ماه کسب می‌کنیم توأم با عافیت این‌ها را برای ما نگه بدار.

والآدم بیاید در ماه رمضان، بعد ماه رمضان تمام شود همان آش و همان کاسه، این دیگر «لعلکم تتقون» نمی‌شود، مولوی می‌گوید که یک نفری دید که شتر دارد می‌آید در کوچه، گفت از کجا می‌آیی؟ آن یکی پرسید از اشتر که هی، از کجای آیی ای اقبال پی، آقای شتر از کجا می‌آیی؟ گفت از حمام گرم کوی تو، گفت خود پیدا است از زانوی تو. گفت رفته بودم در همان حمام محله شما. گفت معلوم است خوب کیسه کشیدی، از زانوهایت پیدا است. بله بزرگان این مثل را زده‌اند که آقا، مردم که عملکرد من را بعد از ماه رمضان می‌بینند، ببینند عین آن شتری که از حمام آمده، پس چی شد؟ ها؟ غیبتت که هست سر جاش! بد اخلاقی در خانه که هست! دل شکستنت که هست! بی هوا پشت سر مردم حرف زدن، این‌ها همه هست پس

اگر کسی بتواند

نورانیت یک ماه

رمزانش را به آن

یکی ماه رمضان

وصل کند، اگر

همه را وصل کرد

فیها اگر نکرد لاقل

بعضی ولو جزئی

[از آن نورانیت را]

وصل کند، این

آدم عاقبت به خیر

می‌شود، یقین

بدانید، این حرفی

است که بخواهیم

شرح کنیم دو

سه ساعت شرح

دارد، اما ان شاء

الله دعا کنید که

خدایا به حق امام

زمان علیه السلام

نورانیت‌هایی که

ما در این ماه

کسب می‌کنیم

توأم با عافیت

این‌ها را برای ما

نگه بدار

این «لعلکم تتقون» کجاست؟! پس چی شد؟! خدا را قسم می‌دهیم به اولیائش ان شاء الله این ماه را ماه عافیت و توبه و مستجاب شدن دعاهایمان قرار بدهد که این ماه ان شاء الله یک تقوایی حاصل شود که این تقوی ما را نورانیتری بخشد که این نورانیت تا ماه رمضان آینده حفظ بشود.

مصافحه با ملائک

یک روایت هم عرض بکنم که با این روایت عرضم را تمام کنم. یکی از صحابه رسول خدا در کوچه می‌رفت، رسید به یک صحابی دیگر با هم سلام علیک کردند. صحابه دومی به صحابه اولی گفت: حالت چطور است؟ گفت: چه حالی؟! هلاک شدم! پرسید: چطور یعنی هلاک شدم؟ گفت: در محضر پیغمبر اکرم (ص) که هستیم، آنچنان هستیم مثل اینکه ملکوت را می‌بینیم! از محضر آقا که می‌آییم بیرون، کم کم این حالت زائل می‌شود، برمی‌گردیم به حالت ظلمانی خودمان. آن صحابی گفت: جاناسخن از زبان ما می‌گویی، من هم همین حالت را دارم. گفت: چه کار کنیم؟ چه علاجی کنیم؟ گفت: چه علاجی بهتر از اینکه الان که به رسول اکرم (ص) دسترسی داریم، برویم به خدمتش، دردمان را بگوییم، طیب نفوس تمام عالمیان است پیغمبر. رفتند خدمت رسول خدا، عرض کردند: یا رسول خدا ما حالمان در محضر شما خیلی خوب است، مثل اینکه اصلاً پرده‌ها می‌رود کنار، از محضر شما که بیرون می‌آییم حالمان عوض می‌شود، کمرنگ می‌شود تا اینکه بالاخره به صفر می‌رسد. محل شاهدیم اینجاست، ببینید این کاشفیت دارد، قبلاً هم گفتم، دلم می‌خواهد در این اسلام عزیز که داریم به این کاشفیت‌ها توجه کنیم والا به این‌ها توجه نکنیم، خدا می‌داند از مشتی از معارف محروم می‌شویم و کلاه سرمان می‌رود. حضرت فرمودند: آن حالی که نزد من پیدا می‌کنید، اگر آن را نگه بدارید، «لصافحتکم الملائکه» ملائکه با شما مصافحه می‌کنند!

می‌دانید از اینجا چه استفاده‌ای می‌شود؟ آن نوری که موهبت می‌شود به آدم، آن حالی که موهبت می‌شود به آدم، آدم آن را به گونه‌ای حفظ کند، حالا اگر همه آن را هم حفظ نکرد قسمتی از آن را حفظ کند. خواهید فرمود که آقا شاید مشکل باشد، نه از زبان امیرالمؤمنین علیه السلام مزده می‌دهم به شما بگذار ختامه همین حدیث باشد، حضرت می‌فرماید: هر کس چیزی را بخواد یا به همه آن می‌رسد یا به قسمی از آن می‌رسد. بالاخره اگر اراده کنیم خدا هم کمک می‌کند، من می‌گویم خدایا من یک تصمیم می‌گیرم اگر بتوانم نمی‌گویم عهد می‌کنم. این عهد می‌کنم سنگین است، نه من مرد این میدان نیستم، اما تصمیم بگیریم که انشاء الله این حال و هوای ماه مبارک را اگر بتوانیم یک قدری را نگه بداریم.

در یک جایی بودم یک کسی می‌خواست غیبت کند، عصر ماه رمضان بود. گفت راستی می‌خواستم یک چیزی بگویم دیدم غیبت می‌شود. گفتم این حالت را همیشه نگه دار، ماه شوال هم که بود این حرف را بزن، اگر دیدی غیبت است حرفت را برگردان. □

پرواز به سوی ملکوت

آیت الله شهید مرتضی مطهری

Bokeh.hasanalmasi.ir



برنامه ماه مبارک رمضان، برنامه انسان سازی است که انسان‌های معیوب در این ماه خود را تبدیل به انسان‌های سالم، و انسان‌های سالم خود را تبدیل به انسان‌های کامل کنند.

برنامه ماه مبارک رمضان برنامه ترکیه نفس است، برنامه اصلاح معایب و رفع نواقص است، برنامه تسلط عقل و ایمان و اراده بر شهوات نفسانی است، برنامه دعا است، برنامه پرستش حق است، برنامه پرواز به سوی خداست، برنامه ترقی دادن روح است، برنامه رقاء دادن روح است.

اگر بنا باشد که ماه مبارک بیاید و انسان سی روز گرسنگی و تشنگی و بی‌خوابی بکشد و مثلاً شب‌ها تا دیروقت بیدار باشد و به این مجلس و آن مجلس برود، و بعد هم عید فطر بیاید و با روز آخر شعبان یک ذره هم فرق نکرده باشد، چنین روزه‌ای برای انسان اثر ندارد. اسلام که نمی‌خواهد مردم بی‌جهت دهانشان را ببندند، بلکه با روزه گرفتن قرار است که انسان‌ها اصلاح شوند.

چرا در روایات ما آمده است که بسیاری از روزه داران هستند



خود را برای غذای حرام باز کند.

چرا به ما گفته اند يك دروغ که انسان بگوید تعفتی از دهان او بلند می شود که تا هفت آسمان، فرشتگان را متأذی می کند؟ آنوقت می گویند چرا انسان وقتی در جهنم است، این قدر جهنم عفونت دارد؟! عفونت جهنم همین عفونت هایی است که ما خودمان در دنیا ایجاد کرده ایم، همین دروغ هایی است که خودمان می گوئیم. دشنام دادن و همز و لمز کردن هم همین طور است.

تهمت زدن سرور همه این هاست، چون تهمت زدن هم [رذیلت] دروغ گفتن را دارد و هم [رذیلت] غیبت کردن را. چون آدمی که غیبت می کند، راست می گوید و بدگویی می کند و آدمی که دروغ می گوید، دروغ می گوید ولی بدگویی کسی را نمی کند، يك دروغی می بافت و می گوید. اما آدمی که تهمت می زند، در آن واحد، هم دروغ می گوید و هم غیبت می کند؛ یعنی دو گناه کبیره را با یکدیگر انجام می دهد.

[آیا صحیح است] يك ماه رمضان بر ما بگذرد که در آن ماه ما يك سلسله تهمت ها به یکدیگر بسته باشیم؟ ماه رمضان برای این است که مسلمین، بیشتر اجتماع کنند، عبادت های اجتماعی انجام دهند و در مساجد جمع شوند، نه اینکه ماه رمضان وسیله تفرقه قرار گیرد.

چه تعبیر عجیبی دارد پیغمبر اکرم (ص) برای ماه مبارك رمضان؛ می فرماید: «دُعَيْتُمْ فِيهِ إِلَى ضَيَاقَةِ اللَّهِ»

شما در این ماه به مهمانی خدا خوانده شده اید؛ در این ماه، خدا میزبان است و شما میهمان. پس به این مقیاس بفهمید چقدر درهای رحمت الهی در این ماه باز است! می دانید در رابطه میزبان و میهمان، این میزبان است که شأن مهمان را گرامی می دارد. هر کسی وقتی مهمان يك آدم کریم شد، به دلیل این که مهمان است، میزبان او را گرامی می دارد. فقط کوشش کنید که لااقل بتوانید به صورت يك مهمان بر سر سفره این میزبان وارد شوید.

اوج معنویت ماه مبارك رمضان، شب های قدر است که نزد يك است. ما باید در طول این بیست روز لااقل کاری کرده باشیم که در این ایام و لیالی قدر (نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم) [بتوانیم به صورت يك میهمان بر سر سفره این میزبان وارد شویم]. این روزه گرفتن ها، این - به خیال خودمان - زنجیر بر نفس اماره زدن ها، با طبیعت مبارزه کردن ها، روحانیت را غلبه دادن بر طبیعت، ذکر زیاد کردن خدا، دعای زیاد خواندن، تلاوت قرآن زیاد کردن، در یاد خدا زیاد بودن، اینها همه آمادگی است برای این که در این شبهای اعیان بتوانیم مانند يك میهمان بر سر سفره رحمت خالق خودمان وارد بشویم [و در این ضیافت] شرکت کنیم؛ توبه کنیم، انابه کنیم، استغفار کنیم، از خدای متعال رحمت بخواهیم؛ سعادت بخواهیم برای خودمان، برای برادران مؤمن خودمان، برای جامعه اسلامی خودمان، اصلاح نفس خودمان را بخواهیم. عبادت اصلاً برای نورانیت است.

ما عبادت می کنیم برای این که به وسیله عبادت و به یاد خدا بودن و غیر خدا را فراموش کردن، از این ظلمت ها و کدورت ها و تیرگی های بیرون بیاییم و قلب ما به نور الهی منور شود. □



.....

عفونت جهنم

همین عفونت هایی

است که ما

خودمان در دنیا

ایجاد کرده ایم،

همین دروغ هایی

است که خودمان

می گوئیم. دشنام

دادن و همز و لمز

کردن هم همین طور

است

که حظ و بهره آن ها از روزه جز گرسنگی چیزی نیست؟ بستن دهان از غذای حلال برای این است که انسان در آن سی روز تمرین کند که زبان خود را از گفتار حرام ببندد، غیبت نکند، دروغ نگوید، فحش ندهد.

این از همان امور معنوی و باطنی و ملکوتی است: زنی آمد خدمت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در حالی که روزه داشت. رسول اکرم (ص) شیر یا چیز دیگری به او تعارف کرد و فرمود: بگیر و بخور. گفت: یا رسول الله! روزه دارم. فرمود: نه، روزه نداری؛ بگیر و بخور. گفت: نه یا رسول الله! روزه دارم.

باز رسول اکرم (ص) اصرار کرد که بخور. گفت: نه، روزه دارم، واقعاً روزه دارم (چون به حساب خودش واقعاً روزه داشت، ولی روزه ظاهری مثل روزه های ما)، فرمود: تو چگونه روزه داری، حال آنکه گوشت برادر - یا خواهر - مؤمن را يك ساعت پیش خوردی (غیبت کردی)؟ می خواهی الآن به خودت ارائه دهیم که تو گوشت خوردی؟ قی کن! یکدفعه قی کرد و لخته های گوشت از دهانش بیرون آمد. انسان روزه بگیرد و غیبت نکند، یعنی دهان جسم خودش را از غذای حلال ببندد و دهان روح

داستان قرآنی مباحله

همه هستی رسول خدا

سید محمد صوفی

در این مطلب با داستان مباحله آشنا می‌شویم. آیه ۶۱ سوره آل عمران به همین موضوع اشاره دارد: «فمن حاجک فیہ من بعد ما جائک من العلم فقل تعالوا ندع ابناثنا و ابنائکم و نساثنا و نساثکم...»

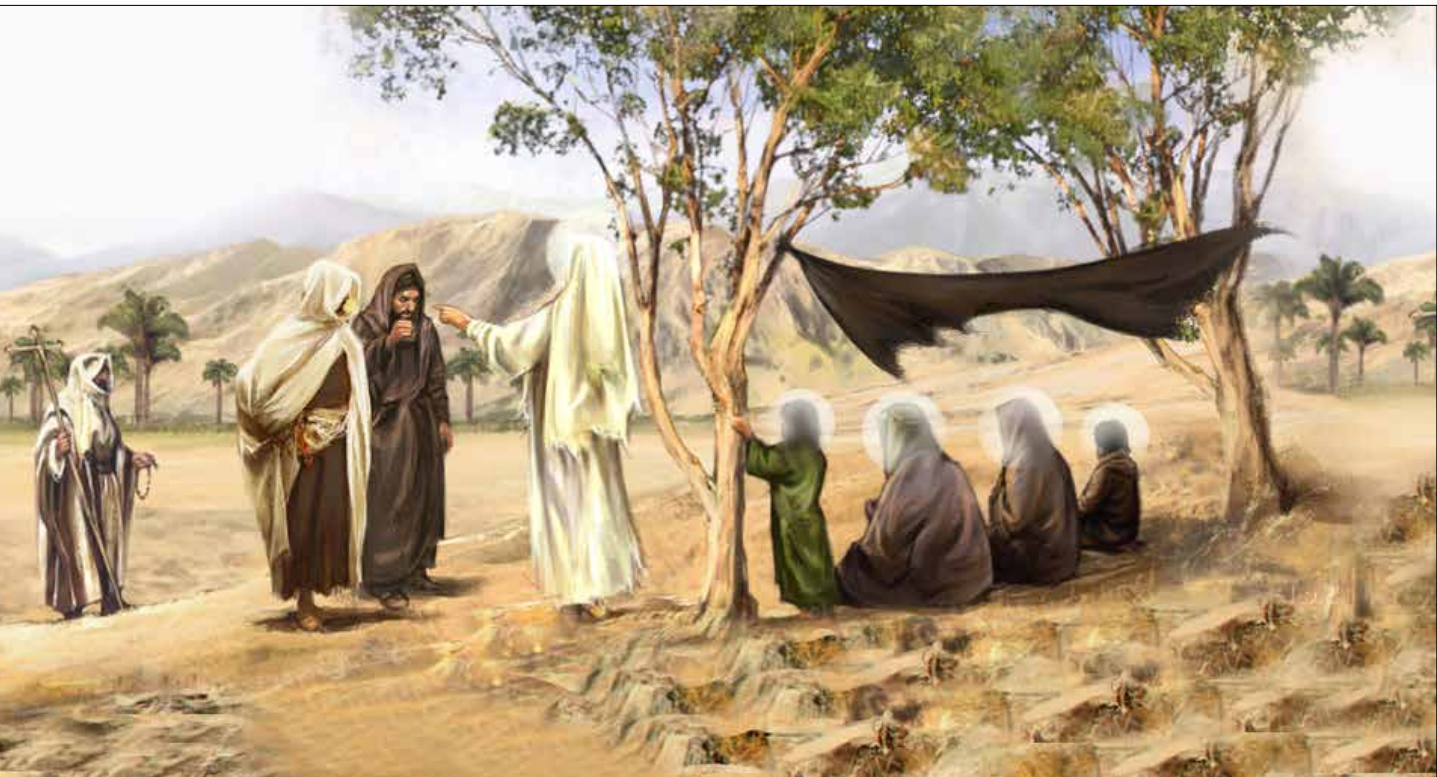
عزت پرستش خداوند
رسول اسلام (ص) به منظور دعوت نجرانیان به اسلام، نامه‌ای به اسقف آن شهر نوشت و مضمون نامه این بود: «بسم الله الرحمن الرحيم. نامه‌ای است از محمد فرستاده خدا به سوی اسقف نجران. اگر اسلام را بپذیرید و در برابر سخن حق تسلیم باشید، من حمد خدا که معبود ابراهیم و اسحاق و یعقوب است، به سوی شما می‌فرستم و پس از آن، شما را از ذلت پرستش مخلوق، به عزت پرستش خداوند دعوت می‌کنم و از ولایت و حکومت بندگان به سوی ولایت پروردگار جهان می‌خوانم. در صورتی که از پذیرفتن اسلام امتناع دارید، باید بر طبق مقررات، جزیه بپردازید و اگر از آن هم خودداری کنید، به شما اعلان جنگ می‌دهم. والسلام.»

نامه توسط چهار نفر از اصحاب رسول خدا (ص) به نجران فرستاده شد و وقتی اسقف، نامه را دریافت کرد و از مضمون آن مطلع شد، سخت مضطرب و نگران گردید و ترسی عظیم در دل او راه یافت. آنگاه برای به دست آوردن راه حل، چند تن از رجال و بزرگان را احضار کرد و مطلب را به آنان اطلاع داد و نظرشان را جویا شد.

شرحیل که از مردان نامی نجران و به همین منظور احضار شده بود، اظهار داشت: تو خود می‌دانی که خداوند به ابراهیم خلیل وعده فرموده که از ذریه فرزندش اسماعیل، پیامبری برانگیزد. ولی در این مورد من صلاحیت اظهار نظر ندارم. اگر از کارهای اجتماعی و سیاسی بود، می‌توانستم نظر خود را بگویم.

بین مکه و مدینه شهری بود که نجران نامیده می‌شد. اهالی شهر در آغاز بت پرست بودند و سپس به کیش یهود درآمدند و پس از مدتی، به ارشاد یکی از مسیحیان، دین مسیح را پذیرفتند. ذونواس (پادشاه حمیر) که یهودی بود و میل داشت یهودیت را در همه جا آئین رسمی اعلام کند، به نجران حمله کرد و گروهی از مسیحیان آن را در شعله‌های سوزان آتش سوزانید.

با اینکه بسیاری از مسیحیان نابود شدند، ولی پس از زوال قدرت ذونواس، مجدداً مذهب مسیح رواج یافت و مردم به نصرانیت رو آوردند. در نجران معبدی وجود داشت که در مقابل کعبه معظمه ساخته شده بود و جمعی از بزرگان و راهبان، در آن معبد به عبادت اشتغال داشتند. مهم‌ترین شخصیت‌های نجران سه نفر به نام‌های: عاقب (عبدالمسیح) و ایهم (معروف به سید) و ابوحارثه بن علقمه که اولی فرماندار و حاکم نجران و دومی از محترمین و خدمت‌گذاران جامعه و سومی رهبر روحانی و اسقف نجران به شمار می‌آمد.



و بالتیجه پس از شرفیابی خدمت رسول اکرم (ص) مسلمان شد.

باری، هیئت نجران درحالی که جامه های ابریشم گران بها پوشیده بودند و انگشترهای طلا در دست داشتند، به مدینه وارد شدند و در مسجد به حضور پیغمبر اسلام (ص) آمدند. رسول خدا که آنان را با چنان وضعی دید، جواب سلامشان را نداد و اعتنائی به آن ها نکرد.

نجرانیان، با آن لباس ها و وضع شاهانه آمده بودند که خود را در نظر مسلمانان بزرگ جلوه دهند. ولی بی اعتنائی رسول اکرم (ص) موجب شد که عموم مسلمین به آنان بی اعتنائی کنند و عملاً آن ها را تأدیب نموده، بفرمانند که شخصیت انسان، به لباس زیبا و انگشتر طلا نیست.

سه روز، آن هیئت در مدینه سرگردان و بلا تکلیف بودند و بالاخره به راهنمایی امیرالمؤمنین علی (ع) وضع خود را تغییر دادند و لباس معمولی پوشیدند و زرو زیورها را از خود دور کردند و به حضور پیغمبر آمدند. رسول اکرم (ص) آنان را پذیرفت و به مذاکره پرداخت.

❑ دین آزادی

نکته ای که در این مورد نباید از نظر دور داشت آن است که نجرانیان، مراسم دینی خود را در مسجد پیغمبر انجام می دادند و با اینکه به مسلمانان ناگوار بود، رسول اکرم (ص) اجازه داد که آن ها با کمال آزادی در مسجد، اعمال دینی خود را اجرا کنند و با این روش ثابت کرد که اسلام دین حریت و آزادی است و بیگانگان نیز می توانند به مجامع مسلمین بیایند و سخنان خدا را بشنوند و به سوی حق راهنمایی شوند.

در آغاز مذاکرات، نجرانیان پرسیدند: ما را به چه دعوت می کنی؟ فرمود: شما را دعوت می کنم به سوی خدای یگانه که شریک و همتایی ندارد و اینکه من پیغمبر و فرستاده خدایم و اینکه عیسی بنده خدا و آفریده او است.

گفتند: اگر واقعاً عیسی بنده خدا است و فرزند خدا نیست، پس پدر او کیست؟ رسول خدا به دستور وحی به آن ها فرمود: شما درباره آدم چه عقیده ای دارید؟ آیا آدم بنده و مخلوق خدا بوده یا نه؟ گفتند: آری. فرمود: پدر او کیست؟ مسیحیان متحیر ماندند که چه بگویند. رسول اکرم (ص) این آیه را بر آن ها خواند: «ان مثل عیسی عندالله کمثل آدم خلقه من تراب» (آل عمران: ۵۹) یعنی: همانا مثل خلقت عیسی (بدون پدر) مانند خلقت آدم است که (بدون پدر و مادر) خداوند او را از خاک آفرید و به اراده خود او را انسانی کامل قرارداد.

مسیحیان نجران، بنای مجادله را گذاشتند و حاضر نشدند که بپذیرند عیسی، پسر خدا نیست و بنده خدا است و چون از بحث و استدلال نتیجه ای گرفته نشد، رسول اکرم (ص) آنان را به مباحثه دعوت کرد که طرفین در پیشگاه خداوند لب به نفرین بکشایند و هر کدام که بر حق نیستند و دروغ می گویند، به عذاب الهی گرفتار شوند.

هیئت نجران، این پیشنهاد را عادی تلقی کردند و قبول نمودند که بار رسول خدا مباحثه کنند. ولی پس از آن، به اهمیت مطلب پی بردند و از این کار سخت مضطرب و نگران شدند. با مداد روز بعد، اجتماعی عظیم از مردم مدینه در بیرون



نجرانیان، مراسم

دینی خود را در

مسجد پیغمبر

انجام می دادند

و با اینکه بر

مسلمانان ناگوار

بود، رسول

اکرم (ص) اجازه

داد که آن ها با

کمال آزادی در

مسجد، اعمال

دینی خود را اجرا

کنند و با این

روش ثابت کرد که

اسلام دین حریت

و آزادی است

نفر دوم از احضار شدگان، مردی از بزرگان حمیر، به نام عبدالله بن شرحبیل بود. او نیز خود را شایسته اظهار نظر در این امر نبود و رسالت ندید و گفت: من در مورد کارهای دنیوی و امور اجتماعی می توانم به شما کمک فکری کنم. ولی در این مسائل تخصصی ندارم.

جبار بن فیض، سومین شخصیتی بود که برای مشورت احضار شد. او هم جوابی مانند دیگران داد و خود را لایق و صالح ندید که در این گونه امور دخالت کند.

بدیهی است که اسقف از نظر اطلاعات دینی، نیازمند به مشورت دیگران نبود و نگرانش فقط از این نظر بود که مبادا به واسطه مسلمان شدن نجرانی ها ریاست و حکومت او، دستخوش فنا و زوال شود. چون اسقف از مشاورین خود نتیجه ای نگرفت، صلاح در این دید که به آراء عمومی مراجعه کند و از همه مردم نظر بخواهد. عقیده اکثریت مردم بر این بود که هیئتی به مدینه اعزام شوند و درباره محمد تحقیقاتی نموده، گزارشی تهیه کنند. آنگاه تصمیم قطعی اتخاذ شود.

❑ پیغمبر موعود

به دنبال این جریان، هیئتی مرکب از شصت نفر به سوی مدینه رهسپار شدند و در رأس آن ها حاکم نجران و اسقف نامبرده قرار داشتند. در بین راه مرکب اسقف پایش لغزید و او را بر زمین زد. برادر او که ملازم رکابش بود، سخنی جسارت آمیز به رسول محترم اسلام گفت.

اسقف با حال خشم بر برادرش لعنت فرستاد و گفت: چرا به محمد (ص) بد می گویی؟ او همان پیغمبر موعود است که ما انتظار او را داریم. گفت: در صورتی که چنین است، چرا او را تصدیق نمی کنی و مسلمان نمی شوی؟! گفت: مسیحیان این همه مال و ثروت و خدم و حشم به ما داده اند و ما میل به مسلمانی نیستند. اگر ما پیرو اسلام شویم، تمام این مزیار از دست خواهیم داد. این سخن در دل برادر اسقف اثر گذاشت



شهر دیده می‌شد و گروهی بی‌شمار برای تماشای مباحله گرد آمده بودند. در آن حال مشاهده کردند که پیغمبر اکرم (ص) با امیرالمؤمنین (ع) و دو فرزندش حسن و حسین (ع) در حالی که دست آن‌ها در دست پیغمبر بود و بانوی بزرگوار اسلام فاطمه زهرا (ع) پشت سر ایشان بود، از راه رسیدند و محلی را برای مباحله در نظر گرفتند.

اهل بیت

به اتفاق تمام نویسندگان و مفسرین شیعه و سنی، رسول اکرم (ص) غیر از امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین (ع) که تنها مصداق آیه: «قل تعالوا اذع ابنائنا و ابنائکم و نساائنا و نساائکم و انفسنا و انفسکم»... بودند، هیچ کس را همراه نبرد و در آن روز صریحاً فرمود: «اللهم هولاء اهل بیتی» پروردگارا اینان اهل بیت منند.

مسیحیان که از دور ناظر ورود رسول اکرم (ص) بودند، برخلاف انتظار خود دیدند که آن حضرت با جمعیت و ازدحام نیامده و فقط یک مرد و یک زن و دو پسر با خود آورده است. پرسیدند که همراهان پیغمبر (ص) با او چه نسبتی دارند؟ گفته شد: که اینان محبوب‌ترین مردم نزد رسول محترم اسلام هستند. یکی فاطمه (س) دختر او و دیگری علی (ع) داماد و پسر عمش و آن دو پسر، فرزندان دختر او، حسن و حسین (ع) می‌باشند.

شرحیل که از خردمندان و بزرگان هیئت نجران بود، به یاران خود گفت: به خدای جهان سوگند من صورت‌هایی می‌بینم که اگر از خداوند درخواست کنند کوه‌ها را متلاشی کند، درخواستشان را رد نمی‌کند. از اقدام به مباحله بر حذر باشید. هیچ کس با پیغمبری از پیغمبران مباحله نکرد، مگر اینکه هلاک شد.

گروهی از دانشمندان آن قوم، نزد عاقب (فرماندار و حاکم نجران) گرد آمدند. به تبادل نظر پرداختند. عاقب گفت: آقایان! شما خودتان می‌دانید، محمد (ص) همان پیغمبری است که مسیح (ع) بعثت او را بشارت داده. اگر به شما نفرین کند، همه هلاک می‌شوید.

شرحیل اظهار داشت: به عقیده من مطلب خیلی مهم‌تر و خطرناک‌تر از آن است که شما فکر می‌کنید. اگر محمد (ص) مرد دنیا طلب و ریاست خواهی بود، اول کسی که با او می‌جنگید، ما بودیم. ولی علائم و آثاری که در دست داریم نشان می‌دهند که او فرستاده خدا است و مباحله با او نابود کننده ما خواهد بود. صلاح در این است که مباحله را موقوف سازیم و کار را به مصالحه خاتمه دهیم و چون محمد (ص)، مردی آراسته و منصف است، خودش را به حکمیت انتخاب می‌کنیم و هر طور نظر داد و حکم کرد، می‌پذیریم.

حاضرین جلسه، نظریه شرحیل را تصویب کردند و به دنبال آن، پیامی به رسول اکرم (ص) فرستادند که از مباحله درگذر و تو خودت در میان ما حکم باش و کار را با مصالحه خاتمه بده. رسول اکرم (ص) با پیشنهاد آن‌ها موافقت کرد و صلح‌نامه‌ای به خط امیرالمؤمنین علی (ع) و تعیین جزیه سبک و آسانی که سالیانه بپردازند، تنظیم گردید و کار خاتمه یافت.



آیه مباحله و

جریان مباحله

رسول اکرم (ص)

با مسیحیان

نجران، سندی

قرآنی بر عظمت

اهل بیت عصمت

علیهم السلام

است که شیعه

و سنی اعتراف

دارند که در آن

روز تاریخی،

رسول اکرم (ص)

جز علی و فاطمه

و حسن و حسین

علیهم السلام،

کسی را همراه

نبرد.

علما و مفسرین

شیعه در این

مورد اتفاق نظر

دارند و در میان

علماء اهل سنت

نیز، کسانی که

احادیث مربوط

به مباحله را به

همین صورت نقل

کرده‌اند فراوانند

در پایان این بحث شایسته است داستان کوتاهی که مسلم، در صحیح خود نقل کرده، به نقل از کتاب غایبه المرام ذکر کنیم: معاویه به سعد ابن ابی وقاص گفت: چرا به ابوتراب (کنیه امیرالمؤمنین) دشنام نمی‌دهی؟! شدت گفت: سه چیز از رسول الله (ص) شنیده‌ام که اگر یکی از آن‌ها درباره من بود، در نظرم بهتر از شتران نجیب و اصیل دنیا ارزش داشت.

اول- آنکه در یکی از جنگ‌ها (جنگ تبوک) پیغمبر اکرم (ص)، علی (ع) را به جانشینی خود در مدینه گذاشت. علی (ع) گفت: یا رسول الله! مرا نزد زن‌ها و بچه‌ها می‌گذاری؟! فرمود: آیا راضی نیستی که نسبت به من چون هارون نسبت به موسی باشی؟! جز آنکه پیغمبری پس از من نیست.

دوم- آنکه، در روز خیبر، رسول اکرم (ص) فرمود: فردا علم را به مردی می‌دهم که خدا و رسولش را دوست و خدا و رسول هم او را دوست داشته باشند. سعد می‌گوید هر کدام از ما انتظار داشتیم که آن مرد باشیم. چون فردا شد، پیغمبر (ص) فرمود: علی (ع) را نزد من بخوانید. علی (ع) را با اینکه مبتلا به درد چشم بود حاضر نمودند. پیغمبر (ص) دستی به چشمش کشید و درد چشمش زایل گردید. سپس پرچم را به دست او داد و خداوند به دست او، فتح را نصیب مسلمانان گردانید.

سوم- آنکه، چون آیه: «قل تعالوا اذع ابنائنا و ابنائکم و نساائنا و نساائکم و انفسنا و انفسکم»... نازل شد، پیغمبر (ص) علی و فاطمه و حسن و حسین (ع) را طلبید و گفت: خدایا اینان اهل بیت منند.

آیه مباحله و جریان مباحله رسول اکرم (ص) با مسیحیان نجران، سندی قرآنی بر عظمت اهل بیت عصمت علیهم السلام است که شیعه و سنی اعتراف دارند که در آن روز تاریخی، رسول اکرم (ص) جز علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام، کسی را همراه نبرد.

علما و مفسرین شیعه در این مورد اتفاق نظر دارند و در میان علماء اهل سنت نیز، کسانی که احادیث مربوط به مباحله را به همین صورت نقل کرده‌اند فراوانند. قاضی نورالله شوشتری در جلد سوم از کتاب نفیس احقاق الحق طبع جدید، صفحه ۴۶ می‌گوید: مفسران در این مسئله اتفاق نظر دارند که ابنائنا در آیه فوق اشاره به حسن و حسین و نساائنا اشاره به فاطمه و انفسنا اشاره به علی علیهم السلام است. سپس (در پاورقی کتاب مزبور) از حدود شصت نفر از بزرگان اهل سنت نقل می‌کند که آن‌ها تصریح کرده‌اند که آیه مباحله درباره اهل بیت نازل شده است و نام آن‌ها و مشخصات کتب آن‌ها را از صفحه ۴۶ تا صفحه ۷۶ مشروحاً آورده است.

از جمله شخصیت‌های سرشناسی که این مطلب در کتب آن‌ها نقل شده افراد زیر هستند:

۱. صحیح مسلم، جلد ۷ صفحه ۱۲۰.

۲. مسند احمد ابن حنبل، جلد ۱ صفحه ۱۸۵.

۳. تفسیر طبری، جلد ۳ صفحه ۱۹۲.

۴. مستدرک حاکم، جلد ۳ صفحه ۱۵۰.

معرفی اپلیکیشن‌های رمضانی همراهان مجازی

حسن سیدی



با فرارسیدن ماه رمضان روزه‌داران ایرانی هم مثل دیگر مسلمانان جهان به مهمانی ویژه‌ای می‌روند؛ به یک ماه عبادت، دعا خواندن، پرهیز از خوردن و نوشیدن و... اما یک ماه روزه‌داری مناسک خاصی دارد که اپلیکیشن‌ها می‌توانند یاریگر ما برای انجام دادن آن‌ها باشند. در این مطلب به معرفی اپلیکیشن‌هایی می‌پردازیم که هر کدام به طریقی روزه‌داری ما را تکمیل می‌کند. ■



ربنا [۱]
ربنا یکی از کامل‌ترین اپلیکیشن‌های مذهبی است؛ اپلیکیشنی که با آن می‌توانید اوقات شرعی شهرتان را روی موبایل خود داشته باشید. ربنا اپلیکیشن جامعی برای روزه‌داران است. نسخه صوتی و ترجمه دعا‌های روزانه ماه رمضان، قبله‌نمای دقیق، مجموعه‌ای از دعا‌های مختلف این ماه مبارک، احکام روزه و پاسخ سوال‌های شرعی درباره عبادت‌های ماه رمضان، ذکرشمار و پیام‌ها، زنگ‌ها و آهنگ‌های پیشواز مناسبتی از دیگر اماکنات این اپلیکیشن هستند. علاوه بر این‌ها، ربنا رابط کاربری زیبایی دارد و کار با آن راحت و روان است.



آفاق تبیان - اذان گو [۲]
آفاق تبیان شما را از جستجوی اوقات شرعی بی‌نیاز می‌کند. حتی نیازی نیست شهر خود را به اپلیکیشن اعلام کنید؛ خود اپلیکیشن بر اساس موقعیت جغرافیایی ساعت‌های شرعی را به اطلاع شما می‌رساند و مثل رادیویی هوشمند از گوشی شما اذان پخش می‌کند. شما می‌توانید بر اساس سلیقه‌تان از بین هفت مؤذن مختلف یکی را برای خود انتخاب کنید. با «آفاق» همچنین می‌توانید برای دعاها و نمازهای مختلف آلارم تنظیم کنید تا برای مثال اپلیکیشن نیم ساعت قبل از اذان صبح به شما یادآوری کند که نماز شب بخوانید.



تغذیه رمضان [۳]
در ماه رمضان عادت‌های غذایی ما عوض می‌شود؛ دیگر مثل سابق سه وعده غذا نمی‌خوریم و باید عادت غذایی جدیدی پیدا کنیم تا بدن سالم‌تری داشته باشیم. در این شرایط، بیش از قبل باید به فکر تغذیه خود باشیم. اپلیکیشن تغذیه رمضان در این راه به کمک شما می‌آید. در این اپلیکیشن برنامه غذایی سی روزه برای ماه رمضان شما تهیه شده که سفره غذایی شما را متنوع‌تر می‌کند. طرز تهیه این غذاها هم آموزش داده شده تا به سرعت بتوانید غذای هر روز را درست کنید. این غذاها از لقمه‌های کوچک تا انواع آش و سوپ و غذا‌های برنجی مناسب ماه رمضان را شامل می‌شود. نکته دیگر درباره این اپلیکیشن توصیه‌های غذایی و نکات مفیدی است که با رعایت کردنشان در کنار روزه‌داری بدن سالم‌تری خواهید داشت.



مفاتیح الجنان

مفاتیح الجنان فقط مخصوص ماه رمضان نیست و خوب است همیشه در گوشی همراهمان داشته باشید. این اپلیکیشن محبوبترین اپلیکیشن مجموعه دعاهای مفاتیح الجنان است که علاوه بر تمام دعاها، منتخبی از سوره‌های قرآن، مجموعه‌ای از اعمال ماه‌های مختلف قمری (از جمله رمضان)، مجموعه‌ای از زیارت‌ها و حواشی مفاتیح الجنان را هم طبقه‌بندی کرده است. در شب زنده‌داری شب‌های قدر این اپلیکیشن تمام دعاهای مورد نیاز را در اختیار شما قرار می‌دهد.

انواع حلوائ ویژه ماه رمضان

شیرینی‌هایی مثل زولبیا، بامیه و حلوا اجزای جدانشدنی سفره‌های افطارند. این اپلیکیشن به طور تخصصی به حلوا و انواع آن می‌پردازد و دستور پخت هر کدام را به شما آموزش می‌دهد. اگر می‌خواهید در طول یک ماه حلواهای متنوع سر سفره افطار داشته باشید، این اپلیکیشن را نصب کنید و از تنوع حلواها شگفت زده شوید؛ حلواهایی که اتفاقاً پختنشان به هیچ وجه سخت نیست.

قرآن صوتی حبل المتین

قرآن صوتی حبل المتین یکی از جامع‌ترین اپلیکیشن‌های قرآن است. در این اپلیکیشن متن تمام سوره‌ها با ۲۷ ترجمه مختلف، ۱۵ ترتیل، ۹ تفسیر و ۳ ترجمه گویا در اختیار شما قرار گرفته است. هم‌زمان با تلاوت قرآن متن آیات خوانده می‌شود و ترجمه آن به صورت زیرنویس پخش می‌شود. این اپلیکیشن کاملاً با اندروید هماهنگ است و به بهترین شکل آیات قرآن را در گوشی شما نمایش می‌دهد. دیگر امکان این اپلیکیشن، که به خصوص در ماه رمضان به کار می‌آید، امکان شرکت در ختم قرآن آنلاین است. البته می‌توانید برای خودتان هم برنامه شخصی ختم قرآن تعریف کنید.

سحرخیز

برای برخی از روزه‌داران سخت است که صبح زود پیش از اذان صبح از خواب بیدار شوند و به عبادت بپردازند. اپلیکیشن سحرخیز در واقع یک زنگ هشدار است که برای توقف زنگ شما را مجبور می‌کند کارهایی مثل روشن کردن چراغ، تکان دادن گوشی یا اسکن کردن بارکد را انجام دهید. با این کارها قطعا خواب از سر شما می‌پرد. ضمناً با استفاده از این اپ می‌توانید از اوقات شرعی شهر خود و زمان اذان مطلع شوید.

ذکر شمار

ذکر شمار برنامه‌ای است که شما را از نگرانی فراموش کردن ذکرهای تان در می‌آورد. در این برنامه انواع ذکرهایی مستحبی وجود دارد تنها کار لازم انتخاب یکی از این ذکرها است خود برنامه بر اساس زمانبندی که برای آن تعیین می‌کنید به شما یادآور می‌شود که ذکرهای لازم را بخوانید.



تقویم اذان گو بادصبا

«تقویم اذان گو بادصبا» با بیش از ۹ میلیون نصب فعال، محبوب‌ترین اپلیکیشن مذهبی ایرانی است که عمده موفقیتش هم به قابلیت پخش اذان برنامه روی گوشی‌های همراه برمی‌گردد. کفایت منطقه زندگی‌تان را دراپ وارد کنید تا اپلیکیشن اوقات شرعی مختلف را یادآوری کند. البته کاربرد بادصبا فقط محدود به پخش اذان نیست. از زمان عرضه این برنامه تاکنون، توسعه‌دهنده به واسطه افزودن قابلیت‌های بیشتر تا حدودی موفق شده تا کاربران را از بقیه برنامه‌های مذهبی بی‌نیاز کند؛ وجود اعمال و دعا‌های روز، قبله‌نما و حتی ابزارهای مدیریتی ساخته موج همراه را تبدیل به یک جعبه ابزار مذهبی کرده است. موج همراه اپ قرآن صوتی حبل المتین نیز ساخته که برای دسترسی به آن در بادصبا، ابتدا باید اپلیکیشن را دانلود کنید.

قلم هوشمند رمضان

بزرگترین نکته مثبت «قلم هوشمند رمضان» تمرکز آن روی ماه مبارک رمضان بوده و به همین خاطر برای کسانی که به دنبال برنامه‌ای فقط برای اعمال و دعا‌های همین ماه هستند، برنامه مناسبی به شما می‌رود. قلم هوشمند رمضان تمام دعا‌های ماه رمضان را داشته و هر کدام از آن‌ها را که خواستید می‌توانید با صوت و ترجمه گوش دهید. در کنار ادعیه روزانه ماه مبارک رمضان، سوره‌های قرآن نیز به صورت دسته‌بندی در برنامه حضور دارند.

شبکه مجازی ختم آنلاین قرآن کریم

یکی از اعمالی که در ماه رمضان مرسوم است، ختم گروهی قرآن بوده و اپلیکیشن «شبکه مجازی ختم آنلاین قرآن کریم» می‌خواهد به کاربر برای همین کار کمک کند؛ با پیوستن به بقیه کاربران، در ختم قرآن شریک شوید. بعد از نصب برنامه، ابتدا باید ثبت نام کنید و بعد از ورود به اپ روی آیکن دست بالای صفحه بزنید تا آتایی به نمایش درآمده و آن‌ها توسط قاری برنامه خوانده شوند.

بعد از اینکه قاری تلاوت آیاتش تمام شد، یعنی شما آن قسمت از قرآن را خوانده‌اید و بنابراین در ختم شرکت کرده‌اید. البته با تکرار این کار می‌توانید آیات بیشتری را نیز بخوانید. جدا از توانایی انتخاب قاری، همچنین قابلیت این را دارید تا تعداد آیاتی که برای ختم قرآن نشان داده می‌شوند را به دلخواه کم یا زیاد کنید.

اذان گو - برای آیفون

اذان گو اولین اپلیکیشن پخش اذان برای آی او اس است. با این برنامه می‌توانید هر جایی که هستید با استفاده از سیستم جی‌پی‌اس اذان را با صدای مودن‌های مختلف بشنوید، با نزدیک شدن به زمان قضای نمازهای پنج‌گانه نوتیفیکیشن دریافت کنید یا در اوج گرسنگی بفهمید چند ساعت دیگر به اذان مانده است. این اپلیکیشن همچنین تقویم تمام روزهای سال و قبله‌نمای دقیق هم دارد. □

یکی از اعمالی

که در ماه رمضان

مرسوم است،

ختم گروهی قرآن

بوده و اپلیکیشن

«شبکه مجازی

ختم آنلاین قرآن

کریم» می‌خواهد

به کاربر برای

همین کار کمک

کند؛ با پیوستن

به بقیه کاربران،

در ختم قرآن

شریک شوید.

بعد از نصب

برنامه، ابتدا باید

ثبت نام کنید و

بعد از ورود به اپ

روی آیکن دست

بالای صفحه

بزنید تا آتایی به

نمایش درآمده و

آن‌ها توسط قاری

برنامه خوانده

شوند



بسم الله الرحمن الرحيم

احکام روزه بر اساس استفتاء
از حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)

راهنمای رمضان

۱ آیا حساب مسافت شرعی، از حدّ ترخص است؟

مسافت شرعی از انتهای شهر مبدأ محاسبه می‌شود، نه از حدّ ترخص.

۲ من دختری هستم که از نظر جسمی تقریباً در تمام سال‌های زندگی ضعیف

بوده‌ام و از سن ۹ سالگی که باید روزه می‌گرفتم به دلایل مختلف از جمله سهل انگاری و ضعف و درس و بهم ریختن عادت ماهیانه نتوانسته‌ام کامل روزه‌هایم را بگیرم. در طول ماه‌های بعد رمضان نیز به دلیل مدرسه رفتن و ضعف و کوتاهی و... نتوانسته‌ام چندان جبران کنم. الان حدود ۱۶ عدد روزه از سال‌های پیش قضا دارم. وظیفه چیست؟ همچنان ضعیف شدید جسمی‌ام که در دو سه سال اخیر تشدید شده اجازه روزه گرفتن بیش از دو سه روزه در ماه شاید هم کمتر انمی‌دهد؟

ترک روزه به مجزّد بعضی از عذرهای جایز نیست، بنابراین اگر افطار عمدی روزه ماه مبارک رمضان به مجرد احتمال عدم وجوب روزه بر شما باشد، در فرض سؤال علاوه بر قضا، کفّاره هم بر شما واجب است. اما اگر افطار به علت ترس از ضرر باشد و ترس هم منشأ عقلایی داشته باشد، و یا این که تحمل روزه برای شما همراه با مشقت زیاد بوده و وقتی که به حرج و مشقت می‌رسیدید افطار مینمودید افطار برای شما جایز بوده و کفّاره واجب نیست، ولی قضا بر شما واجب است و چنانچه تأخیر قضا تا رمضان آینده بدون عذر شرعی بوده، برای هر روزه، کفّاره تأخیری یعنی یک مدّ طعام (تقریباً ۷۵ گرم گندم یا نان و مانند آن) بپردازید.

۳ امسال کنکور دارم. و با توجه به این که ماه رمضان دقیقاً قبل از کنکور است

مطالعه در حالت روزه بسیار سخت است. چون پارسال هم این شرایط رو تحمل کردم و روزه گرفتم و در کنکور رتبه خوب نیاردم. خانواده‌ام مرا مجبور کرده‌اند که امسال نباید روزه بگیرم و باید درس بخوانم! وظیفه من چیست؟ آیا از فرمان اجباری پدر و مادر اطاعت کنم یا خلاف فرمان عمل کنم؟

صرف آنچه ذکر شده مجوز ترک روزه نبوده و اطاعت از پدر و مادر در ترک واجب، جایز نیست.

۴ آیا ترک روزه به جهت اهمیت و سرنوشت ساز بودن امتحانات نهایی و سراسری،

و یا کنکور، و بجا آوردن قضای آنها در فرصت بعدی، جایز است؟

صرف امتحان یا کنکور و امثال آن، مجوز ترک روزه نیست؛ و در صورت ترک روزه علاوه بر قضا، کفّاره ی افطار عمد هم دارد. البته می‌توانید تا قبل از اذان ظهر حدّ اقل به مقدار مسافت شرعی سفر، و در آن سفر افطار کنید، و بعد از ماه رمضان، قضای روزه را بگیرید.

۵ اگر کسی در هنگامی که روزه است بعضی دعاهایی که از طرف معصومین علیهم

السلام وارد شده و یا قرآن را، به دلیل کم سواد یا فراموشی یا ناتوانی در یادگیری، غلط بخواند با این که می‌داند درست نمی‌خواند، آیا روزه اش باطل می‌شود؟

خیر، آنچه ذکر شده ضرری به صحت روزه نمی‌رساند.

۱ بنده به بیماری سنگ کلیه دچار هستم. در مراجعه به پزشک، نوشیدن بسیار مایعات را تجویز نمودند. در ماه مبارک رمضان امسال چه وظیفه ای دارم؟

اگر جلوگیری از بیماری کلیه مستلزم نوشیدن آب یا سایر مایعات در طول روز باشد، روزه گرفتن بر شما واجب نیست؛ و اگر مریضی شما تا ماه رمضان سال بعد ادامه داشته باشد، روزه‌ها قضا ندارد؛ ولیکن باید برای هر روزه یک مدّ طعام (تقریباً ۷۵ گرم گندم یا نان و مانند آن) به فقیر بدهید.

۲ اگر کسی مدتی با جنابت روزه گرفته، و نمی‌داند

که باید غسل کند، آیا روزه‌های او صحیح است؟

در صورتی که جاهل به جنابت خود بوده و اصلاً نمی‌فهمیده جنابت چیست و جنب شدن عمدی در شب ماه رمضان بوده و نه در روز آن، روزه‌ها صحیح است ولی اگر جنابت را می‌دانسته و جاهل به وجوب غسل بوده باید قضای روزه‌ها را به جا آورد و اگر غافل از حکم مسأله بوده، کفّاره ندارد.

۳ همسرم فرزندمان که ۴۰ روزه می‌باشد را شیر

می‌دهد، نسبت به روزه در ماه مبارک رمضان چه وظیفه ای دارد؟

اگر به دلیل کم یا خشک شدن شیر بر اثر روزه، خوف ضرر بر طفل داشته باشد، و شخص دیگری نیست که بچه را شیر بدهد، روزه‌هایی از ماه مبارک که خوف ضرر است روزه را افطار کنند، و برای هر روز باید یک مدّ طعام (تقریباً ۷۵ گرم گندم یا نان یا جو یا برنج یا آرد) به فقیر بدهد، و قضای روزه را هم بعداً به جا آورد؛ و اگر قضای روزه را بدون عذر تا ماه رمضان بعد انجام ندهد، کفّاره ی تأخیر (یک مدّ طعام برای هر روزه) واجب می‌شود.

۴ کسی که آب در اختیار ندارد، و یا به دلیل عذرهای

دیگر غیر از تنگی وقت نمی‌تواند غسل جنابت بکند، آیا جایز است عمداً خود را در شب‌های ماه مبارک رمضان از طریق حلال جنب کند؟

اگر وظیفه او تیمم باشد، و بعد از این که خود را جنب کرده، وقت کافی برای تیمم داشته باشد، این کار برای وی جایز است.

اگر شخصی جهت شغلی که دارد و نمی‌تواند آن را رها کند چنانچه بر اثر تشنگی یا گرسنگی روزه برایش حرجی باشد، و همچنین افراد کم سن و سال که روزه گرفتن برای آن‌ها مشقت شدید دارد آیا از اول روز می‌توانند افطار کنند یا این که حکم دیگری دارند؟

در فرض سؤال، هر وقت دچار حرج و مشقت شدند، می‌توانند افطار نموده و بعداً باید روزه آن روز را قضا نمایند.

در ماه رمضان باید برای هر روز نیت کرد، یا اینکه یک نیت در اول ماه کافی است؟

اگر شب اول ماه رمضان نیت کند که یک ماه را روزه بگیرد، کافی است؛ ولی بهتر (احتیاط مستحب) است در هر شب ماه رمضان، برای روزه فردای آن نیز، نیت کند.

مادرم نیت کرد که کل ماه را روزه بگیرد ولی بعد از هفت روز مریض شد، حالا وظیفه اش چیست؟

صرف نیت، چیزی به عهده اش نمی‌آورد بنابراین در فرض مذکور روزه بر او واجب نیست.

شخصی شب نیت روزه کرده و با همیمن نیت تا بعد از اذان صبح خوابیده، وقتی بیدار شده حواسش نبوده و پس از نوشیدن آب یادش آمده بود که شب نیت روزه کرده است، آیا در این صورت روزه اش صحیح است؟

انجام سهوی مفسد ضرری به صحت روزه نمی‌زند و اگر نیت قبلی، هر چند به صورت ارتکازی موجود باشد، کفایت می‌کند. □



دختری که به سن تکلیف رسیده، ولی به علت ضعف جسمانی توانایی روزه گرفتن ندارد، و بعد از ماه مبارک رمضان هم نمی‌تواند قضای آن را به جا آورد تا این که ماه رمضان سال بعد فرا می‌رسد، چه حکمی دارد؟

ناتوانی از گرفتن روزه و قضای آن به مجرد ضعف و عدم قدرت موجب سقوط قضای روزه نمی‌شود، بلکه قضای روزه‌های ماه رمضان که از او فوت شده، بروی واجب است.

دخترانی که تازه به سن تکلیف رسیده اند و روزه گرفتن بر آن‌ها مقداری مشکل است، چه حکمی دارند؟ آیا سن بلوغ شرعی دختران اکمال نه سال قمری است؟

بنا بر نظر مشهور، بلوغ شرعی دختران همان تکمیل نه سال قمری است که در این هنگام روزه بر آن‌ها واجب است و ترک آن به مجرد بعضی از عذرهای جایز نیست، ولی اگر روزه گرفتن برای ایشان ضرر داشته باشد یا تحمل آن برایشان همراه با مشقت زیاد باشد، افطار برای آن‌ها جایز است.

اگر دختر نه ساله ای که روزه بر او واجب شده، به دلیل دشواری، روزه اش را افطار نماید، آیا قضا بر او واجب است یا خیر؟

قضای روزه‌هایی که از ماه رمضان افطار کرده، بر او واجب است.

من بر اثر ضعف جسمانی از ابتدای سن بلوغ تا دوازده سالگی روزه نگرفته‌ام، در حال حاضر چه تکلیفی دارم؟

واجب است روزه‌هایی را که در ماه مبارک رمضان نگرفته‌اید با این که به سن تکلیف رسیده بودید، قضا کنید، و اگر افطار روزه ماه رمضان عمدی و اختیاری و بدون عذر شرعی بوده، کفاره هم بر شما واجب است.

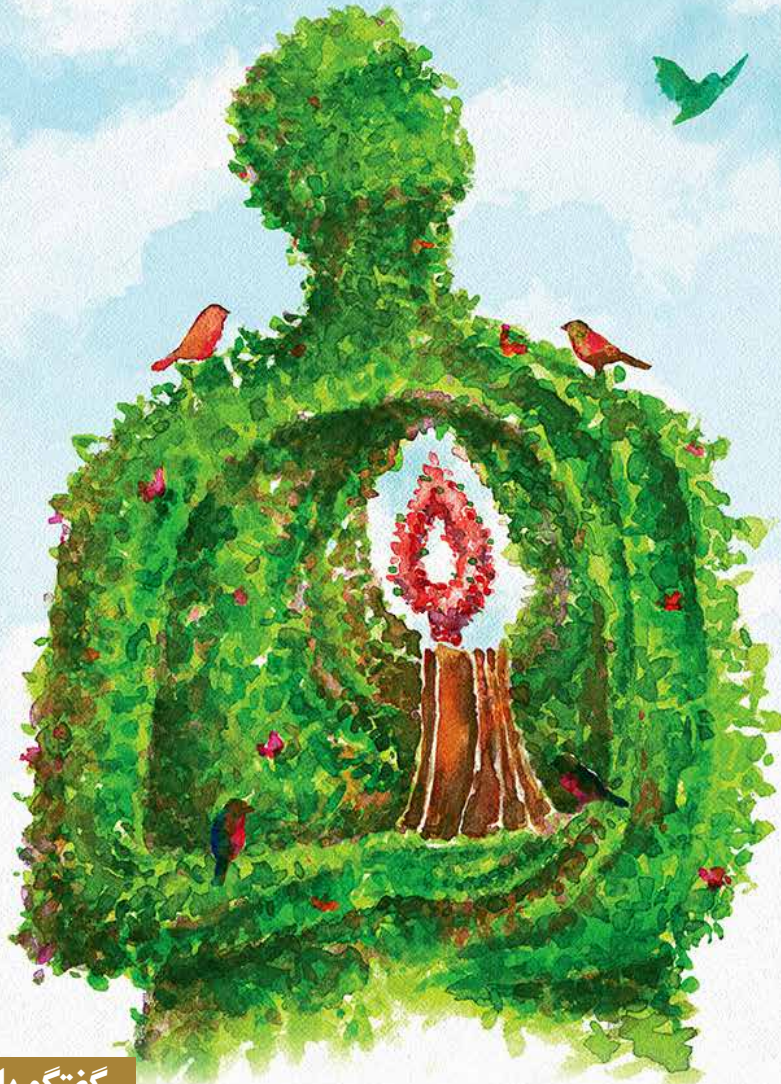
کسی که در اوائل سن تکلیف بر اثر ضعف و عدم توانایی، نتوانسته روزه بگیرد، آیا فقط قضا بر او واجب است یا قضا و کفاره با هم بر او واجب است؟

اگر گرفتن روزه برای او حرجی نبوده و عمدتاً افطار کرده، علاوه بر قضا، کفاره نیز بر او واجب است و اگر خوف داشته باشد که اگر روزه بگیرد مریض شود، فقط قضای روزه‌ها بر عهده او می‌باشد.



گزارشی درباره اختتامیه پنجمین هفته هنر انقلاب نخستین مطلب از بخش فرهنگ و هنر این شماره است. گفتگو با دکتر دادبه چهره ماندگار ادبیات عرفانی به مناسبت روز فردوسی، نوشتاری از دکتر دینانی درباره خیام و اسرار هستی و مطالبی درباره «تختی» فیلم درحال اکران این روزها برای خوانندگان این بخش فراهم آمده است. داستان کوتاهی درباره سیل در استان گلستان و اشعاری درباره همین موضوع از شاعران جوان و سرشناس کشور و همچنین برشی از یک رمان بخش‌های دیگر این قسمت از «مهر و ماه» هستند.

فرهنگ و هنر



گفتگو با خویشتن

قهرمان تنها روی دوش مردم

سین هشتم

حاتمی کیا در اختتامیه پنجمین هفته هنر انقلاب

جنگیدم تا اتفاق افتاد

محمد مظاهریان

تخیل تعریف می‌شود. انقلاب اسلامی فرصت‌های متنوعی را در فضای هنر استعلایی پدید آورد. انقلاب اسلامی فرصتی برای بروز هنر مقاومت پدید آورد؛ هنرملتی که چهل سال در برابر خارجی‌ها مقاومت کرد. این چهل سال فرصتی را برای پرداخت به هنری غنی ایجاد کرد. این دوران، دوران خاصی است که شاخه‌های مختلف هنر را بارور کرده و این بخش قابل توجهی از هنر و انقلاب است.

در ادامه این آیین، سردار کوثری پشت تریبون آمد و گفت: یکی از ویژگی‌های هنر که کمتر از آن صحبت می‌شود، امنیت در جامعه ماست، برقراری امنیت در جامعه ما یک هنر است. کشور ما از امنیت بالایی برخوردار است. در همه این چهل سال دشمنان اسلام می‌گفتند انقلاب ایران دوام ندارد و هر سال فتنه‌های مختلفی علیه کشور ما ایجاد می‌کردند. ما خودمان خواستیم کشورمان را اداره کنیم و جلوی تجاوز و توطئه‌های شما ایستادیم. سپاه یک ارگان با سابقه چهل ساله و از بطن خود مردم است. وی ادامه داد: با هنر خود می‌توانیم گوشه‌ای از این زحمات را به گوش جهانیان برسانیم.

هم‌زمان با آیین اختتامیه هنر انقلاب در سالن سوره حوزه هنری، رضامیرخانی، هدایت الله بهودی، ابراهیم حاتمی‌کیا، مسعود نجابتی و مهدی نقویان به‌عنوان نامزدهای نهایی دریافت جایزه چهره سال هنر انقلاب معرفی شدند که در نهایت ابراهیم حاتمی‌کیا به‌عنوان چهره سال هنر انقلاب معرفی و تجلیل شد.

راه را با هم ساختیم

ابراهیم حاتمی‌کیا پس از دریافت این جایزه، گفت: این لحظه بسیار ارزشمندی است که افتخار به آن می‌کنم. عمر چهار دهه فیلم‌سازی من به اندازه عمر انقلاب است و تا یادم می‌آید بالا و پایین‌های بسیاری برای ساخت فیلم داشتیم. این کارگردان پیشکسوت سینما و تلویزیون کشور، افزود: این مسیر هموار و آسفالته نبود تا ما در آن حرکت کنیم راه را با هم ساختیم و مسیر را با هم هموار کردیم و مباحثی همچون هنرمتعهد، هنرمند انقلابی و باید و نبایدها، مسائلی بودند که در ابتدای انقلاب مطرح شدند. آن چیزی که باید گفت و نباید گفت و هنرمتعهد و هنر انقلابی، که چگونه باید باشد. این‌ها مسائلی بود که برای آن زحمت‌ها کشیدیم.

این کارگردان پیشکسوت سینما و تلویزیون با اشاره به مشکلات خود در مسیر فیلم‌سازی، اظهار داشت: در این سال‌ها باید برای هر فیلمی که مسئله‌ای داشت، می‌جنگیدم تا آن فیلم اتفاق بیافتد. در این چهل سال متلک‌ها و حرف‌های سنگینی شنیدم. این‌را به این خاطر گفتم که بگویم بعضی وقت‌ها تازه نفس‌های این حوزه با چند انگ شنیدن نفسشان می‌رُرد و شروع می‌کنند نوید دادن که در این حوزه نخواهیم ماند.

برگزیده چهره سال هنر انقلاب در ادامه سخنان خود به جوانان در این عرصه توصیه کرد از انتقادها دلسرد نشوند چرا که باید بدانیم ۴۰ سالگی انقلاب تازه آغاز راه است. به گفته وی عزیزانی که وارد این مسیری می‌شوند باید مراقب

آیین اختتامیه پنجمین هفته هنر انقلاب اسلامی با حضور اهالی فرهنگ و هنر، ۲۶ فروردین ماه در حوزه هنری برگزار شد. هفته هنر انقلاب اسلامی با هدف مرور کارنامه فعالیت‌های فرهنگی، هنری و رسانه‌ای یک‌ساله در رشته‌های مختلف، فروردین ماه هر سال هم‌زمان با سالروز آسمانی شدن سید شهیدان اهل قلم، شهید سید مرتضی آوینی، برگزار می‌شود.

این رویداد که به همت حوزه هنری برقرار است، ضمن معرفی یک هنرمند، فعال فرهنگی و شخصیتی تأثیرگذار در یک هفته به نمایش تازه‌ترین فیلم‌ها، اجرای نمایش‌ها، برگزاری کنسرت‌ها و نمایشگاه‌های نقاشی، طراحی و پوستر، کارتون و کاریکاتور و... می‌پردازد. جشن هفته هنر انقلاب در دوره‌های نخست برگزار می‌شود به اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی و هنری با مضامین و مفاهیم مرتبط با سیاست‌ها و اهداف این رویداد محدود می‌شد و از سال ۹۳ تاکنون به معرفی چهار شخصیت تأثیرگذار و جریان‌ساز براسطه و ترویج هنر انقلاب در ابعاد ملی و بین‌المللی پرداخته است. این شاخصه‌ها نه صرفاً در هنر که به جریان‌سازی، کنشگری در برابر رویدادهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و هنری نیز تعریف می‌شود.

هنری شایسته مردم

در اختتامیه پنجمین هفته هنر انقلاب، محسن مؤمنی شریف رئیس حوزه هنری با اشاره به تلخ‌کامی کشور به دلیل وقوع سیل گفت: هفته هنر انقلاب اسلامی فرصتی برای نگاه به کارنامه هنری و نگاه به آینده است. سالی که گذشت سال خوبی برای هنرمندان ما بود. در حوزه کتاب با وجود بحران در نشر و افزایش قیمت کاغذ، شاهد انتشار کتاب «خاطرات سفیر» بودیم که بسیار پرفروش شد و استقبال از کتاب «رهش» رضامیرخانی هم در نوع خود شاهکار بود. در حوزه تجسمی هم هنرمندان بیش‌ازپیش فعالیت داشتند و آنچه را شایسته مردم ایران بود نشان دادند. حوزه هنری‌های نمایشی سال‌ها بی‌مخاطب بود، اما نمایش‌های تئاتر مسجد در حوزه هنری پررونق شد و حتی در حلب نمایشی اجرا شد که بسیار پر مخاطب و از اتفاقات خوب در این حوزه بود. در حوزه سینما نیز با وجود نمایش برخی فیلم‌ها که با فرهنگ ما مغایرت دارد، فیلم‌هایی ساخته می‌شود که در کشورهای همسایه نیز پر مخاطب می‌شوند؛ مانند فیلم «به وقت شام» ابراهیم حاتمی‌کیا.

مؤمنی شریف ادامه داد: در حوزه موسیقی نیز منتظر کارهای بزرگ هستیم. البته نگرانی‌هایی نیز در این حوزه وجود دارد که آن بخش ورود سرمایه‌های مشکوک در حوزه هنر و فرهنگ است. حضور برخی از آن‌ها سبب فساد شده است و این بخش نیازمند نظارت است تا هنر کشور آسیب نبیند. وی افزود: امسال با شروع گام دوم انقلاب، نگاه ما به آینده است. وظیفه هنرمندان ساختن آینده است و مقام معظم رهبری مسیر آینده را برای ما ترسیم کرده‌اند.

انقلاب، فرصت بروز هنر

همچنین در ادامه آیین، سید عباس صالحی وزیر ارشاد گفت: انقلاب مادر ارتباط با حوزه هنر اتفاقات بزرگی را رقم زده است. فضای هنر در صد سال اخیر به ویژه در دوران پهلوی به سمت گسست حرکت می‌کرد و زنان در جامعه متدین از تحصیلات فاصله گرفته بودند؛ اما انقلاب به کمک زنان آمد و اگر انقلاب نبود، ما شاهد پیشرفت زنان نبودیم. وی اضافه کرد: انقلاب فرصتی برای حضور همه‌جانبه برای همه ایجاد کرد. هنر با عنصر



.....

سید عباس صالحی: انقلاب فرصتی برای حضور همه‌جانبه برای همه ایجاد کرد. هنر با عنصر تخیل تعریف می‌شود. انقلاب اسلامی فرصت‌های متنوعی را در فضای هنر استعلاایی پدید آورد. انقلاب اسلامی فرصتی برای بروز هنر مقاومت پدید آورد؛ هنرملتی که چهل سال در برابر خارجی‌ها مقاومت کرد. این چهل سال فرصتی را برای پرداخت به هنری غنی ایجاد کرد. این دوران، دوران خاصی است که شاخه‌های مختلف هنر را بارور کرده و این بخش قابل توجهی از هنر و انقلاب است

نامزدهای دریافت جایزه چهره سال هنر انقلاب، برنده جایزه یازدهمین دوره جایزه جلال در سال ۹۷ برای نویسندگی رمان «رهش»، تأثیرگذاری ادبی و جذب حداکثری مخاطب عنوان شد. همچنین معیارانتخاب هدایت الله بهبودی، برنده یازدهمین جایزه جلال در سال ۹۷ برای نویسندگی کتاب «الف-لام-خمینی» و مستندسازی از وقایع مهم تاریخ انقلاب مطرح شده است.

معیارانتخاب مهدی نقویان نیز به عنوان کارگردانی مستندهای «در برابر طوفان»، «خارج از دید ۲» و «ایران ۲۰»، مستندسازی و شناساندن افتخارات و دستاوردهای انقلاب اسلامی به شیوه‌ای نوین مطرح شده است.

این رویداد با تغییراتی نسبت به سال گذشته از جمله گسترش آن به سایر استان‌ها به واسطه معرفی هنرمندان برتر استانی در زمینه هنر انقلاب، افزایش تعداد برنامه‌ها از جمله نشست‌های تخصصی، استفاده از ظرفیت سایر نهادها و سازمان‌های دولتی و خصوصی به منظور گسترش مخاطبان و بهره‌گیری عموم مردم از برنامه‌های هفته هنر انقلاب در تهران و شهرستان‌ها توسط حوزه هنری و به همت موسسه فرهنگی هنری سپهر سوره هنر برگزار شد. □

باشند و تحمل کنند شمایی که با نام شهید آوینی وارد می‌شوید تعهدی در این مسیر به شما واگذار شده که به راحتی نباید از آن دست بکشید یا از اتفاقات پیشرو خسته شوید. حاتمی‌کیا به نقش شهید آوینی هم اشاره کرد و گفت: در برخی برنامه‌ها تلاش می‌کنند آقا مرتضی آوینی را لایک جلوه دهند. برخی برنامه‌های تلویزیونی می‌خواهند آقا مرتضی را از آن بالا به پایین کشیده و به زمین بزنند. شهرت گوساله سامری می‌تواند همه ما را دچار مسئله کند ولی باید مواظب باشیم و امروز خوشحالم از دست عزیزی چون مرتضی فرهنگی و سایرین که هم سنگرانم محسوب می‌شوند هدیه می‌گیرم. برگزیده چهره سال هنر انقلاب در ادامه سخنان خود تأکید کرد که دعا کنید از این مسیر دور نیفتم و همچنان پیش بروم.

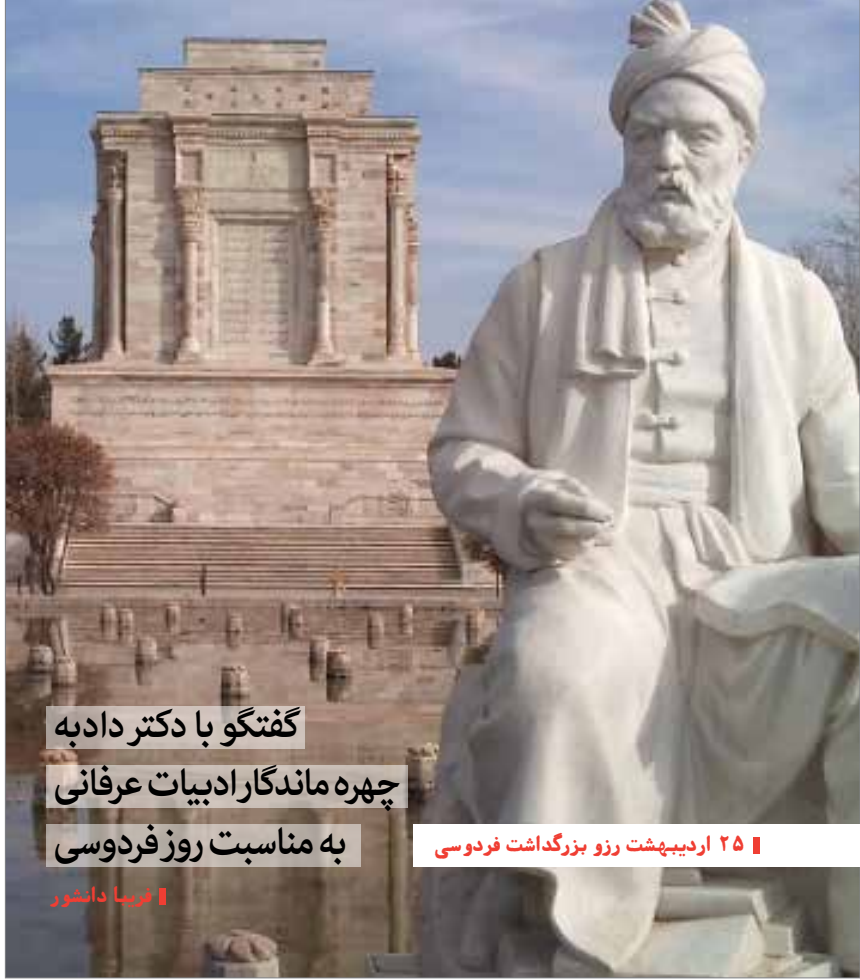
□ برگزیدگان

معیار انتخاب ابراهیم حاتمی‌کیا نیز کارگردانی فیلم سینمایی «به وقت شام» و پرداختن به موضوع مدافعان حرم و مبارزه با تروریسم و توفیق در جذب مخاطب گسترده و معیار انتخاب مسعود نجابتی، تأثیرگذاری در عرصه هنر تجسمی، جشنواره‌ها و رویدادهای بزرگ هنری، آموزش هنرمندان متعهد و جوان و واکنش به وقایع مهم جهان با نگاهی هنری، مدیریت و دبیری جشنواره تجسمی مقاومت، توجه به کادرسازی و آموزش گسترده هنرمندان متعهد و جوان، واکنش هنرمندانه، متعهدانه و بهنگام نسبت به وقایع جهان اسلام عنوان شد. در این راستا معیار انتخاب رضا امیرخانی به عنوان یکی از



شاهنامه

جلوه‌گاه حکمت ایرانی



گفتگو با دکتر دادبه

چهره ماندگار ادبیات عرفانی

به مناسبت روز فردوسی

۲۵ اردیبهشت روز بزرگداشت فردوسی

فریبا دانشور

چرا فردوسی بزرگ‌ترین حماسه‌سرای جهان را «حکیم» می‌نامند؛ به بیان دیگر بر اساس چه شاخص‌هایی به فردوسی و شاعرانی چون خیام، ناصر خسرو، نظامی و سنایی حکیم گفته‌اند؟

حکمت، تمام معانی فلسفه یا بخشی از معانی فلسفه را بیان می‌کند. به تعبیر اهل منطق: اولاً، حکمت با فلسفه نسبت تساوی دارد و هر معنایی که از فلسفه برمی‌آید از حکمت نیز برمی‌آید؛ فلسفه عقلی - استدلالی، حکمت عقلی - استدلالی؛ فلسفه عرفانی و اشراقی؛ حکمت عرفانی و اشراقی؛ فلسفه اخلاقی و ایمانی، حکمت اخلاقی و ایمانی و... یعنی که حکمت نیز چنان فلسفه دارای معانی عامی است که بر گونه‌های مختلف جهان بینی اطلاق می‌گردد، چنان‌که فی‌المثل کتاب «سیر حکمت در اروپا»، نوشته مرحوم محمدعلی فروغی حاوی انواع جهان بینی‌ها و فلسفه‌هاست. اطلاق حکمت بر فلسفه ابن سینا چنان‌که در عنوان کتاب «حکمت بوعلی» تألیف علامه حائری مازندرانی دیده می‌شود، جلوه‌ای از معانی عام حکمت به شمار می‌آید، ثانیاً، حکمت با فلسفه نسبت عموم و خصوص مطلق دارد، یعنی هر حکمتی، فلسفه (نوعی فلسفه) نیز هست، اما تنها برخی از انواع فلسفه، حکمت محسوب می‌شود و آن فلسفه‌های عرفانی و اشراقی و اخلاقی و ایمانی است و فلسفه عقلی - استدلالی حکمت به شمار نمی‌آید. حکیم نیز به تبع حکمت گاه با فیلسوف نسبت تساوی دارد و گاه نسبت عموم و خصوص مطلق.

اما حکیم فردوسی و حکمت او: حکمتی که در شاهنامه از آن سخن می‌رود، حکمت ملی ایران است و آن حکمت اشراقی است که فردوسی در آغاز شاهنامه و نیز جای جای این اثر ستیغ از آن سخن می‌گوید. حکمت ملی ایران؛ حکمت اشراقی به لحاظ نظری و معرفت‌شناسی مبتنی است بر شهود و به لحاظ عملی، حال و هوای اخلاقی دارد، زیرا دست یافتن به شهود اگر از یک سو مستلزم آموختن است از سوی دیگر مستلزم ترکیب باطن نیز هست و ترکیب باطن جز از طریق درپیش گرفتن شیوه‌های اخلاقی و عرفانی (که عرفان عملی خود نیز نوعی اخلاق است) میسر نخواهد بود. تأمل بر این ابیات، منظر فکری و فلسفی حکیم فردوسی را روشن می‌سازد و نشان می‌دهد که او نه فقط زنده کننده زبان پارسی، اساطیر ایرانی و تاریخ ایران زمین که زنده کننده حکمت ملی ایران، یعنی حکمت اشراقی نیز هست. بنابراین اولاً، به همین سبب به فردوسی لقب حکیم داده‌اند که شاهنامه جلوه‌گاه حکمت نظری و عملی است؛ حکمت نظر و عملی ملی ایران، ثانیاً، حکمت یعنی جامعیت و حکیم، متفکری است که جامعیت دارد و از مجموعه دانش‌های روزگار خود (البته به نسبت‌های مختلف) آگاه است. می‌توان با تأمل در شاهنامه دانش‌های روزگار فردوسی را که ادامه و استمرار دانش‌های مردم ایران از روزگار باستان تا روزگار فردوسی است، استخراج کرد.

معمولاً در توجیه و تبیین این پرسش که چرا برخی از شاعران را حکیم خوانده‌اند (حکیم فردوسی، حکیم

در شاهنامه، خرد و خردورزی منشأ تمام پیروزی‌ها، پیشرفت‌ها و نیکی‌هاست و در مقابل، شکست‌ها، پسرفت‌ها و غم‌ها حاصل نبود این گوهر ارزشمند است. از این روست که حکیم ابوالقاسم فردوسی در دیباچه و تمامی داستان‌های شاهنامه، خرد، این ودیعه الهی را می‌ستاید و بر خردورزی تأکید می‌ورزد. برای واکاوی مفهوم حکمت و خرد در شاهنامه و چرایی حکیم نامیده شدن فردوسی، به مناسبت روز فردوسی به سراغ استادی فرهیخته در عرصه ادبیات، حکمت و فلسفه رفتیم تا از خردنامه فردوسی نصیبی بریم. دکتر اصغر دادبه که در سال ۱۳۸۱ به عنوان چهره ماندگار در عرصه ادبیات عرفانی معرفی شد، دانش‌آموخته رشته فلسفه و حکمت اسلامی از دانشگاه تهران است. وی که با سابقه بیش از ۳۰ سال تدریس در دانشگاه علامه طباطبایی در سال ۱۳۸۵ بازنشسته شد، هم‌اکنون عضو شورای علمی و مدیر گروه ادبیات فارسی دایره‌المعارف بزرگ اسلامی و دانشنامه ایران است. ■

آیا می‌توان برای فردوسی مکتبی قائل شد و فی‌المثل چنانچه مکتب حافظ را «مکتب رندی» خوانده‌اند، مکتب فردوسی را «مکتب خردورزی» بخوانیم؟

باید عرض کنم فلسفه فرزند عقل است و حکمت زاده خرد و من در جای دیگر هم گفته‌ام و پیش از من هم دیگران نیز گفته‌اند که: شاهنامه کتاب خرد است؛ خردنامه است و بر این اساس و از این دیدگاه البته می‌توان مکتب فردوسی را «مکتب خردورزی» یا «مکتب خردمندی» خواند که گفتیم حکمت، زاده خرد است و فردوسی ده‌ها بار و صدها بار از خرد سخن گفته و بر خردورزی تأکید ورزیده است.

لطفاً در باب نظام حکمی - فلسفی برآمده از خرد در شاهنامه توضیح بدهید.

اولاً یادمان باشد که فردوسی پس از بیان توحید که بابت معروف «به نام خداوند جان و خرد، کزین برتر اندیشه برنگذرد، آغاز می‌شود» به مباحثی می‌پردازد که به لحاظی تبیین توحید است و به لحاظ طرح مباحث معرفت‌شناسی بر بنیاد حکمت ملی ایران؛ ثانیاً، بی‌درنگ به «ستایش خرد» می‌پردازد تا تلویحاً نشان دهد که نخستین آفریده و نیز برترین آفریده خرد (عقل) است که: «اول ما خلق... العقل» و به تعبیر خود او «نخست آفرینش خرد را شناس» و بدین سان بر پایگاه خرد تأکید ورزد و بگوید:

خرد بهتر از هر چه ایزد داد

ستایش خرد را به از راه داد

خرد رهنمای و خرد دلگشای

خرد دست گیرد به هر دو سرای

از و شادمانی و زویت غمی ست

و زویت فزونی و زویت کمی ست

... تا آخر که خواندنی و تأمل کردنی است و در پرتو تأمل، سخنان ارجمند و دیدگاه‌های حکمی - فلسفی از آن برآوردنی که این زمان بگذارتا وقت دگر... و اما نظام حکمی - فلسفی که می‌توان از برخی ابیات توحیدی شاهنامه برآورد؛ نظام معرفت‌شناسی ملی ایران است.

خرد گرسخن برگزیند همی

همان را گزیند که بیند همی

خرد را و جان را همی سنجداو

در اندیشه سخته کی گنجد او

به هستی اش باید که خستوشوی

ز گفتار بیکار یکسوشوی

توانا بود هر که دانا بود

زدانش دل پیر برنا بود

بر اساس این ابیات می‌توان نظام معرفت‌شناسی فردوسی را، که همانا نظام معرفت‌شناسی در فرهنگ ایران است، بازسازی کرد. فردوسی در مقام سخن‌گوی راستین فرهنگ ایران سخنانی گفت که قریب یک هزار سال بعد از زبان متفکری می‌شنویم که به قول خودش در فلسفه، انقلاب کپرنیکی کرد، از زبان کانت و طومار دو هزار ساله تفکری را در هم پیچید که اعلام می‌داشت؛ عقل می‌تواند به شناخت حقیقت برسد. □



اگر بر اصل «تفکر

و تأمل» درنگ

ورزیم و «نظم و

نظام خاص» را

نادیده گیریم و

نسبت تساوی

بین «فیلسوف»

و «حکیم» را

پیش چشم

داشته باشیم،

فردوسی را هم

می‌توان فیلسوف

خواند، اما اگر بر

سنت حکمت و

ادب ایران زمین

تأکید ورزیم و به

نسبت عموم و

خصوص مطلق

بین «فیلسوف»

و «حکیم»

و فادار مانیم

باید فردوسی را

«حکیم» بنامیم

نظامی، حکیم عنصری، حکیم سوزنی و... محققان بر «جامعیت» انگشت می‌نهند، اما همواره جای این پرسش هست که چرا به شاعران بزرگی چون عطار، مولوی، سعدی و حافظ لقب حکیم نداده‌اند؟

به نظر می‌رسد این مسئله با فلسفه حاکم بر هر دوران ارتباط دارد. فلسفه حاکم بر دوران شاعران بزرگ عصر سبک خراسانی یعنی فردوسی و نظامی و عنصری و... فلسفه مشایی یا ارسطویی است. جامعیت بیشتر میراث این فلسفه است و لاجرم حکیم هم لقبی است که با این فلسفه و حاکمیت این فلسفه در ارتباط است. (در سخنرانی‌های شهر کتاب که در باب نظامی ایراد کرده‌ام نیز بدین معنا پرداخته‌ام) این لقب را نه در عصر حاکمیت سبک عراقی بر شعر فارسی می‌بینیم نه در عصر حاکمیت سبک هندی - اصفهانی، اما این لقب به گونه‌ای رنگ پریده در دوران بازگشت ادبی - که تکرار سبک خراسانی و نیز تکرار سبک عراقی است - به سبب حاکمیت حال و هوای مربوط به سبک خراسانی، تا حدی بازمی‌گردد و مثلاً قائلان لقب حکیم می‌گیرند: حکیم قائلی.

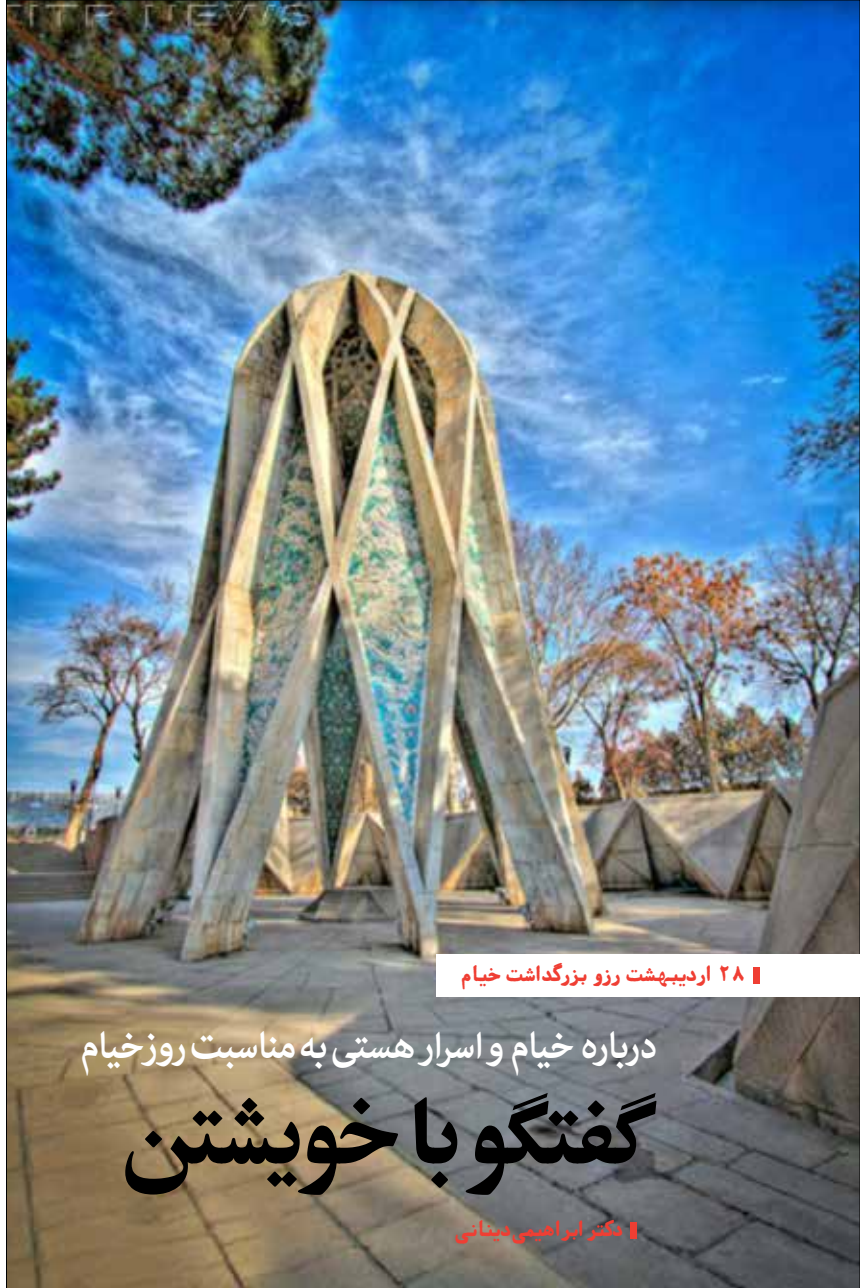
آیا می‌توان در شاهنامه نظامی فلسفی (حکمی) باز جست و فردوسی را فیلسوف (حکیم) خواند؟

چنان‌که در پاسخ پرسش نخست اشاره کردم، حکیم در زبان فارسی، گاه معادل و مترادف با فیلسوف به کار رفته است با فلسفه نسبت تساوی یافته و گاه نسبت عموم و خصوص مطلق: «هر فیلسوفی حکیم است / هر حکیمی فیلسوف نیست».

وجه دوم بیانگر این معناست که حکمت، ناظر بر فلسفه‌هایی است که رنگ اخلاقی و ایمانی و حال و هوای اشرافی دارند. گذشته از آن که شعر، چنان حکمت‌های اشرافی و اخلاقی و ایمانی خاستگاهی عاطفی و احساسی دارد و با «دل» (در مفهوم عرفانی - فلسفی) در ارتباط است، شعر فارسی نیز از عهد رودکی تا عصر بهار و بعد از آن جلوه‌گاه مسائل و مباحثی است که با «دل» و «عشق» پیوند دارد، حتی اگر این مسائل و این مباحث همان مباحث فلسفی و حکمی باشد...

به همین سبب و علت یا به همین اسباب و علل بر شاعران بزرگ، که جامع دانش‌های روزگار خویش بوده‌اند، لقب «حکیم» داده‌اند، نه لقب «فیلسوف».

گذشته از این معانی بیان مسائل فلسفی نظم و نظامی می‌طلبد که با نظم و نظام حاکم بر شعر متفاوت است... با این همه اساس کار حکیم نیز همانند فیلسوف تفکر و تأمل در جهان هستی است و شاهنامه گواه این تفکر و تأمل است. بنابراین اگر بر اصل «تفکر و تأمل» درنگ ورزیم و «نظم و نظام خاص» را نادیده بگیریم و نسبت تساوی بین «فیلسوف» و «حکیم» را پیش چشم داشته باشیم، فردوسی را هم می‌توان فیلسوف خواند، اما اگر بر سنت حکمت و ادب ایران زمین تأکید ورزیم و به نسبت عموم و خصوص مطلق بین «فیلسوف» و «حکیم» و فادار مانیم باید فردوسی را «حکیم» بنامیم.



۲۸ اردیبهشت رزو بزرگداشت خیام

درباره خیام و اسرار هستی به مناسبت روز خیام گفتگو با خویشتن

مکتب ابراهیمی هینانی

زندگی بشر دست گذاشته است. آنچه در پی می‌آید، بخشی از مقدمه استاد دینانی بر کتاب «هستی و مستی» است که گفتگوی مفصل آقای کریم فیضی با ایشان درباره رباعیات خیام است. این کتاب به همت انتشارات اطلاعات به چاپ رسیده است.

فیلسوف زمان

حکیم عمر خیام که خود را به نوعی اگرچه به واسطه، شاگرد شیخ الرئیس ابوعلی سینا می‌دانست، در حکمت و فلسفه بی‌بدیل بود و با کتاب «شفا» ی ابن سینا انس و الفت فراوان داشت. او تا واپسین لحظه زندگی خود با این کتاب بزرگ فلسفی قطع رابطه نکرد و در موارد لازم به آن مراجعه می‌نمود. گفته می‌شود که حکیم عمر خیام در حالی که خلال در دندان خود داشت و در کتاب شفا ی ابن سینا به تأمل و بررسی درباره مسئله بنیادی «واحد و کثیر» پرداخته بود، ناگهان خلال را از دندان خود برگرفت و کتاب را بست و با ذکر و تحمید خداوند، جان به جان آفرین تسلیم کرد.

خیام اهل تأمل بود و پیوسته در اسرار هستی و مسائل وجود می‌اندیشید و علاوه بر آثار گران سنگ و ارزشمندی که در علم نجوم و هیئت و ریاضیات از خود به یادگار گذاشته، چندین اثر فلسفی نیز به رشته نگارش درآورده است. آثار فلسفی این حکیم اگرچه از جهت حجم کوچک به شمار می‌آید، ولی از جهت محتوا بسیار ژرف و سنجیده است. خیام در رساله «الکون والتکلیف» تنها به بررسی مسائل هستی نمی‌پردازد، بلکه از مسئولیت انسان نیز سخن به میان می‌آورد. ضرورت تضاد در عالم نیز مسئله‌ای است که در رساله دیگر او مورد بررسی قرار گرفته. این مسئله از مسائل عمده و بنیادی به شمار می‌آید. از آنچه در آثار فلسفی خیام آمده، می‌توان دریافت که او با نحله‌های گوناگون فلسفی آشنائی کامل داشته و در هر یک از آن‌ها به تأمل و ژرف‌اندیشی پرداخته است. باین همه می‌توان گفت که این اندیشمند در آشنا در چارچوب هیچ‌یک از این نحله‌ها محدود و محبوس نمانده است. او در سلوک فکری خود درنگ و توقف ندارد و برای اندیشیدن، پایانی در نظر نمی‌گیرد. سرودن شعر در قالب رباعی برای خیام یک تفنن و تفریح یا بازی با الفاظ و کلمات نیست، بلکه او مانند یک اقیانوس متلاطم هر لحظه موجی ایجاد می‌کند و شکسته شدن این موج خروشان در ساحل دریای وجود او، به صورت یک رباعی ظاهر و آشکار می‌گردد.

خیام در انتخاب نام و عنوان «الکون والتکلیف» برای رساله فلسفی خود، نشان می‌دهد که علاوه بر مسئله مهم «چه می‌توانیم بدانیم»، مسئله بنیادی «چه باید انجام دهیم» نیز از اهمیت ویژه برخوردار است. به همان اندازه که عقل نظری در گشوده بودن هستی انسان به روی عالم دخیل است، عقل عملی نیز در نحوه زندگی و چگونگی سلوک او در این جهان نقش ایفا می‌کند. دو کلمه «الکون» و «التکلیف» که نام و عنوان رساله فلسفی خیام را تشکیل می‌دهد، به عقل نظری و عقل عملی اشاره دارند و معنی زندگی انسان نیز به نظر و عمل بستگی پیدا می‌کند. زندگی بشر جز

حکیم عمر خیام (۲۸ اردیبهشت ۴۲۷-۱۲ آذر ۵۱۰ ش)، فیلسوف، ریاضی‌دان، ستاره‌شناس و شاعر بنامی است که گرچه پایگاه علمی‌اش برتر از جایگاه ادبی اوست، ولی آوازه‌اش بیشتر به واسطه رباعیاتش است که شهرت جهانی دارد؛ چه، آن را به اغلب زبانهای زنده ترجمه نموده‌اند. از برجسته‌ترین کارهای او اصلاح گاهشماری ایران در زمان وزارت خواجه نظام‌الملک است. در همین سالها (۴۵۶) مهم‌ترین و تأثیرگذارترین اثر ریاضی خود را با نام رساله فی شرح ما اشکل من مصادرات اقلیدس را نوشت و در آن خطوط موازی و نظریه نسبت‌ها را شرح داد. نقش خیام در حل معادلات درجه سوم و مطالعاتش درباره اصل پنجم اقلیدس نام او را به عنوان ریاضی‌دانی برجسته در تاریخ علم ثبت کرده است. ابداع نظریه‌ای درباره نسبت‌های هم‌ارز با نظریه اقلیدس نیز از مهمترین کارهای اوست. از خیام به عنوان جانشین ابن سینا و استاد فلسفه، ریاضیات، منطق و متافیزیک یاد می‌کنند. از دیگر دستاوردهای وی موفقیت در تعیین ضرایب بسط دو جمله‌ای است که به احترام سبقت وی بر نیوتن در این زمینه، در بسیاری از کتب دانشگاهی و مرجع این دو جمله‌ای‌ها «دو جمله‌ای خیام-نیوتن» نامیده می‌شود. خیام زندگی‌اش را به عنوان ریاضیدان و فیلسوفی شهیر سپری کرد، در حالی که معاصرانش از رباعیات او بی‌خبر بودند. تقریباً صحت انتساب ۵۷ رباعی به خیام مسلم است و با کمک آن‌ها زبان شاعر و مشرب فلسفی‌اش تا حد زیادی آشکار می‌شود. ویژگی اصلی اندیشه‌های خیام پرسشگری است و او همواره روی نقاط اصلی



یک اصل عمده و اساسی مطرح کرد این بود که گفت: «خودت را بشناس.»

در این طرز تفکر انسان آباستن حقیقت است و رسیدن به حقیقت، در واقع آگاهی پیدا کردن به چیزی است که انسان خود حامل آن شناخته می‌شود.

برای اینکه انسان بتواند حقیقت را از ضمیر خود بیرون آورد و آن را آشکار سازد، به یک کوشش سخت و توان فرسا نیازمند است، به گونه‌ای که می‌توان این کوشش سخت را با درد زایمان قابل مقایسه دانست. وقتی از کوشش سخت و مشکل سخن گفته می‌شود، منظور این است که فکر انسان همواره و به طور ذاتی در محاوره و گفتگو به سر می‌برد و در سیر و سلوک ذهنی لحظه‌ای درنگ نمی‌کند. محاوره دائمی فکر به گونه‌ای است که انسان حتی در حال تنهایی و خلوت خود نیز با خویش به گفتگو می‌پردازد.

بررسی آثار خیام نشان می‌دهد که او فیلسوف ژرف‌اندیشی بوده و با فیلسوفان بزرگ نیز به گفتگو پرداخته است. کسانی که با علوم ریاضی آشنایی دارند، به خوبی می‌دانند که خیام در نجوم و هیئت و ریاضیات نوآوری داشته است و دانشمندان امروز نیز به جایگاه رفیع علمی او اعتراف می‌کنند. افزون بر این همه، او در خلوت خویش نیز با خود محاوره داشت و به گفتگو می‌پرداخت. رباعیات زیبا و پرمحتوای او نشان‌دهنده نوع محاوره و گفتگوهای دردمندان‌ه‌ای است که با خویشتن خویش داشته است. کسانی که در شیوه زندگی و روش اندیشه خیام، با آنچه راه و رسم صوفیان ملامتی خوانده می‌شود، نوعی مشابهت و همانندی مشاهده می‌کنند، باید به این نکته نیز توجه داشته باشند که سقراط نیز در شیوه تفکر و طریق زندگی خود، به عرفا و اهل طریقت بسیار نزدیک است؛ زیرا خودشناسی و معرفت نفس، اساس و پایه اندیشه سقراط بود و او پیوسته آن را توصیه می‌کرده است.

❑ خودشناسی

در طریقت عرفان نیز خودشناسی و معرفت نفس نخستین گام شناخته می‌شود و همه ارباب معرفت آن را مورد تأکید قرار می‌دهند. وجه دیگری که می‌تواند از وجوه مشابهت و همانندی میان خیام و سقراط شناخته شود، این است که هر یک از این دو فیلسوف درباره معنی زندگی به تأمل پرداخته، آن را در زمره بنیادی‌ترین مسائل به شمار آورده‌اند. در نظر سقراط زندگی اگر اندیشیده نشده باشد، ارزش زیستن ندارد. خیام نیز در بیشتر رباعیات خود از زندگی سخن گفته و درباره معنی آن اندیشیده است. آنچه در آثار این دو فیلسوف مطرح شده، همان چیزی است که مولوی در یک بیت می‌گوید:

لحظه‌ای در خود نگر تا کیستی

از کجایی؟ و ز چه جایی؟ چستی؟

کسی که درباره چرایی زندگی سخن می‌گوید، با چراهای بسیار دیگری روبرو می‌گردد که باید به آن‌ها نیز پاسخ گوید. از جمله آن چراها، یکی این است که چرا برخی از مردم زندگی را ارزشمند نمی‌دانند؟ و چرا برخی اشخاص

نظرو عمل چیز دیگری نیست و درجایی که نظرو عمل هماهنگی نداشته باشند، هرگز نمی‌توان از زندگی درست و معقول انسان سخن به میان آورد. عمل بدون نظر، زندگی انسان را نمی‌سازد، چنان‌که نظر بدون عمل نیز در حد یک فرضیه باقی می‌ماند و در معنی بخشیدن به آنچه زندگی این جهانی خوانده می‌شود، نقش ایفای نمی‌کند.

خیام یک فرضیه پرداز نیست و به هماهنگی میان نظرو عمل و ضرورت آن در زندگی انسان سخت باور دارد. او به واقعیت زندگی که فقط با صدق و راستی شکل می‌گیرد، می‌اندیشد و با هرگونه کج‌روی و ریاکاری که از هماهنگی میان ظاهر و باطن یا نظرو عمل ناشی می‌شود، سرستیز و ناسازگاری دارد. خیام بدان گونه که می‌اندیشد، سخن می‌گوید و به صادق بودن در اندیشه که درست اندیشیدن را نیز همیشه به دنبال می‌آورد، ایمان را سخ دارد.

کسی که صادقانه می‌اندیشد، صادقانه نیز سخن می‌گوید و از صدق در اندیشه و سخن، درستی کردار و صحت عمل نیز پدیدار می‌گردد.

حکیم نیشابور از شجاعت و جرئت اندیشیدن برخوردار است و کسی که جرئت فهمیدن دارد، از طوفان حوادث نمی‌هراسد. او سقراط‌وار در برابر بادهای تند ایستادگی می‌کند و برای احتراز از بادهای مخالف، خود را در پشت دیوار پنهان نمی‌کند. جرئت فهمیدن و شجاعت داشتن برای ادراک موجب شده بود که خیام خود را در یک نحله خاص فلسفی و یک مقوله کلومی مقید و محبوس نسازد. او به گونه‌ای آزاداندیش است که آزاداندیشی را نیز به عنوان یک مقوله یا یک نحله خاص بر نمی‌گزیند؛ بنابراین نمی‌توان او را بر اساس اصطلاح امروز یک ساختارشکن به شمار آورد.

❑ خودشناسی

صادق بودن و شفافیت اندیشه آن چنان در زندگی خیام ظاهر و جلوه‌گر است که برخی اشخاص، او را در زمره صوفیان ملامتی قرار داده‌اند. البته این اشخاص کسانی هستند که در رباعیات خیام مضامین عرفانی می‌بینند. تردیدی نمی‌توان داشت که شیوه زندگی و برخی از آرا و اندیشه‌های خیام با آنچه طریقه و راه و رسم صوفیان ملامتی خوانده می‌شود، نزدیک است. مضامین عرفانی نیز در رباعیات و برخی از آثار دیگر او به هیچ وجه اندک نیست. با این همه هرگز نمی‌توان ادعا کرد که او به فرقه‌ای وابستگی داشته و از پیرو یا مرشدی دستور می‌گرفته است.

آزادی اندیشه و صداقت در گفتار و کردار موجب شده بود که او بتواند در راه حقیقت گام بردارد و به اخوان صفا و سالکان طریقت نزدیک گردد و همانند آنان شناخته شود.

به هیچ وجه گزاف نیست اگر ادعا کنیم که حکیم عمر خیام، در طرز تفکر و راه و رسم زندگی خود بیش از هر شخص دیگری به سقراط شباهت دارد؛ زیرا او نیز همانند سقراط فضیلت را در علم و معرفت عقلانی می‌داند و به معرفت نفس و خودشناسی بیش از هر چیز دیگری توجه می‌نماید. جمله معروفی که سقراط در معبد دلفی به عنوان



.....

خیام در

انتخاب نام و

عنوان «الکون

والتکلیف» برای

رساله فلسفی

خود، نشان

می‌دهد که علاوه

بر مسئله مهم

«چه می‌توانیم

بدانیم»، مسئله

بنیادی «چه باید

انجام دهیم» نیز

از اهمیت ویژه

برخوردار است.

به همان اندازه

که عقل نظری

در گشوده بودن

هستی انسان به

روی عالم دخیل

است، عقل عملی

نیز در نحوه زندگی

و چگونگی سلوک

او در این جهان

نقش ایفا می‌کند



.....

بیشتر مردم از
مرگ می ترسند و
از بی وفایی روزگار
و ناپایدار بودن
آن گله و شکایت
دارند، درحالی که
خیام از نیامدن
مرگ می ترسد و
از همیشه زنده
بودن ابراز انزجار
و ناآرامی می کند.
به این ترتیب
می توان گفت
اگر در نظر بیشتر
مردم میان مرگ
و بی معنی بودن
زندگی، رابطه ای
وجود داشته
باشد، در نظر
این شاعر میان
همیشه زنده
بودن و بی معنایی
نوعی رابطه دیده
می شود

آن قدر زنده بمانم که زجان سیرشوم
در این بیت، شاعر برخلاف غالب مردم سخن گفته، یک
موضع جدید و تازه اتخاذ کرده است. بیشتر مردم از مرگ
می ترسند و از بی وفایی روزگار و ناپایدار بودن آن گله و
شکایت دارند، درحالی که خیام از نیامدن مرگ می ترسد
و از همیشه زنده بودن ابراز انزجار و ناآرامی می کند.
به این ترتیب می توان گفت اگر در نظر بیشتر مردم میان
مرگ و بی معنی بودن زندگی، رابطه ای وجود داشته باشد،
در نظر این شاعر میان همیشه زنده بودن و بی معنایی
نوعی رابطه دیده می شود.

تردیدی نمی توان داشت که اگر کسی در همیشه زنده
بودن خود بی معنایی ببیند، به سوی مرگ می شتابد و آن را
معنی دار می شناسد. همه کسانی که با خودکشی به سوی
مرگ رفته اند و آن را یگانه راه نجات شناخته اند، در زمره
اشخاصی هستند که همیشه زنده بودن را یک امر بی معنی
دانسته اند. اگر چنین باشد، می توان به این نتیجه رسید
که بی معنی بودن زندگی، سخت ترین و سهمگین ترین
پدیده ای است که بشر می تواند با آن روبرو گردد.

سؤالی که اینجا مطرح می شود، این است که: بی معنی
بودن چگونه پدید می آید و چگونه می توان از آن دوری
جست؟ تردیدی نمی توان داشت که بی معنی بودن،
سلب معنی دار بودن است و برای اینکه معنی دار بودن
زندگی معلوم گردد، باید ماهیت زندگی روشن و آشکار بوده
باشد. درک ماهیت زندگی از کارهای فلسفه به شمار می آید
و اگر معنی دار بودن زندگی به درک ماهیت آن بستگی
دارد، ناچار باید گفت، معنی دار بودن زندگی از طریق
فلسفه امکان پذیر می گردد.

اکنون با توجه به اینکه تحقق یک ماهیت در جهان واقعی
و نفس الامری بدون علت فاعلی و غایی امکان پذیر نیست،
به آسانی می توان گفت ماهیت و معنی زندگی نیز بدون در
نظر گرفتن هدف و غایت آن، به هیچ وجه صورت تحقق
نمی پذیرد.

در اینجا دوباره یادآور می شویم که اگر درک ماهیت زندگی
از کارهای فلسفه است و علم نمی تواند به درک آن دست
یابد، ادراک غایت و هدف زندگی نیز در قلمرو فلسفه قرار
می گیرد. در اینجا ممکن است گفته شود: آیا پیشرفت علوم
و توانایی های شگفت انگیز علم نمی تواند ما را به درک
غایت و هدف زندگی امیدوار سازد؟ در پاسخ باید گفت:
آنچه علم به گونه ای شگفت انگیز می تواند انجام دهد، این
است که راه رسیدن به هدف و غایت زندگی را نشان می دهد
و آسان می سازد؛ ولی هرگز نمی تواند به یک انسان بگوید
چه هدفی را انتخاب کند و چه غایتی را منظور نظر داشته
باشد. علم هرگز نمی تواند برای انسان آرمان بیافریند و او را
هدفمند سازد.

جامعه انسانی نمی تواند بدون آرمان، به فضیلت و تمدن
دست یابد؛ اما اینکه منشأ آرمان گرایی و فضیلت خواهی در
کجاست و چرا انسان همیشه در جستجوی فضیلت است
و به دنبال آرمان می رود، مسئله ای است که بدون تأمل
عقلی و تفکر فلسفی نمی توان به بررسی آن پرداخت. □

از واقعیت و متن زندگی می گیرند و به راه خودفریبی یا
خود فراموشی قدم می گذارند؟ مسئله دیگری که در اینجا
می تواند مطرح شود، این است که آیا پرسش از معنی
زندگی، همان چیزی است که در پرسش از هدف و غایت
زندگی مطرح می گردد؟ و یا این که پرسش از معنی زندگی،
غیر از پرسش از هدف زندگی شناخته می شود؟

به نظر می رسد خیام در رباعیات خود به همان اندازه که از
معنی زندگی سخن می گوید، درباره هدف و غایت زندگی نیز
به بحث و بررسی می پردازد. خیام یکی از بزرگ ترین علمای
عصر خود بوده، در علم هیئت و نجوم و ریاضیات از نوادر
روزگار به شمار می آید. از سوی دیگر او فیلسوفی ژرف اندیش
نیز شناخته می شود. سؤالی که در اینجا پیش می آید، این
است که: آیا او به حکم عالم بودن، درباره معنی زندگی و
غایت آن سخن می گوید و یا اینکه پرسش از معنی و غایت
زندگی به فیلسوف بودن او برمی گردد؟

اگر بپذیریم که خیام به عنوان فیلسوف، از معنی زندگی و
غایت آن سخن می گوید و پرسش به عمل می آورد، ناچار
باید بگوییم که پاسخ به این پرسش ها نیز جز از طریق
فلسفه امکان پذیر نخواهد بود. به طور کلی می توان گفت
سخن گفتن از معنی داری و بی بی معنی بودن، در قلمرو
فلسفه قرار می گیرد و آنچه برای علم بیش از هر چیز دیگری
اهمیت دارد، صادق بودن یا کاذب بودن در یک قضیه
است. به عبارت دیگر می توان گفت در حوزه علوم همواره
از چگونگی اشیا و امور سخن به میان می آید، درحالی که
فلسفه به چرایی امور نیز می پردازد.

به این ترتیب کسانی که برای کشف درست معنی زندگی،
در انتظار پیشرفت علوم نشسته اند و امید به این بسته اند
که با پیشرفت علوم به درک معنی زندگی دست خواهند
یافت، در راه خطا گام برمی دارند؛ زیرا به قول یکی از
اندیشمندان بزرگ مغرب زمین: اگر از طریق علم و دانش
بتوانیم به حل همه مشکلات و مسائل دست یابیم، مشکل
معنی زندگی همچنان باقی خواهد بود.

کسانی بر این باورند که تأمل در باب مرگ و دست کشیدن
از همه آنچه مورد علاقه انسان در این عالم بوده است،
می تواند به این احساس منتهی گردد که زندگی معنی
واضح و روشنی ندارد بیشتر اشخاص نیز تنها هنگامی که
به مرگ می اندیشند، از معنی و غایت زندگی پرسش به
عمل می آورند.

البته کسانی اظهار تردید کرده، گفته اند رابطه میان «مرگ»
و آنچه پرسش از «معنی زندگی» خوانده می شود، چندان
روشن و آشکار نیست؛ زیرا اگر مسئله مرگ با پرسش از معنی
زندگی ارتباط محکم و ضروری داشته باشد، باید در فرض
مخالف آن که همیشه زنده بودن انسان را مجسم می سازد،
جایی برای پرسش از معنی زندگی وجود نداشته باشد.
درحالی که به نظر می رسد در فرض جاودانگی و همیشه زنده
بودن انسان نیز هنوز می توان از معنی زندگی پرسش کرد و
درباره آن اندیشید. شاید شاعر خوش ذوق به همین مسئله
اشاره کرده آنجا که گفته است:

ترسم ای مرگ نیایی تو و من پیرشوم

و هم خوانی دارد متعلق به دوره کمال فکری و علمی او بوده است.

استاد جعفری در آغاز پژوهش خویش درباره شخصیت خیام می‌کوشد تا رباعیات او را بر اساس درون مایه فلسفی و فکری آن‌ها دسته‌بندی کند. از این رو ایشان رباعیات منسوب به خیام را به چهار دسته مهم تقسیم می‌کند.

دسته اول مشتمل بر رباعیاتی است که محتوای آن‌ها را بی‌وفایی دنیا، سرعت گذر سالیان عمر و منتهی شدن همه طراوت‌ها و شادابی‌ها به پیرمردگی و افسردگی تشکیل می‌دهد. **دسته دوم** در برگیرنده آن گروه رباعیات است که مؤید محدودیت معرفت بشری و ناتوانی انسان از کشف اسرار هستی و نامحدود بودن رازهای آفرینش است.

دسته سوم آن دسته از رباعیاتی را شامل می‌شود که مبلغ لذت پرستی، دم‌غنیمت‌شماری و خوش‌باشی است.

و بالاخره، **دسته چهارم**، مشتمل بر رباعیاتی است که متضمن مفاهیم پوچ‌گرایانه و مروج بی‌اساس و بی‌هدف بودن آفرینش است.

به اعتقاد استاد جعفری با توجه به دیدگاه‌های فلسفی و کلامی و هم با عنایت به القاب و عناوینی که معاصران خیام درباره او به کار برده‌اند، رباعیات گروه سوم و چهارم را به سبب تناقض فکری و شخصیت علمی و اعتقادات کلامی و مذهبی خیام نمی‌توان در شمار سروده‌های وی قلمداد کرد. از مجموع مباحث و پژوهش‌های استاد جعفری درباره خیام که در فصول مختلف کتاب تحلیل شخصیت خیام به تفصیل آمده است، می‌توان به جمع‌بندی زیر دست یافت:

۱. آن دسته از رباعیات خیام که متضمن مفاهیم پوچ‌گرایانه و مغایر با اعتقادات فلسفی و کلام اوست، در ادوار بعد به او نسبت داده شده است.

۲. رباعیاتی مروج عشرت‌طلبی و لذت‌جویی است به دلیل مغایرت با مبانی اعتقادی خیام به ویژه آنچه وی درباره «تکوین» و منافع اوامر و نواهی خداوند و هدف از بعثت پیامبران گفته، سازگاری ندارد نمی‌تواند سروده وی باشد.

۳. رباعیات یاد شده، احتمالاً یا از آن خیام‌های دیگری است که به دلیل تشابه اسمی و شهرت افزون‌تر حکیم عمر خیام به وی نسبت داده شده است و یا از آن شاعران دیگری است که بعدها به نام وی نوشته شده است. پژوهش‌های خیام‌شناسان نیز مؤید آن است که تنها تعدادی از این رباعیات که امروزه به نام وی اشتها یافته در شمار سروده‌های او قرار دارد.

۴. سرانجام تنها دو گروه از رباعیات را که بیانگر گذر عمر، بی‌وفایی دنیا و یا محدودیت معرفت بشری در شناخت حقایق هستی و حیرت انسان در برابر تنوع و عظمت واقعیات جهان آفرینش است، می‌توان از سروده‌های حکیم عمر خیام دانست.

کلام آخرین که: هر شعری که با مبانی فلسفی و اعتقادی خیام در تعارض نباشد ممکن است از جمله سروده‌های وی باشد و هر آنچه با مسلمات فکری و بنیان‌های اعتقادی وی سازگار نیست، از آن دیگران است و به وی نسبت داده شده است. □



خیام از نگاه علامه جعفری



کم ماند ز اسرار که معلوم نشد

■ مهناز ابهری

غالب کسانی که در عصر ما به بحث و پژوهش درباره خیام پرداخته‌اند، رباعیات او را در محور تحقیقات و داوری‌های خود قرار داده‌اند و بدون توجه به آثار دیگر خیام که حاوی دیدگاه‌های فلسفی و کلامی اوست، به تبیین محتوا و درون مایه رباعیات وی برخاسته‌اند و به همین سبب افکاری را به وی نسبت داده‌اند که با فحوای دیگر آثار بازمانده از وی سازگاری ندارد. در این میان زنده یاد استاد علامه محمد تقی جعفری تنها پژوهشگری است که کوشیده بر مبنای کتاب‌ها و رساله‌های فلسفی و کلامی خیام به بررسی و تحلیل رباعیات منسوب به او بپردازد و تشابه و تضاد محتوای رباعیات او را با آثار دیگری باز نماید.

در حقیقت استاد جعفری بیشتر از طریق بررسی آرای فلسفی، کلامی و اشارات مذهبی موجود در کلام خیام به تحلیل شخصیت وی و بازشناسی مضامین رباعیات او پرداخته‌اند و به همین دلیل به نتایج متفاوتی در خیام‌شناسی دست یافته‌اند که در نوع خود تأمل برانگیز است. استاد جعفری بر این عقیده است که نمی‌توان رباعیات خیام را بدون توجه به تفکرات فلسفی و دیدگاه‌های کلامی و اعتقادات مذهبی وی مورد بررسی قرار داد. بدین معنی که در هستی‌شناسی، فیلسوفی بوده که به اصالت و عظمت حیات و آفرینش اعتقاد داشته و آن را وابسته به خداوند هستی‌آفرین می‌دانسته، ولی از دیدگاه ادبی، جهان را فاقد هدف و زندگی رایبوده تلقی می‌کرده است. او با این که بر این عقیده باشیم که آن دسته از رباعیات وی که دارای مضامین پوچ‌گرایانه و عشرت‌جویانه است به دوره‌ای از حیات وی تعلق داشته و آن گروه از رباعیات که محتوای آن‌ها با دیدگاه فلسفی و کلامی و مذهبی آثار دیگری هم سویی



نقدهایی
درباره فیلم
«تختی»

سهراب رفیعی

اسطوره‌ای که ایستاده مرد

سال‌ها پیش مرحوم علی حاتمی بنا داشت تا فیلمی درباره تختی بسازد که بیماری و در نهایت مرگ مهلتش نداد و بعد از ده سال بهروز افخمی این فیلم را با نگاه خودش به انتها رساند. نگاهی که بیشتر مستندگونه بود تا یک فیلم داستانی و ماجرایش دقیقاً از جایی شروع می‌شد که علی حاتمی از دنیا رفته بود و یک کارگردان (با بازی فریبز عرب‌نیا) قصد تمام کردن آن را داشت. افخمی فیلمش را با تم معمایی-جنایی ساخت، اما معمای مرگ تراژیک تختی حل نشده باقی ماند و مردم مدام در پی خودکشی یا قتل تختی بودند! انگار قرار بود نحوه مرگ تختی چیزی از ارزش‌های مردم‌دار بودنش، سرخ‌نکردنش و اسطوره بودن و ماندنش کم کند یا به آن بیفزاید. اوایل اردیبهشت سال گذشته بود که خبر ساخت فیلم زندگی تختی توسط بهرام توکلی به‌طور رسمی رسانه‌ای شد.

بهرام توکلی اثری خلق کرد که قطعاً متفاوت‌ترین فیلم در کارنامه این کارگردان است. برای توکلی چندان اهمیتی نداشت که تختی چطور مرد! کما این‌که قبل از شروع داستان به

مخاطب می‌گوید هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند همه چیز را درباره تختی می‌داند و از این طریق خود را از درستی یا غلط بودن روایت داستانش میرا می‌سازد. در واقع برای توکلی مهم، نحوه زندگی کردن تختی است. این‌که چطور می‌شود «اسطوره شد» و «اسطوره ماند».

بهباد عشقی، منتقد پیشکسوت سینما با تأکید بر این‌که فیلم «غلامرضا تختی» نتوانست چهره کاملی از یک اسطوره را به تصویر بکشد، اشاره می‌کند: لزوماً نباید از تختی یک اسطوره ساخت، مشکل فیلم این است که حتی نمی‌تواند اسطوره‌زدایی کند. تماشاگران فیلم تختی، چه کسانی مثل من تختی را در زمان خودش درک کرده‌اند و چه کسانی که تختی را در زمان خودش درک نکرده‌اند به‌طور کل نمی‌توانند با این فیلم ارتباط قابل قبولی برقرار کنند.

او با تأکید باینکه فیلم باید قائم به ذات باشد و تماشاگر را قانع کند، ادامه می‌دهد: یک نوع محافظه‌کاری، سهل‌انگاری و بی‌توجهی به مبانی درام در این فیلم وجود دارد که کتمان‌ناپذیر است. تختی‌ای که من روی پرده می‌بینم تبدیل به یک شخصیت دراماتیک نمی‌شود. یکی از فرازهای مهم زندگی تختی بخشی است که مربوط به زندگی سیاسی‌اش است که متأسفانه همه چیز در ابهام می‌گذرد.

عشقی تأکید می‌کند: من به عنوان کسی که تختی را در زمان خودش درک کرده کسی که روی پرده می‌بینم شخصیتی است خنثی که نه عاشق است و نه مبارز. به اعتقاد من در انتخاب بازیگر نقش تختی هم به اندازه کافی دقت نشده و صرفاً به تطابق فیزیکی بازیگر با تختی توجه شده. در مجموع تماشاگر با تختی ارائه داده شده در این فیلم نمی‌تواند ارتباط برقرار کند، اگرچه از نظر اجراء، فضا سازی، تدوین، جلوه‌های تکنیکی و... این فیلم ویژگی‌های بارزی هم دارد.

از سوی دیگر علی مصلح حیدرزاده، منتقد دیگر سینما اعتقاد دارد قهرمانی که در فیلم بهرام توکلی می‌بینیم، از تصویری که از جهان پهلوان تختی در اذهان ساخته شده، دور نیست اما بُعد جدیدی به این شخصیت تاریخی و ماندگار اضافه شده که ناشی از تخیل و مهارت کارگردان بوده است.

فیلم تختی روایتی تلخ و بدبینانه از قهرمان جامعه است که این برداشت تیره و تار مطلقاً رنگ و بوی سفارشی ندارد و یک جور دیدگاه مستقل است. به خصوص که سازندگان فیلم فراتر از ظرفیت‌های فنی و تکنیکی سینمای ایران فصل‌ها و سکانس‌های شگفت‌انگیزی خلق کرده‌اند که در حافظه می‌ماند.

این منتقد به نقطه قوت دیگر فیلم اشاره کرده و می‌گوید: فیلم توکلی درگیر معمای چگونه مردن تختی نمی‌شود. از حدس و گمان درباره اینکه تختی خودکشی کرد یا ساواک او را کشت فاصله می‌گیرد و همان اول موضعش روشن است: تختی خودکشی کرد و بعد داستان زندگی انسانی را می‌بینیم که آن قدر به وسوسه‌های مرسوم نه گفت و ایستادگی کرد که سرانجام نه در برابر قدرت و ثروت که در مقابل خودش زانو زد. هرچند که این قصه و این رویکرد و این فیلم می‌توانست پایان حماسی ترو تکان‌دهنده‌تری داشته باشد. □



قهرمانِ تنها روی دوش مردم

نقدهایی
درباره فیلم
«تختی»

جواد طوسی

و کنار نیامدن تختی و «نه گفتنش»، باعث به انزوا کشیده شدنش می‌شود. از طرف دیگر، به زندگی خانوادگی تختی در این فیلم با نگاهی منصفانه پرداخته شده است؛ مثلاً همسرش از او انتظار یک «تکیه‌گاه امن» را دارد، ولی پیوند ناگسستنی تختی با مردم و حس غمخوارانه‌اش، در تعارض با این آرزومندی است.

در سیر روایت به بیننده توضیح داده می‌شود که چه عواملی تختی را به سمت این انتخاب مرگ آگاهانه کشاند و اینجاست که بیننده در برابر این قهرمان تنها و پایبند به خصایل اخلاقی سر تعظیم فرود می‌آورد. در روایت بهرام توکلی با این واقعیت تلخ روبه‌رو می‌شویم که قهرمان تحت هر شرایطی تنهاست، منتها وقتی از قدرت فاصله می‌گیرد می‌تواند جایگاه و تکیه‌گاه مردمی‌اش را حفظ کند.

در تصاویر پایانی می‌بینیم که قهرمان به تاریخ پیوسته ماروی دوش مردم است. به جرئت می‌توان گفت که در سینمای ایران با چنین لحن و بیانی، فیلم اتوبیوگرافی ساخته نشده است. شخصاً معتقدم ارزش‌های این فیلم در طول تاریخ، بهتر درک خواهد شد.

فیلم نامه سعید ملک‌ان و بهرام توکلی دارای ارزش‌های بسیاری است که نادیده گرفتن آن از سوی هیئت داوران جشنواره فجر این سؤال را مطرح می‌کند که آیا آن‌ها متأثر از فضای عمومی و پرسوءتفاهم جامعه، در چنین نقطه انفعالی و نگاه محتاطانه قرار گرفته‌اند؟ به هر حال، «غلامرضا تختی» اثری نو و خلاقانه در شمایل‌نگاری «قهرمان» و روان‌شناسی فردی و اجتماعی او در دنیای معاصر ما، به شمار می‌آید. □

اساساً ساخت فیلم‌هایی مانند «غلامرضا تختی» در جامعه‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم، به خودی خود دشوار است، چرا که همواره نسبت به برخی شخصیت‌های تاریخی با وجوه مردمی یا کاریزماتیک، نگاهی پرسوءتفاهم وجود دارد. در مورد شخصیت محبوبی مانند غلامرضا تختی که لایه‌هایی از زندگی او و همین‌طور مرگش در هاله‌ای از ابهام و محل مناقشه بوده است، فیلم‌ساز را بر اساس هدف و زاویه دیدش به این سمت می‌برد که این سوءتفاهم را تعدیل یا تقویت کند.

به این نکته مهم نیز باید توجه داشته باشیم که خدشه دار نشدن جایگاه مردمی این گونه شخصیت‌های ریشه‌دار تاریخی، اجتماعی، با تقدیس‌گرایی افراطی‌شان تفاوت زیاد دارد. سال‌ها پیش بهروز افخمی با نگاه و لحن و اجرائی متفاوت با سبک و سیاق زنده یاد علی حاتمی، فیلمی درباره جهان پهلوان تختی ساخت که چارچوب و نقطه عزیمت‌ش بر محور شک و «عدم قطعیت» بود و موافقان و مخالفان خودش را داشت، اما بهرام توکلی در این اثر اتوبیوگرافی خود، نگاه تعدیل‌یافته‌تری را در دستور کار خود قرار داده است.

سازندگان فیلم «غلامرضا تختی» با در نظر گرفتن ظرفیت‌های سینما برای انجام یک پرتره‌نگاری متفاوت و با آگاهی از وجوه کاریزماتیک تختی (به ویژه در اذهان عمومی)، به پیشواز ساخت و تولید این فیلم رفته‌اند. در آثار قبلی بهرام توکلی هم شاهد بودیم که او همواره با نگاهی روان‌شناسانه به سراغ موضوع انتخابی و دنیای آدم‌هایش می‌رود. با این نشانه‌ها و پیش‌فرض‌ها، می‌بینیم که در اینجا به جایگاه مردمی تختی جفا نشده و او حضور ماندگار‌ش را در متن جامعه و میان توده مردم حفظ می‌کند.

ورود به دنیای غلامرضا تختی در فیلم با یک تقدم و تأخر روایی (در کانون قطعیت) همراه است. این انتخاب و تأکید بر علت مرگ قهرمان مورد بحث‌مان مبتنی بر نگاهی تخریب‌گرانه نیست، بلکه یکی از نقاط محوری همان نگرش روان‌کاوانه را دربر می‌گیرد. استفاده کلاژگونه از شیوه مستند بازسازی شده و قالب روایی در جهت به تصویر کشیدن فرا‌هایی از زندگی این اسطوره مردمی، کار فیلم‌نامه‌نویسان را به مراتب سخت‌تر کرده است.

اگر واقع‌نگری را در زندگی تختی و مناسبات اجتماعی‌اش دنبال کنیم، می‌بینیم در مقطعی از آن دوران خاستگاه عقیدتی‌اش روبه‌روی حکومت وقت قرار می‌گیرد. تحت این شرایط، سیستم و بازوهای اجرائی‌اش قصد استفاده ابزاری از او و هم‌سوایی با حلقه قدرت را دارند

داستان کوتاهی درباره سیل

سین هشتم

| یوسف قوجق

جلوی سگ ها، که پسرش به موقع رسیده و تبر را از دستش گرفته و حالا غل و زنجیرش کرده اند تا کاری نکنند. حالا هم دارند شمال و کلاه می کنند بلکه ببرندش پیش تایتی تا برایش دعا بنویسه.»

غل و زنجیرش نکرده بودند. تا قان آقا هیچ کدام از این کارها را نکرده بود و این حرف ها را هم نگفته بود. فقط پسرش صمد می دانست که پدرش چه کرده و چی گفته.

صمد وقتی رسیده بود خانه، دیده بود که پدرش آمده بود بیرون و نشسته بود کنار همیسه هیزم. تبر را هم در دست راستش دیده بود که با غیظ تمام، بالا می برده و می زده به گنده چوب. حتی این را هم دیده بود که چوب، درمی رفته و تا قان آقا هر بار، تبر را می گذاشته کنار، چوب را می آورده، می گذاشته سر جای اولش و باز تبر را می گرفته دستش و می زده به تن زُمخت چوب.

صمد نتوانسته بود بایستد و کاری نکند. سریع پریده بود و رفته بود سمتش. تبر را از دستش گرفته بود و گفته بود: «سخته که با یک دست، هیزم بشکنی.» حرف دُرشتی نگفته بود. طوری هم نگفته بود که تا قان آقا رنجیده بشود. فقط گفته بود: «من می شکم. شما بهتره بروید خانه.» ولی او افتاده بود روی قوز. افتاده بود سر لُج. تبر را نداده بود به صمد. بُغ کرده بود. چشم غره رفته بود و گفته بود: «هنوز وقتش نرسیده بنشینم و لم بدهم به بالش و کاری نکنم!» و چنان نگاهی کرده بود به پسرش که دیگر نتواند چیزی بگوید. او هم چیزی نگفته بود و گذاشته بود کارش را بکند. تا قان آقا از پنشسته بود. باز هم سعی خودش را کرده بود. بعد که دیده بود نمی تواند، همان جا، زانو به بغل، چمباتمه زده بود و از فرط غصه، گفته بود: «خسته شدم از این دست بی خاصیت!»

نه کم گفته بود و نه زیاد. فقط همین را گفته بود. بعد با دست راستش، تکانی به دست چپش داده بود و دست، مثل تکه گوشتی آویزان به چنگک قصابی، تکان خورده بود. با حالی نزار، سر تکان داده بود و آه کشیده بود. یکهو بُغضش ترکیده بود. خودش رازده بود زمین و رازده بود. همسایه ها گریه هایش را شنیده بودند و مرد ها ریخته بودند آنجا و با هم، او را برده بودند داخل خانه. دست چپ تا قان آقا، حرف هایی که زده بود و گریه ای که کرده بود، همگی شده بود نقل مجلس هر خانه. انگار توی روستای به آن بزرگی و بین اتفاقات ریز و درشت ماه های آغاز سال، هیچ موضوع دیگری نبود که صحبت کنند و همه ی صحبت ها درباره هر چه که بود، بالاخره برمی گشت به این که: تا قان آقا با آن تکه چوب آویزان به خودش، باید چه بکند؟ چه بکند تا دوباره جان بگیرد و بشود مثل دست راستش؟

یکی می گفت: «به گمانم رگش خواب رفته. باید ببرند پیش طبیب تا حسایی بماله تا بلکه رگ هایش باز بشه.»

دیگری می گفت: «باید برود شهر تا عملش کنند. تنهارا هش

هنوز تبر را از دست تا قان آقا نگرفته بودند و نکشیده بودند داخل خانه، که خبرش به همه جای روستا رسید.

زن خانه دیوار به دیوار حیاطشان، «بیکه دایزا»، همه صداهارا شنیده بود و همه چیز را دیده بود. دیده بود که مرد های روستا، هراسان، از بالای پرچین پریده بودند داخل حیاط تا قان آقا و دستپاچه دویده بودند سمت پشته هیزم ها. حتی این را هم دیده بود که مرد خانه اش زودتر از دیگران رسیده بود پیش تا قان آقا، زیر بغلش گرفته بود و به کمک مرد های دیگر، بلندش کرده بود و برده بود داخل خانه. همان موقع، برق از چشم بیکه دایزا پریده بود. توی دلش خالی شده بود. بی معطلی، پا کشیده بود و رفته بود به خانه آن طرف تر. رفته بود پیش آق قیز. نفس زنان و هُل خورده، یقه خودش را کیپ گرفته و گفته بود: «... بلا به دور خواهر! نبود ی بی بی تا قان آقا چه کرد با پسرش! روی سگش، حسایی بالا آمده بود! با تبر بود گمانم یا با چاقو،... درست نمی دانم... حمله کرده به پسرش!...»

تند و تند گفته بود و سریع برگشته بود به خانه و آق قیز را ندیده بود که او هم دویده بود و رفته بود خانه آن طرف ترشان، پیش مارال، که هنوز نفهمیده بود چه شده و این همه قیل و قال از کجاست. هاج و واج نشسته بود لب پنجره و به مردش فکر می کرد که چرا بیکه از جایش جهیده بود و همراه دایی صالح دویده بود سمت خانه تا قان آقا.

... خبر نداری مارال گلین! دست به تبر شده! تبر رو مثل فریره چرخانده بالای سرش و پرت کرده سمت پسرش!

خبر تا قان آقا، خانه به خانه چرخید و دهان به دهان گشت و در این بین، تبر تبدیل شد به چماق؛ تبدیل شد به چاقو، به قمه و داس و تیزی های دیگر.

هر زنی که خبر را می شنید، ناخاسته در ذهنش تا قان آقا امروز را می گذاشت کنار تا قان آقا یک ماه پیش و آه می کشید.

عده ای گفتند: «حق داره بیچاره! وقتی طبیعت خدای قاتی می کند، چه توقعی از بشر می شود داشت؟! نه بهارش بهار است و نه زمستانش زمستان!... او! بلا به دور! خدایا توبه! توبه!»

برخی ها هم به تأسف، سر تکان دادند و گفتند: «بمیرم برای پیرمرد بیچاره! آخر عمری، بین به چه روزی افتاده!»

بعضی های دیگر هم همین را گفتند و گفتند: «امان از پیری! مرد که پیر می شه، عقلش می شه اندازه یک بچه! کوتاهی از اولاد و بچه هاشه البت. در این حال و روزی که داره، قمه را که نباید دم دستش می گذاشتند!»

تا قان آقا نگفته بود؛ اما بعضی ها هم گفتند: «باشولی گفته، چوب چوب هست. توفیری ندارد که دست باشد یا درخت. خشک که شد، باید کند و انداختش دور!»

طولی نکشید که خبر به آخرین خانه روستا این طور رسید که: «تا قان آقا می خواسته دست چپش را با تبر قطع کنه، بیندازه

انگاری لبه تیز شمشیری آخته، خورده باشد به گره کوهی از تخته سنگ‌ها در دل آسمان، و سنگ‌های گول پیکر، آزاد و رها، روی هم غلت بخورند.

شعله تنها فانوسی هم که داخل کلبه بود، با صدای آسمان غرنبه به خودش لرزید. دونه‌تاقان آقا هم حتی به خود لرزیدند و از خواب پریدند.

تنها تاقان آقا نبود که با آن صدا، هراسان از جا پرید و کورمال کورمال به اطراف دست کشید. صمد هم که دور از آنجا بود، با شنیدن آسمان غرنبه، یکه‌ای خورد و از جا پرید. پرید و رفت تا نگاهی به بیرون بیندازد.

صمد عصر آن روز، سوار بر موتور، همراه زنش رفته بود روستا تا شیر را برساند و از بازار، هفت سینی برای سفره عید بخرد. هر هفت تا را خریده بود و حالا نشسته بود کنار بخاری و چای می خورد و منتظر فردا بود تا برگردد به صحرا و بچه‌هایش را با آنچه خریده بود، خوشحال کند. سیاهی ابرها را که دید، به خودش لرزید. فهمید جای درنگ نیست و باید برگردد.

برگشت و داد زد: «بجنب زن! باید بریم.»

باران، اول، آرام آمد. بعد شدید شد. بعد هم شدیدتر. این را از صدای قطراتش که به آخور می خورد، می شد فهمید. هر چه بیش تر می بارید، صدا شدیدتر می شد. بعد صدای مهیب غرشی دیگر آمد و برقی زد که از لای درزهای در کلبه به درون خزید و سایه روشن ترسناکی کشید.

در چوبی کلبه، بسته بود. بیرون، باد می آمد، می خورد به درزهای باز در و صدای زوزه می داد. بین صدای باد، صدای پارس سگ گله و شیهه ترس خورده اسب هم شنیده می شد. بادی از بین درزهای در، به داخل خزید و چراغ نیمه روشن فانوس را گشت. تاقان آقا ترسید. بلند شد و کورمال کورمال، رفت به سمتی که صدای بچه‌ها می آمد.

گفت: «نترسید. چیزی نیست.»

دستش به توبره کوچک گاه که خورد، خودش هم فهمید که چیزی هست، اما باز گفت: «چیزی نیست.»

توبره گاه که جلوی در بود، خیس آب شده بود. تاقان آقا رفت سمت فانوسی که از قلاب سقف آویزان بود. فیلته‌اش را داد بالا و کبریت کشید. روشنش که کرد، چهره ترس خورده نوه‌هایش را دید. باز گفت: «نترسید. چیزی نیست.»

هر دو نوه‌اش، کنار هم، جسیده به هم، باهایشان را توی شکم جمع کرده بودند و به خود می لرزیدند. تاقان آقا آن‌ها را دوباره خواباند. پوستینش را از روی دوش برداشت و روی نوه‌هایش انداخت. خوب آن‌ها را پوشاند و خودش نیز کنارشان دراز کشید. چشم‌های تاقان آقا بسته بود، اما خواب نبود. مدتی بعد صداهایی گنگ و غریب شنید. صدای حرکت آب بود و گرومپ گرومپ غلتیدن سنگ‌ها و صخره‌ها. سراسیمه بلند شد. رفت و در چوبی کلبه را باز کرد. بیرون که آمد، همه آن اطراف را پر از آب دید. آب تا قوزک پایش را پوشاند. ترس در خانه دلش خزید. - یا خدا...

سفیدی ریش و ابروهایش و موهای کم پشتی که از دو سمت

همینه به گمانم.» و یکی دیگری گفت: «باید زرده تخم مرغ را قاتی کنند با فلفل سیاه و بمالند به دست‌هایش. تنهارا هش همینه.»

پسرش که مانده بود از بین آن همه نسخه‌ها به کدام یک عمل کند، بالاخره سوار موتورش شد و رفت و از ده بالا، تایتی را آورد که طبیب ماهری بود.

تاقان آقا تا او را دید، روترش کرد و چهره درهم کشید. حتی جواب سلامش را هم نداد و برخلاف همیشه که با آمدن مهمان، بلند می شد، گره به ابروهایش انداخت. اخم کرد و بلند نشد. نگفت به پسرش که سفره پهن کند. نگفت تدارک ناهار را ببیند و چای بیاورد.

تایتی اما هیچ کدام از کارهای هم ریشش را به دل نگرفت. پیرمرد دنیادیده‌ای بود. طبیب بود و حجامت می کرد. اولین بار نبود که رگ می گرفت، بادکش می انداخت و خون سیاه را از بدن هم ریش‌هایش بیرون می کشید. بی هیچ حرفی، کناری نشست و وسایل حجامت را یکی یکی از خورجینش بیرون ریخت.

تاقان آقا داد زد که نمی خواهد حجامت کند. هوار کشید که نمی خواهد خوب شود. وقتی هم که صدای گریه نوه‌اش را از اتاقی دیگر شنید، برزخ شد و بیشتر لهیب کشید. گفت

حالا که دست پیش شده عینهو یک چوب خشک، خوب می فهمد چرا همیشه خدا، عاشق سنگ و چوب بوده. گفت که دوست دارد مدام چشمش به دست چوب شده‌اش بیفتد و از این که چوب شده، لذت ببرد. گوش صمد هیچ کدام از حرف‌های پدرش را یا نمی شنید، یا می شنید و معنایش را نمی فهمید. چیزی نمی گفت. دست به چانه، نشسته بود کنار تایتی و نگاه به استکان‌هایی می کرد که با رنگی کدر، باید می نشستند روی تن پدر. تاقان آقا نگاهش افتاد به تایتی که عرق پیشانی‌اش را گرفته بود و داشت آستین‌هایش را بالا می زد.

یکهو خون به چشمانش دوید. حال خودش را نفهمید. قوری چای را که مقابلش بود، برداشت و باخشم، پرت کرد سمت تایتی. پیاله را هم برداشت و پرت کرد سمت صمد. چند حرف درشت هم بارشان کرد. کسی نفهمید تاقان آقا چه می گفت و چرا به سلامتی‌اش فکر نمی کند. دلیلش را، تایتی هم نفهمیده بود. صمد هم نفهمیده بود. هیچ کدام از اهالی روستا هم نفهمیده بودند. همگی نشستند و ریش و گیس بافتند. عقل‌ها را روی هم ریختند تا ببینند چه باید بکنند.

روز بعد، تاقان آقا را واقعاً غل و زنجیر کرده بودند.

تاقان آقا خواب بود و برق را ندید که از آسمان به بیرون پرید و همه جا را روشن کرد. ندید که با آن برق، بیرون کلبه و حتی همه جای آن دره که علف‌های خوب و درختان تنومندی داشت، مثل روز، روشن شد. تاقان آقا از بس خسته بود، تکان هم نخورد و سرش را هم بالا نیاورد، ببیند چه شده و ممکن است چه بشود. فقط اسب و گره‌اش، سگ گله، گوسفندان توی اغل و یکی دو گاوی که کنار کلبه بودند، سرشان را بالا آوردند و گوش‌هایشان را تیز کردند که بشنوند.

آن شب، بعد از آن برق عجیب، آسمان به شدت غریب.

تاقان آفانگاه به چشم‌های نه‌چندان براق و گوش‌های بلند و نازک و خوش‌فرم و کاگل کم‌پشت اسب کرد. نگاهش افتاد به «الاجا یوپ» که کیپ گردن اسب بود. ریسمانی از پشم سیاه و سفید که به ظرافت تمام، در هم تابیده بودند. تکه چوبی هم، آویزان به آن بود از درخت داغدان؛ هر دو برای دفع چشم‌زخم آدم‌های بدخواه. ترکیبی از هنردست تاقان آقا و همسرش. «الاجایوپ» هنر دست همسرش بود و تکه چوب کوچک و تراش خورده، هنردست خودش. یادگار روزهایی که همسرش زنده بود.

اسب پیر تاقان آقا، خیس آب، ایستاده بود، با گوش‌هایی که گاه با شنیدن صداهای غریب، راست می‌شد و گاه با مهری مادرانه، خم می‌شد سمت کره‌اش. تاقان آقا افسارش را باز کرد و زد به کیل‌اش و هی کرد. اسب کمی رفت جلو و ایستاد. بی‌سوار و بدون صاحبش کجا برود؟

صدای گرومپ‌گرومپ و تلق تولوق، خیلی واضح‌تر از قبل به گوشش رسید. تاقان آقا فهمید که جای درنگ نیست. فهمید که اگر تازیانه نزند، اسب هرگز نخواهد رفت. کاری که هرگز نکرده بود، باید می‌کرد. دوید سمت زین و تازیانه‌اش را برداشت و برگشت. ضربه‌ای به اسب نواخت و داد زد: «برو حیوون! برو!»

اسب که هرگز ضربه تازیانه را نچشیده بود، پرید بالا و شیهه‌ای کشید. رفت جلو و دوباره ایستاد و نگاه به پشت سرش کرد. تاقان آقا با دسته تازیانه، زد به کیل کره اسب و فرستاد سمت اسب و نگاه نکرد، ببیند از آنجا دور می‌شوند یا نه. بی‌معطلی، پا کشید سمت دو گاو و گوساله‌ای که نزدیک پرچین بودند. با یک حرکت دست، میخ طوبله آن‌ها را زمین بیرون کشید و پرچین گله را هم باز کرد. نایستاد ببیند گله گوسفند و گاو و گوساله چه می‌کنند. سریع دوید سمت دو نوه‌اش که خیس آب شده بودند. هر دو را بغل کرد و دوید به سمت پشت کلبه که شبی ملایم به سمت بالای تپه داشت. چند بار لیز خورد و بازانو به زمین پراز آب افتاد، ولی نگذاشت نوه‌هایش به زمین بخورند. دوباره بلند شد و دوید. باز هم لیز خورد.

صدای شکسته شدن سنگ و چوب و جریان آب می‌آمد. با هراس نگاهی به اطراف انداخت. درست از سربالایی سمت چپ آنجا که ایستاده بود، چیزی دید. داشت می‌خیزد و به آن سمت می‌آمد. اول فکر کرد چشمان کم‌سویش اشتباه می‌کنند. دوباره نگاه کرد و این بار دقیق‌تر از هر وقت دیگر. درست دیده بود. اشتباه نمی‌کرد. موجی بزرگ از آب بود که می‌آمد به آن سمت و هر چه را که سرراش بود، می‌کند و با خود می‌آورد. تاقان آقا بیش‌تر از هر وقت دیگر به هراس افتاد. بار دیگر لب‌هایش لرزید.

- خدای من! ...!

نوه‌هایش هم به آن سمت نگاه کردند. تاقان آقا دست‌هایش را محکم‌تر به خودش فشار داد و سعی کرد نگاه آن‌ها را به سمت دیگری برگرداند. فرصت زیادی نداشت. با اضطراب، نگاهش را دوباره به اطراف چرخاند. سرایشی لیز بود و با آن وضع، بعید بود بتواند از آن بالا برود. درنگ جایز نبود و باید سریع تصمیم می‌گرفت. فکری به ذهنش رسید. به سرعت، پا کشید به سمت درخت پیرو و تنومندی که در فاصله‌ای آن طرف‌تر کلبه بود.

کلاه پشمی‌اش پیدا بود، به او می‌گفت که بهار شصت و ششمین سال عمرش قرار است طور دیگری باشد. به تجربه فهمید، گودی دشت، یعنی آنجا که اتراق کرده‌اند، علیرغم امن بودن از بادهای تند صحرا و داشتن چشم‌اندازی خوب و چراگاهی عالی برای گله، حالا دیگر اصلاً امن نیست. فهمید سیل بزرگی خواهد آمد و باید سریع آنجا را ترک کند. سریع برگشت. هر دو نوه‌اش بیدار شده بودند و هاج و واج به اطراف نگاه می‌کردند. سریع لباس‌های گرمشان را پوشاند. خودش هم پوستینش را به تن کرد. هر دو را به بغل گرفت و بلند شد.

نوه کوچک‌تر در دست راستش بود و آن که بزرگ‌تر بود، در دست چپش. بکھو نیش‌دردی از دست چپش راه باز کرد. بیچید توی بدنش و رسید به قلبش و تکانش داد. چیزی شبیه به درد نیش‌تر بود. انگار جوالدوزی را به کتف چپش فرو کرده باشند. نگرانی‌اش فرصت فکر کردن به این دردها را نمی‌داد. بی‌هیچ درنگی، نوه‌هایش را به سینه فشرد و به بیرون دوید.

بیرون از کلبه، آب رسیده بود به کمی بالاتر از قوزک پا. اگر در آن مدت کوتاه، آن همه آب جمع شده باشد، با یک حساب سرانگشتی می‌توانست بفهمد که تا دقایقی بعد چقدر بالا خواهد آمد. با چیزی که می‌دید و صداهایی که می‌شنید، آمدن سیل حتمی بود.

سنگ گله نخواهید بود که بیدار شود. بیدار بود و مرتب پارس می‌کرد. نگاه به جایی از صحرا می‌کرد و پنجول می‌کشید به زمین. تا صاحبش را دید، دم تکان داد و ساکت شد.

تاقان آقا نگاهش را چرخاند سمت اسبش. بهترین و سریع‌ترین وسیله برای خلاصی از هر موقعیت بُغرنجی، اسب بود. این را بارها تجربه کرده بود. به سمتش رفت و نوه‌هایش را گذاشت روی دو پیت بزرگ حلبی که آب‌خوری اسب و گره‌اش بود. رفت سمت پرچین. تا بالا پوش و زین را بردارد و ببیند از روی پشت اسب و آماده‌اش کند که بکھو ایستاد. گوش داد به صدای درق درق و گرومپ‌گرومپ. صدای غلتیدن و به هم خوردن چیزهای سخت به هم بود. برگشت و نگاه به اسب کرد که داشت پوزه‌اش را می‌مالید به پشت کره‌اش. آن سوتر، نوه‌ها شانه‌هایشان را توداده بودند و زیرنم باران، منتظر ایستاده بودند. برای اولین بار در عمرش، درباره کاری که می‌خواست بکند، تردید کرد. صداها مهیب‌تر و نزدیک‌تر از آن بود که حدس زده بود. آماده کردن اسب و سوار شدنش همراه دو نوه‌اش قطعاً زمان می‌برد و او فرصت چندانی نداشت. فاصله کلبه تا بالای تپه، ده گام بلند بود. شاید هم کمی بیش‌تر از ده گام. این فاصله را در روزهای معمول، بارها با چند نفس طی کرده بود و می‌دانست فاصله خیلی زیادی نیست. فکر کرد اگر پای پیاده، همراه دو نوه‌اش از کمرکش شیب پشت کلبه بالا برود، خیلی زودتر می‌رسد. با همین فکر، برگشت و رفت سمت اسب. اسبی که بیست سال از عمرش را با او گذرانده بود. اسبی از نژاد میوت، که دیگران پیرمی دانستند اما در نگاه تاقان آقا، هنوز جوان بود. با پوستی خاکستری، اندامی کشیده، دُمی باریک، سروگردنی زیبا و صورتی کشیده، ظریف و استخوانی.

تاقان آقا زمانی متوجه شد که دیگر دیر شده بود. فکر کرد اگر کمی زودتر می فهمید، شاید می توانست. می توانست نوه دوش را هم مثل نوه دیگرش، کمی بکشد بالا و روی دوش ببرد تا اندکی از خستگی دست هایش کاسته شود، اما دیگر نمی توانست. دست چپش به فرمانش نبود. حتی تکان هم نمی خورد، چه برسد به این که نوه اش را که با لباس های خیس، سنگین هم شده بود، اندکی به بالا بکشد و روی دوشش بگذارد. نتوانست. نتوانست حتی نگه بدارد.

هر چه می گذشت، دستش بی حس تر از قبل می شد. تاقان آقا دیگر نه چیزی می دید و نه چیزی می شنید. سعی هم نمی کرد که چیزی ببیند یا صدایی بشنود. تمام حواسش متوجه نوه ای بود که دست چپش بود و حالا هر چه می کرد، دست هایش به فرمانش نبودند و نمی توانست جلوی سر خوردن آرام او را بگیرد.

پیرمرد به این فکر کرد که چه باید بکند و چه می تواند بکند. ابتدا هر چه در توان داشت، به دست چپش داد و سعی کرد آن را تکانی بدهد تا بلکه جمع تر شوند، اما حس بود و نبود دستش را هم از دست داده بود. کمی که گذشت، حس کرد دستی به نام دست چپ ندارد و نوه اش هم دارد رفته رفته سُر می خورد و پائین می رود. پیرمرد دستپاچه شد. ماند که چه باید بکند. اگر دست دست می کرد و کاری نمی کرد، نوه اش از دست می رفت. این بار بالته بی دندان، از گوشه ی بلوز پیراهن نوه اش گرفت. نوه اش گریه کرد. سنگین بود و داشت به پائین کشیده می شد. طولی نکشید که لته اش به خون نشست. این را از قطرات خونی که داشت روی گردن نوه اش می ریخت، فهمید.

پیرمرد فهمید که مدتی بعد، یکی از نوه اش را از دست خواهد داد. دلش آشوب شد. نفس نفس می زد. با دردی جانکاه، حق می زد و بی صدا اشک می ریخت، همراه نوه هایش که داشتند بلند بلند گریه می کردند. بعد سعی کرد تا می تواند، نوه اش را بو کند. بویش کرد و سعی کرد آن دقایق آخر، تا می تواند به گردن و دست های نحیفش نگاه کند.

وقتی سُر خورد و افتاد توی آب، چیزی در دل پیرمرد شکست. از ته دل ضجه می زد. حتی به صرافت این هم نیفتاد که نوه ی دیگرش که دست راستش بود، بترسد.

داد زد: «خدا!» و وقتی صدای گریه نوه اش را شنید که ترسیده بود، یک دفعه ساکت شد. ساکت و بی صدا، با دست راستش، نوه اش را محکم تریه خودش فشرد و زل زد به آبی که تند و با شتاب، می گذشتند و به سمتی می رفتند که نوه اش هم رفته بود. یادش نیامد چه مدت گذشته است. زمانی به خودش آمد که صدای آشنای موتور را شنید و صدای جماعتی که به اسم صدایش می کردند. تاقان آقا نوه اش را محکم تریه خود فشرد و سرش را برگرداند به سمت صداها. با آبی که روی سر و صورتش نشسته بود، همه جا را تار می دید، اما سیاهی هایی را دید که بالای تپه جمع شده بودند و صدایش می کردند. دست چپ تاقان آقا، داغ باطل خورده بود. چوب شده بود؛ یک چوب خشک. او دیگر دوست نداشت دستش دوباره جان بگیرد. □

یک نگاهش به سمت درخت بود و سمت دیگر نگاهش به سمت موج بزرگ سیل که داشت همه چیز را می کوبید و پیش می آمد. به پای درخت که رسید، هردو نوه اش را به روی شانه اش سُر داد و با دست، به تنه درخت چسبید. همه توانش را جمع کرد و به بالا خزید. هم مواظب سنگینی روی شانه هایش بود و هم خودش را به بالا می کشید. در آن وضعیت، نیرویش چند برابر شده بود. به هرزحمتی که بود، نفس زنان خودش را به بالا کشید. به اولین شاخه که رسید، پاهایش را روی آن محکم کرد. نفسی عمیق کشید و دوباره بچه ها را از روی شانه، کشید توی بغل و محکم به خودش چسباند.

آبی شلاق وار آمد و به سر و صورتش خورد. نگاهش را که برگرداند، همه جا پر شده بود از آب. به پائین نگاه کرد و با دیدن آبی که تند و تیز از زیر درخت می گذشت، به خودش لرزید. لرزی که به تن تاقان آقا افتاد، حتی بچه ها را هم لرزاند. بچه ها گریه کردند و خود را بیشتر به پدر بزرگ چسباندند و مادرشان را صدا زدند. تاقان آقا صدایشان را نمی شنید. تنها چیزی که در گوش هایش بود، صدای گرومپ گرومپ قلبش و تلق تولوق سنگ ها و صخره هایی بود که توی آب به هم می خوردند و می خوردند به تنه درختی که آن ها رویش بودند. تاقان آقا نگاه مضطربش را دوباره به بالای دره دوخت؛ به جایی که سیل از آن سمت آمده بود. موجی دیگر بالا آمده بود و داشت می آمد. تاقان آقا باز هم لرزید. حتی پلک هایش هم چند بار پریدند و به خود لرزیدند. نگاه به پائین پایش کرد. آب از یکی دو وجب پائین پایش می گذشت. نگاهی دوباره به سمت موج جدید انداخت. باید می جنبید. اگر دست دست می کرد، این بار بعید نبود با آن موج، از درخت کنده شود. دوباره نوه هایش را روی دوش کشید و باز هم بالاتر رفت.

شاخه بالایی، خیلی بالا بود. بالاتر از آن که او بتواند به آن برسد. نفسش به شماره افتاد. دیگر نمی توانست. نمی توانست بالاتر برود. شاخه ای هم نبود که پایش را روی آن محکم کند. همان طور که چسبیده بود به شاخه کلفت درخت، پاهایش را از پشت شاخه، به هم رساند و محکم به همدیگر قلاب کرد. بعد نوه هایش را دوباره از شانه هایش به پائین سُر داد و به خودش چسباند.

موج آمد. درخت را لرزاند و پاهای تاقان آقا را شست و رفت. سیلاب خیلی بالا آمده بود. بین آن همه صدا، صدایی آمد. صدای افتادن چیزی سنگین به داخل آب. تاقان آقا سرش را به سمت صدا چرخاند. تیر چراغ برق بود. بعد صدایی دیگر. این بار کلبه تاقان آقا در آب حل شد. تاقان آقا نوه هایش را که می لرزیدند، بیش تر به خود چسباند.

آب فقط چند وجب با پاهای او فاصله داشت. سیل همه چیز را با خود می آورد. در آن تاریکی، تنها می شد صخره ها، الوارها و گاهی هم سیاهی هایی را دید که به گاو و گوسفند شبیه بودند که در آب فرو می رفتند و بیرون می آمدند. آن پائین، گاری خالی از یونجه، توی آب هاقل می خورد و در مسیر آب به جلو می رفت. بعد پیت های بزرگ و کوچک و صخره ها و خیلی از چیزهای دیگر.

دستور آب‌های جهان

بهار سال جاری بارش گسترده باران ساکنان شهرهایی از سرزمین عزیزمان را با حادثه سیلاب مواجه کرد. از گمیشان و آق‌قلا تا پلدختر و شیراز در کنار مخابره تصاویر غمبار از اندوه هموطنان، صحنه‌هایی از همدلی و همراهی نیز برابر دیدگان ما ثبت شد. در این شماره، برای شما شعرهایی را از چند شاعر که برخی از آن‌ها خود در شهرهای سیل زده ساکن هستند، انتخاب کرده‌ایم.

امتحان بلا

علیرضا قزوه

بسیار بار آب گذر کرد از سرش
شیراز ماند و حافظ و سعدیه و ارم
سعدی! سلام بر تو و اندیشه‌های تو
سیلی رسید و دشت گلستان فرو نشست
هر هفت سین سفره ما سیل شد دریغ
کارون خروش کرد و دزو و کرخه پر کشید
دزفول و شوش و خاک حمیدیه غرق آب
هر کس نیست دور دلش سد آهنین
بی توشه هر کسی که به ره زد، ز راه ماند
هر کس که خانه کرد به پا در مسیر سیل
سیل آمده ست، این همه اسباب را بهل
بیچاره آن که کودک و زن را رها کند
بیچاره تر کسی که نفهمید و خواب ماند
سی سال سیل آمد و سی سال زلزله
سیلاب امتحان بلا بود، دوستان!
سیلاب مثل نفس حرامی ست، سرکش است
سیلاب مثل ماری ست پرزهر و پر خطر
هر کس که چشم بست بر این، عمرا و حرام
چونان سپند سوخته ماندیم و سوختیم
دزدی ز حد گذشته و هر کس که دیده ام
شاعر! به زخم‌های وطن، زخم نومزن!
با سرد و گرم و خشکی و اندوه ساختیم
چیزی به جانمانده، ز دنیا میند دل
بر حلم و علم، ای وطن من سلام کن!
ایران من چو کاوه آهنگراست با
ایران من! تو کشتی نوحی که مانده‌ای
فیروزه نجابت و یاقوت اعتقاد!
دنیاست مجمری و تویی شعله امید
بادا همواره قسمت این کشتگان بهشت
یاد آیدم ز لاله رخان شهید عشق
یاد آیدم از آن همه سرروی نیزه‌ها
نام حسین (ع) و نام علی (ع) آورم به لب
دستور آب‌های جهان دست فاطمه ست
مانند شیر در نفسی رام می‌شود
در گرمگاه حادثه دل را رها مکن

شیراز ماند و چشمه الله اکبرش
شیراز ماند و شاه چراغ منورش
قربان کشوری که تو باشی سخنورش
دریاشد، ایستاد ببین در برابرش
هر میوه زهر بود که کردیم نوبرش
پلدختری شکست و جدا شد ز مادرش
گویی دوباره یورش بعثت است و لشکرش
سیلاب شد سکندر و زد تیغ بر سرش
سیل ایستاد ناگاه اندر برابرش
جز سختی و دریغ نگردد میسرش
جان را بگیر بر کف و دل را برون برش
بهر نجات استرو و گوساله و خرش
سیل آمد و شبانه فرارفت از سرش
بیچاره آن که درد و بلا نیست باورش
آب است و رحمت است به سیلاب و جوهرش
ما را نصیبه زهر شد آخ ز شکرش
زهرش گرفت باید و بشکست چنبرش
هر کس که فکر خویش کند خاک بر سرش
در آتش گذاخته و سرخ مجمرش
یا دزد بوده است خودش یا بردارش
شعری بخوان چنان که نسازی مکدرش
مثل گون که ساخت به رزق مقدرش
بر قصر قیصریه و بر قصر قیصرش
ایران من چو کشتی و صبر است لنگرش
نخل و بلوط و کاج و کنار و صنوبرش
در این همه بلا یا سخت است باورش
دنیاست حلقه‌ای و تویی گوهر و درش
با عود و کندری که تو کردی معطرش
بادا همیشه روزی شان حوض کوثرش
هر صبح وقت دیدن گل‌های پرپرش
وقت شفق که خون چکداز کاسه سرش
فردا چو سر بر آورم از خاک محشرش
فرمان خاک با اسدالله حیدرش
بر سیل اگر اشاره کند خواجه قنبرش
بسپارد دل به زاده موسی بن جعفرش

درغم گلستان

سید ابراهیم سجادی زاده

دهانی درآب

علی داوودی

نه فرستاده‌ای از کوه بود
 نه بلایی از آسمان
 شیرهای زیادی بازمانده بود
 و آب وحشی شده بود
 حوض‌ها پر بود
 کوزه‌ها پر
 کاسه‌ها
 - چشم‌ها -
 خواب می‌دیدند؛
 آب می‌آمد!
 ماتماشا بودیم به تلوزیون
 -تنگ شیشه‌ای بزرگی
 که تمام شهر در آن شناور
 بودند-
 زل زدیم
 ریخت به یخچال
 گوشت‌های منجمد را آب
 کرد
 و مرغ‌های پیرکنده را پرواز داد
 نفوذ کرد به کمد لباس
 قلیمان در جیبمان می‌زد تا
 قایق‌ها راه بیفتند
 حالا سیل دست برده است
 در متن خبر
 در گل‌آلود صداها مان
 شناوریم چون دهانی در
 آب
 با کلماتی بی‌مسئولیت
 که گردن نمی‌گیرند
 شکستن سدها را
 که قیمت ما را پایین و بالا
 می‌کنند
 غر و لن‌دیم
 غرغر غرغر
 می‌غرد موتور این کشتی
 کهن سال
 نوح نیست و حیوانات
 طبقه پایین را لگد می‌زنند
 ماغبیتیم
 ما اعتراضیم به هیچ
 سازشیم با تدریج
 گذرانیم با خشم
 دنبال نمی‌دانم در هزار سو
 «ما بی‌چرا زندگانیم»
 باشد که مگر سیل خبری از
 ما بگیرد □

سیلاب، اگرچه، خار آورد / از جنگل و کوه، مار آورد
 از درد بهاری گلستان / صدها دل اشکبار آورد
 اما به نسیمی از محبت / صد لاله و گل به بار آورد
 دل‌های تمام دوستان را / بر سفره و در کنار آورد
 در خانه، اگرچه آب انداخت / در خانه دل بهار آورد
 از یاری مردم گلستان / یک دل شدن هزار آورد
 فرهنگ جهاد جبهه‌ها را / یک بار دگر به کار آورد
 در گنبد واق‌قلا، گمبشان / دل‌داده بی‌شمار آورد
 از عشق، دوباره خارها را / گل کرد و نسیم یار آورد

قرار همدلی

رضاسماعیلی

دور باد از ما که از بوی بهاران بگذریم
 از هراس سیل، از لبخند باران بگذریم
 در خزان خشک سالی، روز و شب منزل کنیم
 از شکوه سبزه و باغ و گلستان بگذریم
 کاسه‌ها کوچک است و رحمتش بی‌انتهاست
 دور باد از ما که از لطف فراوان بگذریم
 سیل افتادست گرد شهر، باران همتی
 تا که از تلواسه سیل خروشان بگذریم
 دست گرد دست هم با مهر بگذاریم ما
 میهن خود را کنیم آباد و آسان بگذریم
 مرهم این زخم‌ها، ای مهر بانم! همدلی است
 با قرار همدلی از خشم توفان بگذریم
 انجمن گردیم در باد پریشانی به شوق
 یار هم باشیم و از این فصل ویران بگذریم
 بعد از این باران بیا با کاروان نوبهار
 بادعای سال نو، از زیر قرآن بگذریم
 مژده فردای روشن می‌دهد این فصل نو
 ای بهار جان بیا از زیر باران بگذریم ...

سیل هفت سین

فاطمه عارف نژاد

رنگ خزان گرفته چرا نوبهار مان؟
 تازه جوان شده ست غم کهنه کارمان
 دل زخمی دوباره دردی نگفتنی ست
 داغی نشسته بر جگر روزگارمان
 دنیا که با شکوفه کفن پوش می‌شود
 خون می‌دود به چهره باغ انارمان
 ما چتر بسته ایم و تو با سیل آمدی
 این بود ای فرشته باران! قرارمان؟
 این بار با گذشته چرا فرق می‌کند
 روپوسی همیشگی آیدارمان
 درد که باز دسته‌گلی آب داده‌ای
 در کوچه‌های خاکی شهر و دیارمان
 از هفت سین عید چه مانده ست غیر سیل؟
 عیدی چه بود غیر غم بی‌شمارمان؟
 امشب صدای گریه می‌آمد به گوش دشت
 از روستای گمشده هم جوارمان
 ماه سرد و خسته دی ماه نیستیم
 نوروز! از تو بیشتر است انتظارمان

اشک روبی

محمد رضا وحیدزاده

یک قوطی ترشی و دو ظرف روغن
 یک دفتر پرپروسه تا پیراهن
 بین گل و لای سیل پنهان مانده
 صد خاطره از تو و صد اندوه از من
 از سیلی سیل رنگ گندم شده بود
 هم بغض سکوت‌های مردم شده بود
 وحشت زده می‌گریست بین گل و لای
 یک لنگه کفش صورتی گم شده بود
 هر جوی رسوب بسته را می‌رویییم
 این شهر به گل نشسته را می‌رویییم
 هر چند که سیل، کوهی از غم آورد
 با اشک، دل شکسته را می‌رویییم

سال سیل

احمد شهریار

ای دل! بنشین و گریه کن بر لب کشت
 در گل مانده ست بوی گل‌های بهشت
 افسوس که با یک غلط املائی
 کاتب این بار «سال» را «سیل» نوشت
 مرد همه نبردها را ببرد
 یا اینکه تمام مردها را ببرد
 نه، گریه مکن، گریه مکن! خوزستان
 سیل آمده ریزگردها را ببرد
 امروز که سقف خانه‌ها پیدا بود
 نه شهر و نه کوچه شما پیدا بود
 من اینجا قبل سیل هم آمده‌ام
 از بام لرستان همه جا پیدا بود
 گل کرده عجیب نام شیرازی‌ها
 دل‌ها شده اند رام شیرازی‌ها
 ای سیل! نه مسقطی که مردم بردند
 با خود همه جا مرام شیرازی‌ها

هنگامه بهار

محمد امین اکبری

آرام و رام از راه می‌رسد:
 باران نوبهار
 آهنگ موزونش
 پیوسته اوج می‌گیرد
 فوج فرشتگان
 مشغول سرشماری این
 خیل بی‌شمار - باران
 بی‌مصایقه برخاک انتظار -
 باری
 آن آسمان آبی بی‌ایرپیش
 از این
 پرهیبت است و تیره و
 توفنده
 صاف نیست
 پیوسته روبه اوج
 باران قطره قطره و سیلاب
 موج موج
 انگار آسمان
 از رو شمیر بسته است
 تیغ برنده اش
 اندر غلاف نیست
 با آسمان بگو!
 این شاخه‌های خُرد
 بر این درخت پیر تک!
 تاپ تازینه ندارد
 با آسمان بگو که نبارد!
 هنگامه بهار
 وقت مصاف نیست
 می‌بارد همچنان
 یک ریزوبی‌امان
 «باران که در لطافت
 طبعش خلاف نیست»

یک صفحه از یک رمان یاد من کن پیش تخت آن عزیز



پرسو علی عسکر نجاد

به همراه خانواده‌اش به آن جا رفته و تا دوران دبیرستان، در آن زیسته است. پس به آن جغرافیا و فرهنگ آشناست و به خوبی از پس ساختن رمانی با مؤلفه‌های فرهنگی اجتماعی آن برآمده است. او پیش از این رمان، «شبی بیرون از خانه» را در سال ۱۳۷۴ و «من ویران شده‌ام» را در سال ۱۳۸۱ منتشر کرد، اما اندکی سایه این دو مجموعه داستان را کنار زد و با درخشش خود در سال ۱۳۸۵، جایزه بهترین رمان سال را از آن خود کرد.

در این کتاب ۱۴۰ صفحه‌ای، با روایتی ناب از خاطرات دودوست قدیمی که پس از سال‌ها به یکدیگر رسیده‌اند، همراه می‌شویم. آن‌ها روزگار غربی را به چشم خود دیده‌اند، از سال‌های پس از کودتای بیست و هشتم مرداد گرفته تا نهضت ملی شدن صنعت نفت و ظلمی که در دوران طاغوت بر سر مردم رفته. هنرمندی بیگدلی در چینش شاعرانه کلمات در کنار هم و رسیدن به نثری آهنگین و زیبا به خوبی در این کتاب پیدا است. علاوه بر آن، ارجاعات غیر مستقیم و گاه مستقیم، اما دلنشین راوی به آموزه‌های دینی و آیات قرآن که با ترجمه فارسی روان خود در دل متن گنجانده شده‌اند، از منظر محتوایی ارزشی ویژه به این اثر می‌بخشد.

بخشی که در ادامه می‌آید، بریده‌ای است مربوط به فصل اعتصاب کارگران شرکت نفت آغاچاری که به شهادت و زخمی شدن عده‌ای از آن‌ها منتهی می‌شود. احمد بیگدلی با زبان محکم و پرداخته خود، با گریزهایی به جا و مناسب به واقعه کربلا و روز عاشورا و برقراری ارتباط میان این دو واقعه، اثری به حق خواندنی را آفریده است؛ اثری که آیدولوژی و شالوده فکری قیام عاشورا را در متن تاریخ یک جامعه ایرانی مستضعف و باورمند که مقابل شمر زمانه قد علم کرده، نشان می‌دهد.

احمد بیگدلی نویسنده توانای معاصر، زاده ۲۶ فروردین در اهواز است. می‌گویند بهترین اثر یک نویسنده آن وقت خلق می‌شود که از تجربه‌های زیستی خودش بنویسد؛ از آن چه برای او ملموس و آشناست تا تبحرش را در توصیفات جزئی و صحنه پردازی‌ها به رخ بکشد. یکی از بهترین مثال‌ها برای این بهترین اثر، «اندکی سایه» است؛ رمان موفق «احمد بیگدلی». این رمان در «آغاچاری» روایت می‌شود؛ «شهری بارانی» که احمد بیگدلی اهوازی در کودکی

بعد، کمی بعد، موج جمعیت میان کارگرهای اعتصابی وهادی فاصله انداخت. حالا این کرم بود که با چاقو خودش را رسانده بود به ذوالجناح.

کسی گفت: «پس این امنیه‌های حکومتی کدام گوری هستند؟» کرم کارد را فرو کرد و با تمام قوتش، پوست و گوشت را جرداد. سخت بود، اما نیروی اهریمنی کار خودش را کرد. ذوالجناح برگشت و نگاه کرد به هادی: «یاد من کن پیش تخت آن عزیز»

هادی دستش به ذوالجناح نمی‌رسید. ذوالجناح با شکم دریده چند قدم پیش آمد. ناگهان سیل جمعیت از هم شکافت و راه داد تا ذوالجناح از میان مهاجمین گذشت. بعد، کمی بعد، زانو‌ها برید و نشست روی خاک. هادی کوشید به طرفش بدود. کسی با چوب زد به قلم پاهاش. من آن ضربه نابه‌کار یادم است. من تاشدن پاهای شکسته یادم است. ذوالجناح سر بالا گرفت و یال افشانده. هادی دو قدم آخر را خیز برداشت و با آن همه درد، به شلال موهای اسب پیر چنگ زد. هنوز نمی‌دانست که برای ذوالجناح چه پیش آمده است. (ص ۱۲۱) □

هول جمعیت سردرگم، به هر طرف سر می‌کشید، سرریز می‌شد و کش می‌آمد. آفتاب داغ بود؛ مثل دایره‌ای از مس - مس گداخته. مثل دهانه یک کوره، آتش می‌ریخت روی مردم. هادی نمی‌توانست فرار بکند؛ جنازه منصور افتاده بود جلوی پایش. ذوالجناح پیر، دهانش را باز کرده بود و به هوای آب، سر به اطراف می‌کشید. میرزا حبیب را برده بودند. خودش مانده بود و ذوالجناح. خودش مانده بود و جنازه پسر ناکامش. نالید: «خدایا توبه ام را قبول نکردی. می‌مانم و تقاص پس می‌دهم».

آن وقت هادی تسلیم شد: «مرگ شیرین گشت و قلم زین سزا». بیرق‌های آبی آمدند. نظر خان دیگر خودش را پنهان نمی‌کرد. کرم هم بود - با خیل جمعیت که نمی‌دانستند همراه موجی، به جانب فاجعه‌ای کشیده می‌شوند که مال آن‌ها نیست. سودش را کس دیگری می‌برد و دودش به چشم آن‌ها می‌رود.

کسی فریاد زد: «مرگ بر نوکر انگلیسی‌ها!». کارگرهای اعتصابی هجوم آوردند. نظر خان با بیرق به دست‌ها افتادند میان نشان. چوب و قداره و کارد.



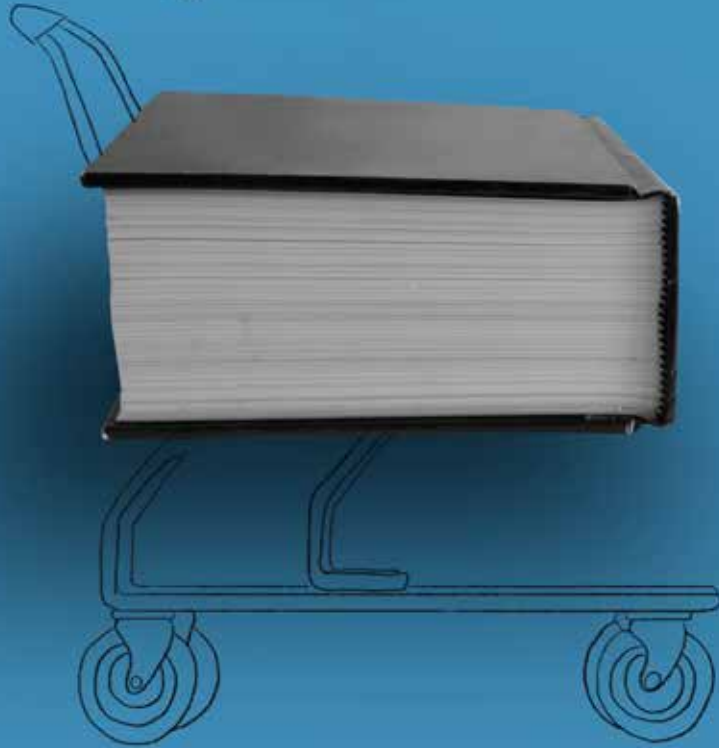
۶۴=۷۸

گفتگو با نویسنده کتاب «در کمین گل سرخ» که درباره شهید صیاد شیرازی نگاشته شده است، اولین مطلب از بخش کتاب و کتابخوانی است. در ادامه گزیده‌ای از این کتاب را با هم می‌خوانیم. معرفی کتاب‌های تازه منتشرشده در زمینه کودک و نوجوان، شعر و داستان، دین، دفاع مقدس و انقلاب اسلامی در این بخش برای خوانندگان مهروماه تدارک دیده شده است. ضرورت کتابخوانی با صدای بلند برای کودکان زیر ۳ سال عنوان آخرین مطلب این بخش است.

کتاب



کتاب رامثل نان و خوراکی به سبداصلی خانوار وارد کنیم



جوانان ما به قهرمان‌هایی مثل صیاد نیاز دارند

سخن از جهانی که هرگز بی‌رنج پیش نمی‌رود

متن‌ها در برابر خوانندگان، شکننده‌اند

گفتگو با نویسنده کتاب «در کمین گل سرخ»

جوانان ما به قهرمان‌هایی مثل صیاد نیاز دارند

وقتی فهمیدم که به یکی از دوستان بنده پیشنهاد کرده‌اند تا کتابی برای شهید صیاد بنویسد، من از او خواستم که اجازه بدهد من این کار را انجام دهم. چون رفیق مادر حوزه طنز و کودک و نوجوان کار کرده بود و من نگران بودم که کار به خوبی انجام نشود. نوشتن این کتاب، سه سال طول کشید و به این معنا نبود که من در این سه سال به صورت مدام در حال نوشتن هستم. چون در پیدا کردن مسائل مربوط به اطلاعات زندگی ایشان و دفاع مقدس مشکل داشتم و جایی هم نبود که به من در این باره کمک کند. واقعاً بخش زیادی از اطلاعاتی را که به دست آوردم، زحمت خودم بود.

در مورد شهید صیاد تا به امروز نزدیک به ۵۰ جلد کتاب نوشته شده است. در زمان من هم فکر می‌کنم ده جلدی نوشته بودند یا در حال نوشتن بودند. به همین دلیل بود که خیلی روی خوش به من نشان داده نمی‌شد. این راهم بگویم که من در این کتاب هر جا که شک پیدا می‌کردم و به هر چیزی که درباره شهید می‌گفتند اکتفا نمی‌کردم و سعی می‌کردم درباره آن جستجو و تحقیق کنم یا از شخص دیگری در این رابطه تأییدیه بگیرم. حتی در بعضی مواقع به فرمایشات شهید صیاد هم اعتنا نمی‌کردم. با اینکه می‌دانستم شهید صیاد آدم صادقی هست، اما احتمال می‌دادم بعضی از مطالب را فراموش کرده باشد، یا مربوط به خودش نباشد.

یک نکته دیگر که من مایل بودم در این کتاب به آن توجه بشود، این بود که یک دست غیبی این آدم را برای انقلاب اسلامی و حوادث انقلاب تربیت کرده بود. خوب من با این نگاه کار را شروع کردم. طبق تحقیقی که از حوادثی زمان کودکی تا آموزش در ارتش و پیمودن مراحل نظامی در ارتش درباره شهید صیاد انجام دادم، متوجه شدم که ایشان یک هدیه‌ای برای انقلاب و بعد از آن است. من سعی کردم روی زندگی ایشان، فعالیت‌هایی ایشان در آمریکا مثل تبلیغ دین و سخت‌گیری که روی مسائل مذهبی در آنجا داشتند تمرکز کنم. به نظر من خداوند شهید صیاد را برای دوره ما تربیت کرده بود که یکی از هدیه‌های الهی دوره ما بود. سعی کردم این‌ها در کار دیده بشود.

به نظر شما چه اتفاقی می‌افتد که شهید صیاد شیرازی بعد از شهادتشان محبوب می‌شود؟

این خاصیت شهید است که بعد از شهادتش مشهورتر می‌شود و آن حقیقت شهید در واقع تجلی پیدا می‌کند و می‌درخشد. شهید صیاد به خاطر آن اخلاصی که داشت و آقا هم فرموده بودند که یکی از عواملی که صیاد معروف شد، اخلاص او بود. بسیار مخلص و بنده صالح خدا بود. ایشان واقعاً به کارش به عنوان عبادت نگاه می‌کرد و زحمت زیادی کشیده بود. البته این زحمات بی‌اجر نماند. من فکر می‌کنم که آن توانایی‌ها و فداکاری‌های شهید صیاد باعث شد که ایشان مورد توجه مردم قرار بگیرد و از همه چیز مهم‌تر محبتی بود که خداوند در دل انسان‌ها انداخته بود. مسئله دیگر ارتباط ویژه شهید صیاد با حضرت حجت

در آستانه روز ارتش جمهوری اسلامی ایران، مراسم هشتمین پاسداشت ادبیات جهاد و مقاومت با محوریت گرامیداشت یاد و خاطره امیر سپهبد شهید علی صیاد شیرازی در حضور خانواده و جمعی از هم‌زمان این شهید عزیز و جمعی از فرماندهان ارشد نیروهای مسلح و اهالی فرهنگ و ادب دفاع مقدس، در قطعه ۲۹ گلزار شهدای بهشت زهرا (س) برگزار شد. پایان بخش این مراسم، انتشار تقریظ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) بر کتاب «در کمین گل سرخ» بود؛ کتابی که در آن زندگینامه داستانی شهید سپهبد علی صیاد شیرازی به قلم آقای محسن مؤمنی شریف روایت شده است. به همین مناسبت، گزیده گفتگویی با آقای محسن مؤمنی شریف، نویسنده حوزه ادبیات انقلاب و دفاع مقدس و رئیس فعلی حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی را با هم می‌خوانیم. ■

با توجه به مناسبت تقریظ رهبر انقلاب بر کتاب «در کمین گل سرخ»، جنابعالی برای ما از نحوه آشنایی خود با شهید و ارتباطات با ایشان توضیحاتی را بفرمایید.

بنده در این باره در مقدمه کتاب مختصر توضیحی داده‌ام، ولی خوب من شهید صیاد را مانند همه مردم ایران کمابیش می‌شناختم. نخستین باری که من شهید صیاد را از نزدیک دیدم، عملیات والفجر یک بود. پیش از عملیات مانورهایی برگزار می‌کردند که در اغلب این مانورها یا شهید صیاد یا سردار رضایی صحبت می‌کردند. قسمت ما این بود که ایشان قبل از این عملیات برای ما صحبت بکنند. یک بار دیگر هم من ایشان را در همین حوزه هنری در مراسم شب خاطره دیدم که برای خاطره‌گویی تشریف آورده بودند. ولی در واقع محبت ایشان در دل‌های همه ما ریشه دوانده بود. من بیش از این شهید صیاد را نمی‌شناختم و عجیب این بود که وقتی ایشان شهید شدند و خبر شهادتش را ما حدوداً ظهر شنیدیم، واژه خوش به حالش به زبانم آمد و بعد این حس عمیق تر شد که پنداری یکی از نزدیکانم رفته بود.

چه اتفاقی افتاد که شما این سوژه را برای نوشتن انتخاب کردید؟ از فرآیند نوشتن و پژوهش در این باره برای ما توضیح بدهید.

همان موقع‌ها بود که دفتر ادبیات و هنر مقاومت یک متنی به بنده دادند که قرار بود با آقای دهقان روی این متن کار کنیم. این متن در واقع حاصل مصاحبه برادر عزیزمان جناب آقای فخرزاده با شهید صیاد بود. آقای فخرزاده با ایشان ارتباط داشتند و موفق شده بودند حدود ۶ جلسه با ایشان گفتگو کنند. جناب آقای دهقان نیز از آن گفتگوها، کتاب ناگفته‌های جنگ را به چاپ رسانید و بنده هم قرار بود یک کتاب کوچکی از خاطرات شهید صیاد برای نوجوانان بنویسم. من آنجا بود که فهمیدم که ما اصلاً صیاد را نمی‌شناخسیم و صیاد خیلی بزرگ‌تر از آنی هست که ما راجع به او فکر می‌کنیم. عمیقاً فهمیدم که شهید صیاد یکی از افتخارات مادر دفاع مقدس است و نقش بسیار اساسی داشته است.

متن تقریظ رهبر انقلاب بر کتاب
«در کمین گل سرخ»، نوشته محسن مؤمنی

این نمونہ جہاد و بیادبندہ است روزگاری است
در ضمن مدت آن زمین زندگی کی نہ کھیر آتی
آہ سے مکیرہ مطاعہ کریم (تا ۷، ۶، ۱۶)
زیادہ تر زندگی نہ تھی ہے۔ بابی کی نہ
جہاد آتے اللہ آتے۔ بہتہ بسیار سید
روزگار آتے اور روزگار نہ تھی بسیار
آپہ روزگار کی نہ تھی بہتہ تھی ہے
درین طبیعت است
- بہتہ جہاد کی طبیعت نہ تھی بسیار
را روزگار آتے بہتہ تھی نہ تھی
ادعا نمونہ نہ تھی (درین نمونہ و سماع
دندانہ بہتہ) رحمت خداوند



سلام الله عليه بود. ایشان واقعاً خودش را سرپا از امام زمان می دید و برای زمینه سازی ظهور آن حضرت تلاش می کرد و اعتقاد داشت که ظهور به زودی اتفاق می افتد. لذا در همه عملیات و حوادث او را شاهد و ناظر می دید و سخنش را بدون دعای فرج آغاز نمی کرد.

معمولاً خالق اثر، چه از جنس فیلم یا کتاب، یک ارتباط شخصی با موضوع آن اثر برقرار می کند؟ برای شما در مسیر تولید این اثر، چقدر ارتباط برقرار شد؟

نمی توانم بگویم چقدر این ارتباط برقرار شد ولی احساس می کردم که من هم یکی از بستگان ایشان هستم. الآن هم نام ایشان را هر کجا که می شنوم یا عکس مبارک ایشان را می بینم همین حس را دارم. در این زمینه خیلی نمی شود صحبت کرد، ولی باینکه من ایشان را خیلی کم دیدم اما از محبت و برکات ایشان در زندگی بی نصیب نبوده ام. روزهایی هم که روی این کتاب کار می کردم، روزهای خوبی برای من بود. خوبی نوشتن هم همین است. شاید کار یک فیلم سینمایی مثلاً چند ماه طول بکشد و تأثیر خیلی عمیقی هم نداشته باشد، اما تحقیق و نوشتن چون زمان بر است، تأثیر درونی بیشتری می گذارد.

در مورد انتشار تقریظ رهبر انقلاب بر کتاب «در کمین گل سرخ» مختصر صحبتی برای ما داشته باشید.

لطف حضرت آقا به این کتاب واقعاً برای من بسیار مهم است. اگر از جنبه های شخصی اش بگذریم که البته افتخار بزرگی برای من هست، اما من از این جهت نگران بودم که با توجه به کاری که کرده ام نکنند شهید راضی نباشند و شاید



یک نکته دیگر که من مایل بودم در این کتاب به آن توجه بشود، این بود که یک دست غیبی این آدم را برای انقلاب اسلامی و حوادث انقلاب تربیت کرده بود. خب من با این نگاه کار را شروع کردم. طبق تحقیقی که درباره شهید صیاد انجام دادم، متوجه شدم که ایشان یک هدیه ای برای انقلاب و بعد از آن است

دوستان دیگری بهتر از من می توانستند این کار را انجام بدهند. ولی وقتی حضرت آقا در یک جلسه خصوصی فرمودند که من این کتاب را خواندم و از آن تعریف کردند خیالم از این جهت راحت شد. بعدها هم فهمیدم ایشان یک نظر لطفی به این کار داشته اند. ببینید جامعه ما نیاز به شناخت صیاد دارد. جوانان ما در این دوران بحران هویت به بزرگانی مثل صیاد شیرازی و قهرمانانی مثل ایشان نیاز دارند که می توانند برای آن ها الگوهای مناسبی باشند. من واقعاً از این جهت که این کتاب بیشتر از الآن معرفی خواهد شد، بسیار خوشحال هستم. البته همان طور که می دانید این کتاب تا الآن ۲۳ بار تجدید چاپ شده و مورد توجه قرار گرفته است؛ و قرار است سریالی از این کتاب ساخته بشود؛ اما در واقع عنایت حضرت آقا برکت دیگری به این کتاب خواهد داد تا آن شاء الله صیاد را بیشتر بشناسیم. یادم هست یکی از دوستان نویسنده در روزنامه ای یک نقد کلی درباره این کتاب نوشته بود که در واقع حرف اساسی اش این بود که کارهای بزرگ را چرا آدم های کوچکی مثل من به دست می گیرند و خراب می کنند. من آن موقع کمی نگران شدم که نکنند حرف این آقا درست باشد. البته می دانستم که نقد ایشان مبنای دیگری دارد ولی همان موقع ها بود که شنیدم حضرت آقا در دیدار با خانواده این شهید فرموده بودند که کتاب هایی را چه به این شهید بزرگوار نوشته شده است اما کتاب در کمین گل سرخ از بقیه بهتر است. احساس کردم باز پاسخی بود از طرف آن شهید عزیز که این نگرانی من بی جهت است و خدا را شکر کردم. این ها توفیق هست و خدا کند این توفیقات و الطاف این بزرگواران استمرار داشته باشد تا روزی که نیازمند خواهیم بود. □



برشی از کتاب «در کمین گل سرخ»

از این لحظه به بعد من فرمانده شما هستم

«۵۲ پاسدار در سردشت شهید شدند.»

این خبر اول روزنامه‌ها در روز ۱۷ مهر ۵۸ بود. این خبر نه فقط اصفهان که ایران را به خشم آورد. آنان پاسداران اعزامی از اصفهان به کردستان بودند که در بازگشت گرفتار کمین ضدانقلاب شده و به طرز فجیعانه‌ای به شهادت رسیده بودند. در شهرهای مختلف، مردم با برگزاری مراسم نسبت به جنایت ضدانقلاب و کوتاهی مسئولان، واکنش نشان دادند. در اصفهان و مشهد نیز عزای عمومی اعلام شد و در تشییع جنازه شهید حاجت‌الاسلام سید احمد خمینی از طرف امام، شرکت کرد. استاندار اصفهان برای بررسی واقعه جلسه فوق‌العاده گذاشت که سروان صیاد شیرازی نیز از دعوت شدگان به آن جلسه بود. استاندار بعد از بیان واقعه گفت: «همین طور که می‌بینید مردم به شدت عصبانی‌اند و خواستار بررسی موضوع و مجازات عاملان این جنایت‌اند. ما باید به این موضوع رسیدگی کنیم، حالا پیشنهاد شما چیست؟»

پیشنهاد سروان این بود: به نظر من در اصفهان امکان رسیدگی به این مسئله وجود ندارد. پیشنهاد بنده این است که یک گروه به منطقه بروند و در آنجا وضعیت را از نزدیک بررسی کنند. این پیشنهاد تصویب شد. سید رحیم صفوی و خود سروان برای این مأموریت انتخاب شدند. امام جمعه اصفهان آن دورا به دکتر چمران معرفی کرد که وزیر دفاع و معاون نخست‌وزیر بود. اتفاقاً بعد از شهادت پاسداران، دکتر نیز از طرف امام مأموریت داشت مجدداً به کردستان برود.

غروب هنگام بود که هلی‌کوپتر حامل دکتر چمران و همراهانش در پادگان سردشت به زمین نشست. سروان صیاد شیرازی، نخستین بار در آنجا، نشانه‌های جنگ کردستان را با چشم خود دید. پادگان عملاً در محاصره ضدانقلاب بود. ورود و خروج از آن تنها توسط هلی‌کوپترهای هوانیروز صورت می‌گرفت. آثار گلوله در جای جای آن به چشم می‌خورد و ساختمان‌ها در میان گونی‌های شن و خاک پنهان شده بود. اتفاقاً نیمه‌های همان شب انفجار مهیبی آسایشگاه را چنان لرزاند که سروان احساس کرد سقف بر سرشان خراب شده است. بوی تند باروت در فضا پیچیده بود. چراغ‌ها که روشن شد دیدند، گلوله‌آرپی‌جی از گونی‌ها گذشته و بعد از تخریب

دیوار، درست در میان آسایشگاه از نفس افتاده است. سروان اندیشید: «پس دشمن به ما نزدیک‌تر از آن است که خیال می‌کنیم!»

از همه سو تیر و آتش بود که به پادگان می‌بارید. از آسایشگاه بیرون شد تا به طرف آسایشگاه دیگری که دکتر چمران در آنجا بود، برود. یک دفعه متوجه شدم که شهید چمران در حالی که لباس استار بر تن کرده و یک قبضه اسلحه یوزی در دست دارد، از داخل ساختمان بیرون آمده است. هفت‌الی هشت نفر هم دور و برش بودند. همان جا ایستادم و با نگاهم آن‌ها را تعقیب کردم، دیدم از در پاسدارخانه هم خارج شدند و به داخل شهر رفتند. همان لحظه به فکر فرو رفتم و به خودم گفتم: عجب صحنه‌ای می‌بینم، برای اولین باریکی از مقامات عالی‌رتبه جمهوری اسلامی، در حالی که لباس چریکی پوشیده و تیربار یوزی در دست دارد، پیشاپیش همه برای جنگ با دشمن می‌رود! به من هم چیزی نگفت که برای کمک به همراهش بروم با وجود آن که دوره‌های چنین نبردهایی را دیده‌ام و تکاور و چریک هم بودم و این طور برنامه‌ها را بهتر می‌توانستم اجرا کنم، ولی او از من خواست و خودش رفت. مشاهده این صحنه‌ها یک احساس عجیبی را در من ایجاد کرد و همان جا به خود نهیب زدم که باید بهتر از این مهیا و آماده باشم.

تا هنگام صبح که آنان به سلامت برگشتند و دیگر صدای آتش دشمن نمی‌آمد، او آرام و قرار نداشت.

صبح تیمسار فلاحی فرمانده نیروی زمینی، با چند نفر برای دیدن محل شهادت پاسداران به آنجا رفت، اما طولی نکشید که خبر رسید جیب تیمسار هدف گلوله‌آرپی‌جی قرار گرفته‌است اما او و همراهانش به طور معجزه‌آسان نجات یافته‌اند.

بعد از ظهر آن روز سروان با چند نفری در محوطه پادگان نشسته بود و درباره حادثه‌ای که برای تیمسار فلاحی پیش آمده بود، صحبت می‌کردند. او حالا از ادامه مأموریتشان ناامید شده بود و از بی‌کار ماندن خودشان رنج می‌برد. ناگهان دیدند ستوان خلبان عابدی که عملاً نقش معاونی دکتر را داشت، با مرد کردی به طرفشان می‌آید.

- برادر، کسی از شما آمادگی یک مأموریتی را دارد؟

سروان پرسید: «مأموریت چه؟»

دکترو نیروهایش تصمیم به برگشت بگیرند. پس دو فروند ۲۱۴ باز آمدند و به زمین نشستند. در چشم به هم زدنی دکترو نیروهایش سوار شدند و هلی کوپترها برخاستند و به سوی پادگان به پرواز درآمدند.

- پس ما چه؟

سروان تازه فهمید آنان جا مانده اند؛ اما کاری از دستشان برنمی آمد. با حسرت و نگاه های پراز ناامیدی دور شدن هلی کوپترها را دنبال کردند تا هنگامی که دیگر صدای آن ها هم محو شد. سایه مرگ آنان را در برگرفت و در چنگال یاس در هم فرو رفتند. لحظاتی این چنین گذشت. ناگهان علی به خود آمد. روبه همراهانش کرد و گفت: «برادرها، گوش کنید! من سروان علی صیاد شیرازی هستم و دوره های مختلف نظامی دیده ام مانند چتر بازی، تکانوری، نقشه خوانی و چیزهایی از این قبیل. از این لحظه به بعد من فرمانده شما هستم. استدعا دارم به دستورات من خوب گوش کنید تا ان شاء الله بتوانیم از این مهلکه نجات پیدا کنیم!»

صلابت و طمأنینه ای در صدایش بود که خودش را به شگفتی واداشت و دید که نور امید در چشم ها درخشید و دوباره زندگی در رگ ها جاری شد. هر طور که بود خودشان را از بیابان به طرف قله کوه کشاندند. در آنجا سروان نخستین فرمانش را صادر کرد که البته غلط بود:

- ما باید تا صبح روی همین قله بمانیم. برای این که از حمله دشمن در امان باشیم، لازم است دور قله یک «دفاع ساعتی» بگیریم و اگر تا صبح هم شده مقاومت کنیم.

خیلی زود فهمید این دستور اشتباه است. اولاً: در آنجایی که آنان ایستاده بودند آشکارا در دید دشمن قرار داشتند و آن ها همین که مطمئن می شدند دیگر از هلی کوپترها خبری نیست، به سراغشان می آمدند. ثانیاً: برای تا صبح در آنجا ماندن نیاز به سنگرو پناهگاه بود و مهماتی که بتوانند در صورت حمله دشمن مقاومت کنند که آنان نداشتند. خود سروان تنها یک قبضه ژ-۳ داشت ۴۰ عدد فشنگ!

بنابراین باید فرمانش را اصلاح می کرد اما هر چه که کوشید چیزی به ذهنش نیامد. حالا آفتاب داشت به سرعت غروب می کرد و آنان از دور دوباره هلی کوپترها را دیدند که به طرف بانه حرکت می کردند تا شب را در پادگان آنجا باشند که امنیت بیشتری داشت؛ و این یعنی پاک آنان فراموش شده اند و دیگر آمیدی نیست کسی به نجاتشان بیاید. احساس مسؤلیت در برابر جان افرادش که به او اعتماد داشتند، دلش را به درد آورد و قلبش شکست. به امام زمان (عج) متوسل شد و شروع کرد به خواندن دعای فرج.

دعای فرج را خواندم. این اولین بار بود که در خط جنگی دعای مقدس آقا امام زمان (عج) را می خواندم. همین که دعا را خواندم، بلافاصله طرح عملیات به ذهنم خطور کرد و تمام تاکتیک هایی را که به صورت تئوری و علمی خوانده بودم و هیچ وقت استفاده نکرده بودم، به ذهنم رسید. آن هم تاکتیک عبور از منطقه خطر و در شرایطی که احساس می کردیم در محاصره ایم. □

ستوان عابدی توضیح داد: «مخبرهای محلی گزارش داده اند، انبار مهمات ضدانقلاب در یکی از روستاهای اطراف است؛ روستایی به نام شیندرا. ما باید محل دقیق آن را شناسایی کنیم و از بین ببریم.» و بعد به مرد همراهش اشاره کرد و گفت: «ایشان راهنمای ماست.»

سروان صیاد شیرازی و هفت نفر دیگر اعلام آمادگی کردند. وقتی که هلی کوپتر از میدان صبحگاه برخاست هیچ یک از رزمندگان همدیگر را به درستی نمی شناختند. سروان جسته و گریخته اطلاعات کسب کرد که علاوه بر آن مرد کرد، دو نفر از آنان پاسدار، یک نفر بسیجی و چهار نفر دیگر درجه دار ارتش اند.

هلی کوپتر در شیار نسبتاً وسیعی فرود آمد و پیش از آن که به زمین برسد، ایستاد. ستوان عابدی گفت: «برادرا، بپرید پایین و بروید دنبال ما مأموریتتان، من از بالا مواظبتان هستم.» سروان چشم گرداند و در نزدیکی آن لونکی دید که جلوش پیرومرد و پیروزی ایستاده بودند و آنان را تماشا می کردند. رفت به سویشان. سلام گفت اما علیکی نشنید. فهمید آنان ترسیده اند. کوشید آرامشان کند. گفت: «پدر جان، ما با شما کاری نداریم. اصلاً به خاطر امنیت شما به اینجا آمده ایم.» بعد پرسید: «شما می دانید دمکرات ها کجا مهماتشان را مخفی کرده اند؟»

اما آن هالاب از لب باز نکردند. سروان دستش را برای پسرک هفت-هشت ساله ای دراز کرد که خودش را به پیروزن چسبانده بود. ناگهان تیری از بغل گوشش گذشت و علی خودش را به زمین انداخت. «تا این لحظه زندگی، این اولین گلوله ای بود که آن طور از کنار عبور کرده بود. بلافاصله متوجه شدم که توی تله افتاده ایم. اطراف ما را ارتفاعات احاطه کرده بود و نقطه ای که ما ایستاده بودیم تقریباً قعر دره بود.

اگرچه دره خیلی هم تنگ نبود، ولی کاملاً در محاصره بودیم. همان لحظه فکری به ذهنم رسید و به همراهان گفتم: باید در جهت مخالف صدای گلوله از بیابان مقابل بالا برویم. همگی به حالت دو حرکت کردیم تا این که بالای ارتفاع رسیدیم.»

باز صدای هلی کوپتر در آسمان پیچید. لحظات بعد دو فروند ۲۱۴ که توسط دو فروند کبرا اسکورت می شدند، در آسمان ظاهر شدند و در ۵۰۰ متری آنان روی بیابان مقابل، به زمین نشستند. دکتر چمران اولین کسی بود که در میان گرد و خاک به زمین پرید و به دنبال نیروهای دیگر. هنوز هلی کوپترها بلند نشده بودند که صدای رگباری در فضا پیچید. این آغاز درگیری سنگینی بود که بیش از بیست دقیقه طول کشید. سپس نیروهای دکتر آرایش گرفتند تا برای پاک سازی روستا بروند اما ناگهان اتفاقی افتاد که همه را متوجه خود کرد.

هلی کوپتر ستوان عابدی، تعادلش را از دست داده بود و سقوط کنان به سوی سینه کش کوه می رفت. فریاد یا حسین نیروها بلند شد. علی چشم هایش را بست تا صحنه انفجار را نبیند. لحظات به سنگینی سپری می شدند که به صدای صلوات چشمانش را باز کرد و دید معجزه ای رخ داده است و هلی کوپتر به حالت اصلی خود بازگشته و سمت سردشت پرواز می کند.

مجرور حیت ستوان عابدی باعث شد عملیات ناتمام بماند

معرفی چهارکتاب تازه منتشرشده در زمینه ادبیات

سخن از جهانی که هرگز بی رنج پیش نمی رود

کتاب و در کل ادبیات بسیاری از نیاز بشر را پاسخ می گوید نیاز به دانستن و تجربه کردن اتفاقاتی که شاید هرگز در زندگی فرد رخ ندهد اما کتاب با روایت درست و دقیق از ماجراها دنیاها را در اختیار خواننده می گذارد. همچنین فرد از تجربیاتی برخوردار خواهد شد که در زندگی اش رخ نداده اما با همذات پنداری توانسته مسائل زیادی را تجربه و درک کند. در این مطلب قصد داریم در حوزه ادبیات چهار کتاب از نویسندگان ایرانی و خارجی را معرفی کنیم تا در ماه پیش روی کمی از روزمرگی های زندگی واقعی فاصله گرفته و با سفر در زمان و مکان تجربه دیگری داشته باشید. ■

با جدیدترین اثر رضارسولی زندگی بلوچی را تجربه می کنیم. در واقع «شهنواز» روایتی است از جوانی بلوچ و سنی مذهب که در گیلو در انتخاباتی سخت قرار گرفته است. این جوان بین ملحق شدن به مدارس علمیه سلفی و همکاری برای بازسازی حرم امام حسین (ع) در کشور عراق سردرواهی مانده است. از سوی دیگر در رمان «برنگرد» به قلم مجید قنبری، با سرویس های جاسوسی دنیا رویه رو هستیم که برای فروپاشی ایران از طریق نفوذ به نهادهای امنیتی کشور، فضای مجازی و چهره های شاخص تلاش می کنند. در ادامه با کتاب حسام الدین مطهری آشنا می شویم که در مجموعه داستان «پسران سالخورده» با مضامینی چون رویارویی با خود، مقاومت برابر غرغ و شکست پذیری انسان برابر اجتماع رویه رو خواهیم بود. «استیون کوپر» نویسنده زندگینامه جان فانت، رگ و ریشه را کامل ترین و هوشمندانه ترین اثر او می داند و «اروینگ والاس»، نویسنده آمریکایی، آن را کتابی جنون آمیز، خنده دار و جنجالی معرفی می کند. از این رو در این شماره با کتاب رگ و ریشه آشنا می شویم که ما را با موضوعاتی چون خانواده، مذهب، خشونت و مرگ مواجه می کند، این نکات با چنان صدقانی بیان می شود که بی درنگ خواننده را به دل قصه فرومی برد و با شخصیت ها همراه می کند.

شهنواز

رمان شهنواز به برخی پرسش های پرتکرار درباره هزینه های مردمی برای ساخت عتبات مقدسه، نقش بیگانگان در اختلاف افکنی بین شیعه و سنی پاسخ می دهد، در واقع رضا رسولی برای پاسخ دادن به این سؤالات با حمایت ستاد بازسازی عتبات عالیات، سفرهایی به کشور عراق و شهرهای زیارتی آن داشته است، همچنین برای پرداخت مستند به وقایع و توصیف درست رویدادها بیش از یک سال، ده ها ساعت فیلم و صداها عکس و گزارش های مختلف را مطالعه کرده است. این نویسنده با ایجاد ماجراها و خرده ماجراهایی به زوایای مختلف زیارت و بازسازی حرم و برادری شیعه و سنی پرداخته است. روایت های رمان شهنواز که از سوی انتشارات کتابستان روانه بازار شده است، ماجراهای خود را در زابل، تهران، حله و شهرهای زیارتی عراق روایت می کند. این کتاب سیزدهمین اثر رسولی و دومین رمان او محسوب می شود که روایتی متفاوت از نبرد پنهان لایه های فرهنگی، اجتماعی انقلاب اسلامی و دشمنان آن است که به تلاش نیروهای بیگانه برای سوء استفاده از نارسایی ها، جذب نیرو برای گروه های تکفیری در ایران و مبارزه با این تهاجم همه جانبه می پردازد.

برنگرد

یکی از اتفاقاتی که در ماه نخست سال ۹۸ خشم مردم ایران نسبت به آمریکا را افزایش داد، تروریستی خطاب کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از سوی رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا بود. همزمان با اعلام این خبر منجرکننده، رمان «برنگرد»، به قلم مجید قنبری با موضوع تلاش های سپاه در مواجهه با سرویس های امنیتی خارجی وارد بازار نشر شد تا با روایتی دقیق از تلاش های سرویس های جاسوسی دنیا برای فروپاشی نظام اسلامی ایران، از سپاه دفاع و خوی و چهره واقعی آمریکای شیطان را به تصویر بکشد. در این کتاب نویسنده با به تصویر کشیدن زندگی پرفرازونشیب «حمید» یکی از ماوران نخبه امنیتی سپاه که برای مقابله با دشمن، شب و روز نمی شناسد، به همبستگی و نقشه های مشترک دشمنان علیه ایران با استفاده از ظرفیت های مختلف به ویژه فضای مجازی اشاره می کند. در رمان برنگرد در خلال یکی از مأموریت های شناسایی اطلاعاتی در اغتشاشات سال ۸۸، خانمی انگلیسی تبار سرراه حمید قرار گرفته و در پیچه های جدیدی را به روی او می گشاید. حضور «لیزا» در ایران و آشنایی اش با حمید منجر به خلق معماهای پیچیده اطلاعاتی در داخل و خارج از کشور می شود. در بخشی از این کتاب که توسط انتشارات کتابستان معرفت منتشر شده، می خوانیم: «دولت فعلی ایران برنامه ای برای محدود کردن فعالیت های فضای مجازی ایرانیان ندارد و تنها «وی چت، فیس بوک، توئیتر و یوتیوب» در ایران فیلتر هستند. ما امروز به مرحله تحلیل محتوای ذهن و فکر مسئولان، دانشجویان، فعالان سیاسی، مذهبی، اقتصادی و از همه مهم تر مردم ایران دسترسی پیدا کرده ایم. ما با عملیات میدانی در تیرماه سال ۷۸ و آخرین مورد در خرداد سال ۸۸ با نسخه انقلاب های رنگی تمام قد به میدان رفتیم. عملیات بعدی میدانی و بزرگ ما تاریخ مشخصی ندارد ولی ممکن است حدود سال ۹۸ باشد که تا آن موقع به جذب آدم های مؤثر در سطوح مختلف نظامی، امنیتی، دولتی و گروه های مردم نهاد ایرانی نیاز داریم.»

پسران سالخورده

مجموعه داستان های «پسران سالخورده» در پیچه ای است به جهان داستانی اخلاق گرایانه که به سادگی و با داستان های کوتاه به این مهم می پردازد. ویژگی داستان های این مجموعه سادگی و استخوان دار بودن آن است که به درستی در کنار هم نشسته اند تا هدف نویسنده یعنی حسام الدین مطهری را که معمولاً داستان هایی با درون مایه روانشناختی-فلسفی را می نویسد، به مقصد برساند. باید به ذکر این نکته پرداخت که در عین سادگی داستان های پسران سالخورده دم دستی و بی محتوا نیست، بلکه مطهری در داستان هایش تصویر مردمی را ارائه می کند که در هزارتوی رنج های روزمره با اساسی ترین مسئله های فلسفی بشری هم دست به گریبان اند. چگالی تنش فکری برآمده از رویارویی با خود، مقاومت برابر عرف و شکست پذیری انسان برابر اجتماع در داستان های



انبار کند.»

□ رنگ و ریشه

در آخر زمانی آمریکایی معرفی می‌شود که روایتی روان، پرشور، هوشمندانه و شوخ را در دل خود دارد. رمان «رگ و ریشه» نوشته «جان فانت» نویسنده و فیلم‌نامه‌نویس آمریکایی با ترجمه «محمد رضا شکاری» توسط نشر اسم منتشر و روانه کتاب‌فروشی‌ها شد. فانت در این کتاب همانند دیگر آثارش به دغدغه همیشگی خود می‌پردازد و دست به کنکاش در مورد دغدغه‌های خانواده، مذهب، خشونت و مرگ می‌زند، او همراه تلاش کرده است که با صداقت به این مسائل بپردازد تا خواننده او را تا پایان داستان همراهی کند و با شخصیت‌ها همذات‌پنداری داشته باشد.

در داستان رگ و ریشه، با وجهی کمتر دیده شده از خانواده آشنا می‌شویم و نویسنده برای این کار روایت از پدر و مادر شخصیت «هنری مولیسه»، ارائه می‌دهد، در واقع این شخصیت برای ما از پدرش «نیکلز جوزف مولیسه» و مادرش «ماریا مولیسه» می‌گوید و با ترسیم ساختار خانوادگی‌اش خواننده را همراه خود می‌کند. «استیون کوپر»، نویسنده زندگینامه جان فانت، رگ و ریشه را کامل‌ترین و هوشمندانه‌ترین اثر او می‌داند و «اروینگ والاس»، نویسنده آمریکایی، آن را کتابی جنون‌آمیز، خنده‌دار و جنجالی معرفی می‌کند. از سوی دیگر چارلز بوکوفسکی، فانت را نویسنده مورد علاقه خود می‌داند و درباره او گفته بود: فانت خدای من بود. جان فانت یکی از نویسندگان بدشانس آمریکا و جهان است که تا چندی پیش، قدر و منزلت خودش و آثارش ناشناخته ماند. او نه از گزند تبعیض نژادی درامان ماند و نه داستان‌هایش آن‌طور که باید دیده شدند. □

این مجموعه بالاست. از آنجایی که در داستان‌های این مجموعه با مضامینی چون رویارویی با خود، مقاومت برابر عرف و شکست‌پذیری انسان برابر اجتماع روبه‌رو هستیم، نویسنده تأکید دارد هر یک از این داستان‌ها دریچه‌ای رو به یک جهان داستانی و نگرش اخلاق‌گرایانه به پدیده‌ها و رویدادهای اجتماع امروز ایران است. در واقع داستان‌های پسران سالخورده خرده‌روایت‌هایی درونی-روانی هستند و بیش از آنکه راوی یک بُرش زمانی باشند، تصویرهایی با جزئیات زیاد را از یک جهان ارائه می‌کنند.

در پشت جلد مجموعه داستان‌های پسران سالخورده نوشته شده است: «من از مضمحل شدن، از گم شدن میان آنچه برای زندگی است و زندگی نیست، از غرق شدن در انبوه اعتبارات، از گنبدن بر سرشاخه‌های عمر بیزارم. من در پی مکیدن جوهره حیاتم؛ فارغ از داوری‌های از پیش آموخته. نوشتن برای من قدم برداشتن در مسیر مکیدن جوهره حیات است. کلمات را از جوهره حیات وام گرفته‌ام، پس جزئی از من اند نه جدا از من. آنچه می‌خوانید روایت جهان رشد است؛ جهانی که هرگز بی‌رنج پیش نمی‌رود. جهان تهی از معنا چه حرف تازه‌ای برای گفتن دارد؟ نویسنده مورچه‌وار می‌کوشد معناها را برای زمستان سخت

(سه جلد)، صوفی و چراغ جادو، امیرحسین و چراغ جادو، قدیس، جنگ و رمان هایش، نهضت های شیعی (۱۰ جلد) را داشته این بار به سراغ روایت فرار شاه رفته است. کتاب دو روایت از یک عکس رمانی برای گروه سنی نوجوانان است که در دو بخش به انقلاب اسلامی می پردازد. این نویسنده در بخش اول به تبعید رضاشاه به آفریقا و در بخش بعدی درباره فرار شاه به مصر و کشورهای مختلف برای نوجوانان روایت جذابی دارد تا نسل چهارم انقلاب اطلاعات و روایت دقیقی از آن دروان در اختیار داشته باشند. حسن بیگی اعتقاد دارد در این کتاب دو سال آخر عمر محمدرضا را که دوران فلاکت بار زندگی شاه محسوب می شود به تصویر کشیده است.

در بخشی از کتاب این گونه آمده است: «یک جورهایی حس کنجکاوی بود یا نبود نمی دانم. دلم می خواست بعد از سی و هفت سال به کاخ سعدآباد بروم و ببینم این بار پسر رضاخان چه بلایی سرش آمده و چرا این همه نگران است و فکرمی کند به آخر خط رسیده و باید جل و پلاسش را جمع کند و برود. اما آن طور که بویش می آمد و این بار رفتن پسر مثل رفتن پدر دستورش از بالا نبود. گفته بودند رضاخان باید تاج و تختش را بدهد به پسرش و برود یک جای دور. اما محمدرضا شاه توی بد مخمسه ای گیر کرده بود. شاید مجبور می شد تاج و تختی را که رضاخان با آن همه بگیرد و ببندد و کودتا و قلدری به دست آورده بود به دست مردمی بسپارد که داشتند انقلاب می کردند و برود پی کارش...»

سُرقت مصلحانه

داستان کوتاه در سال های گذشته در حوزه ادبیات داستانی نوجوان مارنگ باخته است. انتشارات مدرسه با توجه به اهمیت این نوع ادبی و بهره گیری از قابلیت های آن، دست به انتشار «حلقه داستان کوتاه» زد. در این مجموعه از حدود ۶ نویسنده برای انتخاب داستان های کوتاه مناسب دعوت به همکاری کرد، از ابتدای این ایده تاکنون دو مجموعه داستان کوتاه با «برنده یا بازنده» و «تابع بی نهایت» روانه بازار شده بود این دو جلد، داستان هایی کوتاه از نویسندگانی چون احمد اکبریپور، مهسا لزگی، ارغوان غلامی، محمدرضا یوسفی، مهسا ملک مرزبان، عباس عبدی، بدری مشهدی، عبدالحمید نجفی، حبیب یوسف زاده، محمدرضا اصلانی، مصطفی خرامان، جعفر تونزنده جانی، عادل خلیفی را در بر می گیرد؛ و اخیراً جلد سوم این مجموعه با عنوان سرقت مصلحانه برای نوجوانان منتشر شده؛ آثار این جلد حاصل از برگزاری جلسات «حلقه داستان کوتاه» در انتشارات مدرسه است که توسط کارشناسان انتخاب شده است.

«سرقت مصلحانه» شامل ۷ داستان تألیفی و سه داستان ترجمه است. احمد اکبریپور، مصطفی خرامان، مهسا لزگی، محمدرضا یوسفی، مهسا ملک مرزبان، عبدالحمید نجفی، علی ناصری، فرد گیبسون، خوان ویلورو و نوشیو موری ۱۰ نویسنده ای هستند که آثارشان در این مجموعه منتشر و در دسترس خوانندگان قرار دارد.

آشنایی با کتاب های تازه منتشر شده برای کودکان و نوجوانان

از شاه تا قلقلی

حضرت علی علیه السلام می فرمایند: هر آن کس که با کتاب آرامش یابد، راحتی و آسایش از او سلب نمی گردد. همچنین بسیاری از دانشمندان و روانشناسان معتقدند که اساس و زیربنای شخصیت انسان در سال های اول زندگی پایه گذاری می شود و آموخته های این دوران، تأثیر عمیقی بر آینده زندگی فرد دارد. بنابراین اگر مطالب خواندنی مفید و سازنده در اختیار کودکان و نوجوانان قرار گیرد و آن ها از همان سنین کودکی به مطالعه عادت کنند، راه و رسم زندگی را خواهند آموخت و تحت تأثیر داستان ها و کتاب های آموزنده، به رشد و تعالی خواهند رسید و در آینده نیز برای حل مشکلات خود از کتاب کمک خواهند گرفت. خواندن کتاب ها و داستان های مختلف موجب شکل گیری ارزش های گوناگون در ذهن کودک می شود. از سوی دیگر مطالعه غیردرسی، باعث بالا رفتن سطح فکر و فعال شدن ذهن کودکان و نوجوانان است. وقتی سطح فکر دانش آموزی بالا رفت و ذهن او فعال شد. امکان فراگیری درس های مدرسه برایش بهتر فراهم می شود؛ یعنی ذهن او آمادگی بیشتری را برای یادگیری ریاضی، ادبیات، تاریخ و... خواهد داشت، از این رو در این بخش به معرفی چهار کتاب برای کودکان و نوجوانان می پردازیم. ■

یک رمان نوجوان درباره انقلاب با عنوان «دو روایت از یک عکس» وارد بازار نشر شده است که روایتی از تبعید رضاشاه به آفریقا و فرار شاه به مصر و کشورهای مختلف می پردازد. در ادامه با کتاب «سرقت مصلحانه» که شامل ۷ داستان تألیفی و سه داستان ترجمه است، آشنا می شویم. احمد اکبریپور، مصطفی خرامان، مهسا لزگی، محمدرضا یوسفی، مهسا ملک مرزبان، عبدالحمید نجفی، علی ناصری، فرد گیبسون، خوان ویلورو و نوشیو موری ۱۰ نویسنده ای هستند که آثارشان در این مجموعه منتشر و در دسترس خوانندگان قرار دارد. رمان سو، من، سه سومین اثری است که خود آخرین نوشتار از یک سه گانه محسوب می شود و داستان ارتباطات نوجوانانه را در یک مدرسه روایت می کند. در پایان کتابی برای کودکان داریم و در واقع به اثر جدید سیده خلیلی با عنوان «داستان قلقلک» می پردازیم که مجموعه داستان هایی از یک خانواده متفاوت است، ماجرای زندگی آن ها به تقویت مهارت های رفتاری کودکان و والدین کمک می کند.

«دو روایت از یک عکس»

ابراهیم حسن بیگی که تاکنون آثاری از جمله چته ها، کوه و گودال، تشنه تراز من، دودست، چون دو بال، آذیر قرمز، پیش از نماز، پدر پسر روح الله، فاطمه و نقاشی هایش (چهار جلدی)، ریشه در اعماق، شش تن یک فریاد، غنچه برقالی، مروارید ری، نشانه های صبح، سال های بنفش، اشکانه، محمد، به ماه نگاه کن، دور شو کورشو، نشانه ها، گزیده آثار



□ **سو. من. سه**

پس از دو کتاب پرفروش «از کدام سو» و «هوای من» حالا سومین اثر از این سه‌گانه با عنوان «سو. من. سه» راهی بازار نشر شده است. این سه‌گانه درباره رابطه گروهی از نوجوانان مدرسه با معلمشان و چالش‌های اعتقادی و فرهنگی است که برای آنان پیش می‌آید و تلاش می‌کنند پی به حقیقت زندگی ببرند. این دو کتاب، در سال گذشته به یک سال نرسیده چاپ دهم را رد کردند. نویسنده می‌نویسد: نام‌های جالبی از دوستان جوان به دستم رسید که خواهان دنباله این دو داستان بودند و حالا سو. من. سه به درخواست خواندگانش راهی بازار نشر شده است. سو. من. سه؛ شاه‌نشین این سه جلد است و کلید تمام گره‌های شخصیت اصلی داستان را در دست دارو شاید برای خیلی‌ها آغاز حرکت بشود و ریزگردهای معلق مانده در ذهنشان را با بارانی لطیف و بهاری بشورد و ببرد!

□ **قلقلک**

از سپیده خلیلی دکترای روان‌شناسی، نویسنده و مترجم بیش از صد و پنجاه عنوان کتاب برای کودکان و درباره کودکان، با عنوان «داستان قلقلک» وارد بازار نشر شده

است. خلیلی یک صد و پنجاه عنوان کتاب ترجمه و تألیف برای خردسالان، کودکان، نوجوانان و بزرگسالان نشر کرده است که جوایز جشنواره‌های کتاب کانون پرورش فکری کودکان، جشنواره مطبوعات کودک، دوچرخه طلایی و... را برای وی به همراه داشته است.

داستان قلقلک مجموعه داستان‌هایی از یک خانواده متفاوت است که ماجرای زندگی آن‌ها به تقویت مهارت‌های رفتاری کودکان و والدین کمک می‌کند. ماجرای کتاب با تولد قلقلک شروع می‌شود که فرزند خانواده قلقلی‌ها است. از آنجایی که این خانواده که به خاطر شکل ظاهری‌شان همیشه در حال قل خوردن هستند به آن‌ها قلقلی‌ها گفته می‌شود. سپیده خلیلی در این کتاب با خلق ماجراهایی فانتزی خلق به مهارت‌های رفتاری، اجتماعی اشاره دارد.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «جشن قل زدن، بزرگ‌ترین جشن قلقلی‌ها بود. در این جشن، قلقلی‌های دیگر، قل زدن یک بچه قلقلی را می‌دیدند، اگر خوب قل می‌زد قبول می‌کردند که او هم قلقلی است.» در بخشی دیگر می‌خوانیم: «همسایه قلقلی از پشت پنجره، دکتر و بابا قلقلی را دید و فهمید که بچه‌شان به دنیا آمده است. دست بچه‌اش، قلقلچه را که کمی بزرگ‌تر از قلقلک بود، گرفت. هدیه‌اش را هم که یک تلمبه بود، برداشت و به دیدن خانم قلقلی رفت.»

از آنجایی که این کتاب برای گروه سنی کودکان است، داستان قلقلک و خانواده است با تصویرسازی آنمه اربابون همراه شده تا کودک بتواند درک بهتری از داستان فانتزی کتاب داشته باشد. شماره‌گان این کتاب ۴۰ صفحه‌ای که در قطع خستی از سوی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شده، ۷ هزار و ۵۰۰ نسخه است و ۹ هزار تومان قیمت دارد. □

بیابید تا بیانات مقام معظم رهبری درباره تاریخ، جایگاه و ظرفیت شهرها و استان‌های مختلف کشور، بازخوانی شود، این کتاب به همت موسسه فرهنگی هنری مرکز اسناد انقلاب اسلامی برای علاقه‌مندان به کتاب و کتاب‌خوانی و تاریخ دوران پس از انقلاب روانه بازار نشر شده است.

محمد مهدی کوثری مسئولیت تدوین کتاب اقلیم ایمان را برعهده گرفته است و این کتاب را بر پایه و اساس بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، راهی بازار نشر کرده است. در مقدمه این کتاب می‌خوانیم: «پس از پیروزی انقلاب اسلامی و ورود اسلام به عرصه‌های اجتماعی و سیاسی ایران که با حضور و مشارکت آحاد جامعه صورت پذیرفت، لزوم حفظ تاریخ و دستاوردهای مثبت آن، بیش از پیش آشکار شد. این بدان جهت بود که قبل از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری امام خمینی (ره)، مردم ایران از گذرگاه‌های سختی عبور و تنگناهای زیادی را پشت سر گذاشته بودند، لذا ثبت این گونه وقایع، به مثابه چراغی روشن برای عبور از خدادادهای پیش رو مهم و ضروری می‌نمود.

پس از پیروزی انقلاب نیز اتفاقات و حوادث گوناگون داخلی و خارجی، ظهور و بروز شخصیت‌های اثرگذار، دشمنی‌ها و فتنه‌انگیزی‌های دشمنان و بسیاری رویدادهای دیگر، تجربه‌ای گرانسنگ برای آینده فراهم آورد، لذا حافظه تاریخی جامعه انقلابی ما نباید با این تجربیات ارزنده غریبه باشد. در این راستا مقام معظم رهبری طی سفرهایی که در طول سالیان گذشته به استان‌های مختلف داشته‌اند، پیرامون تاریخ، جایگاه، ظرفیت و توانمندی‌های آن منطقه به ایراد سخن پرداختند. این کتاب، مجموعه بیانات معظم له در این راستا است.»

هم‌قسم

زندگی شهدا می‌تواند چراغ راه زندگی ما باشد به همین دلیل بسیاری از نویسندگان به دنبال آن هستند با نگارش زندگی و خاطرات شهدا و خانواده آنها هم یادشان را زنده نگاهدارند و هم برای ما الگویی درست و روشن برای زندگی سالم و اسلامی به جای بگذارند. کتاب «هم‌قسم» روایت‌گر شرح زندگی و خاطرات شهیده سیده شهام الموسوی معروف به «ام یاسر» بانویی است که هم در حیات و هم در شهادتش، شخصیتی سترگ بود.

این کتاب در چهار فصل، شخصیت واقعی این بانورا حکایت می‌کند فردی که در میان هم‌قطاران به ندرت می‌توان چنین شخصیتی را پیدا کرد. فصل نخست یادآور خاطرات این بانوی جهادی را متذکر می‌شود و در فصل دوم مسیر شکل‌گیری شخصیت استوار ایشان نشان داده می‌شود، در فصل سوم با عنوان «پرواز تا اوج» جریان شهادت این مادر به نگارش درمی‌آید و در فصل پایانی «آلومی از تصاویر» این شهید بزرگوار به همراه خانواده وی ثبت شده است.

درواقع «ام یاسر» الگوی واقعی برای زنانی است که نقش‌های متعدد مادری، همسری را برعهده دارند اما دست

معرفی چهار کتاب تازه منتشر شده درباره انقلاب و دفاع مقدس

چراغ راه

دوران دفاع مقدس روایت‌گر رشادت‌ها و دل‌آوری‌های انسان‌هایی آزاده است که با عزمی راسخ، گام در مسیری دشوار نهادند و اینگونه جلوه‌ای از عشق الهی را به منصفه ظهور رساندند و آموزگار درس ایثار و از خودگذشتگی شدند. از این رو لازم است به این دوران پرداخت و مخصوصاً نسل سوم و چهارم انقلاب که آن دوران را ندیده‌اند نیاز دارند به واسطه کتاب و کتاب‌خوانی با واقعیت‌های آن دوران آشنا شوند تا ادامه دهنده راه رشادت آن روزگار باشند. ■

دوران دفاع مقدس یکی از درخشان‌ترین عرصه‌های دفاع محسوب می‌شود؛ دورانی که ملت ایران با اتحاد و همبستگی و صف ناپذیری به دفاع از خاک، ناموس و کشورشان پرداختند و مانع تجاوز دشمنان قسم خورده نظام جمهوری اسلامی ایران شدند پس از پایان جنگ نیز مجاهدانی از تبار شهیدان برای دفاع از اسلام و حریم اهل بیت (ع) در قامت مدافعان حرم در جنگ با اندیشه‌های افراطی و تکفیری، جامه برارنده شهادت را برتن کردند و تحسین جهانیان را برانگیختند. دفاع مقدس مظهر و تجلی ایمان و اتحاد ملتی است که با فرهنگ ایثار و گذشت و ایمان خویش حماسه‌ای به بزرگی تاریخ بشریت بیافرینند و به قله ظرفیت‌های انسانی یعنی تعالی حقیقی دست یابند. از این رو در نظر داریم شما را با سه کتاب در زمینه انقلاب و دفاع مقدس آشنا کنیم تا راه و رسم ایثار و شهادت طلبی سینه به سینه منطلق شود. در این شماره بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره تاریخ، جایگاه و ظرفیت شهرها و استان‌های مختلف کشور، در کتاب «اقلیم ایمان» را معرفی می‌کنیم که از سوی موسسه فرهنگی هنری مرکز اسناد انقلاب اسلامی روانه بازار نشر شده است. همچنین با «هم‌قسم» با زندگی و خاطرات «ام یاسر»؛ همسر شهید سید عباس موسوی، دبیرکل پیشین حزب الله لبنان آشنا می‌شویم که این کتاب از سوی به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی) اخیراً منتشر شد. در ادامه خاطرات مقام معظم رهبری از دوران دفاع مقدس و انقلاب را معرفی می‌کنیم که ترجمه فارسی کتاب «إن مع الصبر نصر» با عنوان «خون دلی که لعل شد» است.

اقلیم ایمان

حافظه تاریخی جامعه انقلابی ما نباید با این تجربیات ارزنده پس از انقلاب و دوران دفاع مقدس غریبه باشد. همین تأکید باعث شده است که کتاب «اقلیم ایمان» به بازار نشر



خاطرات حضرت آیت الله سید علی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب. ایشان در کتاب «خون دلی که لعل شد» از زندان‌ها و تبعید دوران مبارزات انقلاب اسلامی پرده برداری می‌کنند. این کتاب ابتدا با نام «إِنَّ مع الصَّبْرِ نصرًا» و به زبان عربی در بیروت منتشر و رونمایی شد و سپس به زبان فارسی برگردانده و راهی بازار نشر شده است.

می‌دانیم کتاب‌های متعددی در این زمینه به نگارش درآمده است اما آنچه کتاب خون دلی که لعل شد را از کتاب‌های مشابه متمایز می‌کند، بیان حکمت‌ها، درس‌ها و عبرت‌هایی است که به فراخور بحث‌ها بیان شده که هر کدام از آن چراغ راهی برای مخاطب کتاب به ویژه جوانان خواهد بود. همچنین مخاطب می‌تواند در قابل خاطرات از فجایع رژیم منحوس پهلوی آشنا شود و سختی‌ها، مرارت‌ها و رنج‌های مبارزان لمس و با پایمردی‌ها، مقاومت‌ها، خلوص و ایمان انقلابیون عجیب شده و همذات‌پنداری کند.

این کتاب به خاطرات دوران مبارزات معظم له در سال‌های پیش از انقلاب، دستگیری و زندانی شدنشان در زندان‌های شاه تمرکز بیشتری دارد، با این حال در بخش‌هایی از کتاب به اتفاقات و خاطرات دوران کودکی ایشان پرداخته شده است. در چهلمین بهار پیروزی انقلاب اسلامی این اثر در کشور لبنان رونمایی و توزیع شد و اکنون برگردان آن به زبان فارسی فراهم شده است، باید گفت که ذکر این خاطرات از زبان رهبری انقلاب بر اهمیت کتاب افزوده و باعث استقبال این اثر در کشور لبنان شده است و همین امر قطعاً در ایران نیز تکرار می‌شود. □



«ام‌یاسر» الگوی

واقعی برای

زنانی است که

نقش‌های متعدد

مادری، همسری

را برعهده دارند اما

دست از جهاد

و شهادت بر

نمی‌دارند. در

کتاب نشان

داده می‌شود که

«ام‌یاسر» زنی که

دل‌داده و عاشق

همسرش بود و

مادری که به تمام

معنا مادری می‌کرد

و همه ویژگی‌های

مادر فداکار را در

خود جای داده

از جهاد و شهادت بر نمی‌دارند. در کتاب به ما نشان داده می‌شود که «ام‌یاسر» زنی که دل‌داده و عاشق همسرش بود و مادری که به تمام معنا مادری می‌کرد و همه ویژگی‌های مادر فداکار را در خود جای داده بود و همچنین مجاهدی از جان گذشته در مسیر جهاد و شهادت و همگام با شوهرش سید عباس بود. این شهید نمونه یک بنده مطیع خداوند بود، زنی که حق پیمان خود با پروردگارش را ادا کرد و در این مسیر تا آخر استوار ماند. کسی که با خداوند بزرگ، معامله‌ای سودمند کرد و جان‌ش را در مسلخ عشق الهی قربانی کرد و سرانجام با شهادتش به وصال محبوب شتافت.

احمد نطنزی کتاب «الوصول» نوشته «عبدالقدوس الامین» نویسنده لبنانی را ترجمه کرده تا روایت‌گر زندگی این بانوی همراه با جبهه مقاومت اسلامی باشد. «هم‌قسم» امسال در بیست و هفتمین سالگرد شهادت شهید سید عباس موسوی و هم‌اکنون در کتاب‌فروشی‌ها در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد. «عبدالقدوس الامین» ضمن تقدیر و تشکر از مترجم این کتاب به فارسی تأکید می‌کند: شناخت مردم ایران از تاریخی که دو ملت ایران و لبنان در شکل دهی آن به عنوان پیکری واحد با حافظه تاریخی مشترک مشارکت ورزیده‌اند، افزایش یابد.

□ خون دلی که لعل شد

دوران مبارزات انقلاب نقطه عطف تاریخ کشورمان است، دورانی که مردم با همدلی‌شان به شانه هم از زیر بار استکبار و استبداد بیرون آمدند، برای آشنایی بیشتر با آن دوران می‌توان به خاطرات افراد اثرگذار رجوع کرد از جمله

باشد، در پیشگفتار کتاب می نویسد: «نگاه کلی ما در این مجموعه رعایت حداقل شرایط لازم مورد قبول پیشوایان دینی برای دین دار بودن است، اگرچه لایه های دین داری که هر شخص ممکن است برای خود بیسند نیز مورد احترام و تکریم است.»

زندگی نامه امام سجاد (ع)

فرصت مناسبی است که نخستین چاپ کتاب «زندگی نامه امام زین العابدین (ع)» اثر فاطمه جعفری نیکو با فصولی چون در اسارت، حکومت شام، گفتار امام، آیت افتخار، دو خطابه مهم، اربعین، جابربن عبدالله، قیام در مکه، نهضت یترب، در وصف امام (ع)، اوضاع اجتماعی در زمان امام (ع)، زندگی علمی، مدرسه تابعین، زندگی ادبی، آخرین روزها، وصیت های امام به فرزندش و آخرین وداع را بخوانید. در این کتاب بیشتر با زندگی و شرح حال حضرت، پس از واقعه عاشورا آشنا می شویم و شما را لحظه به لحظه با کاروان اسرای کربلا همراه می کند. از جمله بخش های مهم کتاب، شرح خطبه های امام سجاد (ع) و حضرت زینب (س) در راستای روشننگری هدف قیام امام حسین (ع) و نشان دادن چهره واقعی خاندان بنی امیه است.

انتشارات امیرالمؤمنین (ع) همچنین کتاب «فرهنگ سخنان امام سجاد (ع)» را راهی بازار نشر کرده است. محمد دشتی که با همکاری جمعی از محققان موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع) کار تألیف کتاب را بر عهده داشتند، فرهنگ سخنان امام سجاد (ع) را ذیل مجموعه «نهج الحیاه» تنظیم و منتشر کرده است.

محمد دشتی درباره ضرورت و اهمیت تدوین این مجموعه در مقدمه کتاب نوشته است: «در تداوم تلاش ماندگار پاسداری از مرزهای اندیشه، به فکر گردآوری فرهنگ سخنان معصومان (ع) افتادیم تا ارزش های اسلامی و تفسیرهای واقعی آیات قرآنی را از سخنان نورانی پاکان جهان فراگیریم و در این تلاش و جست و جو، نام زیبای «نهج الحیاه» یا «راه و رسم زندگی» از دیدگاه معصومان (ع) را برگزیدیم که هم سنگ نهج البلاغه و راهنمای تشنگان حقیقت باشد. در رسیدن به این آرمان مقدس، تلاش های فرهنگی زیر صورت گرفت: شناسایی و استخراج، گزینش عناوین و قالب ریزی احادیث، ترجمه احادیث، گزینش سوژه ها و زمینه سازی های مناسب، ترتیب الفبایی، فهرست موضوعی، گردآوری اسناد و مدارک روایات، فهرست موضوعی منابع پژوهش، گزینش احادیث.»

در این کتاب درباره چگونگی آفرینش اهل بیت (ع) از زبان امام سجاد (ع) می خوانیم: «ابوحزمه ثمالی گوید: از امام زین العابدین (ع) شنیدم که فرمود: «خداوند حضرت محمد (ص) و حضرت علی (ع) و امامان یازده گانه پس از ایشان را، از نور عظمت خودش آفرید و به صورت ارواحی در پناه نور خود قرارداد که پیش از آفریده شدن آفریدگان، مشغول عبادت خداوند بودند و پی در پی به تسبیح وجود پروردگار مشغول بودند، آنان همان امامان هدایت گراز خاندان محمد (ص) هستند که درود خداوند بر همه آنان باد!»

آشنایی با کتاب های تازه در حوزه دین

راه و روش دین داری

دین و اطلاعات دینی هر لحظه و هر روز باید به روزرسانی شود، به همین دلیل نویسندگان و پژوهشگران حوزه دین هر زمان در پی پاسخ دادن به سؤالات در زمینه مذهب هستند و یا تلاش می کنند با بیان داستان هایی آموزنده از زندگی پیامبران و ائمه اطهار (ع) بشر به راحتی با مفاهیم راه و رسم صحیح زندگی اسلامی آشنا شوند. در ماه گذشته چندین کتاب در زمینه دین و آشنایی با زندگی امامان معصوم وارد بازار نشر و کتاب شده است که در این مجال به آن می پردازیم. ■

این ماه قصد داریم از زاویه نگاه سید مجتبی حسینی؛ نویسنده، پژوهشگر و مدرس حوزه دین و معارف اهل بیت (ع)، با کتاب «دین داری در دنیای معاصر» آشنا کنیم. این کتاب به دنبال آن است که بگوید آیا می توان در دنیای امروز به گونه ای دین دار بود که منافاتی با اصول دین و شرایط جهان معاصر نداشته باشد. همچنین هم زمان با سالروز چهارمین اختر تابناک آسمان امامت و ولایت، کتاب های «زندگی نامه امام زین العابدین (ع)» و «فرهنگ سخنان امام سجاد (ع)» با هدف مروری بر زندگی و سیره آن حضرت، منتشر شد. این کتاب ها با پرداختن به زندگی امام زین العابدین (ع) و سخنان امام سجاد چهره واقعی خاندان بنی امیه را آشکار می کنند. در ادامه این مطلب کتاب پدر معرفی می شود. در این کتاب نکاتی کوتاه و گویا از زندگی و زمانه مولای موحدان امیر مؤمنان (ع) به قلم نجس شکوربان فرد به مناسبت سالروز ولادت مولای متقیان درج شده است. نخستین کتاب دانشگاهی با موضوع امام رضا (ع) نیز در این مطلب معرفی می شود. حجت الاسلام دکتر محمدباقر پورامینی و نعمت الله فیروزی استاد گروه معارف دانشگاه بین المللی امام رضا (ع) این کتاب را تهیه و تنظیم کرده اند. مخاطبان این کتاب جامعه علمی، دانشگاهی و حوزوی در نظر گرفته شده است.

دین داری در دنیای معاصر

در دنیای مدرن زندگی برای افرادی که دغدغه دین و دین داری دارند، همواره با چالش های فراوانی روبه رو بوده است چراکه دین پیوندی عمیق با ساختارهای سنتی جوامع داشته است. در این راستا بی شک شناخت دقیق پارامترهای مؤثر در ایجاد تقابل دین داری با دنیای مدرن، از مهم ترین و اساسی ترین گام ها برای ورود به این وادی و تلاش جدی در راستای گسترش و تقویت دین داری است. از این رو سید مجتبی حسینی به تازگی به همت کتاب نیستان با تمرکز روی این موضوع مهم دست به قلم شد و کتاب «دین داری در دنیای معاصر» را به بازار آورد. حسینی در مقدمه کتاب از دلایل ضرورت پرداختن به این مهم می نویسد: «چه بسا کسی بخواد به دلیل الزامات خاص دینی و مذهبی مورد نظر خود، سبک زندگی ای داشته باشد که با دنیای معاصر قابل جمع نباشد یا قابل جمع به نظر نرسد؛ در این دفتر حد متعادل و به نوعی حداقل ضروری دین داری آن هم بر اساس مستندات اصلی دین و نه شعارها، عادت ها و فرهنگ ها بازخوانی شده است.»

حسینی در این کتاب شاخصه های دین داری بر اساس روایت های معصومین بیان شده و با توجه به ویژگی های در جهان مدرن، مورد واکاوی قرار داده است. حسینی با تأکید بر اینکه هر فرد بر اساس شناخت خود می تواند شاخص های خاصی در رابطه با دین داری داشته



۱. روایت متفاوت از زندگی حضرت علی (ع)

اگر خواهان آشنایی بیشتر با زندگی امیرالمؤمنین (ع) امام شیعیان هستید پیشنهاد می‌شود کتابی که به همت انتشارات عهد مانا منتشر شده است را تهیه و مطالعه کنید. در کتاب «پدر»، با نکاتی کوتاه و گویا از زندگی و زمانه مولای موحدان، امیر مؤمنان علی (ع) روبه‌رو می‌شوید که می‌تواند بسیار کاربردی و قابل اجرا در زندگی روزمره کنونی ما باشد. این کتاب به کوشش نرجس شکوریان فرد تدوین و نگارش شده است.

نویسنده برای بیان نکات آموزنده از زندگی این حضرت برخی اتفاقات از زندگی امام علی (ع) را انتخاب و در پایان هر مطلب، یک نکته کوتاه اخلاقی، تربیتی و اجتماعی را برای مخاطبان خویش متذکر شده است. در بخشی از کتاب آمده است: «در خیابان مقابل حرم که راه می‌روی، گنبد طلایی تمام عرض چشمانت را پرمی‌کند و دلت شروع به ارتفاع گرفتن از زمین می‌کند... وقتی که اول ورودی کنار در می‌ایستی و مقابلت او است. فقط یک جمله می‌توانی زمزمه کنی: السلام علیک یا بابا، السلام علیک یا علی.»

۲. نگاه علمی به زندگی امام رضا (ع)

برای کسانی که علاقه مند هستند با زندگی ائمه اطهار با نگاهی دانشگاهی و پژوهشی آشنا شوند، کتاب دانشگاهی «در آستان هشتمین خورشید» پیشنهاد می‌شود. این کتاب به قلم حجت الاسلام دکتر محمدباقر پورامینی و کوشش نعمت‌الله فیروزی استاد گروه معارف دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع) تهیه و تنظیم شده است.

دوران امامت امام رضا (ع) اهمیت ویژه‌ای دارد زیرا علاوه بر آنکه از ساحت‌های اعتقادی و فرهنگی، دورانی کم‌نظیر و بلکه بی‌نظیر است، از جهت سیاسی نیز دورانی ویژه به حساب می‌آید. پیشنهاد ولایت‌عهدی به حضرت، حضور در ایران، فراوانی مناظره‌ها، مواجهه با فرقه انحرافی واقفیه و فراوانی تحریک‌های علویان در آخرین سال‌های امامت آن حضرت نکات پراهمیت و قابل تأمل است.

هدف از تهیه این کتاب در واقع تبیین صحیح و روان حیات و معارف رضوی است. آستان هشتمین خورشید به تبیین عمیق پژوهشی حیات و معارف امام رضا علیه‌السلام پرداخته است و با تکیه بر منابع اصیل به مهم‌ترین سؤالات در سیره و زندگی و معارف امام رضا علیه‌السلام پاسخ می‌دهد. استفاده از گفتار عاری از ابهام، ایهام و غموض شرط لازم آگاه کردن مردم از حقایق و رسوخ دادن باورهای رضوی به ذهن و ضمیر آنان است. یک اندیشمند و پژوهشگر در حوزه مطالعات دینی، در عین حفظ اصالت و عمق هر رأی و فکر، می‌تواند آن را به واضح‌ترین صورت ممکن، یعنی با نزدیک‌ترین بیان به مرتبه فهم توده مردم، به مخاطبان خود انتقال دهد. آن‌سان که ملاحظه می‌شود؛ کاربرد پرسش و پاسخ برای تبیین هرچه بهتر مطالب در ذهن مخاطب است. □

ضرورت کتابخوانی با صدای بلند
برای کودکان زیر ۳ سال

واژه‌های خاطره‌ساز



خاطره‌های مفهومی با «عواطف»، «عکس‌العمل‌های رفتاری»، «ادراک» و «حس‌های جسمانی» مرتبط هستند. از دیگر ویژگی‌های خاطره‌های مفهومی ارتباط آن با «مدل‌های ذهنی» است. کودک به واسطه تجربه‌های تکرارشونده، مدل‌های ذهنی خود را می‌سازد. به عنوان مثال مادر را در نماد آرامش می‌شناسد یا اشخاص دیگری را در نماد بازی و تفریح یا حتی در نماد خشونت به جامی آورد.

بنابراین «حافظه‌هایی وجود دارند که در طول زندگی، بدون آن‌که کوچک‌ترین اطلاعی از نحوه شکل‌گیری آن‌ها داشته باشیم، در سلسله اعصاب ما پردازش می‌شوند و تنها گاهی نتیجه آن در رفتار و قوه شناخت ما وارد می‌شود».

حافظه پنهان در مواردی چون انواع یادگیری غیرارتباطی که در بازتاب‌های عصبی دیده می‌شود، شرطی شدن کلاسیک ساده در تنظیم حرکات عضلانی توسط مخچه و پاسخ‌های هیجانی در آمیگدال، تکنیک‌های راه‌اندازی حافظه آشکار که با کمک کار تکس جدید می‌گیرد و مهارت‌های عملی و عادات که توسط اجسام مخطط در عمق مغز شکل می‌گیرد تأثیرگذار است.

تأثیری عمیق در عمق وجود کودک

بعد از توضیح کامل و دقیق مفاهیم می‌توان به بررسی «بلندخوانی» برای کودکان زیر سه سال و تأثیر آن بر رشد ذهنی آن‌ها پرداخت و از این منظر بر اهمیت سه سال

انسان‌ها هیچ خاطره‌ای از سه سال نخست زندگی خود به یاد نمی‌آورند. «زیگموند فروید» به آن «فراموشی دوره طفولیت» می‌گوید و از آن به عنوان یکی از مراحل رشد یاد کرده است. با این حال علوم شناخت تأکید دارد این فراموشی ناشی از عدم رشد کافی قسمتی از مغز به نام «هیپوکامپوس» است که در ثبت و ضبط رخدادها نقش دارد. این در حالی است که تمامی مکاتب و رویکردهای روان‌شناختی، سه سال نخست زندگی را بسیار با اهمیت می‌دانند. این سؤال پیش می‌آید این اهمیت در شرایطی که پدیده فراموشی رخ می‌دهد چطور معنا پیدا می‌کند؛ اما باید گفت که با بلندخوانی کتاب برای کودک زیر سه سال زمینه را برای توانایی کودک در خلق روایت آماده می‌کنید، در واقع بلندخوانی یک فرصت بی‌نظیر برای ایجاد پیوند با کودک است.

برای رفع این مسئله باید مفهوم «به یاد آوردن» را تشریح کرد؛ خاطره یا حافظه بر دو نوع است. برخی آشکار هستند؛ یعنی دارای زمان و مکان و شخصیت هستند و شخص به وجود این خاطره آگاهی دارد و می‌تواند آن را با جزئیات به یاد بیاورد و روایت کند؛ اما بسیاری دیگر از خاطرات چنین نیستند. ولی به اندازه همان خاطره‌های آشکار، حائز اهمیت و تأثیرگذارند. این خاطرات فاقد زمان و مکان مشخصی هستند و شخص در بازیابی آن‌ها، به هیچ وجه آگاه نیست. گویی چیزی به یاد نمی‌آورد. این نوع خاطره‌ها بازتاب دهنده یک نوع مفهوم اند. مفهومی که حاصل انگیزش عاطفی و هیجانی فرد است. از این رو برخی صاحب‌نظران از این نوع خاطره، تحت عنوان خاطره‌های «مفهومی» یاد کرده‌اند و برخی نیز نام «حافظه‌های هیجانی ناخودآگاه» بر آن نهاده‌اند.

خاطره مفهومی

«خاطره مفهومی» یا «حافظه هیجانی ناخودآگاه» در رشد مهارت‌ها و بهبود برخی فعالیت‌های ادراکی، حرکتی و شناختی، نقش دارند. کودکان در سال‌های نخست زندگی بیشتر تحت تأثیر این نوع خاطره‌های پنهان هستند. این خاطره‌ها «نوعی از غیرکلامی اوایل زندگی است که از بدو تولد حاضر است و در طول زندگی هم ادامه می‌یابد»



موردی هستند که در بلندخوانی توصیه می‌شوند. فلسفه وجودی این توصیه‌ها بر بنیان خاطره مفهومی و پنهان بلندخوانی برای کودک استوار است.

به عنوان مثال ویژگی‌های «زبان مادرانه» تأمین‌کننده پردازش عاطفی و هیجانی کودک در یک خاطره مفهومی همچون بلندخوانی است. این زبان مختص مادر نیست. شخص بلندخوان می‌تواند پدری باشد با زبان مادرانه. «زبان مادرانه آن‌گونه که برخی می‌اندیشند، همان زبان کودکان نیست. وقتی بزرگ‌سالی می‌خواهد ادای کودک را در بیورد و به زبان کودکانه سخن بگوید، برخی حروف دروازه‌ها را تغییر می‌دهد و واژه‌های بی‌معنا بی‌معنی می‌کند... این‌گونه سخن گفتن وقتی پیوسته تکرار شود، به رشد زبانی کودک زیان می‌رساند. مواردی چون: «نزدیکی چهره به چهره»، «استفاده از پاره‌های کوتاه گفتاری»، «بالا و پایین بردن صدا و ایجاد تغییر در لحن»، «تکرار واژه‌ها و عبارات»، «ادا در آوردن با چشم و ابر»، «حرکت بدن»، «کشیدن حروف صدادار» و «باز خورد مثبت و توجه عاشقانه به صداهای نوزاد» از ویژگی‌های زبان مادرانه است که منجر به پیوند عاطفی و هیجانی استوار بین بلندخوان و کودک می‌شود و از این طریق اطلاعات بیرونی در قالب واژه‌ها و عبارات نشان‌دار می‌شوند و معنا می‌یابند.

زیرا کودک با پردازش این نوع داده‌های بیرونی، ساختار و سیستم مغز خود را به سمت پیچیدگی‌های بیشتر سوق می‌دهد؛ یعنی «ساختار مغز در روند فعالیت دائماً تغییر می‌کند و در ضمن از خود انعطاف‌پذیری کارکردی نشان می‌دهد و از طریق تغییرات ساختاری، نحوه کارکرد آنی خود را تعیین می‌کند»

به این مکانیسم «نورو پلاستیسیته» گفته می‌شود. «نورو پلاستیسیته» لغتی است که برای بیان ایجاد اتصالات عصبی جدید و تکثیر نورون‌های جدید، در جواب به تجربه، به کار برده می‌شود. از جمله ثمرات نورو پلاستیسیته ناشی از تجربه بلندخوانی، کمک به رشد «هیپوکامپوس» از سه سالگی به بعد است. «هیپوکامپوس» می‌تواند قطعات پراکنده یک تجربه را کنار هم قرار دهد و به ظهور خاطره‌های آشکار در کودک بینجامد. به تعبیری دیگر، بلندخوانی کتاب برای کودک زیر سه سال به مثابه یک خاطره پنهان و مفهومی، زمینه را برای توانایی کودک در خلق روایت آماده می‌کند تا با این آمادگی به سراغ کتاب‌هایی بلندتر و پیچیده‌تر برود.

بلندخوانی یک فرصت بی‌ظن برای ایجاد پیوند با کودک است. در موقعیت بلندخوانی «فرصت‌هایی دست می‌دهند که کودک در آغوش مادر یا در کنار اعضای خانواده، روابط صمیمانه‌تر، عاطفی‌تر و در عین حال هدفمندتری را تجربه کند. به این ترتیب کتاب ابزاری می‌شود برای همراهی کودک با دیگران و استحکام روابط عاطفی و اجتماعی او در آینده» و چنانچه این خاطره مفهومی به کرات تکرار شود، کودک مدل ذهنی منحصر به فرد خود را از زیست فرهنگی داخل خانواده خواهد ساخت. □

از جمله ثمرات نوروپلاستیسیته ناشی از تجربه بلندخوانی، کمک به رشد «هیپوکامپوس» از سه سالگی به بعد است. «هیپوکامپوس» می‌تواند قطعات پراکنده یک تجربه را کنار هم قرار دهد و به ظهور خاطره‌های آشکار در کودک بینجامد. به تعبیری دیگر، بلندخوانی کتاب برای کودک زیر سه سال به مثابه یک خاطره پنهان و مفهومی، زمینه را برای توانایی کودک در خلق روایت آماده می‌کند تا با این آمادگی به سراغ کتاب‌هایی بلندتر و پیچیده‌تر برود.

نخست زندگی و همچنین اهمیت خلق تجربه‌های غنی برای کودکان تأکید کرد.

بنیان بلندخوانی برای کودکان زیر سه سال بر حافظه پنهان یا خاطره مفهومی استوار است. بنیانی که پاسخی استوار به پرسش یادشده است. معمولاً مادر برای کودکان خود چنین زمانی دارد، او برای آن‌که به ارزش بلندخوانی واقف شود و بالذت و مسئولیت بیشتری به این کار ادامه بدهد، باید بداند که بلندخوانی برای کودک زیر سه سال، هرگز بدل به خاطره‌ای آشکار برای او نخواهد شد و چنین انتظاری بیهوده است اما تأثیری بسیار عمیق در عمق وجود کودک خواهد گذاشت. تأثیری بسیار ماندگارتر از یک خاطره آشکار. شاید با خود فکر کنید بلندخوانی برای نوزاد بیهوده است اما باید بدانید که در پشت این چهره غیرفعال، مغزی فعال وجود دارد که با آواهای دوست‌داشتنی زبان و ترانه‌ها و صداهای بازیگون تغذیه می‌شود. از شش هفتگی نوزاد با نگاه کردن و لبخند زدن به خواندن و سخن‌های شما واکنش نشان می‌دهد. پیش از شش هفتگی واکنش نوزادان به خواندن کتاب نامحسوس است، زیرا این واکنش‌ها در مغز انجام می‌شود.

در این جملات، تمامی ماهیت بلندخوانی و همه عناصر آن به صورت فشرده جمع شده است. از این رو واکاوی این جملات ضروری است و باید بر روی برخی از واژه‌ها و کلمات جمله‌های فوق، درنگ و تأمل کرد:

«مغزی فعال در پشت چهره‌ای غیرفعال» حکایت‌گر عمق تأثیر بلندخوانی بر ذهن کودک است. «آواهای دوست‌داشتنی زبان»، «ترانه‌ها»، «صداهای بازیگون» نشان‌گر اهمیت پردازش‌های عاطفی و هیجانی مغز کودک در هنگام بلندخوانی است.

نکته حائز اهمیت این است که مغز کودک همه‌گونه اطلاعات را از محیط بیرون جذب نمی‌کند و تنها اطلاعاتی را می‌تواند پردازش کند که برایش معنادار شده باشند. تأثیر خاطره‌های مفهومی یا پنهان بر ذهن کودک تابع همین مکانیسم است؛ بنابراین شخص بلندخوان با آگاهی از اصول بلندخوانی می‌تواند شگردهایی را به کار گیرد که با انگیزش عاطفی و هیجانی کودک، اطلاعات بیرونی نظیر واژه‌ها و کلمات برایش نشان‌دار و با معنا شوند؛ زیرا «جهان مستقل و خارج از ما تا زمانی که سلسله اعصاب ما آن را نشان‌دار و آشنا نکند، مکانی بی‌نشان و بی‌گانه است»

بنابراین واژه‌ها و عبارات به خودی خود برای کودک قابل درک نیستند؛ اما موسیقی کلمات و لحن و تن صدای بلندخوان است که می‌تواند واژه‌ها را برای کودک معنادار کند. بسیاری از تاکیدات درباره یک بلندخوانی ایده‌آل، در راستای تأمین این ضرورت است.

۱. زبان مادرانه

«شیشه ادا کردن واژه‌ها»، «آهنگ صدا»، «ضرورت بلندخوانی در یک محیط آرام»، «در آغوش گرفتن کودک»، «ضرورت آرامش کودک مثل بلندخوانی پس از تغذیه» و شاید از همه مهم‌تر «استفاده از زبان مادرانه» از جمله



درباره کم خوانی و بیش خوانی

متن‌ها در برابر خوانندگان، شکننده‌اند

ناهد عابدی |

اما نویسنده عنوان می‌کند: «آن اتفاق هرگز نیفتاده بود. نه در کتاب و نه در زندگی‌ام. آن زن به طور ناخودآگاه آن داستان را ساخته بود چون من حدس می‌زنم در آن شرایط به آن نیاز داشت. شاید به نحوی برایش ساده‌تر بود که باور کند عزم و قدرتش از من ناشی می‌شود نه از خودش.»

به این قضیه می‌توانیم بیش خوانی بگوییم؛ یعنی قسمت‌هایی از متن برداشت می‌شود که فرای افکار و منظور نویسنده بوده است اما خواننده می‌تواند یقین داشته باشد که منظور نویسنده جز این نمی‌توانسته باشد. در کتاب‌هایی که نویسنده تلاش می‌کند از مثال و استعاره و مصداق کلامی بسیار زیاد استفاده کند و صحنه موضوع را با شفاف‌ترین کلمات ممکن توضیح دهد، موضوع کم خوانی و بیش خوانی تا حدی تعدیل می‌شود چرا که نویسنده از این راه به نقطه نظریکسانی با خواننده می‌رسد.

اما اتفاقاً گاهی ترجیح نویسنده آن است که فضای کافی برای ذهن خواننده ایجاد کند تا آزادانه هر آنچه را می‌خواهد از متن برداشت کند. در این هنگام احتمالاً نویسنده قصد و نیتی فراتر از محتوای کتاب دارد. ممکن است نویسنده بخواهد در ارتباط با محتوای کتاب، خواننده را برای ساعاتی به فکر فروبرد یا زمینه‌ای را بیافریند تا خواننده با متوسل شدن به پیدا کردن مثال و مصداق در زندگی خود، از راهی که برایش ملموس‌تر است با موضوع کتاب ارتباط برقرار کند و یا برتر و بالاتر از این‌ها، نویسنده قصد دارد با ایجاد فضایی برای بیش خوانی و کم خوانی کتاب، خواننده را وادار کند تا یادگیری از خودش را تجربه کند. □

درون هر یک از ما خوانندگان کتاب‌ها نویسنده‌ای وجود دارد که هم‌زمان با خواندن کتاب قلم را به دست می‌گیرد و محتوای کتاب را با توجه به آنچه برای ما قابل استنباط است، تفسیر می‌کند یا تغییر می‌دهد و دقیقاً به همین دلیل است که با خواندن کتابی واحد، یک نفر به وجدی سرشار می‌رسد و فردی دیگر همان یک جرعه انزوی را هم که پیش از شروع به خواندن کتاب در خود احساس می‌کرد از دست می‌دهد و عموماً خیلی کم پیش می‌آید تفسیر دوفراز کتابی واحد، دقیقاً منطبق و متناسب باهم باشد.

«متن‌ها چقدر در برابر خوانندگان شکننده‌اند. مخاطب معمولاً در ذهنش اولویت‌بندی را به نخستین برداشتی می‌دهد که در خوانش یا مشاهده روایت دستگیرش می‌شود.» پورتر ابوت با بیان این جمله به ما یادآور می‌شود که به عنوان خواننده چطور دچار کم‌خوانی می‌شویم.

درواقع کتاب خواندن نوعی مشارکت است. مشارکت ذهن خواننده با نویسنده. در مسیر کتاب خوانی این دو ذهن در نقاطی با هم تلاقی پیدا می‌کنند و دقیقاً با یک زاویه دید واحد به مسئله نگاه می‌کنند؛ اما آنچه محتمل‌تر است این است که نویسنده روی جاده‌ای که پیش روی خواننده می‌گشاید نوری می‌افکند و دیگر آن چیزی که برای خواننده قابل مشاهده است خارج از کنترل نویسنده خواهد بود.

خواننده با توجه به مدل ذهنی خود، ترجیحات و ساختار افکارش، دید خاصی نسبت به محتوای کتاب پیدا می‌کند که مطمئناً با توجه به تفاوت در مدل ذهنی او با ساختار افکار نویسنده، باید منتظر برداشت متفاوتی باشد از آنچه در ذهن نویسنده موقع نوشتن وجود داشته است.

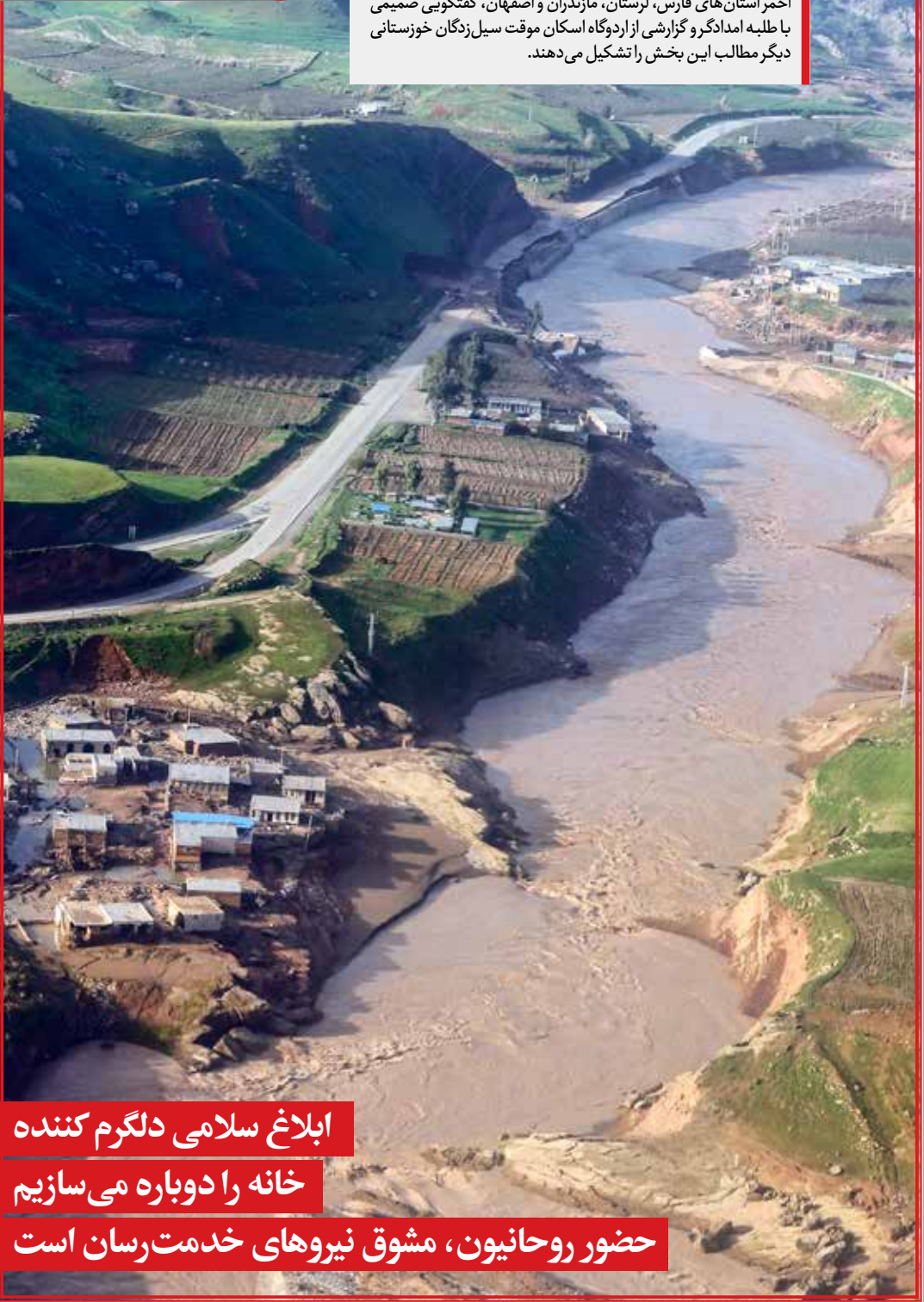
«ویژگی‌ها، انگیزه‌ها، حالت‌ها، تصاویر و قضاوت‌هایی موقع خواندن پیش می‌آید که هیچ مابه‌ازایی در نوشته ندارد.» با خواندن این جمله به یاد داستانی افتادم که الیزابت گیلبرت در رابطه با زنی در مراسم امضای کتابش مطرح می‌کند. او اشاره می‌کند که خواننده را در حالت تشکر و قدردانی عمیقی ملاقات کرده بود که مربوط به راهنمایی بوده که از کتاب او گرفته است: «شما الهام بخش من بودید تا من رابطه‌آزاردهنده‌ام را رها کنم و خودم را آزاد کنم. در کتاب جدیدتان با نوشتن از حکم ممنوعیتی که به خاطر خشونت‌های همسران به دادگاه تحویل دادید یار و الهام بخش من شدید.»



۸۰-۹۵۲

جمعیت هلال احمر در ابتدای امسال با حضور موثر در استان‌های سیل‌زده روزهای پرکاری را پشت سر گذاشت. خبرها و گزارش‌های این بخش به همین موضوع اختصاص یافته است. گزارش‌هایی از حضور نماینده رهبر معظم انقلاب در مناطق سیل‌زده لرستان و خوزستان و دیدار با مسئولان و مردم و مطالبی از نمایندگی‌های ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان‌های فارس، لرستان، مازندران و اصفهان، گفتگویی صمیمی با طلبه امدادگرو گزارشی از اردوگاه اسکان موقت سیل‌زدگان خوزستانی دیگر مطالب این بخش را تشکیل می‌دهند.

هلال



ابلاغ سلامی دلگرم‌کننده

خانه را دوباره می‌سازیم

حضور روحانیون، مشوق نیروهای خدمت‌رسان است

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر، حجت‌الاسلام والمسلمین معزی هدف از این سفر را ابلاغ سلام مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، بازدید از روند امداد رسانی و ارائه خدمات به سیل‌زدگان و همچنین ابراز همدردی با مصیبت دیدگان سیل‌زده عنوان کرد و گفت: از همان لحظات ابتدایی وقوع سیل عزم ملی برای رسیدگی به ابعاد مختلف حادثه و ارائه‌ای فراگیر برای رسیدگی فوری به حادثه‌دیدگان شکل گرفت. امدادگران و نجاتگران جمعیت هلال احمر نیز با حضور به موقع و مؤثر خود همواره در کنار سیل‌زدگان بوده و به ارائه خدمات امدادی می‌پردازند که قابل تقدیر و ستایش است. نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر فعالیت‌های خیرخواهانه هم‌وطنان نوع دوست را نیز مورد تقدیر قرار داد و افزود: با توجه به گستردگی حادثه و خسارات وارده به سیل‌زدگان، همدلی و همیاری مردم و مسئولین می‌تواند در تسریع روند بازگشت زندگی سیل‌زدگان به شرایط عادی بسیار مؤثر باشد. نماینده رهبر معظم انقلاب و هیئت همراه بلافاصله از فرودگاه خرم‌آباد عازم شهر پلدختر شد.

تلاش و برنامه‌ریزی گسترده برای جبران خسارت‌ها

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، از تلاش و برنامه‌ریزی گسترده دولت برای جبران خسارت‌های سیلاب در پلدختر خبر داد.

حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالحسین معزی ظهرروز پنجشنبه ۲۲ فروردین ماه در بازدید از مناطق و روستاهای سیل‌زده پلدختر، ضمن تبریک میلاد امام سجاد(ع)، به تفسیر حدیثی از امام صادق(ع) پرداخت. وی در همین زمینه گفت: امام صادق(ع) در این حدیث می‌فرمایند که «مبارک» به معنی سودمند است و از نگاه دین فردی مبارک است که برای مردم سودمندتر باشد و در این راستا وظیفه امدادگران، نیروهای جهادگر و مردمی در خدمت رسانی به مردم بسیار مبارک است و این افراد جایگاه و شأن ویژه‌ای در نزد خداوند دارند.

حجت‌الاسلام والمسلمین معزی، ضمن ابراز همدردی با حادثه‌دیدگان و تأکید بر فوریت در امداد رسانی و جبران

حضور نماینده رهبر معظم انقلاب در مناطق سیل‌زده لرستان

ابلاغ سلامی دلگرم‌کننده

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر به منظور بازدید از مناطق سیل‌زده لرستان و آگاهی از روند امداد رسانی به آسیب‌دیدگان ۲۲ فروردین ماه وارد این استان شد. ■





.....

خسارت‌ها، افزود؛ روند اقدامات صورت گرفته مطلوب بوده است و دولت با همه توان در تلاش برای جبران خسارت مالی مردم شهرستان پلدختر است و برنامه‌ریزی‌های گسترده‌ای به این منظور انجام شده است.

جبران خسارت و رنج مردم

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر گفت: مردمی که در حوادث اخیر بسیار آسیب و رنج دیده‌اند بدانند مقام معظم رهبری به فکر آن‌ها هستند و برنامه‌هایی در این رابطه تدارک دیده شده است.

حجت‌الاسلام والمسلمین معزی در جمع خبرنگاران با اشاره به این‌که هدف از این سفر این است که منطقه را از نزدیک ببینیم و نوع رسیدگی و کمک‌رسانی به مردم آسیب‌دیده و نوع امدادها، کمک‌ها و هماهنگی‌ها را بررسی کنیم، اظهار داشت: امیدواریم بتوانیم بهتر به مردم آسیب‌دیده خدمت کنیم.

وی با بیان اینکه به‌عنوان نماینده مقام معظم رهبری به استان لرستان سفر نموده‌ام تا از مردم آسیب‌دیده لرستان دلجویی کنم، تصریح کرد: مردمی که در حوادث اخیر بسیار آسیب و رنج دیدند بدانند مقام معظم رهبری به فکر آن‌ها هستند و برنامه‌هایی تدارک دیده شده و رسیدگی خواهد شد.

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر با تأکید بر اینکه این امید و اطمینان را می‌دهم که آنچه خسارت دیده شده مسئولین و دولت و همه کسانی که امکاناتی دارند

در خدمت مردم خواهند بود تا رنج مردم کمتر و جبران شود، افزود: در این سفر از نیروهای امداد رسان که واقعاً از همه حوزه‌ها و نهادها حضور داشته‌اند و تنها نمی‌توان یک بخش را نام برد، از بسیج، ارتش، سپاه، هلال احمر و همه نیروهای امدادگر تقدیر و تشکر می‌کنم و خسته نباشید می‌گویم.

حجت‌الاسلام والمسلمین معزی تأکید کرد باید با تلاش جدی و مستمر آثار حوادثی که پدید آمده را رفع کرد و برای ایجاد شرایط عادی زندگی مردم عزیز سیل‌زده اقدامات به سرعت پیگیری شود.

بازدید از انبارهای جمع‌آوری کمک‌های مردمی

نماینده رهبر معظم انقلاب عصر روز پنجشنبه ۲۲ فروردین ماه از انبارهای جمع‌آوری کمک‌های مردمی به سیل‌زدگان استان لرستان در خرم‌آباد بازدید کرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین معزی در این بازدید، از نزدیک روند دریافت و تحویل کمک‌های مردمی از سراسر کشور به سیل‌زدگان را بررسی و بر رعایت حفظ امانت در این فعالیت انسان دوستانه تأکید کرد.

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر با تقدیر از خدمات داوطلبانه و همت والای داوطلبان این نهاد مردمی مبنی بر بسته‌بندی اقلام مورد نیاز مردم سیل‌زده افزود: حضور در چنین فعالیت‌هایی که به منظور کمک به هم‌نوع و تسکین و التیام درد آنان صورت می‌گیرد، پاداشی اخروی داشته و در پیشگاه پروردگار مقبول واقع می‌شود.

حجت‌الاسلام والمسلمین معزی با تکیه بر اینکه هلال احمر بستری مناسب برای حضور در چنین فعالیت‌های انسان دوستانه است، خاطر نشان کرد: مردم نوع دوست ایران اسلامی نیز با احسان و نیکوکاری به برادران و خواهران خود در جای‌جای این کشور پهناور همواره نقش اساسی در کاهش رنج مصیبت‌دیدگان ایفا می‌کنند.

در ادامه این بازدید معاون داوطلبان جمعیت هلال احمر استان لرستان نیز با ارائه گزارشی از فعالیت‌های صورت گرفته در مرکز جمع‌آوری کمک‌های مردمی به سیل‌زدگان استان لرستان با اشاره به همکاری روزانه ۴۵۰ عضو داوطلب برای بسته‌بندی و مدیریت کمک‌های مردمی که از سراسر کشور در محل انبارهای امدادی جمعیت هلال احمر خرم‌آباد جمع‌آوری می‌شود، گفت: تاکنون ۲۴ هزار بسته غذایی در مناطق سیل‌زده استان توزیع شده و ۸ هزار بسته غذایی دیگر نیز آماده ارسال به مناطق سیل‌زده است.

حسین الماسی با بیان اینکه تاکنون ۲۲ هزار بسته بهداشتی نیز در مناطق سیل‌زده توزیع شده است از آماده‌سازی ۱۴ هزار بسته بهداشتی دیگر برای ارسال به مناطق در روزهای آتی خبر داد و افزود: از آنجا که این اقلام کمک‌های خیرخواهانه مردمی از سراسر کشور است، همه تلاش کارکنان و داوطلبان جمعیت هلال احمر این است که بسته‌های بهداشتی و غذایی با دقت آماده و به‌صورت دقیق در بین آسیب‌دیدگان توزیع شود.

مرکز فرماندهی عملیات هلال احمر لرستان

نماینده ولی فقیه در هلال احمر پس از بازدید از مناطق سیل‌زده شهرستان پلدختر در استان لرستان و همچنین انبارهای جمع‌آوری و بسته‌بندی کمک‌های مردمی برای ارسال به مناطق سیل‌زده، از مرکز کنترل فرماندهی عملیات هلال احمر استان بازدید کرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین معزی با قadrانی از تلاش‌های شبانه‌روزی این مرکز به منظور مدیریت و کنترل فرآیند امداد رسانی به سیل‌زدگان استان، این مجموعه را دارای نقش محوری و جایگاه اساسی دانست و گفت: تصمیمات و برنامه‌ریزی‌های مرکز کنترل فرماندهی عملیات راهگشای نیروهای عملیاتی در مناطق بحران است. حجت‌الاسلام والمسلمین معزی در همین زمینه ادامه داد: باید با برنامه‌ریزی صحیح و ضمن بهره‌گیری از آمارهای دقیق در این مرکز در جهت رفع مشکلات و بحران تلاش کرد.

در این بازدید، معاون برنامه‌ریزی سازمان امداد و نجات هلال احمر نیز با بیان اینکه از ابتدای وقوع سیل در استان تاکنون جمعیت هلال احمر با بهره‌گیری از ۱۲۱۵ نیروی عملیاتی بیش از ۴۴ هزار نفر از مردم سیل‌زده را اسکان داده است افزود: در این بازه زمانی به بیش از ۹ هزار نفر امداد رسانی شده است.

وی از توزیع بیش از ۲۵ هزار تخته پتو و ۸ هزار چادر اسکان اضطراری در بین سیل‌زدگان استان لرستان خبر داد و

مردمی که در
حوادث اخیر
بسیار آسیب
و رنج دیدند
بدانند مقام معظم
رهبری به فکر
آن‌ها هستند و
برنامه‌هایی تدارک
دیده شده و
رسیدگی خواهد
شد. این امید
و اطمینان را
می‌دهم که آنچه
خسارت دیده
شده مسئولین
و دولت و
همه کسانی
که امکاناتی دارند
در خدمت مردم
خواهند بود تا رنج
مردم کمتر و جبران
شود

خاطرنشان کرد: در این مدت ۱۲۱ گروه عملیاتی استانی و کشوری در مناطق سیل زده با بهره‌گیری از ۳ دستگاه آمبولانس و ۶۲ خودروی ویژه به ارائه خدمات امدادی می‌پردازند.

در ادامه این بازدید حجت‌الاسلام و المسلمین معزی، از طریق ویدیو کنفرانس با جمعیت هلال‌احمر استان خوزستان گفتگو کرد و از روند امداد رسانی و فعالیت‌های امدادی این استان در قبال مردم سیل زده مطلع شد.

مقام معظم رهبری تسریع در روند ارائه خدمات به سیل‌زدگان را خواستارند

نماینده رهبر معظم انقلاب با حضور در مناطق سیل زده استان لرستان ضمن ابلاغ سلام مقام معظم رهبری به سیل‌زدگان لرستانی گفت: رهبر معظم انقلاب در جلسه با مدیران عالی کشور، مسئولین را موظف کرده‌اند تا وظایفشان را در ارائه خدمات رسانی به بهترین شکل انجام دهند تا مشکلات مردم به سرعت مرتفع شود.

حجت‌الاسلام و المسلمین معزی در بازدید از مناطق سیل زده با اشاره به مشکلات ایجاد شده بر اثر حادثه سیل افزود: ۲۴ استان کشور درگیر سیل شده که میزان خسارات در سه استان لرستان، خوزستان و گلستان بیش از سایر استان‌هاست و این مسئله باعث شده است تا مردم فهیم کشورمان از سراسر ایران اسلامی به کمک و یاری سیل‌زدگان بشتابند. همه دستگاه‌های اجرایی و خدماتی همچون جمعیت هلال‌احمر، بسیج، سپاه، ارتش و گروه‌هایی مانند دانشجویان، کانون‌های جوانان، طلاب، حوزه‌های علمیه، بازاریان و گروه‌های جهادی با همدلی و صف ناپذیری به مردم مصیبت‌زده خدمات رسانی می‌کنند. حجت‌الاسلام و المسلمین معزی با اشاره به وسعت و میزان خسارات وارد شده به زندگی مردم در استان لرستان و شهر پلدختر گفت: متأسفانه حوادث، بسیار سخت و سنگین بوده و سبب تخریب بسیاری از خانه‌ها، مغازه‌ها، مزارع، مدارس و کارخانه‌ها شده است.

نماینده رهبر معظم انقلاب با تأکید بر همدلی و مهربانی ملت ایران در خدمت به مردم آسیب‌دیده از سیل تصریح کرد: همدلی و مهربانی مردم نعمت بسیار بزرگی است که البته همین فداکاری، ایثار، از خودگذشتگی و انسانیت‌ها بود که باعث شد تا ایران در جنگ با صدام پیروز شود و امیدواریم در این مصیبت سنگین نیز همدلی‌های مردم و تلاش مسئولین در بازسازی شهرها و روستاهای خسارت‌دیده شده مؤثر واقع شود.

حجت‌الاسلام و المسلمین معزی با اشاره به حضور جوانان در مناطق حادثه‌دیده گفت: حضور پر شور جوانان بالیمان، متحد و همدل از سراسر کشور در کمک‌رسانی به این مناطق نشان گر نقطه عطفی برای ساختن ایرانی آباد خواهد بود و البته با نگاه به این مهم می‌توان دریافت که چرا رهبر معظم انقلاب در بیانیه راهبردی گام دوم مخاطب اصلی خود را جوانان ایرانی اسلامی خطاب کرده‌اند.



بیش از نهمصد تن از روحانیون در روزهای گذشته از مناطق مختلف کشور وارد استان شده‌اند و با محوریت دفتر نمایندگی ولی‌فقیه در جمعیت هلال‌احمر استان لرستان و تلاش ارزشمند حجت‌الاسلام و المسلمین پیروزفر ساماندهی شدند و به ارائه خدمت پرداختند و بی‌تردید حضور اعضای کانون‌های طلاب هلال‌احمر می‌تواند به حادثه‌دیده دردمند، حس امید و تنها نبودن را القا کند

نماینده ولی‌فقیه در پایان با تقدیر از تلاش‌های امدادگران، بسیجیان، ارتش، سپاه و همه دستگاه‌های اجرایی در امر خدمت‌رسانی به حادثه‌دیدگان افزود: همه تلاش ما بر این است تا بتوانیم به مردم حادثه‌دیده خدمت کرده تادر کوتاه‌ترین زمان شرایط عادی به مناطق سیل‌زده برگردد.

اتحاد و همت همگانی

نماینده مقام معظم رهبری با حضور در مناطق سیل‌زده استان لرستان با اشاره به این‌که هلال‌احمر در این حادثه همچون گذشته، با تمام وجود در کنار سیل‌زدگان بوده است گفت: رضایت مردم از بسیج همگانی و نحوه ارائه خدمات امدادی در مناطق سیل‌زده، نشأت گرفته از همدلی مردم نوع دوست و مسئولین در صحنه است.

حجت‌الاسلام و المسلمین معزی با حضور در روستای بابازید شهرستان پلدختر، پس از اقامه نماز ظهر و عصر در مسجد ولیعصر (عج) این روستا، با تبریک میلاد با سعادت امام زین‌العابدین (علیه السلام)، گفت: حادثه سیل نوروز امسال که در ۲۴ استان پدید آمد، سبب بروز رنج و درد فراوان برای مردم عزیز ایران اسلامی شد به گونه‌ای که بسیاری از ساکنین مناطق سیل‌زده استان لرستان خانه و کاشانه خود را به کلی از دست دادند.

وی با اشاره به این‌که جبران خسارت‌ها و بازگشت شهر و روستای سیل‌زده به شرایط عادی زمان لازم دارد خاطرنشان کرد: نباید انتظار داشته باشیم همه مشکلات و خسارات به وجود آمده در مدت زمان محدود و اندک رفع شده، بلکه باید گام‌به‌گام و بر طبق اصول، موانع را برطرف کرد.

حجت‌الاسلام و المسلمین معزی افزود: به لطف خدا و با تکیه بر همت و خدمات شبانه‌روزی نیروهای خدویم جمعیت هلال‌احمر، اسکان و تهیه لوازم اولیه همچون آب و غذا به عنوان قدم اول در حوادث به خوبی انجام گرفته و مراحل بعدی بازگشت به زندگی آرام نیز انجام خواهد شد.

نماینده رهبر معظم انقلاب سپس با قدردانی از حضور همه نیروهای خدمات‌رسان و امدادی در مناطق سیل‌زده اعم از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ارتش جمهوری اسلامی ایران، نیروهای مردمی بسیج و گروه‌های جهادی خاطرنشان کرد: حجم خسارات و خرابی‌های ناشی از سیل به گونه‌ای است که برای ترمیم بازسازی آن همت بالای مسئولین و مردم را می‌طلبد.

وی در همین زمینه به حضور ۷۰۰ نفری طلاب و روحانیون حوزه‌های علمیه سراسر کشور در مناطق سیل‌زده لرستان اشاره کرد و گفت: علیرغم سیاه‌نمایی‌های دشمنان ایران اسلامی، تبلیغات منفی و مانع‌تراشی‌های استکبار در حوادث به وقوع پیوسته ناشی از سیل در کشور که همواره به از پای درآوردن نظام مقدس جمهوری اسلامی می‌انديشند، این سیل باعث وحدت بیشتر ملت ایران شد و مردم، دانشجویان، سپاهیان، ارتش، نیروهای هلال‌احمر و همه دلسوزان دست‌در‌دست هم‌یکدل و یک‌صدا در خدمت‌رسانی به آسیب‌دیدگان فعالیت داشته

همان طور که در اطلاع رسانی و امداد سریع شاهد بودند، تلاش و اقدام دولت در جبران خسارات را به زودی و به صورت عینی لمس کنند، اگرچه صبوری و همیاری مردم در تأمین نیازها ضروری است.

نماینده مقام معظم رهبری به بازدید از مناطق سیل زده اشاره و از روحیه بالا و انگیزه انقلابی و دینی مردم در این مناطق یاد کرد و افزود: این روحیه موجب مباحثات و افتخار مردم لرستان است و پشتیبانی این مردم غیور از انقلاب پایدار و خلل ناپذیر است.

وی حضور گسترده روحانیون از سراسر کشور در یاری رسانی به مردم را از جلوه های افتخار آمیز این حادثه دانست و افزود: بیش از نهمصد تن از روحانیون در روزهای گذشته از مناطق مختلف کشور وارد استان شده اند و با محوریت دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان لرستان و تلاش ارزشمند حجت الاسلام و المسلمین پیروزفر ساماندهی شدند و به ارائه خدمت پرداختند و بی تردید حضور اعضای کانون های طلاب هلال احمر می تواند به حادثه دیده دردمند، حس امید و تنها نبودن را القا کند.

نماینده رهبر معظم انقلاب افزود: در این سیل گسترده بیش از نهمصد روستای استان دچار آسیب شده و امدادگران و داوطلبان هلال احمر در تلاشی شبانه روزی کار امداد و توزیع اقلام را تاکنون به سرعت و مناسب انجام دادند.

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر همچنین به بخش دیگری از تلاش های صورت گرفته توسط هلال احمر پرداخت و گفت: حجم گسترده اقلام اهدایی مردم از استان های مختلف کشور تحویل انبار هلال احمر می شود و با نظارت کامل و به همت مردم داوطلب که در این انبار مستقر شده اند بسته بندی می شود و همکاری زنان، کودکان و مردان در کار بسته بندی جلوه شوکومندی از مهربانی مردم خرم آباد را نمایان می سازد تا بسته های اهدایی توسط داوطلبان بین مردم مناطق مختلف به سرعت توزیع شود. هلال احمر امانتدار کمک های مردمی است و این کمک های ارزشمند با دقت به حادثه دیدگان تقدیم خواهد شد. □



حضور پرشور
جوانان بالیمان،
متحد و همدل از
سراسر کشور در
کمک رسانی به
این مناطق نشان
گر نقطه عطفی
برای ساختن
ایرانی آباد خواهد
بود و البته با
نگاه به این مهم
می توان دریافت
که چرا رهبر معظم
انقلاب در بیانیه
راهبردی گام
دوم مخاطب
اصلی خود را
جوانان ایرانی
اسلامی خطاب
کرده اند

و از هیچ تلاشی فروگذار نکردند.

حجت الاسلام و المسلمین معزی در ادامه با اشاره به این که باید علی رغم وجود حجم وسیع و گسترده خسارات، خداوند متعال را شاکر باشیم، تصریح کرد: به لطف خدای متعال و هوشیاری و همکاری مردم، در حوادث سیل کشور کمترین خسارت جانی را داشته ایم که با خانواده های این عزیزان نیز ابراز همدردی می کنیم.

وی در پایان با بیان اینکه درد و اندوه برای سیل زدگانی که در طول سالیان زندگی اندوخته اند و در این حادثه تمام دارایی خود را از دست داده اند بسیار سنگین است، گفت: در برابر این حوادث که آزمایش الهی هستند، صبوری و تحمل مصیبت و همچنین تلاش و داشتن روحیه امید برای ساختن دوباره زندگی از دست رفته بسیار مهم است.

بر خسارات سیل غلبه خواهیم کرد

نماینده مقام معظم رهبری در جمعیت هلال احمر در سخنان پیش از خطبه های نماز جمعه خرم آباد خواستار ادامه مشارکت گسترده مردم و تلاش بیشتر مسئولان برای جبران خسارت های سیل در استان لرستان شد.

حجت الاسلام و المسلمین معزی حوادث پیش آمده را آزمونی برای حادثه دیدگان و دیگران دانست و تأکید کرد: ابتلای حادثه دیدگان در این ماجرا نیازمند صبر و شکیبایی، توکل بر خداوند، امید به آینده و از دست ندادن روحیه و اراده است و آزمایش دیگران نیز برای مردم مشارکت در حد امکان خود در اهدای کمک های نقدی و غیرنقدی و حضور در کمک رسانی های میدانی است.

وی به وظیفه مسئولان و دست اندکاران هم اشاره کرد و افزود: مسئولان باید برای سربلندی در این آزمون سخت تلاشی مضاعف داشته باشند چرا که جبران این سطح از خرابی و خسارت مشارکت همه دستگاه ها و عزم فراگیر نهاد های اجرایی را می طلبد و خوشبختانه برنامه های جامعی در حال تدوین است لکن سرعت بخشیدن به اجرای برنامه ها خواست به حق مردم متأثر از حادثه است. حجت الاسلام و المسلمین معزی افزود: امیدواریم مردم



مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان فارس گزارش داد

سه مرحله اقدام در جریان مدیریت سیل استان فارس



حجت الاسلام والمسلمین جواد قاسمی، مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان فارس در گفتگو با مجله مهر و ماه در خصوص اقدامات صورت گرفته در جریان سیلاب اخیر در استان گفت: بیش از حادثه اقداماتی چون اجرای همایش علمی ویژه مدیران میانی و پایه در تاریخ ۱۴ و ۱۵ اسفند ماه، نشست های عمومی و تخصصی مدیران هلال احمر و کارگاه آموزش سامانه ملی مدیریت سوانح NIMS منطقه بندی شهر شیراز به پنج منطقه با توجه به گستردگی، بعد مسافت، الزامات تاکتیکی و پشتیبانی برگزار شد.

وی با بیان اینکه مناطق استان نسبت به یکدیگر برتری نداشته و در دریافت پشتیبانی ها و خدمات یکسان و برابر بودند، اظهار داشت: مهم ترین اقدامات در زمینه آماده سازی منابع انسانی و تجهیزات و ابزار عملیاتی ویژه حوادث آب و هوایی بود. از سوی دیگر ابلاغ آماده باش اعلام وضعیت اضطراری و فراخوان نیروهای رسمی و داوطلب، آماده سازی تجهیزات تخصصی همچون پمپ های آب کش و لجن کش، قایق ها، خودروهای نجات، برق اضطراری، ابزار هیدرولیک و پنوماتیک رها سازی از خودروهای آسیب دیده، غواصی و سیلاب و شارژ کامل انبار امدادی جمعیت هلال احمر شیراز (حلقه حمایتی پیرامون شهر شیراز به عنوان ذخیره قابل اتکاء پشتیبانی و عملیاتی) انجام شد.

حجت الاسلام والمسلمین قاسمی به اقداماتی که در جریان حادثه سیل صورت گرفت اشاره کرد و افزود: اعزام نیروهای تخصصی واکنش سریع با خودروهای کمک دار به مناطق سیل زده، جستجو و نجات مفقودین و جان باختگان و رها سازی افراد گرفتار در لاشه خودروهای آسیب دیده از سیل، اسکان اضطراری مسافرین در راه مانده و آسیب دیدگان از سیل و بارگیری و ارسال محموله چادر صورت گرفت.

همکاری بانوان داوطلب

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان فارس با بیان اینکه اسکان اضطراری آسیب دیدگان و مسافرین در سالن چند منظوره هلال احمر شیراز انجام شد، عنوان کرد: حضور و همکاری بانوان داوطلب عضو گروه های واکنش سریع و اسکان اضطراری، بارگیری اقلام امدادی از انبار امدادی و حمل اجناس با خودروهای کمک دار، توزیع اقلام امدادی در بین آسیب دیدگان از سیل، هماهنگی با تشکل های مردم نهاد در خصوص جمع آوری اقلام اهدایی و ایجاد پایگاه های جمع آوری کمک های نقدی و غیر نقدی از دیگر اقدامات صورت گرفته است.

وی بیان داشت: رایزنی و مذاکره با خیرین در خصوص کمک به سیل زدگان، شرکت در جلسات مختلف ستاد بحران، اعلام گزارش مستمر به جمعیت هلال احمر مرکز و هماهنگی و ایجاد ارتباط با سایر دستگاه های همکار در پوشش حوادث انجام شد.

حجت الاسلام والمسلمین قاسمی با بیان اینکه اقدامات صرفاً در حین سیلاب نبوده است گفت: پس از حادثه ارزیابی دقیق و شناسایی آسیب دیدگان منطقه سیل زده انجام و نسبت به آماده سازی اقلام برای توزیع بین خانوارهای آسیب دیده ناشی از سیل اقدام شد. به دنبال آن جمع آوری و توزیع کمک های مردمی را پیگیری شدیم و نسبت به آماده سازی غذای گرم برای آسیب دیدگان از سیل اقدام کردیم.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان فارس با اشاره به حضور استاندار فارس در جمع عوامل امدادی و سرکشی و دلجویی از مسافران و آسیب دیدگان سیل ادامه داد: استقرار گروه های درمان اضطراری BHCU، سرکشی و دلجویی از اسکان یافتگان، توزیع غذای گرم درب منازل، جمع آوری کمک های نقدی و جنسی برای سیل زدگان، همکاری نیروهای مردمی داوطلب (گروه های آفرود) در ارسال و توزیع کمک های امدادی از دیگر اقدامات بود.

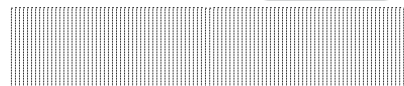
وی اظهار داشت: تشکیل گروه حمایت روانی جهت دلجویی از افراد حادثه دیده، هماهنگی و ایجاد آمادگی پایگاه های کوهستان و جاده ای، تجهیز گروه سیلاب و اعلام آماده باش، آمادگی کلیه گروه ها جهت اعزام به مناطق خوزستان و لرستان و جمع آوری اقلام امدادی جهت کمک به استان لرستان و خوزستان نیز صورت گرفت.

قاسمی از ارائه خدمات امدادی به ۸ هزار و ۸۳۶ نفر و اسکان بیش از ۷ هزار حادثه دیده خبر داد و گفت: ۶۵۳ امدادگر و نجاتگر استان فارس از پنجم فروردین ماه ۹۸ تاکنون به کار گرفته شدند. امدادگران به صورت شبانه روزی به هم وطنان محصور در سیل و آب گرفتگی، خدمت رسانی کرده و در این زمینه خدمات امدادی لازم را به ۷ هزار و ۷۰۰ نفر ارائه کردند.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان فارس با بیان اینکه ۲۱ شهرستان، استان فارس تحت تأثیر سیل و آب گرفتگی بودند، بیان داشت: بر این اساس ۷ هزار و ۷۰۱ نفر از هم وطنان از خدمات امدادی لازم بهره برده و ۶ هزار و ۱۴۰ تن از خدمات اسکان اضطراری استفاده کردند.

وی ادامه داد: در این واقعه هزار و ۸۹۵ خانوار حادثه دیدند. در حوادث یاده شده ۱۳۴ گروه عملیاتی در قابل ۶۵۳ امدادگر و نجاتگر برای ارائه خدمت تلاش کردند و ۱۸ دستگاه آمبولانس، ۹۰ دستگاه خودرو کمکدار سبک، ۶ دستگاه خودرو کمکدار سنگین و ۵۰ دستگاه موتور لجن کش نیز در عملیات های فوق به کارگیری شد.

۹۳۴ بسته غذایی، ۲۹۲ دستگاه چادر، ۳ هزار و ۱۰۶ تخته پتو، ۶۷۷ تخته موکت، ۵۰ دستگاه والور و ۲ هزار و ۲۰۰ بطری آب معدنی، ۲ هزار و ۴۸۵ قوطی کنسروجات، ۶ هزار و ۶۵۰ قرص نان، ۴ هزار و ۷۱۰ کیلو برنج، ۲۰ کیلوگرم چای، ۴۳۴ بطری روغن، ۲۰۰ کیلو حبوبات و ۱۵۰ کیلو قند و شکر بین حادثه دیدگان درگیر سیل و آب گرفتگی اخیر توزیع شد. □





گزارش عملکرد دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال حمر استان لرستان تأمین نیازهای فرهنگی سیل زدگان

تداوم تلاش

به گزارش مجله مهر و ماه در دومین جلسه اقدامات فرهنگی مناطق سیل زده استان لرستان نیز مقرر شد به منظور تأثیرگذاری بیشتر و پرهیز از تجمع نیروهای امدادی اضافی در هر نوبت ۳۰۰ نفر از طلاب و روحانیون در شهرستان پلدختر حضور داشته باشند، بدین صورت ۲۰۰ نفر در پلدختر و روستاهای تابعه و ۵۰ نفر در شهر معمولان و روستاهای تابعه، از این تعداد ۸۰ نفر نیروی تبلیغی و ۲۳ نفر در قالب نیروهای امدادی باشند، نیروهای امدادی نیز به صورت گروه‌های ۷ تا ۱۰ نفره تقسیم کردند و در محله‌های مختلف حاضر شوند. همچنین به منظور انعکاس فعالیت‌های فرهنگی انجام شده حجت الاسلام و المسلمین پیروز فر مسئول هماهنگ‌کننده فعالیت‌های فرهنگی تبلیغی یک گروه رسانه‌ای تشکیل داده تا کلیه فعالیت‌ها اطلاع‌رسانی و مستندسازی شود.

مقرر شد هر چه سریع‌تر نسبت به پاک‌سازی گل‌ولای مسجد جامع (مصلا) و مدرسه علمیه امام رضا (ع) پلدختر و دفتر امام جمعه اقدام شود. تأکید شد کلیه ائمه جماعات مساجد به خانواده‌های آسیب‌دیده از سیل سرکشی و از آن‌ها دلجویی کنند و کلیه فعالیت‌ها و اقدامات فرهنگی، تبلیغی و دینی روزانه به نماینده ولی فقیه در استان لرستان و امام جمعه خرم‌آباد گزارش شود. از سوی دیگر مقرر شد ائمه جمعه شهرستان‌های سیل‌زده، هدایت و رهنمودهای لازم را ارائه کنند و این جلسه تا رفع کامل مشکل مناطق مختلف سیل‌زده هر هفته دو بار با حضور اعضاء در حضور نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه خرم‌آباد برگزار شود. □

به گزارش مجله مهر و ماه برای هماهنگی فعالیت‌های فرهنگی در مناطق سیل‌زده استان لرستان چند جلسه هماهنگی میان نهادهای مختلف استانی برگزار شده است. مطلب زیر خلاصه‌ای از اقدامات و مصوبات دو جلسه نخست این نشست‌ها را گزارش می‌کند. نخستین جلسه اقدامات فرهنگی مناطق سیل‌زده استان لرستان در فروردین ماه برگزار شد. این نشست در دفتر نماینده ولی فقیه در استان لرستان و امام جمعه خرم‌آباد با حضور اعضای جلسه شورای هماهنگی نهادهای حوزوی و فرهنگی برپا شد. این جلسه مصوبات متعددی داشت از جمله اینکه حجت الاسلام و المسلمین پیروز فر به عنوان مسئول هماهنگ‌کننده کلیه فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی مناطق سیل‌زده از سوی نماینده ولی فقیه لرستان منصوب شد و مقرر شد کلیه طلاب مدارس حوزه‌های علمیه از طریق حجت الاسلام و ولی پور و با هماهنگی حجت الاسلام و المسلمین پیروز فر در مناطق سیل‌زده فعالیت فرهنگی داشته باشند. همچنین کلیه مبلغین و اعزام‌های تبلیغی از طرف حجت الاسلام و المسلمین مهدوی مدیرکل سازمان تبلیغات اسلامی و حجت الاسلام و المسلمین طباطبایی مدیرکل سازمان اوقاف و امور خیریه استان و با هماهنگی حجت الاسلام و المسلمین پیروز فر به امور تبلیغی بپردازند.

همچنین مصوب شد کلیه طلاب و روحانیون آسیب‌دیده از سیل اخیر اعم از برادران و خواهران از سوی مدیریت حوزه‌های علمیه استان شناسایی و به مرکز خدمات جهت جبران خسارت معرفی شوند. بسته‌های فرهنگی از قبیل قرآن، مفاتیح‌الجنان، رساله عملیه، سجاده، تسبیح، قبله‌نما از سوی نهادهای فرهنگی تهیه و با هماهنگی حجت الاسلام و المسلمین پیروز فر توزیع شود. کلیه ابنیه خسارت‌دیده از سیل مربوط به روحانیون از قبیل ساختمان حوزه‌های علمیه، استادسرا، خانه عالم، مساجد، حسینیه‌ها، امام‌زاده‌ها، ابنیه شخصی طلاب و روحانیون، ادارات سازمان تبلیغات اسلامی، ادارات اوقاف و امور خیریه شناسایی و برای جبران خسارت به مرکز خدمات حوزه‌های علمیه و دستگاه‌های اجرایی معرفی شوند.

مقرر شد برای کلیه اماکن اسکان اضطراری و کمپ‌های سیل‌زدگان از سوی سازمان تبلیغات اسلامی امام جماعت تعیین و کلیه گروه‌های امدادی از روحانیون تبلیغی و اعزامی از مناطق مختلف کشور با هماهنگی حجت الاسلام و المسلمین پیروز فر مشخص شود.

رئیس منطقه‌ای خاورمیانه و شمال آفریقا فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ و جمعیت‌های هلال احمر نیز در این دیدار با ابراز تأسف از وقوع سیل در مناطق مختلف جمهوری اسلامی ایران و گستردگی خسارات به بارآمده از آن، تلاش برای تسکین آلام سیل‌زدگان را هدف سفر خود به خوزستان اعلام کرد و بر همکاری همه‌جانبه با جمعیت هلال احمر ایران به منظور رفع مشکلات و خسارات تأکید کرد.

توزیع سریع و دقیق کمک‌های مردمی

نماینده رهبر معظم انقلاب در جریان سفر به مناطق سیل‌زده از انبارهای جمع‌آوری کمک‌های مردمی به سیل‌زدگان استان خوزستان بازدید کرد.

حجت‌الاسلام و المسلمین معزی در بازدید از انبارهای امدادی فنی و حرفه‌ای و انبارهای جمع‌آوری کمک‌های مردمی مستقر در شهرستان سوسنگرد از نزدیک روند دریافت و تحویل کمک‌های مردمی به سیل‌زدگان را بررسی و بر توزیع به موقع و با سرعت کمک‌ها در بین سیل‌زدگان تأکید کرد.

نماینده ولی‌فقیه در جمعیت هلال احمر با تأکید بر اینکه همه تلاش‌های این نهاد مردمی به منظور کمک به سیل‌زدگان و مرتفع شدن نیازهای آن‌هاست، از خدمات داوطلبانه مردم و حمایت‌های آنان قدردانی کرد و افزود: بدون کمک‌های مردمی و همدلی آنان با سیل‌زدگان و مسئولین، جبران خسارات در چنین گستره وسیعی بسیار دشوار خواهد بود.

حجت‌الاسلام و المسلمین معزی بار دیگر از خیرین و نیکوکاران خواست تا جمعیت هلال احمر را امین خود در توزیع هدایا و کمک‌های نقدی و غیرنقدی دانسته و با این نهاد عامل المنفعه و خیریه، برای بازگرداندن زندگی مردم سیل‌زده به شرایط عادی همکاری کنند.

در ادامه این بازدید معاون داوطلبان جمعیت هلال احمر استان خوزستان نیز با ارائه گزارشی از اقدامات صورت گرفته در مرکز جمع‌آوری کمک‌های مردمی به سیل‌زدگان استان، از فعالیت روزانه ۵۰۰ عضو داوطلب این نهاد مردمی به منظور بسته‌بندی اقلام غذایی و بهداشتی و ارسال آن‌ها به مناطق سیل‌زده خبر داد و افزود: از ابتدای وقوع سیل تاکنون بیش از ۱۴ هزار بسته بهداشتی و غذایی در بین سیل‌زدگان توزیع شده است.

حضور در جمع اهالی روستای بن‌ده

حجت‌الاسلام و المسلمین معزی پس از ورود به روستای سیل‌زده بن‌ده استان خوزستان در جمع مردم مصیبت‌دیده حاضر شد و با ابراز تأسف از وقوع چنین خساراتی به زندگی مردم گفت: در این مصیبت وارد شده تحمل و صبوری به درگاه خداوند برای جبران خسارات و بازگشت زندگی به حالت معمول از مهم‌ترین اقدامات است، لیکن احاد جامعه نیز باید با مهم برشمردن همدلی و همیاری با سیل‌زدگان و کمک به آن‌ها در واقع آزمون الهی که در آن قرار گرفته‌اند، سربلند بیرون آیند.

سفر نماینده رهبر معظم انقلاب در هلال احمر به خوزستان

حضور روحانیون مشوق نیروهای خدمت‌رسان است

نماینده رهبر معظم انقلاب با سفر به خوزستان در جمع مردم سیل‌زده این استان حاضر شد و از نزدیک کمبدها و مشکلات آنان را بررسی کرد.



حجت‌الاسلام و المسلمین معزی با حضور در اردوگاه ثامن الائمه شهر اهواز با بیان اینکه مسئولین با تمام قوت، امکانات و نیازمندی‌های متاثرین ناشی از وقوع سیل را فراهم می‌کنند افزود: باید توجه کرد تا در کمک به سیل‌زدگان کرامت و شخصیت انسانی آنان حفظ شود، چراکه اساساً این افراد تا قبل از وقوع سیل و ویران شدن زندگی، دارای اعتبار و یک زندگی آبرومند بوده‌اند.

نماینده رهبر معظم انقلاب در جمعیت هلال احمر سپس با تأکید بر بسیج حداکثری امکانات همچون وسایل سرمایشی در ۹۲ اقامتگاه اسکان اضطراری مستقر در خوزستان، به منظور مقابله با گرمای این استان و همچنین اقلام بهداشتی مورد نیاز سیل‌زدگان خاطر نشان کرد: در این میان نمی‌توان کمک و حمایت همه‌جانبه مردم را نیز نادیده گرفت. بازدید از اقامتگاه‌های مستقر در شهرهای سوسنگرد، حمیدیه و دشت آزادگان از دیگر برنامه‌های سفر نماینده مقام معظم رهبری به خوزستان بود. در این سفر ذاکری معاونت نظارت و امور شرعی، احمدوند معاون فرهنگی و امور آموزشی و پژوهشی و عبدالمجید معزی مشاور نماینده ولی‌فقیه در هلال احمر و مدیرکل حوزه نمایندگی حضور داشتند.

صلیب سرخ بدون توجه به فشارها، کمک‌های بین‌المللی را به ایران برساند

در سفر نماینده مقام معظم رهبری به استان خوزستان که به منظور بازدید از مناطق سیل‌زده و دلجویی از سیل‌زدگان استان صورت گرفته است، رئیس منطقه‌ای خاورمیانه و شمال آفریقا (منا) فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ و جمعیت‌های هلال احمر با نماینده رهبر معظم انقلاب در جمعیت هلال احمر دیدار کرد.

در این دیدار حجت‌الاسلام و المسلمین معزی از همدردی و همیاری جامعه بین‌المللی و فدراسیون صلیب سرخ و جمعیت‌های هلال احمر تقدیر کرد و گفت: حضور رئیس منطقه‌ای خاورمیانه و شمال آفریقای فدراسیون در خوزستان نشانه توجه و همدلی آنان با سیل‌زدگان جمهوری اسلامی ایران است.

نماینده رهبر معظم انقلاب در جمعیت هلال احمر با ابراز خرسندی از حضور فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ و جمعیت‌های هلال احمر در ایران، ابراز امیدواری کرد این حضور سبب توجه بیش از پیش جوامع بین‌المللی به گستره خسارات واردآمده به نقاط مختلف ایران پس از وقوع سیلاب‌های اخیر گردیده و این نهاد بین‌المللی بتواند بدون توجه به فشارهای ظالمانه، کمک‌های بین‌المللی را به ایران برساند.

حضور روحانیت مشوقی برای همه نیروهای خدمت رسان در صف مقدم کمک به آسیب دیدگان است افزود: البته نباید فشارهای روحی و روانی ناشی از تجربه سختی و مشکلات سیل زدگان نادیده گرفته شود.

وی با اشاره به اینکه مردم و مسئولان باید با هوشیاری کامل و رصد اقدامات معاندین نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران که در حوادث اخیر برای ایجاد تفرقه و اختلافات داخلی صورت می‌گیرد، در خدمت رسانی و ارائه خدمات مورد نیاز مصیبت دیدگان و متاثرین ناشی از سیل عمل کرد، خاطر نشان نمود: این اتحاد و همدلی پس از بحران که در ایران اسلامی شکل گرفته است، در سراسر دنیا زیانزد و بی نظیر است.

امام جمعه سوسنگرد نیز در این دیدار با ابراز خرسندی از حضور نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در بین مردم سیل زده شهرستان سوسنگرد، به ارائه گزارشی از اقدامات انجام شده در خصوص ارائه خدمات لازم به سیل زدگان و همچنین وضعیت فرهنگی این شهرستان پرداخت.

حجت الاسلام والمسلمین شمیل پور در ادامه از فعالیت‌های شبانه‌روزی امدادگران و نجاتگران جمعیت هلال احمر در جریان وقوع سیل در سوسنگرد قدر دانی کرد و افزود: نیروهای خدوم جمعیت هلال احمر به عنوان نخستین نیروهای امدادی همواره در کنار مردم مصیبت زده حضور داشته و اکنون نیز به ارائه خدمات معیشتی و فرهنگی در بین مردم می‌پردازند که قابل تقدیر است.



حضور روحانیت

مشوقی برای

همه نیروهای

خدمت رسان در

صف مقدم کمک

به آسیب دیدگان

است

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در ادامه از همه مسئولین و نیروهای خدمات رسان در استان خوزستان خواست تا با تلاش حداکثری و بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌های موجود برای کاهش رنج و مصیبت سیل زدگان اقدام کنند.

مردم سیل زده روستای بن‌ده در این دیدار با ابراز نگرانی از وضعیت موجود، علی‌رغم آب‌گرفتگی کامل منازل مسکونی، مهم‌ترین دغدغه فعلی خود را بازگشت به منازل مسکونی اعلام کردند. سیل زدگان همچنین نبود سرویس‌های بهداشتی و حمام‌های صحرائی را از دیگر مشکلات موجود در روستای بن‌ده و محل اسکان اضطراری این روستا بیان کردند.

دیدار با امام جمعه سوسنگرد

حجت الاسلام والمسلمین معزی در ادامه بازدید از مناطق سیل زده استان خوزستان، با امام جمعه سوسنگرد دیدار و گفتگو کرد.

حجت الاسلام والمسلمین معزی در این دیدار که در محل دفتر امام جمعه سوسنگرد صورت گرفت با تقدیر از حضور بی‌شائبه امام جمعه سوسنگرد از ابتدای وقوع سیل در جمع سیل زدگان و امدادگران گفت: شایسته یک روحانی است که در هنگام مصیبت در کنار رنج و درد مردم بوده و بتواند قدمی برای تسکین آلام مصیبت دیدگان بردارد.

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر با تأکید بر اینکه





دوستانه دانست و افزود: نگهداشت همین روحیه می تواند کمک شایانی به سرعت بخشیدن به بازگشت زندگی عادی سیل زدگان کند. مردم ایران اسلامی با حمایت های خود از سیل زدگان و با اتحاد و همدلی موجب تسریع در روند بازسازی و جبران خسارات وارده به زندگی آن ها شوند.

یادآور می شود انبار جمع آوری و بسته بندی هدایای مردمی سازمان داوطلبان که در شهر اهواز قرار دارد تا پایان فروردین بیش از ۲۷ هزار سبد بهداشتی و غذایی آماده و در بین سیل زدگان توزیع کرده است.

در این انبار بیش از چهار هزار نفر ساعت طی ده روز گذشته به صورت داوطلبانه کار بسته بندی و ارسال اقلام هدایی مردم و مراکز خیریه، شرکت های خصوصی و نهادهای عمومی را به عهده داشته اند.

حضور در جمع سیل زدگان شوش

نماینده ولی فقیه در هلال احمر با حضور در اردوگاه شهید درویش شهرستان شوش که بیش از ۱۷۶ خانوار در آن اسکان اضطراری یافته اند حاضر شد و از نزدیک به مشکلات مردم رسیدگی کرد.

حجت الاسلام والمسلمین معزی با قدردانی از تلاش همه نیروهای خدماتی و امدادی به منظور کمک به مردم سیل زده ابراز امیدواری کرد: با تلاش مسئولین و همیاری مردم خسارات و مشکلات به وجود آمده برای خانواده های آنان مرتفع شود.

وی با تأکید بر اینکه مقام معظم رهبری همواره به مسئولین برای رسیدگی به موقع و با سرعت به سیل زدگان

باید روحیه امید به زندگی به خانواده های سیل زده باز گردد

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در جریان سفر به خوزستان، در دیدار با نماینده ولی فقیه در استان خوزستان و امام جمعه اهواز با ابراز خرسندی از حضور اقشار مختلف مردمی در کمک به سیل زدگان دوشادوش مسئولین و نیروهای امدادی گفت: مهم ترین مسئله ای که در بازدیدهای میدانی از اردوگاه های اسکان اضطراری از سوی سیل زدگان عنوان می شود، نگرانی برای آینده زندگی است. حجت الاسلام والمسلمین معزی با بیان اینکه مشکلات و دغدغه های بیان شده سیل زدگان را به محضر رهبر معظم انقلاب عرضه خواهیم کرد افزود: اگرچه حل کردن این مشکلات نیازمند زمان است، لیکن باید با اطلاع رسانی های مناسب موجبات بازگشت رایحه امید به زندگی و آینده به خانواده های سیل زده ایجاد شود.

وی با تقدیر از همه تلاشگران عرصه خدمتگزاری به مردم، برنامه ریزی های مناسب دستگاه های مدیریتی برای کاهش تلفات و خسارات به بار آمده ناشی از سیل را بسیار مهم و ضروری دانست و خاطرنشان کرد: البته برای انجام بهتر و بی نقص تر مدیریت بحران در کشور نیازمند هماهنگی و انسجام بیشتر مسئولین ستاد مدیریت بحران کشور هستیم.

نماینده ولی فقیه در استان خوزستان نیز در این دیدار از فعالیت طلاب حوزه های علمیه استان در امر کمک رسانی به سیل زدگان خبر داد و گفت: کلاس های حوزه های علمیه خواهران و برادران اهواز و استان خوزستان به منظور حضور مؤثر و کارآمد این عزیزان در کنار سیل زدگان تا پایان فعالیت های امدادی و بازگشت به زندگی عادی آنان تعطیل شده است.

آیت الله جزایری با اشاره به نزدیکی به فصل گرما و البته زمان بر بودن ایجاد شرایط ایدئال برای سیل زدگان خوزستانی، زندگی در چادرهای اسکان اضطراری در یک ماه آینده را غیرممکن توصیف کرد و افزود: استفاده از ظرفیت مدارس آموزش و پرورش، دانشگاه های استان و سالن های ورزشی برای اسکان سیل زدگان در فصل گرما در دستور پیگیری و بررسی قرار گرفته است. وی از تلاش بی شائبه همه نیروهای امدادی و خدمت رسان همچون هلال احمر، سپاه، ارتش و نیروهای مردمی قدردانی کرد.

تألو انسانیت و فطرت پاک

جان مایه فعالیت های داوطلبان

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در بازدید از انبار جمع آوری کمک های مردمی سازمان داوطلبان مستقر در شهرستان اهواز، تألو انسانیت و فطرت پاک را جان مایه فعالیت های داوطلبانی دانست که در این مجموعه برای کمک به سیل زدگان و رسیدن هدایای مردمی به آنان شبانه روز تلاش می کنند.

حجت الاسلام والمسلمین معزی ایمان قوی و اعتقاد به باورهای اصیل اسلامی را بنیان چنین فعالیت های انسان



مهم ترین مسئله ای که در بازدیدهای میدانی از اردوگاه های اسکان اضطراری از سوی سیل زدگان عنوان می شود، نگرانی برای آینده زندگی است



نماینده رهبر معظم انقلاب:

بازگشت به منازل مسکونی، جبران خسارات وارده به مزارع کشاورزی و فراهم نمودن شرایط کار برای گذران زندگی از مهم‌ترین مسائلی است که از سوی سیل‌زدگان مطرح می‌شود

شرایط کنونی که همه زندگی سالیان فردی از بین رفته است، انجام این مهم نقش مؤثری در بازسازی و بهبود خسارات وارده ایفا خواهد کرد. نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در همین زمینه ادامه داد: البته جمعیت هلال احمر با اعزام گروه‌های حمایت‌های روحی و روانی به مناطق سیل‌زده اقداماتی در این زمینه انجام داده است که باید تقویت شود. در ابتدای این دیدار، دکتر شریعتی استاندار خوزستان با ابراز خرسندی از حضور نماینده رهبر معظم انقلاب در مناطق سیل‌زده و همچنین حمایت‌ها و فعالیت‌های شبانه‌روزی جمعیت هلال احمر برای تسکین آلام سیل‌زدگان استان، به ارائه گزارشی جامع از ابعاد مختلف واقعه در خوزستان و وضعیت کنونی استان پرداخت.

استاندار خوزستان با بیان اینکه بارندگی‌ها و سرازیر شدن آب ناشی از سیلاب‌های استان‌های هم‌جوار در شش ماه گذشته به میزان بارندگی‌ها در یک سال این استان است افزود: برای هدایت و مهار سطح وسیع خسارات وارد آمده از سوی این میزان آب در استان نیازمند مدیریت هوشمندانه و مبتنی بر خرد جمعی و علم بودیم. شریعتی با اشاره به فعالیت‌های بی‌دریغ تمامی دستگاه‌های خدمت‌رسان در مقابله با سیل از برنامه‌ریزی برای به وقوع پیوستن کمترین خسارات جانی و مالی در استان خبر داد و افزود: برای تحقق این مهم همت، همدلی، اتحاد و انسجام دستگاه‌های حاضر در میدان عملیات و مقابله با سیل بسیار حائز اهمیت بود که به لطف پروردگار محقق شد. استاندار خوزستان به تقسیم‌کار و وظایف دستگاه‌های اجرایی در مناطق سیل‌زده اشاره کرد و افزود: بر همین اساس کلیه فعالیت‌های امدادی و توزیع اقلام معیشتی به صورت متمرکز به جمعیت هلال احمر اختصاص یافت که حقیقتاً در این خصوص این نهاد مردمی با تمام توان و ظرفیت خود در خدمت مردم سیل‌زده استان است. وی تصریح کرد: از سختی‌های کار مجموعه هلال احمر رساندن اقلام غذایی و بهداشتی به مردم بود چرا که بسیاری از ساکنین شهر و روستا با امتناع از زندگی در اردوگاه‌های اسکان اضطراری، در پشت‌بام‌های منازل آب‌گرفته خود که در محاصره کامل آب است زندگی می‌کنند. □



تأکید فراوان داشتند؛ افزود: اگرچه تحمل رنج و سختی در این شرایط برای مردم سیل‌زده سخت و دشوار است لیکن این امتحانی الهی است که ان‌شاءالله همه مردم ایران از آن سربلند بیرون می‌آیند.

نماینده رهبر معظم انقلاب در جمعیت هلال احمر با اشاره به اینکه ورود به فصل گرما و گرم شدن هوا مشکلات عدیده‌ای برای سیل‌زدگانی که در اردوگاه‌های اسکان اضطراری هستند پدید می‌آورد؛ خاطر نشان کرد: کمبود وسایل سرمایشی و برخی اقلام بهداشتی از مهم‌ترین خواسته‌های مردم است که باید برای تحقق این مهم برنامه‌ریزی لازم از سوی مسئولین صورت بگیرد.

در جریان این بازدید مردم سیل‌زده نیز با ابراز خرسندی از فرصت بیان مشکلات خود با نماینده مقام معظم رهبری، خواستار ابلاغ سلام خود به محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی شدند. به گفته رئیس جمعیت هلال احمر شوش، در این شهرستان ۱۰ اردوگاه اسکان اضطراری ایجاد شده که روزانه به طور متوسط به ۶ هزار نفر از سیل‌زدگان خدمات امدادی، بهداشتی و معیشتی ارائه می‌کند.

دنیا از بشردوستی و همدلی ملت ایران درس می‌گیرد

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، در دیدار با استاندار خوزستان ضمن تقدیر از فعالیت‌های شبانه‌روزی مجموعه دستگاه‌های دولتی استان خوزستان در مدیریت و ساماندهی حوادث ناشی از وقوع سیل در مناطق مختلف این استان گفت: در کمک‌رسانی به سیل‌زدگان، حضور بدون چشم‌داشت اقشار مردم در کنار نیروهای خدمت‌رسان مؤثر، کارآمد و امیدآفرین بود، لیکن این حضور برای جبران خسارات وسیع مناطق سیل‌زده باید ادامه یابد.

حجت‌الاسلام و المسلمین معزی همکاری و تعاون دستگاه‌های اجرایی استان با جمعیت هلال احمر در جریان سیل اخیر استان خوزستان را قابل تقدیر دانست و تصریح کرد: همدلی و همیاری همه دستگاه‌ها از جمله استانداری، فرمانداری‌ها، شهرداری‌ها، بخش‌داری‌ها و دهیاری‌ها نمونه مدیریت مؤثر در اداره کشور است.

بیان مشکلات و کمبودهای سیل‌زدگان و تسریع در روند حل آن‌ها مسئله دیگری بود که نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر یادآور شد و افزود: بازگشت به منازل مسکونی، جبران خسارات وارده به مزارع کشاورزی و فراهم نمودن شرایط کار برای گذران زندگی از مهم‌ترین مسائلی است که از سوی سیل‌زدگان مطرح می‌شود.

حجت‌الاسلام و المسلمین معزی سپس با بیان اینکه زندگی مردم سیل‌زده در اردوگاه‌های اسکان اضطراری با توجه به گرمای بیش از حد هوا عملاً غیرممکن می‌شود خاطر نشان کرد: در نظر گرفتن مکان‌های مناسب‌تر که به وسایل سرمایشی تجهیز شده است از دیگر اقداماتی است که باید با قید فوریت صورت گیرد.

وی تقویت روحیه خودباوری و امید به آینده را نیازی اساسی برای مصیبت‌دیدگان سیل‌زده دانست و گفت: در



مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان مازندران گزارش داد

کمک به مردم ۱۲ شهرستان سیل زده

زمینی و هوایی. حجت الاسلام والمسلمین اکبری افزود: شرکت در جلسه ستاد بحران استان گلستان همراه حجت الاسلام والمسلمین معزی که با حضور وزیر کشور، رئیس جمعیت هلال احمر، رئیس ستاد مدیریت بحران، رئیس اورژانس کشور و مسئولان استانی گلستان برگزار شد و حضور برخی از ائمه جماعات در کنار امدادگران هلال احمر در مناطق سیل زده از اقدامات دیگر این دفتر بود. از سوی دیگر برخی از طلاب مدارس استان مازندران به صورت انفرادی و داوطلبانه تماس گرفته اند تا در امداد رسانی سیل گلستان حضور پیدا کنند که راهنمایی شدند.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان مازندران گزارش داد: در سیل اخیر روستاهایی در ۱۲ شهرستان استان درگیر سیل و سیلاب شدند که خلاصه اقدامات جمعیت هلال احمر استان مازندران به این شرح است. ۱۳۳۲۷ نفر حادثه دیده اند. برای ۴۲۹ نفر اسکان موقت صورت گرفت و آب آشامیدنی ۱۳۸۰ خانه وصل شد. در جریان سیل ۱۰۷ گروه روزانه در عملیات امداد حضور داشتند. ناوگان ترابری و تجهیزات بکارگیری شده در حادثه به صورت روزانه شامل ۲۸ آمبولانس و دستگاه، ۸ خودرو نجات تیپ ۱ و ۲، ۶۵ خودرو کمک دار، ۷ جت اسکی، ۱۱ قایق نجات، ۸۶ موتور پمپ لجن کش، ۵ خودروی نیمه سنگین و سنگین، ۳۳ خودروی داوطلبی و یک فروند بالگرد امدادی بوده است.

وی به آمار اقدام توزیع شده در حادثه اشاره کرد و گفت: ۸۲۶۰ بطری آب معدنی، ۱۳۰۸ قوطی کنسروجات، ۲۳ هزار قرص نان و ۱۵۲۴۰ کیلو برنج توزیع شد. ۴۴۱۴ تخته پتو، ۲۲۷۰ بسته غذایی، ۲۵۲۰ بطری روغن، ۱۸۹۷ تخته موکت، ۱۸۰ کیلو خرما، ۳۰ کیلو قند و شکر، ۵۰ بسته پودر لباسشویی، ۴۰ کیلو نایلون و ۱۶۰ کیلو آرد نیز در اختیار آسیب دیدگان سیل قرار گرفت. □

حجت الاسلام والمسلمین حمزه علی اکبری مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان مازندران در گفتگو با مجله مهر و ماه با اشاره به حوادث اخیر در کشور گفت: از آنجا که سیل یکی از حوادث مخرب طبیعی در زندگی بشر محسوب می شود، بشر و ادار می شود تا از تهدیدهایی این چنین فرصت های ناب خلق و تجربه های بی بدیل و کم نظیر کسب کند.

وی ادامه داد: قطع نظر از امتحانات الهی در زندگی انسان ها که حتماً حکمت هایی بر اساس آیه «عسی أن تکرهوا شیئا و هو خیر لکم» در خود نهفته دارد که عقل بشر نیز ممکن است بدان قندها اما فرصت هایی برای احاد شهروندان و متولیان امور جامعه ایجاد می کند. مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان مازندران عنوان کرد: اولاً رفتار مهربانانه میان انسان های سوجو با طبیعت و آشتی دوباره میان آن دو برقرار می شود. ثانیاً نگاه جدیدی در نوع زندگی بشرو رعایت حدود و حریم های منابع طبیعی از جانب بشر را می طلبد.

حجت الاسلام والمسلمین اکبری با بیان اینکه اگرچه طبیعت به طور قهری هم که باشد از حریم خود دفاع خواهد کرد، اظهار داشت: اما انسان های عاقل نباید به خود اجازه دست اندازی به حریم نعمت های خدادادی دهند، بلکه برای بهره مندی بیشتر خود از نزولات آسمانی بستری مناسب و مطمئن همچون سدها بسازد تا هم جلوی خشم طغیانگرو ویرانگر طبیعت را بگیرد و آن را به آرامش و همزیستی با بشر دعوت کند تا خود و سرمایه های مادی و معنوی خود را در امان بدارد؛ و نیز بتواند در طول سال ها از ذخایر آن تدریجاً بهره مند شود.

بگذاریم و بگذاریم که جان کلام را الحق و الانصاف مقام معظم رهبری در بیاناتشان فرمودند. وی اظهار داشت: در مورد سیل مازندران باید تأکید کرد اگرچه گستره سیل تقریباً وسیع بوده اما با توجه به بستر هموار و جلگه ای منطقه، هوشیاری مسئولان بومی و امداد رسانی از جمله هلال احمر و هشدارهای قبل از سیل و آمادگی نسبی مردم در حفظ مال و احشام خود، سیل منطقه هر چند خسارات مالی و جانی در پی داشت ولی به نحو شایسته مدیریت شد و فعالیت داوطلبان و جوانان جمعیت هلال احمر استان و شهرستان ها بسیار چشمگیر بوده که در رسانه های ملی و استانی شاهد آن بودیم.

حجت الاسلام والمسلمین اکبری افزود: دفتر نمایندگی استان نیز فعالیت هایی در این زمینه داشت از جمله ارسال پیام دلگرمی به معاون امداد و نجات استان و مدیران شعب درگیر با سیل و حضور در دور روستای سیل زده به اتفاق کارشناس دفتر آقای حاجیان نژاد، دلجویی از برخی افراد سیل زده، دلجویی و تشکر از دهبیار و شورای فعال در امداد رسانی و همکاری با هلال احمر، نظارت بر شیوه توزیع مواد غذایی در چند منطقه و نحوه تعامل و برخورد با مردم و همراهی با حجت الاسلام والمسلمین معزی نماینده محترم مقام معظم رهبری در هلال احمر کشور در معیت آقای صالح زاده جهت بازدید از منطقه سیل زده آق قلا در استان گلستان به صورت





پیام نماینده ولی فقیه در هلال احمر

همبستگی ملی ایرانیان بار دیگر هویدا شد

از توان هم افزایی داخلی را به رخ کشاند. متذکر می شوم گستردگی خسارات و سطح در برگیری سیلاب، تبعات درازمدتی را دامن گیر حادثه دیدگان خواهد کرد و عوارض این حادثه تا مدت ها باقی خواهد ماند. لذا از مردم غیور و مهربان ایران تقاضای کنم همچنان و بیش از گذشته کمک های خود را در اختیار جمعیت هلال احمر قرار دهند، چنان که پیامبر اکرم (صلی الله و علیه و آله) فرمودند: «هر کس ندای کمکی را بشنود و اجابت نکند مسلمان نیست». لذا اهتمام به رفع مشکل مردم دغدغه و وظیفه دینی و انسانی همه است. و جوه اهدایی مردم با دقت و نظارت کافی فقط در اختیار سیل زدگان قرار خواهد گرفت و گزارش های دقیق آن به استحضار مردم شریف خواهد رسید. مقلدین معظم تقلید نیز که اجازه فرمودند مؤمنین بخشی از وجوهات شرعی خود را در کمک به آسیب دیدگان مصرف نمایند، می توانند این وجوه را در اختیار هلال احمر قرار دهند.

ضمن تقدیر از همه تلاش های صورت گرفته توصیه می کنم اولاً انسجام و هماهنگی بین دستگاه های مختلف کمک رسان تقویت شود، ثانیاً، از عموم مردم که بحمد الله به هلال احمر به عنوان واسطه خدمت رسانی و امین مردم، اعتماد دارند درخواست می کنم کمک های تقدی خود را به حساب ۹۹۹۹۹۹ به نام هلال احمر واریز کنند.

از خداوند متعال مسألت می کنم رحمت خود را بر این مردم نازل و بلاها را به نعمت بدل فرماید.

عبدالحسین معزی

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران

۱۷ فروردین ۱۳۹۸ □

حجت الاسلام والمسلمین معزی نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، در پیامی ضمن تقدیر از حمایت ها و همدلی های مردم شریف ایران در حادثه سیل های اخیر، انسجام و هماهنگی بین دستگاه های مختلف کمک رسان را مورد تأکید قرار داد. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر، متن پیام به این شرح است:

طلیعه بهار و اعیاد پربرکت ماه شعبانیه را به هم و وطنان گرامی تبریک می گویم. نوروز امسال با بارش باران در مقیاسی فراتر از تصور، پیش بینی و بی سابقه در سال های اخیر همراه بود. خداوند منان را شاکریم که باران رحمتش بر ما نازل شد، دشت و کوه های تشنه این سرزمین را سیراب کرد. اگرچه غیرمنتظره بودن این بارش ها و نیز قصور در پیش بینی و پیش گیری و حفاظت از محیط زیست و اجرای ناقص برخی طرح ها سبب جاری شدن سیلاب و بروز برخی حوادث ناگوار در برخی از استان های کشور شد. تعدادی از هم وطنان عزیز جان خود را از دست دادند و خانواده هایی سوگوار شدند و همچنین خسارت مالی فراوانی به منازل، مزارع و احشام وارد گردید و مشقات فراوانی را برای ساکنان برخی شهرها و روستاها مخصوصاً در استان های گلستان، لرستان، خوزستان و فارس موجب شد.

اینجانب به خانواده های داغدار از این حوادث تسلیت می گویم و از خداوند متعال برای بازماندگان صبر و اجر مسألت می کنم. با افرادی که دچار خسارت های مالی شدند همدردی و اعلام می کنم رنج و درد شما رنج و درد ماست. امیدوارم پیرو تأکیدات مقام معظم رهبری و نیز اعلام دولت محترم تلاش گسترده و همه جانبه دستگاه های اجرایی و حاکمیتی در جهت رفع آلام رنج دیدگان به کار گرفته شود و خسارت ها با فوریت جبران گردد.

در روزهایی که گذشت همکاران جمعیت هلال احمر اعم از مدیران ستادی، مدیران استانی، امدادگران، داوطلبان و اعضای کانون های دانشجویی، جوانان و طلاب با تلاشی بی وقفه و شبانه روزی در استان های مختلف کشور به یاری حادثه دیدگان شتافتند و همچنان به خدمت مجاهدانه خود ادامه می دهند.

به این عزیزان عرض می کنم خداوند متعال ناظر بر این خدمات شماست و ان شاء الله جزای درخور این سعی عظیم را عطایتان خواهد کرد.

نوروز سال ۱۳۹۸ اگرچه به طعم غم سیلاب آمیخته شد لکن جلوه وحدت و انسجام ملی نیز بود، همیاری مردم، فراتر از مرزهای مذهبی و قومیتی تبلور یافت و همبستگی ملی ایرانیان را بار دیگر هویدا ساخت. علاوه بر این، تلاش همدلانه دستگاه های اجرایی، نیروهای مسلح شامل ارتش، سپاه پاسداران و نیروی بسیج و گروه های مردمی در کنار یکدیگر وجهه دیگری



گفتگویی صمیمی با طلبه امدادگر

قدم در راه نجات

یک بستر مناسب به آن‌ها عمل نماییم. در کار تبلیغ نیز مانند فعالیت در هلال احمر باید از زمان خود و زندگی بگذری و آن را برای دیگران اختصاص بدهید. هر دو نجات است. در حوزه برای نجات از برخی بیراهه رفتن‌ها و در هلال برای نجات از حادثه، گرفتاری، درد و رنج‌ها، اصولاً یک روحانی زمانی که با جامعه همراه می‌شود بسیار بیشتری می‌تواند کلامش تأثیرگذار باشد. پوشیدن این لباس از سوی من به عنوان یک طلبه یعنی همراه شدن با افرادی که برای کمک به هم‌نوع دور هم جمع شده‌اند.

حجت‌الاسلام نادری حالا هر ماه ۱۰ شبانه‌روز در پایگاه‌های امداد و نجات بین شهری در کنار نجاتگران تلاشگر و نوع دوست هلال احمر خدمت می‌کند. به عقیده وی ارتباط مستمر و صمیمی با اعضای هلال احمر این گونه بهتر میسر می‌شود. وی در این رابطه می‌گوید: روزهایی را که در کنار اعضای پایگاه امداد و نجات هستم غنیمت می‌شمارم. می‌توانم تمام آموخته‌های امدادی خود را بازآموزی و تقویت کنم. سعی می‌کنم همواره با نجاتگران رفاقت کنم چرا که در فضای دوستانه بیشتری توان بهره‌برد.

اقامه نماز جماعت در پایگاه‌ها سؤالی بود که از حاج آقا نادری پرسیدم و پاسخ جالبی شنیدم: پیشنهاد دهنده برای اقامه نماز به صورت جماعت نیستم، اما ارتباط بسیار نزدیک همه ما نجاتگران به گونه‌ای شده است که آن‌ها از من به عنوان روحانی اقامه نماز جماعت در اول وقت را می‌خواهند و از این مسئله بسیار خرسندم.

در ابتدای مصاحبه، از حضور در کانون طلاب جمعیت هلال احمر در حوزه علمیه سخن گفته بود. به عقیده وی این کانون‌ها فرصت‌های بسیار خوبی برای ایجاد آمادگی در طلاب برای مواجهه با حوادث طبیعی و غیرطبیعی فراهم می‌کنند.

حجت‌الاسلام نادری حالا با تبیین ضرورت و اهمیت حضور

تازه نمازش تمام شده بود. نماز ظهر و عصر روز سه شنبه ششم فروردین ۱۳۹۸. وقتی با او صحبت می‌کردم صدای عبور و مرور افراد می‌آمد. «سفر به خیر... تقریباً یک کیلومتر دیگر به پمپ بنزین می‌رسید.»

این جمله‌ای بود که پس از شنیدن آن کنجکاو شدم و از او مکان فعلی‌اش را سؤال کردم. پست ایمنی و سلامت مسافران نوروزی واقع در مجتمع تفریحی گرداب شهرستان بن در استان چهارمحال و بختیاری.

پیش از اینکه با او تماس بگیرم در خصوص فعالیت‌هایش کمی تحقیق کرده بودم. می‌دانستم که در نوبت‌های پایگاه امداد و نجات بین شهری به مردم خدمت می‌کنند اما اینکه با لباس جوانان هلال احمر در تعطیلات نوروز دور از خانواده و «حسن» دختر سه‌ساله‌اش، به مسافری نوروزی نیز داوطلبانه ارائه خدمت می‌کرد، ادامه‌گپ و گفت و مصاحبه را برایم شیرین‌تر کرد.

حالا حاج آقا جواد گفتگویی ما قرار شد در اولین سؤال بیشتر از خودش صحبت کند: جواد نادری هستم. ۳۰ ساله و تقریباً ۱۰ سال است که با جمعیت هلال احمر همکاری می‌کنم. متأهل هستم و تنها فرزند من «حسن» نام دارد که سه‌ساله است. اکنون نیز پس از گذراندن دوره‌های مختلف عمومی و تخصصی امداد و نجات، نجاتگر ۳ جمعیت هلال احمر هستم.

این بیوگرافی اولیه‌ای بود که حاج آقا جواد نادری بیان کرد؛ اما داستان به اینجا ختم نمی‌شود. حاج آقای نادری ۱۳ سال پیش تصمیم بزرگی برای زندگی خودش گرفته است که شنیدن آن نقطه عطف این مصاحبه خواهد بود: بله... سیزده سال پیش تصمیم گرفتم به عنوان طلبه اقدام به تحصیل در حوزه علمیه کرده و درس طلبگی بخوانم. اکنون به لطف خدا سطح چهار حوزه هستم و در حال تحصیل درس خارج در حوزه علمیه.

حجت‌الاسلام نادری طلبه جوانی که بارها به عنوان مبلغ دین اسلام به مناطق مختلف کشور اعزام شده است، امروز روی صندلی خدمت به مردم، آن هم با لباس هلال احمر و در کنار جاده‌ای به دور از خانواده نشسته است. کسی که در نگاه اول شاید تخصص، حرفه، شغل و تحصیلات آن با کار در هلال احمر فاصله داشته باشد، اما حاج آقای نادری نظری متفاوت دارد.

وی از علاقه شدیدش به اهداف و اصول هلال احمر می‌گوید و همین‌ها را مشوق اصلی برای حضورش در جمعیت هلال احمر می‌داند: به عقیده من اهداف بزرگ هلال احمر همچون بشردوستی، کمک به انسان‌ها، برقراری صلح و دوستی و کم کردن درد و رنج از بشریت، موضوعاتی است که مکرراً در اسلام ناب محمدی نیز بر آن‌ها تأکید فراوان شده است. این بدان معناست که ما در حوزه نیز مفاهیمی می‌خوانیم که در هلال احمر می‌توانیم به عنوان

حضور روحانیون امدادگر اصفهانی در لرستان و خوزستان

حجت الاسلام والمسلمین احمد فعال جانشین مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر استان اصفهان گفت: هلال احمر استان اصفهان به عنوان معین هلال احمر استان های لرستان و خوزستان تعیین شده است.

وی تأکید کرد: برایین اساس اقداماتی شامل اعلام آمادگی کامل مبلغین امداد رسان و روحانیون متخصص برای اعزام به منطقه پلدختر و خوزستان و کمک برای ارسال کمک های مردمی به این مناطق صورت گرفت و این روند اعزام ها و ارسال کمک های مردمی به مردم سیل زده ادامه داد.

جانشین مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر استان اصفهان بیان کرد: تیم های حمایت روانی از دیگر بخش هایی است که همواره مورد تأکید و سفارش دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر استان به مسئولیت آیت الله سید ابوالحسن مهدوی در این وضعیت های بحرانی بوده است.

حجت الاسلام والمسلمین فعال با اشاره به تأکید آیت الله مهدوی مبنی بر تربیت مبلغین و روحانیون امدادگر برای اولین بار در کشور در اصفهان خاطر نشان کرد: در حال حاضر بالغ بر ۱۵ مربی روحانی امدادگر به صورت تخصصی در اختیار حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر استان اصفهان هستند که در ایام نوروز هم در پایگاه های اورژانس و امداد رسان برای کمک به هم وطنان حضور داشتند. وی ادامه داد: گروهی هم در قالب گروه تبلیغی شامل بر ۲۰ نفر از روحانیون که دوره های مقدماتی امدادگری را گذارنده اند در اختیار داریم که در چنین مواقع بحرانی چون زلزله و سیل به مناطق آسیب زده اعزام می شوند، همچنین کانون های هلال احمر طلاب را با توافق حوزه های علمیه کشور و هلال احمر کشور در حال راه اندازی هستیم که آموزش های لازم طلاب در مدارس علمیه استان اصفهان آغاز شده است.

جانشین مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر استان اصفهان اظهار داشت: در حال حاضر از نظر برنامه ریزی، تعداد ثبت نامی و دوره های آموزشی تخصصی امداد و نجات برای طلاب و روحانیون حوزه های علمیه در سطح کشور رتبه نخست به اصفهان اختصاص یافته است. □



.....

یک روحانی
زمانی که با
جامعه همراه
می شود بسیار
بیشتر می تواند
کلامش تأثیرگذار
باشد. پوشیدن
این لباس
از سوی من
به عنوان یک
طلبه یعنی همراه
شدن با افرادی
که برای کمک به
همنوع دور هم
جمع شده اند

طلاب در این کانون ها موفق شده است بیش از ۲۰ نفر از طلاب را در حوزه علمیه محل تحصیل عضو کانون طلاب هلال احمر کند. البته بیان خاطره ای تلخ و ناگوار که به اعتقاد وی تأثیر فراوانی در ترغیب طلاب به کسب آموزش ها و مهارت های امداد و کمک های اولیه داشته است نیز این قسمت از گفتگورا با اهمیت کرد.

حاج آقا نادری از فوت ناگهانی یکی از اساتیدشان در حوزه علمیه و حضور طلاب سخن می گوید: بلند بلند مرا صدا می زدند، خبر داشتند که من هلال احمری هستم و دوره های کمک های اولیه را گذرانده ام. وقتی بر بالین استاد که حالا به دلیل ناراحتی قلبی طولانی اش نقش بر زمین شده بود رسیدم کار از کار گذشته بود. در حالی که اگر دوستان طلبه من در همان ابتدای این اتفاق تلخ به دنبال دارو و یا انجام اقدامات لازم در خصوص بیماران و مصدومان قلبی بودند، شاید این حادثه ناگوار اتفاق نمی افتاد. من تلاش خودم را کردم اما متأسفانه خیلی دیر شده بود. این مصیبت دلیلی محکم بر آن شد تا طلاب و همکاران طلبه من به دنبال کسب مهارت ها و آموزش های امدادی بروند و برای فراگیری آن ها اشتیاق نشان دهند.

حجت الاسلام نادری در ادامه، از حضورش به عنوان روحانی مبلغ در شهرها و روستاها سخن گفت و این مسئله را فرصتی مناسب برای تبیین اهداف و اصول انسان دوستانه هلال احمر دانست و افزود: در سخنرانی ها و مجالس که شرکت می کنم در کنار تبلیغ دین، هر زمان که شرایط فراهم باشد، قطعاً اهداف خیرخواهانه هلال احمر را نیز به جامعه معرفی خواهم کرد.

حجت الاسلام نادری در پایان از مسئولین هلال احمر درخواست کرد تا بیش از گذشته نگاه ویژه به استان چهارمحال و بختیاری داشته باشند و پای درد دل امدادگران و نجات گران بنشینند. □

گزارشی از اردوگاه اسکان موقت سیل‌زدگان خوزستانی

خانه را دوباره می‌سازیم

سُمرای زمانی

در خطر است، با اهالی روستا سیل بند ساخته‌ایم، اما امروز فرداست که بشکند. من امید دارم، می‌خواهم مراقب وسایل خانه‌هایمان باشم، این روزها دزد زیاد شده. خدا را چه دیدی شاید سیل بندمان کار کرد و آب نیامد.»

محال است سیل به ما برسد

مریم از یکی از روستاهای حمیدیه آمده. وقتی می‌پرسم سیل آمده یا به آن‌ها هشدار تخلیه داده‌اند، خنده تلخی می‌کند و می‌گوید: «سیل توی خانه‌ام است، همه وسایلم غرق شده‌اند. فقط لباس نتمان را داریم و ساک وسایلم پسر کوچکم را.» سه روز است به اردوگاه آمده‌اند و اصلاً نرفته به خانه سریزند: «می‌ترسم، کجا برویم؟ تمام روستای ما زیر آب رفته.»

وقتی خانه را تخلیه می‌کردند آب داخل خانه بوده، بارها به آن‌ها هشدار داده بودند که خانه را خالی کنند، اما تا لحظه آخر مانده‌اند. می‌گوید: «حرفشان را باور نمی‌کردیم، می‌گفتم خانه من بالاست محال است سیل به ما برسد. کاش باور کرده بودم و وسایلم را بیرون برده بودم.» حالا اما برای دوباره ساختن خانه و زندگی‌شان پول ندارند و این‌که دوباره وسیله زندگی بخرند برایش شبیه یک رؤیای شده است. حسابی تمیز است. دلش نیامده بچه‌ها را اینجا حمام کند، ماشین گرفته و به خانه مادرش در حمیدیه رفته که هنوز در خانه مانده‌اند. بچه‌ها را حمام کرده و ترو تمیز و شانه کرده و لباس پوشیده دوباره به محل اسکان برگشته‌اند. می‌پرسم چرا کنار خانواده و مادرت نماندی؟ می‌گوید: «من دیگر از رودخانه می‌ترسم، آب خیلی ترسناک است.» از رسیدگی به آن‌ها که می‌پرسم و شرایطی که دارند، راضی است و دعا می‌کند که بچه‌اش بدون شیر خشک و پوشک نماند و این‌که خودش و دخترها هم هر روز دو وعده غذای گرم دارند.

ام‌البین با بادنک قرمز درشت در اهروها می‌دود. دو سال و یازده ماه دارد، وقتی به دنیا آمده فقط ۸۵ گرم داشته و به همین دلیل مادر بزرگ‌ها با خنده او را ۸۵ گرمی می‌نامند. مادر بزرگش می‌گوید: «از حمید سفلا آمده‌ایم، از یک هفته قبل به ما هشدار تخلیه دادند. ما آمده‌ایم اما سیل هنوز نرسیده، شوهر و پسرهایمان مانده‌اند و کار می‌کنند، من هم هر روز به خانه می‌روم، برایشان غذا درست می‌کنم و برمی‌گردم.» همسرش مکانیک است و این روزها کار زیاد است. هر روز که به خانه می‌رود تا غذای جدید درست کند، می‌بیند غذای روز قبل را هنوز نخورده‌اند. کار زیاد است، خودروهایی سنگین همه کار زیادی دارند و همسرش از کمک دریغ نمی‌کند.

وسایل خانه را به طبقه بالا منتقل کردند، او هم زن‌های خانواده را با بچه‌ها برداشته و به اردوگاه آمده تا خطری آن‌ها را تهدید نکند. به غیر از بقیه زن‌های خانواده که عجیب از آب می‌ترسند، او آب ترسی ندارد، مثل خیلی‌ها امیدش به سیل بند است. نمی‌خواسته بیاید، اما نوه دخترش اش خلی گریه می‌کرده و تا سه روز غذا نخورده، می‌گوید: «در خانه همیشه حرف از سیل و آب بود، او هم فارسی و عربی می‌فهمید، مجبور شد که به اینجا بیایم، حال هر شب برایش لالایی می‌خوانم که بخواب مامان آب رفت.»

در حمیدیه همه منتظر بودند خبر آمدن سیل دروغ باشد، مردها با تمام توان سیل بند می‌ساختند و زن‌ها در گوش بچه‌ها لالایی می‌خوانند که بخواب مادر، آب رفت. اما آب نرفت، آمد و ماند. حالا بیشتر زنان و کودکان حمیدیه به جای خانه‌هایی که می‌گویند با جان و دل ساخته بودند، در چادرهای هلال زندگی می‌کنند. خیلی از مردها هنوز هم در روستاها مانده‌اند و با آب می‌جنگند و زن‌ها امیدوار نشسته‌اند که از در بیایند و بگویند جمع کنید که به خانه برگردیم. در هر حال زندگی در اردوگاه و چادر راحت نیست، اما همه راضی شده‌اند به رضای خدا. این امید زن‌ها انگار به بچه‌ها هم منتقل شده، در اردوگاه زندگی عجیب جریان دارد. حواس بچه‌ها پرت بادکنک‌های رنگی و بالگردی است که برای بردن یک بیمار آمده، بعضی‌ها حتی کفش ندارند و پابرهنه روی سنگ داغ می‌دوند و می‌خندند، انگار حواسشان از سیل و هر چیزی که بر سرشان آورده پرت است. گزارش زیر حال و هوای یک روز از زندگی آن‌هاست، یک روز از میان روزهایی که سیل انگار تمام جانشان را گرفته و دارند برای برگشتن به زندگی با آن می‌جنگند.

سیل در خوزستان از روزی که آغاز شد تا ۱۶ فروردین ماه نزدیک به ۱۰۰ روستا را کامل زیر آب برد. اما تعداد این روستاها هر روز زیادتر می‌شود. بعضی از این روستاها متعلق به «حمیدیه» هستند، بسیاری از آن‌ها به زیر آب رفته‌اند، اما روستاهایی هم وجود دارند که به لطف سد بندهایی که خود مردم روستا زده‌اند، هنوز سرپا هستند. با وجود این، تقریباً ۸۰ درصد مردم مجبور به ترک روستا و زندگی در اردوگاه‌های اسکان موقت شده‌اند. اردوگاه‌ها نامی که پیش از این محل اسکان اردوهای راهیان نور بوده یکی از آن‌هاست؛ ظرفیت اردوگاه تقریباً پر شده و با این حال هر روز تعداد بیشتری از اهالی حمیدیه به آن مراجعه می‌کنند. در اردوگاه اسکان موقت ثامن بیشتر از هر چیزی زن‌ها و بچه‌ها را می‌بینیم، مردان، زن‌ها و بچه‌ها را به اردوگاه آورده و خودشان به خانه‌هایشان برگشته‌اند. در روستاهایی که زیر آب رفته‌اند بر روی پشت بام خانه‌ها مانده‌اند و در روستاهایی که هنوز در معرض خطر قرار دارند، در حال ساخت سیل بند و مراقبت از خانه در مقابل دردها هستند که حتی در این روزها هم رحم ندارند. مسئولیت اصلی اردوگاه به عهده جمعیت هلال احمر است. اعضای این جمعیت که بیشتر داوطلبان هستند مسئولیت اسکان، تغذیه، آمارگیری، توزیع اقلام بهداشتی و غذایی و برپایی چادر برای مردم را بر عهده گرفته‌اند.

شاید سیل بندی که ساختیم کار کرد

از در ورودی اردوگاه که داخل می‌شویم زیر سایه یک درخت خانواده‌ای نشسته‌اند. بچه‌ها پر جنب و جوش مشغول بازی‌اند و مادرها در تقلا می‌کنند که بچه‌ها راضی به خوردن غذایی شوند که هلال احمری‌ها به آن‌ها داده‌اند. تمام صورت بچه‌ها پراز پرامدگی‌های قرمز رنگ است، چشم کوچک‌ترها انگار عفونت کرده باشد ورم کرده؛ مادرشان به فارسی دست و پا شکسته می‌گوید: «سه شب است که در دشت مانده‌ایم، پشه‌ها بچه‌ها را مانان نداده‌اند.»

تنها مرد جمع، کمی دورتر روی جدول نشسته، دست‌هایش را به هم گره زده و خشمگین زمین را نگاه می‌کند. به سمتش که می‌روم، نگاه می‌کند و می‌گوید: «چه حرفی بزنی؟ بدبختی مگر گفتن دارد؟» به اصرار همسرش که برخلاف مرد می‌خندد تا بچه‌ها حواسشان پرت شود، هم‌کلام می‌شود. از یکی از روستاهای بالای حمیدیه آمده‌اند. خانه‌شان هنوز سالم است، اما زمین‌های کشاورزی‌شان کامل زیر آب رفته. دام هم دارند که در جنگل و در گل‌ولای و آب مانده‌اند و برادرش کنارشان مانده است. در خانواده چهار برادر هستند که هر کدام چهار فرزند دارند و حالا در صف اسکان در اردوگاه نشسته‌اند. می‌گوید: «کسی ما را به اینجا نیاورده، خودم آمدم، می‌خواهم زن‌ها و بچه‌ها را اینجا بگذارم و به روستا برگردم. خانه



خوب است که جان ندادیم

علی شریفی ۱۵ ساله و تمام غصه اش این است که باغ‌های حمیدیه همه خراب شدند. از خانه فقط یخچال و تلویزیون را نجات داده‌اند و به پشت بام رسانده‌اند، فرش‌ها و بقیه چیزها را آب برد. می‌گوید: «خانواده ما هشت نفره و همه هم اینجا هستیم. چند روز ما خواستند خانه را خالی کنیم، اما ما گفتیم آب نمی‌آید، باور نکرده بودیم. حالا هم خوب است که جان ندادیم، خانه را دوباره می‌سازیم. اینجا خیلی خوب به ما می‌رسند، اما فقط می‌خواهم به خانه برگردم، دلم برای خانه تنگ شده، از خانه خبر نداریم. اما می‌دانم که باغ‌ها رفتند، ما گندم می‌کاریم، اما امسال دیگر نمی‌شود، همه زمین‌ها خراب شد، باغ‌های حمیدیه همه خراب شد.»

خدا کریم است

دختر جوان نوزادی که توی گهواره دست‌ساز خوابیده را



در خانه همیشه حرف از سیل و آب بود، او هم فارسی و عربی می‌فهمید، مجبور شدم که به اینجا بیایم، حال هر شب برایش لالایی می‌خوانم که بخواب مامان آب رفت

تکان می‌دهد. از یکی از روستاهای پایین حمیدیه آمده‌اند، به آن‌ها هشدار تخلیه داده‌اند و دو روز است که به اردوگاه آمده‌اند. او هم مانند بقیه از آب می‌ترسد، می‌گوید: «آب را به چشم می‌دیدم که به سمت ما می‌آمد، فقط بچه را برداشتم و فرار کردیم؛ تمام وسایلم هنوز در خانه مانده‌اند. مردم روستای ما سیل بند زده‌اند، الان هم شوهرم، پدرم و همه مردهای روستا مانده‌اند تا روستا را نجات دهند.»

شوهرش که کشاورز است، امیدوار در روستا مانده، هر روز به آن‌ها زنگ می‌زند و از این می‌گوید که روستا را نجات می‌دهند. سهام خودش هم هنوز امید دارد و این که خانه هنوز در آب نرفته حالش را بهتر می‌کند.

حالا همه منتظر مانده‌اند که ببینند چه می‌شود؟ زمین‌های کشاورزی شان همه زیر آب رفته و دیگر تقریباً هیچ چیز برایشان باقی نمانده، خواهر بزرگش هم درس‌یل گرفتار شده و نگرانش هستند، با این حال دختری خندد و می‌گوید: «خدا کریم است» حرفی که در این اردوگاه از خیلی‌ها شنیدم. □

روایت مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر لرستان از شب سیلاب طلوع صبح؛ امیدامداد



بین می‌رود و حالا کارامداد بسیار دشوار است. حجت الاسلام والمسلمین پیروزفر ادامه می‌دهد: از آنتن دهی خط‌های تلفن همراه ناامید شده بودیم. مسیر پلدختر-خرم‌آباد مسدود شده بود. باید هر طور که بود شرایط را مخابره می‌کردم تا اینکه تصمیم گرفتم برای ارتباط با مرکز استان به دل کوه بزنم. آن شب حادثه ۴۰ نفر در هلال احمر مستقر بودیم که نیمی از ما در بخش غربی شهر در محاصره سیل گرفتار شده بودند. از جمعیت هلال احمر پلدختر خارج شدیم و ۲۵ کیلومتر در دل کوه حرکت کردیم تا بالاخره آنتن خط تلفن همراهمان پدیدار شد و توانستیم برای استان شرح ما وقع کنیم.

همه جا تاریک بود... هیچ امدادی نمی‌توانست آن شب به فریاد مردم سیل زده برسد. باید به ناچار در آن تاریکی و سرما صبر می‌کردیم. حجت الاسلام والمسلمین پیروزفر به چشمان منتظر مردم برای فرارسیدن صبح و شنیدن صدای بالگردهای نجات بفرز آسمان پلدختر اشاره می‌کند و می‌گوید: تقریباً اواخر شب، شرق و غرب شهر اگرچه ناآرام بود و امنیت نداشت اما همه می‌دانستند که باید تا طلوع خورشید صبر کنند. وی ادامه می‌دهد: تمام نکته آن شب و روز سخت در عدم باور مردم به وقوع چنین سیلی و بی‌توجهی آنان به هشدارهای قبل هلال احمر خلاصه می‌شد. اما دیگر وقت پشیمانی نبود.

با طلوع صبح صدای بالگردهای جمعیت هلال احمر بارقه‌امید در دل مردم پلدختر می‌نشانند. این را شیخ بهزاد پیروزفر می‌گوید و ادامه می‌دهد: اولین پرواز بالگردها در جمعیت هلال احمر پلدختر نشست که دبیرکل جمعیت با آن پرواز خود را به محل وقوع سیل و دل مصیبت دیدگان رساند. از همان ساعات اولیه صبح کارامداد رسانی شروع شد و روحیه مردم تغییر کرد. □

از یک روز قبل از حادثه صحبت می‌کرد؛ پیش‌بینی‌ها نشان از به راه افتادن سیلاب می‌داد. پلدختر در وضعیت بحرانی قرار گرفته بود و هر لحظه بر استرس مردم و مسئولین افزوده می‌شد. در جای جای لرستان صحبت از سیل و سیلاب و باران‌های شدید و مسافرین نوروزی و رانش زمین بود که هر یک برای رسیدگی به تنهایی به حضور چندین گروه هلال احمر نیاز داشت. در ستاد استان تقسیم‌کار شد. قرعه پلدختر به لحاظ شناخت جامعه مردمی آن شهر به شیخ افتاد. حالا با حادثه کمتر از یک روز فاصله دارد. او می‌گوید: تا روز حادثه کمتر از یک روز فرصت داشتیم. شب در پلدختر مستقر شدیم، شهری که در جنوب استان واقع شده و رودخانه‌ای وسیع از میانه شهر عبور می‌کند.

حجت الاسلام والمسلمین پیروزفر، مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر که محور گزارش ما شده است در سیل شهرستان پلدختر استان لرستان حضور دارد و از جمله مسئولان استانی هلال احمری مستقر در شهرستان در شب حادثه است. حاج آقا پیروزفر از صبح روز حادثه صحبت می‌کند: بعد از نماز صبح خودروی هلال احمر را برداشتم و به خیابان ساحلی پلدختر رفتم. با بلندگوی خودرواز همه ساکنان خواستم خانه‌های خود را تخلیه کنند. انکار چیزی در دلم می‌گفت حادثه سخت و هولناکی در راه است. ساعت تقریباً ۷ صبح بود که من همچنان اقدام به هشدار به مردم می‌کردم. نکته قابل توجه این بود که متأسفانه بسیاری از مردم حرف‌ها و هشدارها را جدی نمی‌گرفتند. رودخانه مرکزی شهر طغیان کرده بود و از بالادست آن طغیان رود که با سرعت عجیبی به طرف شهر حرکت می‌کرد دیده می‌شد. سیل حرکت کرد و در کمتر از ۳ ساعت بخش غربی شهر را فراگرفت. تمام خانه‌های ساحلی تا بام به زیر آب رفته بودند و کسی تصور نمی‌کرد ارتفاع آب این‌گونه به ۷ متر در مناطق مختلف شهر برسد.

امدادگران که از قبل تقسیم شده بودند در قسمت‌های شرقی و غربی شهر مستقر شده و بدون وقفه مردم را به مناطق امن هدایت می‌کردند. وضعیت عجیب و بسیار وحشتناکی بر شهر پلدختر حاکم شده بود. به گفته حجت الاسلام والمسلمین پیروزفر بسیاری از روستاهای پایین دست پلدختر ۱۰ درصد در آب مدفون می‌شود. پاشنه آشیل این حادثه در آن شب سخت قطع شدن ارتباط شرق و غرب است. مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه می‌گوید: در پلدختر یک پل ارتباطی بین شرق و غرب شهر را برقرار می‌کند. شدت سیل به گونه‌ای است که پل تخریب شده و عملاً دسترسی به غرب و مناطق سیل زده غیرممکن می‌شود.

هوا رو به تاریکی می‌رفت، برق قطع می‌شود، ارتباطات مخابراتی غرب و بلکه شرق شهر نیز از

سخنان خود با آرزوی قبولی طاعات و عبادات مؤمنان و مسلمانان روزه‌دار در ماه مبارک رمضان و با تبریک فرارسیدن روز جهانی صلیب سرخ و هلال احمر به همه تلاشگران این نهاد مردمی و خدمت رسان، هلال احمر را سازمانی خیریه برشمرد که از مردم است و برای مردم خدمت می‌کند.

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر با تبیین شاخص‌های اصلی فعالیت‌های گسترده جمعیت هلال احمر در مواجهه با حوادث طبیعی و غیرطبیعی افزود: همه تلاش‌های این نهاد مردمی و عام‌المنفعه برای کاهش درد و آلام مصیبت‌دیدگان بر پایه حفظ کرامت و شخصیت انسانی آسیب‌دیدگان و نیازمندان است.

وی با اشاره به اینکه این نهاد مردمی در نود و هفت سال فعالیت خود در ایران همواره پیش‌تاز در کمک به آسیب‌دیدگان حوادث گوناگون بوده است، ایران را کشوری حادثه‌خیز در جهان عنوان کرد و افزود: بر این اساس، وظیفه بزرگ جمعیت هلال احمر حفظ آمادگی برای رویارویی با این حوادث است به گونه‌ای که در حوادث سیل اخیر در مناطق مختلف کشور این آمادگی و همدلی به خوبی به نمایش گذاشته و سبب رضایت و آرامش متاثرین این حادثه تلخ شد.

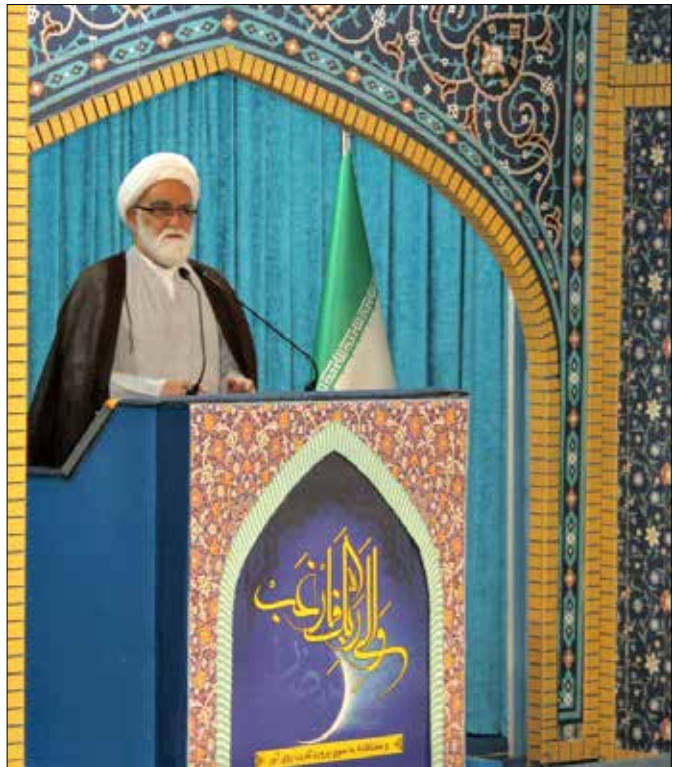
نماینده رهبر معظم انقلاب در جمعیت هلال احمر در همین زمینه به همت همگانی ملت ایران اشاره کرد و ادامه داد: در این حادثه همچنین سیل محبت و همدلی ملت سرفراز ایران اسلامی نیز سبب شد تا علاوه بر حضور در مناطق سیل زده و کمک به آسیب‌دیدگان، تنها از طریق جمعیت هلال احمر ۱۵ میلیارد تومان کمک‌های نقدی نیز به منظور بازگشت زندگی سیل‌زدگان به شرایط عادی جمع‌آوری شود.

تأکید بر داوطلبانه بودن فعالیت‌های اعضای هلال احمر در مواقع حضور در صحنه‌های حادثه نکته دیگری بود که نماینده ولی فقیه در هلال احمر به آن اشاره و خاطرنشان کرد: اعضای جمعیت هلال احمر، کارمندان این نهاد مردمی نیستند، بلکه به صورت کاملاً داوطلبانه در فعالیت‌های خیرخواهانه این مجموعه خدمت می‌کنند و این خود نشان‌دهنده فرصت ایده‌آل جمعیت هلال احمر برای حضور انسان‌هایی است که روحیه بلند خدمت به هم نوع داشته و بستری برای تحقق این مهم خواستارند.

حجت‌الاسلام والمسلمین معزی در پایان با یادآوری این مطلب که باید برای گسترش فرهنگ نوع‌دوستی و کمک به یکدیگر در جامعه تلاش کنیم روایاتی از معصومین علیهم‌السلام در این زمینه بیان کرد و افزود: از همه ملت عزیز ایران اسلامی تقاضا می‌کنم که همراهی با هلال احمر برای کمک به بازگشت زندگی سیل‌زدگان به شرایط عادی در این ماه مبارک و الهی راقواموش نکنند.

اهمیت آموزش‌های امدادی مسجد محور

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر استان آذربایجان شرقی گفت: راه‌اندازی خانه‌های هلال در



نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در سخنرانی پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران:

هلال احمر پرچم نخست امید است

مصادف با روز جهانی هلال احمر و صلیب سرخ، نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر به‌عنوان سخنران پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران درباره جایگاه این نهاد با نمازگزاران تهرانی سخن گفت. در ابتدای این مطلب گزارشی از این سخنرانی و در ادامه خبرهایی درباره سخنرانی مسئولان نمایندگی‌های ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان‌های آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی در مراسم نماز جمعه تبریز و ارومیه را می‌خوانیم. ■

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر با اشاره به اینکه هلال احمر ۹۷ سال سابقه فعالیت در ایران، پرچم نخست امید و آرامش خاطر مصیبت‌دیدگان است گفت: این نهاد مردمی با فراهم کردن بستر خدمت به هم‌نوع و گسترش صلح و آرامش و سلامتی در جامعه، همواره صحنه‌ای برای نمایش اتحاد، همدلی و نوع‌دوستی ملت ایران اسلامی است. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، حجت‌الاسلام والمسلمین معزی در سخنرانی پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران در ابتدای



.....

اعضای جمعیت

هلال احمر،

کارمندان این نهاد

مردمی نیستند،

بلکه به صورت

کاملاً داوطلبانه

در فعالیت های

خیرخواهانه این

مجموعه خدمت

می کنند و این

خود نشان دهنده

فرصت ایده آل

جمعیت

هلال احمر

برای حضور

انسان هایی است

که روحیه بلند

خدمت به هم نوع

داشته و بستری

برای تحقق این

مهم خواستارند

وقوع حادثه ای، مردم در حد توان نیرو، تجهیزات و غیره کمک کنند. وی بیان کرد: هدف هلال احمر گسترده تر از ورود به حادثه سیل و زلزله است، موضوع در خدمت به فرد دل سوخته از حادثه است.

مسئول دفتر ولی فقیه در هلال احمر آذربایجان شرقی خاطر نشان کرد: هر مسجد طرح خانه هلال را ایجاد کند و به همین منظور ما هم امکانات هلال احمر را در اختیار آن‌ها می‌گذاریم و هر مسجد می‌تواند با طرح خانه هلال در مسجد از دانش و امکانات هلال احمر استفاده کند.

تسکین آلام بشری

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر آذربایجان غربی در سخنرانی پیش از خطبه‌های نماز جمعه ارومیه، فعالیت‌های جمعیت هلال احمر از ارائه کمک‌های اولیه تا جمع‌آوری کمک‌های مردمی را تشریح کرد.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر به نقل از تارنمای اطلاع‌رسانی این جمعیت در آذربایجان غربی، حجت الاسلام نیساری به عنوان سخنران پیش از خطبه‌های نماز جمعه ارومیه، ضمن اشاره به اهمیت نیکوکاری و نوع دوستی به تشریح فعالیت‌های جمعیت هلال احمر در حوزه‌های مختلف جوانان، امداد و نجات، داوطلبان، درمان و توان بخشی پرداخت.

وی با برشمردن اهداف هلال احمر اعم از تلاش برای تسکین آلام بشری، صلح، دوستی و حمایت از زندگی و سلامت انسان‌ها بدون در نظر گرفتن تبعیض میان آن‌ها، مهم‌ترین خدمتی را که جمعیت هلال احمر ارائه می‌دهد، خدمات امدادی در حوادث جاده‌ای، کوهستان، سیلاب و زلزله در شهرهای بیم، کرمانشاه، ورزقان و جاهای دیگر خواند.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر آذربایجان غربی با بیان اینکه مهم‌ترین وظیفه هلال احمر ارائه کمک‌های اولیه در حوادث غیرمترقبه است، وظیفه مهم دیگر هلال احمر را جلوگیری و مقابله با حوادث با انجام برنامه‌ریزی و آماده ساختن جامعه با ارائه آموزش‌های امدادی در حوزه آموزش‌های همگانی، عمومی، کمک‌های اولیه و تخصصی جاده، سیلاب، کوهستان، حمایت‌های روانی، پیش‌بیمارستانی و اسکان اضطراری دانست.

وی از وظایف جمعیت هلال احمر، در حوزه معاونت درمان به تهیه دارو و تجهیزات پزشکی، ویزیت رایگان توسط گروه‌های درمان و بهداشت، اعزام کاروان‌های سلامت به مناطق محروم با همکاری پزشکان داوطلب و ارائه خدمات توان بخشی استان در طول سال اشاره کرد.

نیساری همچنین به عضویت در سازمان جوانان هلال احمر و آماده ساختن جوانان برای حضور در عملیات امدادی، فعالیت‌های بشردوستانه و اجتماعی در قالب کانون‌های دانشجویی، دانش‌آموزی، غنچه‌های هلال، طلاب، آزاد و روستایی، حضور در سازمان داوطلبان در جذب کمک‌های مردمی و توزیع میان نیازمندان و به عنوان سفیران صلح و دوستی در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی معرفی کرد. □

مساجد و اجرای طرح «هر مسجد یک خانه هلال» در راستای ارتقای سطح آموزش‌های عمومی مسجد محور با همکاری هیئت امنای مساجد بسیار مؤثر بوده و هلال احمر نیز امکانات لازم را در اختیارشان قرار می‌دهیم.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر به نقل از تارنمای اطلاع‌رسانی این جمعیت در استان آذربایجان شرقی، حجت الاسلام والمسلمین عبدالحمید واعظی در سخنرانی پیش از خطبه‌های نماز جمعه در مصلاي اعظم امام خمینی (ره) تبریز با اشاره به فرارسیدن هفته هلال احمر اظهار کرد: هلال احمر جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۰۲ در ایران تشکیل شده است و یک سال بعد از تهران نیز در شهر تبریز بنا نهاده شده است.

وی افزود: کمک و توجه به نیازمندان هدف اصلی نهاد هلال احمر بوده و اولین خیریه مردم نهاد در کشور است. مسئول دفتر ولی فقیه در هلال احمر آذربایجان شرقی با بیان اینکه کمیته امداد امام (ره) و بهزیستی بعد از انقلاب اسلامی در خدمت مردم هستند، تصریح کرد: هلال احمر از سابقه بیش از ۹۰ سال در کشور برخوردار بوده و وظیفه آن، تسکین آلام رنج دیدگان است. وی ادامه داد: بعد از انقلاب اسلامی این نهاد از صلیب سرخ به نام هلال احمر تغییر نام داد و از آن به بعد نیز جمعیت هلال احمر نامیده شد.

واعظی با تأکید بر اینکه کار هلال احمر تنها در رسیدگی به نیازمندان خلاصه نمی‌شود بلکه هر جا نیازی شد، جمعیت هلال احمر با نیروهای فعال و جوان خود وارد عمل شده است، گفت: جمعیت هلال احمر در مسیر حمایت از زلزله‌زدگان، سیل‌زدگان، سقوط هواییما، تصادفات جاده‌ای و... فعالیت می‌کند و صرفاً فعالیت حمایت از مستضعفان را ندارد.

وی خاطر نشان کرد: هلال احمر کشور بعد از انقلاب روند رو به رشدی را طی کرده و به راستی یک نهاد مقدس هست و حتی صلیب سرخ جهانی اذعان کرده که هلال احمر ایران رتبه اول در حمایت و ورود به حوادث و حضور در صحنه حوادث متعدد را دارد.

مسئول دفتر ولی فقیه در هلال احمر آذربایجان شرقی ادامه داد: صلیب سرخ در تصادفات جاده‌ای و یافتن گمشدگان در کوه و غیره وارد عمل نمی‌شود ولی هلال احمر کشور، همیشه حاضر در صحنه است.

وی یاد آورد: در آتش سوزی بازار تاریخی تبریز، امدادگران جمعیت هلال احمر به همراه و دوشادوش نیروهای انتظامی و آتش نشانان جان بر کف وارد عمل شده و در امر اطفاء حریق و کمک به تخلیه بازار ایفای نقش کردند و در عرض ۵ ساعت آتش را خاموش کردند.

واعظی، به طرح همای رحمت در جمعیت هلال احمر برای افضاری و نقش پیل ارتباطی هلال احمر میان توانمندان و نیازمندان اشاره کرد و افزود: جمعیت هلال احمر همواره در کنار خیرین و نیکوکاران بوده و آنان را در راستای نیل به اهداف خیرخواهانه یاری می‌نماید و هیچ‌گاه هلال احمر از خیران و مردم نمی‌خواهد تا کمکی به خود هلال احمر بکنند بلکه هدف این است که در زمان

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه
در هلال احمر استان تهران یادآور شد

حضور امیدبخش روحانیون به سیل زدگان



کرد و گفت: حضور طلاب و روحانیون در کنار سایر اقدشار مردم برای کمک به سیل زدگان بارقه امید و اتکا به نفس امدادگران و کمک رسانان شده است.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان تهران با تأکید بر ضرورت بازنگری و به روزرسانی نحوه توزیع اقلام زیستی و امدادی به عنوان یک ضرورت اجتناب ناپذیر در حوادث تصریح کرد: امداد رسانی در مناطق مختلف کشور باید بومی سازی شده و متناسب با جغرافیا و ساختار اجتماعی آن منطقه صورت گیرد چرا که این مهم می تواند انتقادات و نگرانی های سیل زدگان از نحوه عملیات امداد رسانی را به صورت چشمگیری کاهش دهد.

حجت الاسلام والمسلمین سلطانی افزود: علاوه بر این، همزاد پنداری و ابراز همدردی با سیل زدگان و مصیبت دیدگان یکی از حلقه های مفقوده ای بود که باید بیش از پیش در بحران ها تقویت شود و این مهم اساساً نیازمند برنامه ریزی و تدوین ساختاری منظم است.

وی در پایان بار دیگر با قدر دانی از همت همگانی ملت ایران و با ابراز خرسندی از فرصت حضور به عنوان قطره ای در دریای محبت مردم، بر ظرفیت های بی نظیر هلال احمر به عنوان هماهنگ کننده و برقرار کننده ارتباط مؤثر و کارآمد در بین نهاد های مختلف خدمت رسان در بحران ها تأکید کرد و خواستار تقویت بیش از پیش آن شد. □

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر استان تهران با تأکید بر ضرورت بازنگری و به روزرسانی نحوه توزیع اقلام زیستی و امدادی در حوادث گفت: نقش پراهمیت حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر در حوادث طبیعی و بحران ها نیازمند تبیین است. حجت الاسلام والمسلمین سلطانی با بیان اینکه حضور در مناطق سیل زده استان های لرستان و خوزستان با دو هدف خدمت رسانی به سیل زدگان و معرفی بیش از پیش نقش تأثیرگذار جمعیت هلال احمر در بحران صورت گرفت گفت: این سفر به گونه ای طرح ریزی شد تا سازمان های امداد رسان و گروه های جهادی و مردمی که در مناطق سیل زده به منظور کمک به سیل زدگان حضور داشتند، همکاری مناسب تر و تعامل سازنده تری با جمعیت هلال احمر داشته باشند.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان تهران دیدار، گفتگو و برنامه ریزی برای تسریع و نظم در روند امداد رسانی و کمک به سیل زدگان با گروه های مختلف حاضر در مناطق سیل زده را یکی از مهم ترین اقدامات گروه اعزامی به دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان تهران دانست و خاطر نشان کرد: مدیر حوزه های علمیه استان تهران، مدیرکل سازمان تبلیغات اسلامی استان تهران و همچنین رئیس مرکز مطالعات راهبردی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نیز در این سفر حضور مؤثر و راهگشا داشتند.

حجت الاسلام والمسلمین سلطانی با تقدیر از تلاش های شبانه روزی امدادگران و نجات گران جمعیت هلال احمر در مناطق سیل زده، خدمات داوطلبانه و بدون چشم داشت آنان را مصداق واقعی حرکت در مسیر الهی دانست و افزود: در بازدیدهایی که از انبارها و روند امداد رسانی به سیل زدگان به عمل آمد، عموماً رضایت اکثریت متاثرین از حادثه سیل از عملکرد جمعیت هلال احمر مشهود بود.

وی به نقش مؤثر حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر در حوادث طبیعی اخیر در کشور اشاره



دیدار نماینده ولی فقیه با امدادگران پایگاه رباط کریم

در پنجشنبه روز از ماه مبارک رمضان، نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر با امدادگران و نجات گران پایگاه امداد و نجات بین شهری شهید رحیمی مقدم شهرستان رباط کریم در استان تهران دیدار کرد و در جریان فعالیت ها و اقدامات این پایگاه امداد و نجات قرار گرفت.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در ابتدای این دیدار امدادگران و نجات گران در فضایی صمیمانه به بیان خاطراتی از تلاش های مجاهدانه خود به منظور نجات جان گرفتاران در حوادث مختلف پرداختند که مورد تحسین نماینده رهبر معظم انقلاب در هلال احمر قرار گرفت.

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در این دیدار ضمن تبریک فرا رسیدن ماه مهمانی خدا، تقوا را فلسفه و نتیجه مطلوب روزه خواند و خاطر نشان کرد: در ماه مبارک رمضان است که انسان مراقبت از نفس و اعمال خود را به خوبی می آموزد و تمرین می کند.

حجت الاسلام والمسلمین معزی با یادآوری ثمرات و برکات ماه مبارک رمضان افزود: روزه دار بودن، تلاوت قرآن، ذکر خداوند و قرائت ادعیه پرفضیلت، حسنات دیگر این ماه است که سبب نورانی شدن دل های مؤمنان شده و باید آن ها را قدر دانست.

حجت الاسلام والمسلمین معزی در بخش پایانی خود با تکیه بر آیات قرآن و روایاتی از معصومین (علیهم السلام) مؤمنان را سودرسان و مفید برای یکدیگر دانست و افزود: سیل عظیم حمایت های مردمی و حضور اقدار مختلف مردم در کمک های به سیل زدگان مناطق مختلف کشور و البته در کنار نیروهای پرتلاش امدادی که حقیقتاً منشأ خیر و نیکی به هموعان خویش بودند نشان دهنده همین مسئله مهم و سفارش شده در اسلام است.

فرماندار شهرستان رباط کریم نیز که در پایگاه امداد و نجات بین شهری پرند حضور داشت با ابراز خرسندی از دیدار با نماینده رهبر معظم انقلاب در هلال احمر و همچنین حضور در جمع امدادگران و نجات گران این مجموعه به مقبولیت بسیار زیاد هلال احمر در سطح شهرستان رباط کریم اشاره کرد و گفت: تعامل سازنده و همکاری بسیار بالای هلال احمر با دیگر نهادهای خدمت رسان و همچنین فرآیند مثبت عملکرد این نهاد مردمی شایسته تقدیر و تشکر است.

یادآوری می شود در این دیدار، رئیس سازمان امداد و نجات، مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان تهران، مشاور نماینده ولی فقیه در هلال احمر و مدیرکل حوزه نمایندگی و تعدادی از مسئولین استانی و شهرستانی حضور داشتند. □

مبلغ اسلام برای حل مشکلات مردم می کوشد

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران گفت: در جریان سیل اخیر، طلاب و مبلغان دینی برای کمک به حادثه دیدگان در سراسر کشور بسیار کوشیدند و در عمل اهتمام خود برای حل مسائل مردم را نشان دادند.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر، حجت الاسلام والمسلمین عبدالحسین معزی در آیین اختتامیه سلسله نشست های طلیعه رمضان در سالن همایش های غدیر قم اظهار داشت: مبلغ دین مبین اسلام، تنها اهل سخنرانی نیست و برای حل مشکلات مردم می کوشد. وی افزود: در پاسخ به برخی شبهه افکنی ها در فضای مجازی مردم باید بدانند که مبلغان و طلاب تنها اهل سخنرانی نیستند، بلکه در عمل همواره برای کمک به مردم آماده اند.

نماینده رهبر معظم انقلاب در هلال احمر در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به این که اگر تبلیغ نبود اسلام تعطیل می شد، تأکید کرد: اسلام دینی برای همه بشریت است و از همان ابتدای ظهور، تبلیغ آن به عنوان امری واجب آغاز شد.

حجت الاسلام والمسلمین معزی گفت: وظیفه ذاتی حوزه های علمیه تبلیغ است و از طریق آن، پیام دین به مردم در سراسر عالم می رسد. وی با اشاره به این که تبلیغ، علمی میان رشته است که به سایر ساختارهای علوم اجتماعی توجه دارد، افزود: پس از پیروزی انقلاب اسلامی در این زمینه کارهای فراوانی انجام شده و حوزه های مختلف جامعه شناسی، مردم شناسی، ارتباطات و رسانه در امر تبلیغ مورد توجه قرار گرفته است.

وی با بیان این که حوزه های علمیه مسئولیت تبلیغ دین را دارند، افزود: نظام اسلامی ما از طریق تبلیغ می خواهد پیام خود را به جهانیان برساند، چرا که اسلام دین حیات بخش بشر است و دنیا و آخرت انسان را تأمین می کند.

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر گفت: برای نجات بشریت باید بر روی عنصر تبلیغ تمرکز شود و در این زمینه حوزه های علمیه وظیفه مهمی برعهده دارند. حجت الاسلام والمسلمین معزی با اشاره به این که یک مبلغ اسلام برای موفقیت در کار خود باید همچون شهید مطهری بر همه ابعاد دین مسلط باشد، افزود: مبلغ باید اخلاق مدار و خالص بوده و همچنین در انجام وظیفه تبلیغی خود، بردبار باشد.

معزی پیرامون شخصیت شهید مطهری به عنوان یکی از مبلغان برجسته دینی عصر حاضر گفت: این شهید بزرگوار مرزبان دین بود و در همه عرصه ها حضور داشت تا دین خدا را نشر دهد و از آن دفاع کند و سرانجام با خون خویش درخت اسلام را آبیاری کرد. وی همچنین گفت: ۴۴۰ کانون طلاب در جمعیت هلال احمر فعال است که مبلغان دینی و روحانیان می توانند در آن حضوری مؤثر داشته باشند. □

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی هلال احمر، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی در روز جهانی هلال احمر و صلیب سرخ، در دیدار صمیمی با فعالان و دست‌اندرکاران امداد و نجات و سیل، بر ضرورت تسریع تعمیر منازل مسکونی در مناطق سیل‌زده تأکید کرد و گفت: با توجه به گرمی هوا در ماه‌های آینده ان‌شاء‌الله تا پایان تیرماه سال جاری، مرمت ساختمان‌ها انجام شود و مردم در این مناطق بتوانند به منازل خود بازگردند.

رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت بازسازی منازل آسیب‌دیده تا پایان سال جاری تأکید و اظهار داشت: باید همه برای بازسازی منازل مسکونی تلاش نمایند. در همین زمینه از رئیس کمیته امداد سؤال کردم که وی برای بازسازی منازل، تعهد ۹ ماهه را اعلام کرد و من از وزیر کشور، رئیس بنیاد مسکن و قراگاه خاتم تقاضای کم تا به‌گونه‌ای برای بازسازی منازل مردم آسیب‌دیده برنامه‌ریزی کنند که آنان بتوانند تا عید به خانه‌های خود بازگردند و قطعاً سازمان برنامه و بودجه از لحاظ مالی به دستگاه‌های ذی‌ربط کمک خواهد کرد.

دکتر روحانی با اشاره به اینکه آغاز تا پایان زندگی انسان در امتحان قرار دارد و همه انسان‌ها در شادی‌ها و غم‌ها در حال آزمایش هستند، افزود: بسیار مهم است که بتوانیم آزمایش‌های الهی سربلند باشیم.

رئیس‌جمهور سیلاب‌ها و باران‌های شدید فروردین امسال را یکی از آزمایش‌های الهی برای مردم و مسئولان برشمرد و گفت: خداوند در این سیلاب‌ها ملت ایران را در معرض آزمایش قرار داد و اکثریت قاطع ملت مانند همیشه پیروز میدان بودند.

دکتر روحانی با بیان اینکه در جریان سیل اخیر همه دست‌اندرکاران اعم از دستگاه‌های اجرایی، نیروهای مسلح و نهادها و ارگان‌های مختلف به میدان آمدند و دستگاهی نبود که در این ماجرا برای کمک‌رسانی حضور نداشته باشد، گفت: صحنه کمک‌رسانی به آسیب‌دیدگان سیل و امداد و نجات آنان، صحنه‌ای بود که غایب در آن پیدا نمی‌شد و این موجب افتخار ملت است.

رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه باید تلاش کنیم از آزمایش‌های تاریخی درس‌های لازم را بیاموزیم، اظهار داشت: باید به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کنیم تا از وقوع مشکلات در این‌گونه حوادث پیشگیری کنیم.

رئیس‌جمهور گفت: نمی‌توانیم بگوییم باران، سیل، طوفان، زلزله و تغییرات اقلیمی و رانش زمین و بهمن وجود نداشته باشد چرا که این‌ها بخشی از طبیعت است، اما می‌توانیم پیشگیری کرده و خسارت‌ها را به حداقل برسانیم و این بسیار مهم است که پس از هر حادثه‌ای درسی برای پیشگیری از مشکلات و خسارت‌ها داشته باشیم.

دکتر روحانی با اشاره به برخی اشتباهات و تصرفات ساخت‌وساز در مسیر رودخانه‌ها، تأکید کرد: پیامد برخی اشتباهات این است که همه مردم را دچار زیان می‌کند و در این حادثه سیل اخیر درس‌های فراوانی برای پیشگیری آموختیم.



قدردانی رئیس‌جمهور از فداکاری امدادگران و کارکنان هلال احمر

رئیس‌جمهور با قدردانی از تلاش همه نیروهای ایثارگر تأکید کرد: نیروهای ایثارگر در حادثه سیل اخیر به‌خوبی در صحنه حاضر شدند و کار بسیار بزرگی در این زمینه انجام دادند و این اقدامات جزء سوابق بسیار درخشان تاریخ امداد و نجات، کمک، تعاون و خدمت در کشور خواهد بود. ■

امر به معروف و نهی از منکر، مصداق نظارت بر اجتماع

حجت الاسلام والمسلمین میرزایی معاون اجتماعی ستاد امر به معروف و نهی از منکر کشور با حضور در جمعیت هلال احمر با حجت الاسلام والمسلمین معزی دیدار کرد. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، نماینده رهبر معظم انقلاب در این جمعیت، در این دیدار که احمدوند معاون فرهنگی و امور آموزشی و پژوهشی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر نیز حضور داشت، با تقدیر از رویکردهای جدید شورای امر به معروف و نهی از منکر، این فریضه الهی را به مثابه کشف مصادیق دانست و خاطر نشان کرد: فهم مصادیق امر به معروف و نهی از منکر باید در میان عموم جامعه توجیه شود.

حجت الاسلام والمسلمین معزی امر به معروف و نهی از منکر را مصداق نظارت بر اجتماع دانست و افزود: باید راه را به مردم نشان دهیم و از سیاسی و جناحی کردن امر به معروف خودداری شود.

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در ادامه به وجود نشریه مهر ماه، زاد و حضور روحانیون در شعب جمعیت هلال احمر سراسر کشور اشاره کرد و گفت: این حضور فرصت مناسبی است که می توان از آن در گسترش فرایض دینی در جامعه استفاده کرد.

در ابتدای این دیدار حجت الاسلام والمسلمین میرزایی معاون اجتماعی ستاد امر به معروف و نهی از منکر با ابراز خرسندی از این دیدار، این فریضه را در جامعه بسیار پر اهمیت دانست و استفاده از قدرت رسانه در تقویت این مهم را ضروری خواند.

وی با اشاره به تغییر رویکرد در شوراهای امر به معروف و نهی از منکر دستگاه های اجرایی، سه رویکرد مورد انتظار از این شوراهای گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در بین کارکنان، کم شدن منکرات در جامعه اداری و همچنین توان امر به معروف کردن کارکنان و مدیران دانست.

معاون اجتماعی ستاد امر به معروف و نهی از منکر، سازمان جوانان جمعیت هلال احمر را ظرفیت عظیم به عنوان طلایه داران فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر دانست و بر همکاری بیشتر ستاد و این مجموعه ارزشمند تأکید کرد.

تخصصی شدن امر به معروف و نهی از منکر و تغییر واژگان امر معروف در ادیان عمومی جامعه از دیگر مواردی بود که حجت الاسلام والمسلمین میرزایی در این جلسه بیان کرد. □

رئیس جمهور به تشکیل کمیته ای از اساتید و صاحب نظران مجرب برای بررسی جوانب سیل اخیر اشاره کرد و گفت: قرار است این کمیته با بررسی همه مسائل و ارائه راه حل ها، مجموعه خوبی در اختیار ما قرار دهد و راهگشای آینده باشد.

دکتر روحانی بر اهمیت مسئله پیش بینی حوادث طبیعی تأکید کرد و افزود: پیش بینی برخی از حوادث سخت است و در این زمینه انسان ناتوان است، اما برخی دیگر از حوادث مانند سیل و طوفان را با کمی دقت می توان از قبل پیش بینی کرد. حادثه سیل فروردین ماه می تواند درس هایی برای هواشناسی باشد تا با تجهیز این سازمان و پاسخگو بودن، از وقوع حوادث ناگوار پیشگیری کرد.

دکتر روحانی همچنین ضرورت اطلاع رسانی در هنگام حوادث طبیعی را خاطر نشان ساخت و تأکید کرد: باید مردم را به این امر عادت دهیم که از رسانه های رسمی و عمدتاً ملی برای گرفتن اطلاعات و اخبار استفاده کند و به برخی از رسانه ها توجهی نداشته باشند.

رئیس جمهور با تأکید بر آموزش و مهارت در هنگام حوادث، گفت: معمولاً در چنین حوادثی مردم با سردرگمی هایی روبرو هستند و تصمیم گیری و مدیریت در لحظات آنی بسیار سخت می شود، بنابراین آموزش و مهارت مردم و همچنین مدیریت دقیق از اهمیت اساسی برخوردار است.

دکتر روحانی به تلاش های نیروها و دستگاه های دولتی برای برقراری مجدد خطوط انتقال برق، آب و گاز به منازل آسیب دیده و همچنین برطرف کردن نیازمندی های مردم از جمله جاده و بیمارستان اشاره و تأکید کرد: نیروهای ایثارگری که در صحنه امداد حضور یافتند؛ هم هلال احمر، هم نیروهای مردمی، نهادهای مردمی، نیروهای مسلح، همه مسئولین، وزارتخانه های مختلف، کار بزرگی در این زمینه انجام شد و جزو سوابق بسیار درخشان تاریخ امداد و نجات و کمک و یاری و خدمت بود در این حادثه مشاهده می کنیم. همه در این زمینه فعال بودند و تلاش کردند.

وی با بیان اینکه وزارتخانه های آموزش و پرورش، آموزش عالی و ورزش و جوانان باید در این حوادث در کنار مردم قرار گیرند، افزود: باید در کنار برپایی سایر چادرها، چادر آموزش و پرورش، آموزش عالی و ورزش و جوانان نیز فعال شود چرا که حضور معلمان به بچه های آسیب دیده روحیه می دهد و برای آن ها ملجأ و پناهگاهی خواهد بود.

رئیس جمهور با اشاره به برگزاری جلسات با مقام معظم رهبری در حادثه سیل اخیر، گفت: نظر مقام معظم رهبری بر این بود که برای ادامه کار و کمک رسانی به مردم یک نفر فرمانده شود و ایشان در بین افراد مطرح شده، گفتند که یک نفر را انتخاب کنم و من نیز وزیر کشور را فرمانده حادثه اخیر قرار دادم تا این کار بزرگ و پر زحمت هماهنگ شود و قدم های بزرگی در این زمینه برداشته شد.

در این مراسم دکتر عبدالرضا رحمانی فضلی وزیر کشور ضمن ارائه گزارشی از اقدامات و تلاش های انجام شده در راستای امداد رسانی و جبران خسارات در مناطق سیل زده، گفت: خوشبختانه همدلی خوبی در میان دستگاه های اجرایی، نیروهای مسلح، هلال احمر، بنیاد مستضعفان، بنیاد مسکن، رسانه ها، صدا و سیما، نیروهای جهادی و روحانیت انجام شد و همه با هماهنگی در راستای رفع مشکلات مردم تلاش کردند.

وزیر کشور با بیان اینکه با ابتکار عمل رئیس جمهور و مسئولان و هدایت های مقام معظم رهبری توانستیم اقدامات بسیار خوبی انجام دهیم، گفت: دشمنان به دنبال این بودند تا از سیل استفاده کرده و در راستای اختلاف افکنی میان مردم و مسئولان استفاده کنند، اما توانستیم به خوبی این توطئه آنان را نیز از بین ببریم.

وی اظهار داشت: امروز مقابله با سیل به انجام رسیده و خوشبختانه کمترین خسارت جانی و انسانی را داشتیم و باید از این به بعد تلاش کنیم تا خسارت های ناشی از سیل را جبران کرده و به معیشت و زندگی مردم کمک کنیم.

در این مراسم رئیس جمهور از خانواده شهیدان احمد عبدالحسینی، بهزاد تاتاری، تاج قلی جهانی، ناز محمد خالیدی، عبدالعظیم نبائی و عبدالسلیم صوفیان، شهدای خدمتی که در جریان امداد رسانی به سیل زدگان در استان گلستان دچار حادثه شدند و با پیشنهاد وزیر کشور و موافقت رهبر معظم انقلاب به عنوان شهدای خدمت نام گرفتند، تجلیل کرد. □

برندگان شماره ۴۲



محمد حسین دهقان ، خراسان جنوبی	۹۱۵۱۰۱۷**۳
میثم داودی ، فارس	۹۱۷۳۲۴۸**۱
خدیدجه مسگر، البرز	۹۱۱۳۹۴۳**۷
مجیدرضا ارباب ، کرمان	۹۱۳۱۹۹۶**۷
علی رضاشجاعی ، کرمان	۹۱۳۳۹۸۱**۳
محمد حسن مالکی مود، خراسان جنوبی	۹۱۵۱۶۳۸**۰
طیبه پسند خاطر، فارس	۹۱۷۱۳۳۷**۶
سمیه بهلولی، خراسان جنوبی	۹۳۳۹۷۴۲**۲
هنگامه علیزاده جارچلو، آذربایجان غربی	۹۳۶۵۰۰۹**۸
سید یاسر راستگو، کرج	۹۳۷۵۹۶۰**۸
مهدی زمانی، خراسان رضوی	۹۱۲۴۸۷۵**۲
پروین قهرمانی، آذربایجان غربی	۹۱۴۱۶۰۷**۸
حسین ابراهیمی، آذربایجان غربی	۹۱۴۴۴۴۹**۳
ملیحه توسلی پور، خراسان رضوی	۹۱۵۱۷۳۸**۲
حسین اسماعیل پور، فارس	۹۱۷۷۳۰۴**۰
حامی ایمان پناه، خراسان رضوی	۹۳۳۴۵۷۱**۹
عباس نیکدل، آذربایجان غربی	۹۳۶۲۷۰۶**۳
زهرامرادی، چهارمحال وبختیاری	۹۳۸۱۱۳۱**۶
امیرعلی ظهیری، خراسان جنوبی	۹۱۵۸۳۴۳**۷
سید محسن کبریایی، گلستان	۹۱۱۲۷۷۷**۲
معصومه ملک، --	۹۱۲۳۱۷۴**۷
فرحناز صحافی، کردستان	۹۲۲۰۴۹۰**۹
نهدت قنبرزاده، گیلان	۹۱۲۶۰۵۸**۱
داود تابدار، هرمزگان	۹۱۷۷۶۱۲**۷
اردشیر فقیه ملک مرزبان، البرز	۹۳۵۴۲۴۲**۱
مسعود شاملو، همدان	۹۰۳۳۱۰۰**۸
سید سعید غیوری، اصفهان	۹۱۳۱۳۱۱**۶
مژگان صارمپور، فارس	۹۱۷۵۶۶۰**۱
سید مهدی حاجیان نژاد، مازندران	۹۱۱۲۵۳۰**۱
حسین نصیروند، قم	۹۳۵۴۳۴۸**۷
وحید کلاتی، گلستان	۹۱۱۱۷۷۶**۰
جلیل نیایش، کرمانشاه	۹۱۸۶۲۱۴**۸
مهناز غلامی، خراسان جنوبی	۹۱۵۰۹۰۵**۷
مهدی دهقانی، کرمان	۹۱۳۵۸۲۵**۲
غلامرضا شادمهر، مرکزی	۹۱۸۳۶۷۴**۷
محمد تقی نعمت الهی، فارس	۹۱۷۰۶۵۰**۰
امید رضا یآوری، کرمانشاه	۹۱۸۷۵۴۳**۳
داریوش ایزدی، کرمانشاه	۹۱۸۷۳۱۸**۰
منصور سبزلین، گیلان	۹۱۱۳۴۱۷**۴

برندگان شماره ۴۱



سید سینا زهتابچی، تهران	۹۱۲۵۱۹۷**۱
مرضیه امیری، کرمان	۹۳۶۹۵۱۶**۳
ابراهیم آقازارتی، قم	۹۱۹۵۱۹۴**۸
غلامرضا شاهرخی، کرمان	۹۱۳۸۴۳۰**۳
فاطمه اسحاقی، کرمان	۹۱۳۹۹۴۵**۷
زهره اسحاقی، کرمان	۹۱۳۰۶۴۸**۱
محمد باقر عباسی، اصفهان	۹۱۳۷۱۷۱**۵
خداداد حبیبی، فارس	۹۳۷۰۹۱۸**۷
محمد رضا هدوندی، تهران	۹۱۲۴۳۵۰**۷
عبدالمجید فلسفی، فارس	۹۱۷۴۳۱۵**۴
فرشته دویی، فارس	۹۱۷۱۰۱۵**۲
کبری حسینی زاد، کهگیلویه و بویراحمد	۹۱۷۷۴۳۰**۴
مهسا حسنجانی، مرکزی	۹۱۸۴۳۷۹**۰
سمیه چوپانی، خراسان جنوبی	۹۱۵۹۶۵۱**۸
مریم آقازاده، آذربایجان غربی	۹۱۴۹۶۳۶**۵
علیرضا سبزه کار، خراسان جنوبی	۹۱۵۳۶۳۶**۶
حلیمه صلاحی، کهگیلویه و بویراحمد	۹۱۷۷۴۱۳**۰
مجید سالاری بردسیری، کرمان	۹۱۳۳۴۲۶**۸
مجیدرضا ارباب، کرمان	۹۱۳۱۹۹۶**۷
وحید کلاتی، گلستان	۹۱۱۷۵۳۶**۶
صفر میرزایی، آذربایجان شرقی	۹۱۴۳۱۱۶**۴
فاطمه خواجه محمدی، تهران	۹۱۲۳۹۳۶**۹
علی نادریبگی، همدان	۹۱۸۵۰۶۳**۴
منیژه عظیم خانی، آذربایجان غربی	۹۱۴۸۱۱۶**۶
عبداله فیاضی، آذربایجان غربی	۹۱۴۹۶۲۶**۱
حجت هادی، خراسان رضوی	۹۳۰۲۵۷۷**۲
سیده پریا میرطالبی، مرکزی	۹۱۸۸۶۴۴**۲
زینب دیری، کهگیلویه و بویراحمد	۹۳۹۷۱۴۷**۸
حمیدرضا رحیمی، کهگیلویه و بویراحمد	۹۳۹۷۰۷۱**۰
علی هاروقی، آذربایجان غربی	۹۱۴۱۶۰۸**۹
محمد بوشادی، بیرجند	۹۱۰۵۰۹۰**۷
فاطمه ملکی، چهارمحال وبختیاری	۹۲۱۶۴۷۲**۸
مریم کریملو، آذربایجان غربی	۹۱۰۷۶۷۷**۳
منورقادی قهفرخی، چهارمحال وبختیاری	۹۱۳۳۸۵۷**۸
نرگس ظهرا بی جمکرانی، قم	۹۱۲۵۵۱۰**۱
حمیدندا، خراسان جنوبی	۹۱۵۱۶۰۳**۱
مجتبی کاظمی، تهران	۹۱۲۳۴۴۴**۸
محمد کاتب، تهران	۹۱۲۳۲۴۲**۰
صدیقه رساله، تهران	۹۱۲۲۱۵۵**۰



زمان ارسال پیام تا ۳۰ خرداد

مسابقه پیامکی مروان

علاقه مندان به شرکت در مسابقه پیامکی مهروماه می توانند با مطالعه سؤالات زیر، پاسخ آن را در بخش های مختلف مجله پیدا و به سامانه ۰۴۸۶۶۴۴۰۰ ارسال کنند.

پاسخ شما باید یک عدد ۸ رقمی باشد که هر رقم آن گزینه صحیح هر یک از سؤالات است. به طور مثال: در سوال یک، پاسخ شماره ۲ صحیح است و در سوال ۲ گزینه شماره ۴ و در سوال ۳ گزینه شماره ۱ و... عدد گزینه ارسالی شما این خواهد بود: ۲۴۱۰۰۰
ضمناً همراه عددهای ارسالی، نام و نام خانوادگی خود، نام استان و محل خدمت تان را قید کنید.

به برگزیدگان جوایزی اهدا می شود.



۱۰ پرکاربردترین آیه در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی کدام آیه از قرآن کریم بوده است؟

- ۱) آیه نصرت الهی، ۴۰/حج
- ۲) آیه شجره طیبه، ۲۴/ابراهیم
- ۳) آیه وحدت، ۲۵۶/بقره
- ۴) آیه عدالت، ۲۵/حدید

۱۱ تعبیر قرآن کریم به «نامه محبوب» توسط چه کسی به کار برده شده است؟

- ۱) ملاصدرا
- ۲) شهید مطهری
- ۳) امام خمینی (ره)
- ۴) علامه جعفری

۱۲ کتاب «شرح دعای سحر» اثر کیست؟

- ۱) امام خمینی (ره)
- ۲) شهید بهشتی
- ۳) علامه طباطبایی
- ۴) امام موسی صدر

۱۳ محور اصلی داستان قرآنی «مباهله» چیست؟

- ۱) توحید
- ۲) معاد
- ۳) عدل
- ۴) ولایت

۱۴ کتاب «در کمین گل سرخ» درباره کدام یکی از شهدا، دفاع مقدس است؟

- ۱) شهید باکری
- ۲) شهید بابایی
- ۳) شهید همت
- ۴) شهید صیاد شیرازی

۱۵ کدام یک از آثار زیر به عنوان «جلوه گاه حکمت ایرانی» نامیده شده است؟

- ۱) مثنوی معنوی مولوی
- ۲) گلستان سعدی
- ۳) شاهنامه فردوسی
- ۴) گلشن راز شبستری

۱۶ در پنجمین هفته هنر انقلاب اسلامی چه کسی به عنوان چهره سال هنر انقلاب انتخاب شد؟

- ۱) مسعود نجابتی
- ۲) ابراهیم حاتمی کیا
- ۳) هدایت الله بهبودی
- ۴) رضا امیرخانی

۱۷ کارگردان فیلم «تختی» کیست؟

- ۱) بهرام توکلی
- ۲) علی حاتمی
- ۳) بهروز افخمی
- ۴) مجید مجیدی